



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زیارات

گفته‌ها نوشته‌های
امام حسین

محمد رضا اکبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهج الكرامه (گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام)

نویسنده:

محمد رضا اکبری

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	نهج الكرامه (گفته ها و نوشته های امام حسين عليه السلام)
۱۵	مشخصات كتاب
۱۶	اشاره
۱۹	«دعاى مطالعه»
۳۰	مقدمه مؤلف
۳۴	فصل اول: مَعْرِفَةُ اللَّهِ
۳۴	اشاره
۳۵	تسبیح خدا
۳۶	صفات پروردگار جهانیان
۴۰	شناخت صفات خدای متعال
۴۲	بزرگی خاص خداست
۴۲	تفسیر «صمد»
۴۳	تفسیر سوره توحید
۴۶	ضرورت خداشناسی
۴۷	قضا و قدر
۵۰	فصل دوم: سیمَةُ النَّبِيِّ
۵۰	اشاره
۵۱	اخلاق پیامبرصلى الله عليه وآله
۵۱	آداب دعا کردن رسول خداصلى الله عليه وآله
۵۲	دعاى پیامبرصلى الله عليه وآله بعد از خوردن و نوشیدن
۵۲	اطاعت از پیامبر و على عليهما السلام
۵۳	پیامبرصلى الله عليه وآله در قرآن
۵۴	تفسیر «نعمت خدا» بر محمدصلى الله عليه وآله

۵۴	پیامبرصلی الله علیه وآله در قرآن
۵۶	فصل سوم: سیمه أهل البیت علیه السلام
۵۶	اشاره
۵۷	اهل بیت چه کسانی هستند؟
۵۸	خویشان پیامبرصلی الله علیه وآله در قرآن
۵۹	شناخت امامان
۵۹	مقام بلند عترت
۶۰	آموزش اهل بیت علیهم السلام به فرشته ها
۶۱	علم به کتاب خدا نزد ماست
۶۲	ماهیت دانش های ما
۶۲	ما خانه رحمتیم
۶۳	اطاعت اشیاء از ما
۶۳	فضائل خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله
۶۶	بیان فضائل خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله نزد معاویه
۶۹	این آیه درباره ما نازل شده است
۶۹	برکات هم نشینی با ما
۷۰	حکومت حق ما بود
۷۰	کوتاهی مردم درباره ما
۷۱	ما را بیش از حق خود بالا نبرید
۷۲	این گونه با قضای الهی روبرو می شویم
۷۳	سرچشمه دوستی و دشمنی با ما
۷۳	آثار دوستی صادقانه به ما
۷۴	پاداش گریه بر اهل بیت علیهم السلام
۷۶	فصل چهارم: سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام
۷۶	اشاره
۷۷	نام گذاری علی علیه السلام به امیرمؤمنان

۸۰	فضائل امیرمؤمنان علیه السلام
۸۸	اثبات حق امیرمؤمنان علیه السلام
۹۲	علی علیه السلام در قرآن
۹۲	انکار برتری علی علیه السلام
۹۳	دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام
۹۳	پرچم شناخت
۹۴	فصل پنجم: سیمای امام حسین علیه السلام
۹۴	اشاره
۹۵	نسب درخشان امام حسین علیه السلام
۹۶	امامت حسین بن علی علیهما السلام
۹۷	من جانشین جانشینان پیامبرم
۹۸	مردم عالم را به منزلت بلند فراخواندم
۹۸	زیرکی امام حسین علیه السلام
۱۰۱	دوست دارم هفتاد هزار بار به شهادت برسم
۱۰۱	ترس از خدا
۱۰۲	تغییر رنگ امام علیه السلام در عبادت
۱۰۲	دعای امام حسین علیه السلام بعد از نماز طواف
۱۰۳	من کشته اشکم
۱۰۴	من اولین کسی هستم که رجعت می کنم
۱۱۰	فصل ششم: سیمای امام مهدی علیه السلام
۱۱۰	اشاره
۱۱۱	غیبت قائم علیه السلام
۱۱۱	مقام صبر کنندگان در عصر غیبت
۱۱۳	قطعی بودن ظهور
۱۱۳	زمان سامان بخشی ظهور
۱۱۴	انتقام قائم علیه السلام از دشمنان

- ۱۱۵ ----- سخت گیری قائم علیه السلام بر دشمنان
- ۱۱۶ ----- سخت گیری امام مهدی علیه السلام بر بنی امیه
- ۱۱۷ ----- مدت جنگ امام مهدی علیه السلام
- ۱۱۸ ----- مدت حکومت امام مهدی علیه السلام
- ۱۲۰ ----- فصل هفتم: جایگاه شیعه
- ۱۲۰ ----- اشاره
- ۱۲۱ ----- فطرت شیعه
- ۱۲۱ ----- شیعه بر آیین ابراهیم است
- ۱۲۲ ----- شیعه شهید است
- ۱۲۳ ----- نجات شیعه از دست گمراهان
- ۱۲۴ ----- دستگیری علمی از شیعیان
- ۱۲۵ ----- شیعه کیست؟
- ۱۲۶ ----- پاداش شیعه
- ۱۲۶ ----- نقش دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۱۳۲ ----- فصل هشتم: مرگ و قیامت
- ۱۳۲ ----- اشاره
- ۱۳۳ ----- توصیف قبر
- ۱۳۴ ----- یاد مرگ
- ۱۳۶ ----- تصور مرگ
- ۱۳۶ ----- مرگ موجودات جهان
- ۱۳۷ ----- تفسیر مرگ
- ۱۳۸ ----- توصیف مرگ و آثار آن
- ۱۴۲ ----- فصل نهم: عبادت
- ۱۴۲ ----- اشاره
- ۱۴۲ ----- اقسام بندگی
- ۱۴۲ ----- پاداش خواندن قرآن

- ۱۴۵ آمین گویی به دعای مؤمنین
- ۱۴۵ اهمیت پیامبر صلی الله علیه وآله به نماز خانواده اش
- ۱۴۶ آثار بندگی
- ۱۴۶ معنای صدای حیوانات
- ۱۶۷ فصل دهم: خوبی های اخلاقی
- ۱۶۷ اشاره
- ۱۶۸ صبر بر سختی ها
- ۱۶۸ کلید نجات
- ۱۶۹ کلیدهای رشد
- ۱۶۹ نشانه بزرگواری
- ۱۷۰ پاداش سلام کردن
- ۱۷۰ ترس و گریه
- ۱۷۰ اثر ترس از خدا
- ۱۷۱ اثر گریه
- ۱۷۱ پذیرش دعوت مؤمن
- ۱۷۲ نیکی به مردم
- ۱۷۳ خیر دنیا و آخرت
- ۱۷۴ مرگ با عزت
- ۱۷۴ عذر پذیری
- ۱۷۵ پاسخ به پرسش های امیرمؤمنان علیه السلام
- ۱۷۵ احسان به خویشاوندان و تحمل بدی ها
- ۱۷۶ در کسب جوانمردی رقابت کنید
- ۱۷۸ شناخت صفات متنوع اخلاقی
- ۱۷۹ تسلی خاطر به ابودر
- ۱۸۱ فصل یازدهم: بدی های اخلاقی
- ۱۸۱ اشاره

- ۱۸۲ پرهیز از هوای نفس
- ۱۸۲ فریفتگی به دنیا
- ۱۸۳ پرهیز از بدی ها
- ۱۸۳ بخیل کیست؟
- ۱۸۳ کلید سخن با دیگران
- ۱۸۴ ترک ستم
- ۱۸۴ آثار گناه
- ۱۸۵ بدترین صفات پادشاهان
- ۱۸۵ نبایدهای اخلاقی
- ۱۸۶ اطاعت حرام از پدر
- ۱۸۷ پرهیز از غیبت
- ۱۸۹ فصل دوازدهم: اخلاق اقتصادی
- ۱۸۹ اشاره
- ۱۹۰ بخشش و آزمندی
- ۱۹۰ زمان بخشش
- ۱۹۱ از مال خود بهره گیر
- ۱۹۲ بهترین مال کدام است؟
- ۱۹۳ افزایش روزی
- ۱۹۳ آداب کسب روزی
- ۱۹۴ شرایط در خواست مالی
- ۱۹۵ از چه کسی در خواست کنیم؟
- ۱۹۷ پاسخ مثبت به نیازمند
- ۱۹۷ بخشش پاک
- ۱۹۸ ارزش غذا دادن به برادران دینی
- ۱۹۹ اثر پذیرش بخشش
- ۱۹۹ یک موعظه مالی

- ۲۰۱ - فصل سیزدهم: حکمت ها و موعظه ها -
- ۲۰۱ - اشاره -
- ۲۰۲ - عزت و بی نیازی -
- ۲۰۲ - عالم کیست؟ -
- ۲۰۳ - قدرت و خویشتن داری -
- ۲۰۳ - بی نیازی از عذرخواهی -
- ۲۰۳ - فروتنی اجباری -
- ۲۰۴ - بزرگواریترین مردم -
- ۲۰۴ - پند گرانبها -
- ۲۰۵ - نشانه های پذیرش حق -
- ۲۰۵ - غافلگیری بنده -
- ۲۰۶ - شکر نعمت -
- ۲۰۶ - عوامل کمال عقل -
- ۲۰۶ - پستی دنیا -
- ۲۰۷ - عذر بدتر از گناه -
- ۲۰۷ - روزی بندگان -
- ۲۰۷ - ظاهر و باطن قرآن -
- ۲۰۸ - درجات قرآن -
- ۲۰۸ - علت واجب شدن روزه -
- ۲۰۹ - صفات مؤمن -
- ۲۰۹ - نیکی به خوبان و بدان -
- ۲۱۰ - این گونه صبح کردم -
- ۲۱۱ - شگفتی های مردم -
- ۲۱۲ - انواع مناظره -
- ۲۱۴ - گرفتاری امت اسلامی -
- ۲۱۴ - موضع عاقل در برابر گرفتاری ها -

۲۱۵	اخلاق پادشاهان
۲۱۵	ویژگی های معاویه
۲۱۶	برادران بر چهار دسته اند
۲۱۸	بیداری دل ها
۲۱۹	صفات رهبر مسلمانان
۲۱۹	موعظه حکمت آمیز
۲۲۰	پنهانی چهار چیز در چهار چیز دیگر
۲۲۲	یک موعظه پزشکی
۲۲۲	بنده های دنیا
۲۲۳	عوامل پیروزی در جنگ
۲۲۴	نسبت توانایی و تکلیف
۲۲۴	پرسش ها و پاسخ ها
۲۲۸	یک توصیه پزشکی
۲۳۱	فصل چهاردهم: انقلاب کربلا
۲۳۱	اشاره
۲۳۲	دشمنی بنی هاشم و بنی امیه
۲۳۳	پاسخ امام حسین علیه السلام به معاویه
۲۳۵	سخنرانی حماسی در مین
۲۴۳	مصادره دارایی های معاویه
۲۴۴	سرزنش معاویه
۲۵۱	اتمام حجت بر معاویه
۲۵۶	سرزنش معاویه و افشای یزید
۲۵۸	دوری از بیعت با یزید
۲۵۹	سخنی با مروان بن حکم
۲۶۰	نامه ای به محمد حنفیه
۲۶۱	نامه ای به بنی هاشم

- ۲۶۲ نامه ای به بزرگان بصره
- ۲۶۴ نامه ای به اهل کوفه
- ۲۶۵ فردا صبح حرکت می کنم
- ۲۶۷ نامه ای به عبدالله بن جعفر
- ۲۶۸ نامه ای به عمرو بن سعید
- ۲۶۹ خطبه ای در راه کربلا
- ۲۷۰ سخنرانی اول برای حَزّ و لشکرش
- ۲۷۱ سخنرانی دوّم برای حَزّ و یارانش
- ۲۷۳ سخنرانی سوّم برای حَزّ و سپاهش
- ۲۷۵ سخنی حماسی با حَزّ
- ۲۷۷ ستایش امام حسین علیه السلام از اصحابش
- ۲۷۸ پاداش یاران امام حسین علیه السلام
- ۲۷۹ اتمام حجت بر مردم کوفه
- ۲۸۳ سخنرانی در محاصره دشمنان
- ۲۹۱ اتمام حجت بر مردم کوفه
- ۲۹۵ سخنرانی در جمع عمر بن سعد و یارانش
- ۲۹۸ سخنرانی به هنگام بارش تیرها
- ۲۹۹ مرگ بهتر از پذیرش ننگ است
- ۳۰۰ آزادی
- ۳۰۱ فصل پانزدهم: احادیث منسوب به امام حسین علیه السلام
- ۳۰۱ اشاره
- ۳۰۲ روایات منسوب به امام حسین علیه السلام
- ۳۰۴ ۱ - روایات رسول خدا صلی الله علیه وآله
- ۳۰۷ ۲ - روایت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۰۸ ۳ - روایات امام حسن علیه السلام
- ۳۱۴ ۴ - روایات امام سجاد علیه السلام

٣١٧ ٥ - روايات امام صادق عليه السلام

٣٢١ روايات عقد التدرر

٣٤٨ دربارہ مرکز

نهج الكرامه (گفته ها و نوشته های امام حسين عليه السلام)

مشخصات كتاب

سرشناسه : حسين بن على (ع)، امام سوم ۴ - ۶۱ق

عنوان و نام پديدآور : نهج الكرامه گفته ها و نوشته های امام حسين عليه السلام / [گردآورنده و مترجم] محمدرضا اكبرى

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمكران ۱۳۸۴).

مشخصات ظاهرى : ۳۲۳ ص.

شابك : ۱۲۰۰۰ريال ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۹-۵؛ ؛ ۱۵۰۰۰ريال (چاپ دوم) ؛ ۲۰۰۰۰ريال چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۲۹-۸:

وضعيت فهرست نويسى : برون سپارى

فاپا

يادداشت : چاپ دوم: پاييز ۱۳۸۵.

يادداشت : چاپ چهارم: زمستان ۱۳۸۶.

يادداشت : كتابنامه ص [۳۱۷] - ۳۲۳.

موضوع : حسين بن على (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- كلمات قصار

موضوع : حسين بن على (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- خطبه ها

موضوع : حسين بن على (ع)، امام سوم ۴ - ۶۱ق -- توقيعات

شناسه افزوده : اكبرى محمدرضا، ۱۳۳۸ -، مترجم

شناسه افزوده : مسجد جمكران (قم) مركز مطالعات و تحقيقات صاحب الزمان (ع)

رده بندى كنگره : BP۴۱/۷/الف ۹ن ۱۳۸۴

رده بندى ديويى : ۲۹۷/۹۵۳

شماره كتابشناسى ملى : م ۸۴-۹۰۷

ص: ۱

اشاره

اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ. اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَفَاتِيحَ الْجَنَانِ

خداوندا مرا از تاریکی های وهم و خیال در آور و به روشنی فهم گرامی دار، خداوندا درهای رحمتت را بر ما بگشا، و گنجینه های علومت را بر ما بازگردان، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان.

قرآن و عترت دو یادگار نفیس رسول خداصلی الله علیه وآله در میان ما هستند تا چون آبی روان و گوارا تشنگان معرفت و هدایت را سیراب سازند. این دو یادگار گران قدر، چراغ های فروزنده ای هستند که از یک دیگر جدا نمی شوند و دین داری حقیقی در گرو تمسک به هر دوی آنهاست. قرآن کتاب خدا و عترت، برگزیدگان او هستند که هدایت انسان تا غروب عالم به آنها سپرده شده است.

قرآن کتابی است که مردم، نیازمند فهم و تفسیر آن هستند و فهم آن در گرو تفسیر عترت است، و به طور کلی شناخت دین خدا هم جز با سیره و علوم آسمانی آنها میسر نخواهد بود. از این جاست که ضرورت مراجعه به سخنان خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله آشکار می گردد همان گونه که آن حضرت ما را به سوی عترت خود فراخواند و فرمود: (انی تارک فیکم الثقلین، ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا بعدی کتاب الله و عتری اهل بیتی،

من دو چیز نفیس را در میان شما می گذارم و بعد از من تا هنگامی که به آنها تمسک جویند گمراه نخواهید شد. این دو چیز، کتاب خدا و خاندان من هستند. آنها از یک دیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

کتابی که در پیش رو دارید در بردارنده سخنان، خطبه ها و نامه های گرانقدر امام سوم سیدالشهداء و سرور جوانان اهل بهشت، حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. «نهج الکرامه» کتابی روایی و در بردارنده معارف متنوع دین اسلام و مذهب شیعه است که به صورت موضوعی و ترجمه روان و شیوای فارسی ارائه می گردد، و از عناوین مختصر، صریح و گویا و متناسب با عرف و ادبیات معاصر برخوردار است. بنابراین از نقل آنچه جنبه تاریخی صرف داشته و یا مکالمه عادی بوده و یا مطالبی که جزء کمی از آن مربوط به امام حسین علیه السلام بود پرهیز کردیم، همان گونه که از روایات ضعیف و غیر لازم و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله که آن حضرت آنها را نقل کرده بود دوری گزیدیم تا کتاب از وضع خود خارج نشده و بدون ضرورت حجیم نگردد.

اعراب گذاری دقیق، دقت در ترجمه و بررسی گسترده و دقیق اسناد و منابع روایات و دست یابی به روایاتی که تنها در این مجموعه ارائه شده است از ویژگی های دیگر کتاب است.

اگر چه ما همه آنچه را که در تحقیقات گسترده خود در منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی به آن دست یافتیم نقل کرده ایم و مجموعه نسبتاً

ص: ۱۶

جامع و کاملی فراهم آمده است در عین حال از نقل تعدادی از روایات که به خاطر اشتراک کنیه امام سوم و یا تشابه نام او با سایر معصومین به آن حضرت نسبت داده شده است پرهیز کردیم و برای آگاهی خوانندگان و اهل تحقیق مجموعه آنها را در فصل آخر کتاب نقل کرده و نتیجه تحقیقات خود را نیز بیان نمودیم تا علت انتساب آنها به امام حسین علیه السلام و عدم نقل آن روایات به عنوان سخنان آن حضرت معلوم گردد.

در پایان از خدای متعال مسئلت داریم که این مجموعه روایی را در جهت نشر معارف اسلام قرار دهد، و اهل ایمان به بوستان های فرح بخش آن شادمان گشته و به حکمت های آن تعالی یابند، و جان خود را به معارف و نصایح بلند آن که از زبان و قلم پاک شقایق آل محمد به یادگار مانده است سیراب گردانند.

محمد رضا اکبری

ص: ۱۷

فصل اول: مَعْرِفَةُ اللَّهِ

اشاره

ص: ۱۹

۱ - سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ. سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا يَكُونُ هَكَذَا غَيْرُهُ، وَلَا يُقَدَّرُ أَحَدٌ قُدْرَتَهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَوَّلُهُ عِلْمٌ لَا يُوصَفُ، وَآخِرُهُ عِلْمٌ لَا يَبِيدُ. سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فَوْقَ الْبَرِّيَّاتِ بِالْإِلَهِيَّةِ، فَلَا عَيْنَ تُدْرِكُهُ، وَلَا عَقْلَ يُمَثِّلُهُ، وَلَا وَهْمَ يُصَوِّرُهُ، وَلَا ۱ - پاک و منزّه است خدای برتر و بلند مرتبه. پاک و منزّه است خدای بزرگ و بزرگ تر. پاک و منزّه است آن که این گونه (برتر و بزرگ تر) است و کسی غیر از او این گونه نیست و کسی توان درک قدرت او را ندارد. پاک و منزّه است آن که آغازش دانشی است که در وصف نمی گنجد و پایانش علمی است که فناء و انتهایبی ندارد. پاک و منزّه است کسی که با خداوندیش بر همه موجودات برتر است و از این رو نه چشمی او را می بیند و نه عقلی او را شکل می دهد و نه ذهنی او را به تصویر

لِسَانَ يَصِفُهُ بِغَايَةِ مَا لَهُ الْوَصْفُ. سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فِي الْهَوَاءِ. سُبْحَانَ مَنْ قَضَى الْمَوْتَ عَلَى الْعِبَادِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقَادِرِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ. سُبْحَانَ الْبَاقِي الدَّائِمِ. (۱)

صفات پروردگار جهانیان

صِفَاتُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۲ - أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا هَؤُلَاءِ الْمَارِقَةَ الَّذِينَ يُشَبِّهُونَ اللَّهَ بِأَنْفُسِهِمْ، يُضَاهَهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، بَلْ هُوَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

می کشد و نه زبانی آن گونه که شایسته است او را توصیف می کند. پاک و منزّه است آن که در آسمان برتری جسته است. پاک و منزّه است آن که مرگ را بر بندگانش مقدر کرد. پاک و منزّه است پادشاه قدرتمند. پاک و منزّه است فرمانروای بدون عیب. پاک و منزّه است آن که پاینده و جاودان است.

۲ - ای مردم! از این گمراهانی که از دین بیرون رفته و خدا را به خود تشبیه می کنند بپرهیزید، آنان که خود را با سخن کفار اهل کتاب هماهنگ می سازند. بلکه او خدایی است که همانندی ندارد و شنوا و بیناست، چشم ها او را نمی بینند اما او چشم ها را می بیند و دقیق و آگاه است.

ص: ۲۱

إِسْتَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ وَالْجَبْرُوتَ، وَ أَمْضَى الْمَشِيئَةَ وَالْإِرَادَةَ وَالْقُدْرَةَ وَالْعِلْمَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ.

لَا مُنَازَعَ لَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ، وَلَا كُفُوَ لَهُ يُعَادِلُهُ، وَلَا ضِدَّ لَهُ يُنَازِعُهُ وَلَا سَمِيَّ لَهُ يُشَابِهُهُ وَلَا مِثْلَ لَهُ يُشَاكِلُهُ.

لَا تَتَدَاوَلُهُ الْأُمُورُ، وَلَا تُجْرَى عَلَيْهِ الْأَحْوَالُ، وَلَا تَنْزِلُ عَلَيْهِ الْأَحْدَاثُ، وَلَا يَقْدِرُ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ عَظَمَتِهِ وَلَا يَخْطُرُ عَلَى الْقُلُوبِ مَبْلَغُ جَبْرُوتِهِ، لِأَنَّهُ لَيْسَ لَهُ فِي الْأَشْيَاءِ عَدِيلٌ. وَلَا تُدْرِكُهُ الْعُلَمَاءُ بِأَلْبَابِهَا، وَلَا أَهْلُ التَّفْكِيرِ بِتَفْكِيرِهِمْ إِلَّا بِالتَّحْقِيقِ إِيقَانًا بِالْغَيْبِ، لِأَنَّهُ

یگانگی و توانایی را خاص خود کرده و خواست و اراده و قدرت و علم خویش را در سراسر هستی به کار برده است.

کسی نیست که در امور او ستیزه جویی کند و همتایی ندارد تا با او برابری نماید، ضدی ندارد که با او نزاع کند و هم نامی ندارد تا مانند او باشد و نظیری برای او وجود ندارد.

دستخوش حوادث نمی شود و تحول در وجود او جریان ندارد، امور تازه ای در ذات او رخ ندهد و توصیف کنندگان توان وصف عظمت او را ندارند و اندازه توانایی اش در دل ها نمی گنجد، زیرا همانندی در میان اشیاء ندارد.

نه دانشمندان با عقل های خود او را درک می کنند و نه اهل اندیشه با اندیشه خود به او می رسند، مگر با پژوهشی که بر پایه یقین به غیب باشد،

لَا يُوصَفُ بِشَيْءٍ مِنْ صِفَاتِ الْمَخْلُوقِينَ وَهُوَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ.

مَا تُصَوِّرُ فِي الْأَوْهَامِ فَهُوَ خِلَافُهُ، لَيْسَ بِرَبِّ مَنْ طَرِحَ تَحْتَ الْبَلَاغِ، وَ مَعْبُودٍ مَنْ وُجِدَ فِي هَوَاءٍ أَوْ غَيْرِ هَوَاءٍ، هُوَ فِي الْأَشْيَاءِ كَائِنٌ لَا كَيْنُونَهُ مَحْظُورٌ بِهَا عَلَيْهِ، وَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بَائِنٌ لَا يَتَّبِعُونَهُ غَائِبٌ عَنْهَا.

لَيْسَ بِقَادِرٍ مَنْ قَارَنَهُ ضِدُّهُ أَوْ سَاوَاهُ نِدُّهُ.

لَيْسَ عَنِ الدَّهْرِ قَدَمُهُ، وَ لَا بِالنَّاحِيَةِ أُمَّهُ. إِحْتَجَبَ عَنِ الْعُقُولِ كَمَا إِحْتَجَبَ عَنِ الْأَبْصَارِ، وَ عَمَّنْ فِي السَّمَاءِ إِحْتِجَابُهُ كَمَنْ فِي الْأَرْضِ.

چرا که او به چیزی از صفات مخلوقات وصف نمی شود و یگانه و بی نیاز است.

غیر از آن است که در وهم آید، زیرا کسی که در اندیشه می گنجد پروردگار نمی باشد و آن که در فضا و غیر فضا قرار می گیرد معبود نخواهد بود. او در همه چیز است اما نه به گونه ای که او را احاطه کنند، و در چیزی قرار ندارد اما نه آن گونه که از آنها پنهان باشد.

توانای مطلق نیست کسی که ضدی دارد و یا همتایی با او برابری می کند.

همیشگی ذات او از نوع همیشگی زمانی نیست و قصد او به جهت خاصی منحصر نمی شود.

از عقل ها پنهان است همان گونه که از چشم ها پنهان است، از اهل آسمان پوشیده است همان گونه که از اهل زمین پوشیده است.

قُرْبُهُ كَرَامَتُهُ وَ بُعْدُهُ إِهَانَتُهُ.

لَا يَحِلُّهُ «فِي» وَلَا تُؤَقِّتُهُ «إِذٌ» وَلَا تُؤَامِرُهُ «إِنْ»، عَلُوُّهُ مِنْ غَيْرِ تَوَقُّلٍ وَ مَجِيئُهُ مِنْ غَيْرِ تَنْقُلٍ.

يُوجَدُ الْمَفْقُودَ وَ يُفْقَدُ الْمَوْجُودَ وَلَا تَجْتَمِعُ لِغَيْرِهِ الصِّفَتَانِ فِي وَقْتٍ.

يُصِيبُ الْفِكْرُ مِنْهُ الْإِيمَانَ بِهٍ مَوْجُوداً وَ وُجُودُ الْإِيمَانِ لَا وُجُودَ صِفَةٍ.

بِهِ تُوصَفُ الصِّفَاتُ، لَا بِهَا يُوصَفُ.

نزدیکی به او از لطف و بزرگواری اوست، و دوری از او خوار شمردن از سوی او می باشد.

نه در مکانی جای می گیرد و نه زمانی او را احاطه می کند و نه «اگر» در کار اوست. بلندی او بر فراز قله بودن نیست و آمدنش از جایی به جای دیگر نمی باشد.

چیزی را که نیست ایجاد می کند و چیزی را که هست به دیار نیستی می فرستد، و در یک زمان دو صفت متضاد در وجود کسی غیر از او یافت نمی شود.

اندیشه درباره او به ایمان به وجودش منتهی می گردد، ایمان به یک وجود واقعی نه یک وجود وصفی.

به وجود او صفات بیان می شود، نه آن که ذات او با صفات توصیف شود.

وَبِهِ تُعْرَفُ الْمَعَارِفُ، لَا بِهَا يُعْرَفُ.

فَذَلِكَ اللَّهُ لَا سَمِيَ لَهُ سُبْحَانَهُ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (۱)

شناخت صفات خدای متعال

مَعْرِفَةُ صِفَاتِهِ تَعَالَى

۳ - سَأَلَ نَافِعُ بْنُ أَزْرَقٍ عَنِ صِفَاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جَوَابِهِ:

يَا نَافِعُ! إِنَّ مَنْ وَضَعَ دِينَهُ عَلَى الْقِيَاسِ لَمْ يَزَلِ الدَّهْرُ فِي الْإِرْتِمَاسِ، مَائِلًا عَنِ الْمُنْهَاجِ، ظَاعِنًا فِي الْإِعْوجِ جَاحٍ، ضَالًّا عَنِ السَّبِيلِ

به یمن وجود او علوم و دانش ها شناخته می شود، نه آن که دانش ها وسیله شناخت او باشد.

این است خدایی که همنامی ندارد، پاک و منزّه است، و چیزی نظیر او نمی باشد و شنوا و بیناست.

۳ - نافع بن ازرق از صفات خداوند سؤال کرد و امام حسین علیه السلام در جواب او فرمود:

ای نافع! کسی که دین خود را بر پایه قیاس قرار دهد همواره در خطا فرو می رود، از راه مستقیم دور می شود و در کجی ها وارد شده و از راه

ص: ۲۵

غَيْرَ الْجَمِيلِ.

يَا بَنَ الْأَزْرَقِ!

أَصِفْ إلهِي بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَأَعْرِفْهُ بِمَا عَرَفَ بِهِ نَفْسَهُ:

لَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ.

فَهُوَ قَرِيبٌ غَيْرَ مُلْتَصِقٍ، وَبَعِيدٌ غَيْرَ مُتَفَصِّ.

يُوحَدُ وَلَا يُبْعَضُ، مَعْرُوفٌ بِالْآيَاتِ، مَوْصُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى. (۱)

راست گمراه می گردد و سخنان ناپسند می گوید.

ای پسر ازرق!

من خدا را آن گونه که خود توصیف کرده است وصف می کنم و آن چنان که خود معرفی کرده است معرفی می نمایم:

با حواس درک نمی شود و با مردم مقایسه نمی گردد.

به موجودات نزدیک است بدون آن که به آنها پیوسته باشد، و از آنان دور است بدون آن که فاصله ای داشته باشد.

یکتا و بی مانند است و ترکیب نمی پذیرد، با نشانه های آفرینش شناخته می شود و با علائم خلقت وصف می گردد. خدایی

جز او نیست و بزرگ و بلند مرتبه است.

ص: ۲۶

۱- ۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷؛ التوحید، ص ۸۰؛ ترجمه الحسین علیه السلام لابن عساکر، ص ۲۲۵؛ نورالبراهین، ج ۱،

الْكِبْرِيَاءُ لِلَّهِ

۴ - قَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِيكَ كِبْرًا. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كُلُّ الْكِبْرِ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَلَا يَكُونُ فِي غَيْرِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (۱) و (۲)

۴ - مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: در تو بزرگی وجود دارد. امام علیه السلام به او فرمود:

هر گونه بزرگی خاص خداست و برای غیر او نمی باشد. (آنچه در مؤمنین است عزت است) خدای متعال فرمود: «عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است».

تفسیر «صمد»

تَفْسِيرُ «الصَّمَدِ»

۵ - الصَّمَدُ: الَّذِي لَا جَوْفَ لَهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي قَدِ انْتَهَى سُودُدُهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ.

۵ - صمد کسی است که درونی تهی ندارد، صمد کسی است که به نهایت کمال و برتری رسیده است، صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد.

ص: ۲۷

۱-۵. سوره المنافقين، الآية ۸.

۲-۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۸؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۵.

وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يُنَامُ، وَالصَّمَدُ: الدَّائِمُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ. (۱)

تفسیر سوره توحید

تَفْسِيرُ سُورَةِ التَّوْحِيدِ

۶ - إِنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةَ كَتَبُوا إِلَيَّ الْخُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعِيدُ فَلَا تَخَوْضُوا فِي الْقُرْآنِ، وَلَا تُجَادِلُوا فِيهِ، وَلَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ. فَقَدْ سَجِعْتُ حَيْدَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعُدَهُ مِنَ النَّارِ»

صمد کسی است که نمی خوابد، صمد کسی است که همواره بوده و خواهد بود.

۶ - اهل بصره نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشتند و از تفسیر «صمد» سؤال کردند. امام علیه السلام در جواب آنها نوشت:

به نام خداوند بخشنده مهربان

در (متشابهات) قرآن غوطه ور نشوید و در آن جدال نکنید و بدون علم درباره قرآن سخن نگوئید، که من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «کسی که بدون علم درباره قرآن نظر دهد در آتش جهنم فرود آید.»

ص: ۲۸

وَأَنَّهُ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ: اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

«لَمْ يَلِدْ» لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ شَيْءٌ كَثِيفٌ كَالْوَلَدِ وَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ الْكَثِيفَةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ لِأَشْيَاءٍ لَطِيفَةٍ كَالنَّفْسِ. وَلَا يَتَشَعَّبُ مِنْهُ الْبِدَاوَاتُ، كَالسِّنِّ وَالنُّوْمِ، وَ الْخَطَرِ وَ الْهَوْمِ، وَ الْحُزْنَ وَ الْبُهْجَةَ، وَ الضُّحْكَ وَ الْبُكَاءَ، وَ الْخَوْفَ وَ الرَّجاءَ، وَ الرَّغْبَةَ وَ السَّامَةَ وَ الْجُوعَ وَ الشَّبَعِ. تَعَالَى أَنْ يَخْرُجَ مِنْهُ شَيْءٌ، وَ أَنْ يَتَوَلَّدَ مِنْهُ شَيْءٌ كَثِيفٌ أَوْ لَطِيفٌ.

«وَلَمْ يُولَدْ» لَمْ يَتَوَلَّدَ مِنْ شَيْءٍ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنْ شَيْءٍ كَمَا تَخْرُجُ

خدای پاک و منزّه صمد را (در سوره توحید) تفسیر کرد و فرمود: خداوند یگانه است، خدا «صمد» است. آن گاه صمد را تفسیر کرد و فرمود: نزایید و زاییده نشد و برای او همتایی نیست.

«نزایید» یعنی جسمی همانند فرزند و سایر اشیاء جرم دارو مادی که از مخلوقات بیرون می آید از او خارج نشد و چیز لطیفی مانند نفس هم از او بیرون نیامد. و حالات مختلفی مانند خواب سبک و سنگین، خطور و نگرانی، غم و شادی، خنده و گریه، ترس و امید، میل و ملالت، گرسنگی و سیری بر او عارض نمی شود. خداوند بلند مرتبه تر از آن است که چیزی از او بیرون آید و جسم یا چیز غیر جسمانی لطیفی از او متولد شود.

«متولد نشده است» یعنی از چیزی بوجود نیامد و از چیزی بیرون نیامد

الْأَشْيَاءُ الْكَثِيفَةُ مِنْ عَنَاصِرِهَا كَالشَّيْءِ مِنَ الشَّيْءِ، وَالدَّابَّةُ مِنَ الدَّابَّةِ، وَالنَّبَاتُ مِنَ الْمَأْرُضِ، وَالمَاءُ مِنَ الْيُنَائِعِ، وَالثَّمَارُ مِنَ الْأَشْجَارِ.

وَلَا كَمَا تَخْرُجُ الْأَشْيَاءُ اللَّطِيفَةُ مِنْ مَرَائِزِهَا، كَالْبَصَرِ مِنَ الْعَيْنِ، وَالسَّمْعِ مِنَ الْأُذُنِ، وَالشَّمُّ مِنَ الْأَنْفِ، وَالذَّوْقُ مِنَ الْفَمِ، وَالْكَلَامُ مِنَ اللِّسَانِ، وَالْمَعْرِفَةُ وَالتَّمْيِيزُ مِنَ الْقَلْبِ، وَكَالنَّارِ مِنَ الْحَجَرِ.

لَا بَلُّ هُوَ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ. مُبْدِعُ الْأَشْيَاءِ وَخَالِقُهَا، وَمُنْشِئُ الْأَشْيَاءِ بِقُدْرَتِهِ.

يَتَلَاشَى مَا خَلَقَ لِلْفَنَاءِ بِمَشِيئَتِهِ وَيُبْقِي مَا خَلَقَ لِلْبَقَاءِ بِعِلْمِهِ.

آن گونه که اجسام از اصل خود بیرون می آیند مانند این که چیزی از چیز دیگر بیرون می آید و جنبنده از جنبنده و گیاه از زمین و آب از چشمه و میوه از درختان بیرون می آیند.

و آن گونه هم نیست که اشیاء لطیف از مراکز خود خارج می شوند نظیر آن که دیدن از چشم و شنیدن از گوش و بویدن از بینی و چشیدن از دهان و سخن از زبان، و شناخت و تشخیص از قلب و آتش از سنگ خارج می شود. بلکه او خدای بی نیازی است که نه از چیزی و نه در چیزی و نه بر چیزی است. هستی بخش اشیاء و آفریننده و به وجود آورنده آنها به قدرت خویش است.

آنچه را برای از بین رفتن آفریده است به خواست خود متلاشی می کند و آنچه را در علم خود برای بقاء آفریده است باقی می گذارد.

فَذَلِكُمْ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. (۱)

ضرورت خدائشناسی

لُزُومُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ

۷ - خَرَجَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

این است خدای صمدی که نزاییده و زاییده نشده، عالم به پنهان و آشکار است، بزرگ و برتر می باشد و همتایی ندارد.

۷ - امام حسین علیه السلام در جمع یاران خود حاضر شد و فرمود:

ای مردم! خداوند بندگان را نیافرید مگر برای آن که او را بشناسند، وقتی او را شناختند می پرستند، و وقتی پرستیدند با عبادت او از پرستش غیر او بی نیاز خواهند شد.

مردی از آن حضرت پرسید: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمود:

ص: ۳۱

۱- ۸. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۲۳؛ التوحید، ص ۹۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۱۲.

مَعْرِفَهُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (۱)

قضا و قدر

الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ

۸ - كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيُّ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَسْأَلُهُ عَنِ الْقَدْرِ وَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ:

فَاتَّبِعْ مَا شَرَحْتُ لَكَ فِي الْقَدْرِ مِمَّا أَفْضَى إِلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرُّهُ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ حَمَلَ الْمَعَاصِيَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ افْتِرَاءً عَظِيمًا.

این است که مردم هر زمانی امام خود را که اطاعت او بر آنها واجب است بشناسند (زیرا کسی که حجت خدا را شناسد خدا را هم شناخته است).

۸ - حسن بصری نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشت و درباره «قدر» از او سؤال کرد. امام علیه السلام در جواب او نوشت:

از آنچه درباره «قدر» به ما اهل بیت رسیده است و برای تو شرح می دهم پیروی کن. هر کسی که به «قدر» الهی ایمان نیاورده باشد - چه آن «قدر» خوب باشد یا بد - کافر شده است. و هر کس گناهان را به خدا نسبت دهد افترا بی بزرگی به او بسته است.

ص: ۳۲

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُطَاعُ بِإِكْرَاهٍ، وَلَا يُعْصَى بِغَلْبَةٍ، وَلَا يُهْمَلُ الْعِبَادَ فِي الْهَلَكَةِ. لَكِنَّهُ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ، وَالْقَادِرُ لِمَا عَلَيْهِ أَقْدَرَهُمْ.

فَمَنْ أَتَمَّرُوا بِالطَّاعَةِ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ صَادًّا عَنْهَا مُبْطِئًا، وَإِنْ أَتَمَّرُوا بِالْمَعْصِيَةِ فَشَاءَ أَنْ يَمُنَّ عَلَيْهِمْ فَيَحُولُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا أَتَمَّرُوا بِهِ فَعَلَّ، وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ هُوَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا قَسْرًا، وَلَا كَلَّفَهُمْ جَبْرًا.

يَلْ بِتَمَكِينِهِ إِيَّاهُمْ بَعِيدَ إِغْيَادِهِ وَإِنْذَارِهِ لَهُمْ وَاحْتِجَاجِهِ عَلَيْهِمْ طَوْقَهُمْ وَمَكْنَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى أَخْذِ مَا إِلَيْهِ دَعَاهُمْ، وَتَزَكَّ مَا عَنْهُ نَهَاهُمْ، جَعَلَهُمْ مُسْتَطِيعِينَ لِأَخْذِ مَا أَمَرَهُمْ بِهِ مِنْ شَيْءٍ غَيْرٍ

خدای متعال با جبر و اکراه اطاعت نمی شود و با زور مورد معصیت قرار نمی گیرد، و از طرفی بندگان را هم در هنگام خطر رها نمی کند. (نه مجبورند و نه آزاد.) بلکه او صاحب حقیقی چیزهایی است که به بندگانش داده و توانا بر قدرتی است که به آنها بخشیده است.

اگر آنها قصد اطاعت کنند خداوند مانع عبادت آنها نخواهد بود، و اگر قصد معصیت نمایند چنانچه خدا بخواهد بر آنان منت نهد و بین آنها و گناه مانعی بوجود آورد چنین خواهد کرد، و اگر آنها را از گناه باز نداشت اجبار بر انجام گناه هم نخواهد کرد و به زور بر کاری و انخواهد داشت.

بلکه بعد از ارشاد و ترسانیدن بندگان و اتمام حجت بر ایشان، با توانایی که به آنها عطا فرمود به آنان تکلیف داد و بر انجام آن توانا گردانید و برای آنها راهی قرار داد تا بتوانند دستورهای او را انجام دهند و از آنچه

آخِذِيهِ، وَلِتَزَكَّ مَا نَهَا هُمْ عَنْهُ مِنْ شَيْءٍ غَيْرِ تَارِكِيهِ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ عِبَادَهُ أَقْوِيَاءَ لِمَا أَمَرَهُمْ بِهِ، يَنَالُونَ بِتِلْكَ الْقُوَّةِ مَا نَهَاهُمْ عَنْهُ، وَجَعَلَ الْعِذْرَ لِمَنْ يَجْعَلُ لَهُ السَّبِيلَ حَمِيداً مُتَقَبَّلاً. (۱)

نهی کرده است پرهیزند.

خدا را سپاس که بندگانش را بر آنچه به آنها امر و نهی فرمود توانا گردانید، و با این توان به دستورهای او عمل می کنند و کسانی را که توانایی به آنها نداد معذور داشت.

ص: ۳۴

۱- ۱۰. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۸، باب ۱۱۸.

اخلاق پیامبر صلی الله علیه وآله

خُلِقَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۱ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحْسَنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ خُلُقًا. (۱)

۱ - رسول خدا صلی الله علیه وآله خوش اخلاق ترین مخلوقی بود که خداوند او را آفرید. (اگر «خلقاً» را به فتح خاء بخوانیم معنای حدیث این گونه خواهد بود: رسول خدا صلی الله علیه وآله بهترین مخلوقی بود که خداوند او را آفرید.)

آداب دعا کردن رسول خدا صلی الله علیه وآله

آدابُ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۲ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ، وَ

۲ - وقتی رسول خدا صلی الله علیه وآله دعا و تضرع می کرد، دست های خود را بالا

ص: ۳۶

۱- ۱۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۱۷.

دَعَا كَمَا يَسْتَطِيعُ الْمِسْكِينُ. (۱)

دعای پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از خوردن و نوشیدن

دُعَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ

۳ - كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ طَعَامًا يَقُولُ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَارْزُقْنَا خَيْرًا مِنْهُ. وَإِذَا أَكَلَ لَبَنًا أَوْ شَرِبَهُ يَقُولُ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَارْزُقْنَا مِنْهُ. (۲)

۳ - وقتی پیامبر صلی الله علیه وآله غذا می خورد می گفت: «خدایا آن را برای ما مبارک گردان و بهتر از آن را روزی ما فرما»، و هر گاه شیر یا نوشیدنی دیگری می نوشید می گفت: «خدایا آن را برای ما مبارک گردان و آن را روزی ما قرار ده.»

اطاعت از پیامبر و علی علیهما السلام

إِطَاعَةُ النَّبِيِّ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام

۴ - مَنْ عَرَفَ حَقَّ أَبِيهِ الْأَفْضَلَيْنِ: مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، وَ أَطَاعَهُمَا حَقًّا

می آورد و مانند مسکینی که درخواست غذا می کند دعا می کرد.

۴ - هر کس حق دو پدر برتر خود محمد و علی را بشناسد و به

ص: ۳۷

۱- ۱۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۶۸؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۶۲.

۲- ۱۳. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۹۹، ح ۱۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۲.

إِطَاعَتِهِ، قِيلَ لَهُ تَبْجِجْ فِي أَى الْجِنَانِ شِئْتَ. (۱)

پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن

النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقُرْآنِ

۵ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» (۲)

الشَّاهِدُ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْمَشْهُودُ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. ثُمَّ تَلَاهُذِهِ الْآيَةَ «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (۳) وَ
تَلَا «ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ» (۴)

شایستگی از آنان اطاعت کند، روز قیامت به او گفته می شود: در هر یک از باغ های بهشت که می خواهی ساکن شو.

۵ - امام حسین علیه السلام درباره این سخن خداوند «قسم به شاهد و مورد شهادت» فرمود:

شاهد، جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله است و مورد گواهی، روز قیامت است. آن گاه در تأیید کلام خود این آیه را تلاوت کرد:

«ما تو را شاهد و بشارت دهنده و ترساننده فرستادیم» و سپس این آیه را تلاوت کرد: «این روزی است که همه در آن جمع می شوند و این روز مشهود است.»

ص: ۳۸

۱-۱۴. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۶۰، و ج ۳۶، ص ۹؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۳۰.

۲-۱۵. سوره البروج، الآیه ۳.

۳-۱۶. سوره الفتح، الآیه ۸.

۴-۱۷. سوره هود، الآیه ۱۰۳؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۳۵؛ المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۱؛ المعجم الاوسط، ج ۹، ص ۱۸۲؛

فتح القدير، ج ۵، ص ۴۱۵.

تفسیر «نعمت خدا» بر محمدصلی الله علیه وآله

تَفْسِيرُ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۶- قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ «وَأَمَّا نِعْمَةٌ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (۱)

أَمْرَهُ أَنْ يُحَدِّثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ دِينِهِ. (۲)

۶- امام حسین علیه السلام درباره این آیه «از نعمت پروردگارت سخن بگو» فرمود:

خداوند به پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود از نعمت دینش که به او عطا فرمود سخن بگوید.

پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن

الَّتَبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقُرْآنِ

۷- قَالَ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ الْمُبِينِ «وَالشَّمْسِ وَ ضُحَيْهَا» (۳) قَالَ:

وَيَحْكُ يَا حَارِثُ! ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۷- حارث اعور گوید: به حسین علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! فدایت شوم! مرا از این سخن خدا که در کتابش فرمود: «سوگند به خورشید و تابندگی اش» آگاه گردان. امام علیه السلام فرمود:

ای حارث! وای بر تو منظور از «خورشید و تابندگی اش» محمد رسول خدا صلی الله علیه وآله است.

ص: ۳۹

۱- ۱۸. سوره الضحی، الآیه ۱۱ .

۲- ۱۹. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۳؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۰۲.

۳- ۲۰. سوره الشمس، الآیه ۱ .

قُلْتُ: «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا» (۱) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

ذَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتْلُو مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قُلْتُ: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (۲) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

ذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا. (۳)

عرض کردم مراد از «سوگند به ماه هنگامی که از پس آن درآید» چیست؟ فرمود:

مراد امیرالمؤمنین علیه السلام است که پس از محمدصلی الله علیه وآله می آید.

عرض کردم: منظور از «سوگند به روز هنگامی که زمین را روشن می گرداند» چه می باشد؟ فرمود:

روز روشن قائم علیه السلام از خاندان محمدصلی الله علیه وآله است که زمین را پر از عدل و داد می کند.

ص: ۴۰

۱- ۲۱. سوره الشمس، آیه ۲ .

۲- ۲۲. سوره الشمس، آیه ۳ .

۳- ۲۳. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۷۹؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۶۳، ح ۷۲۱؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۵، ص ۳۹۸ .

فصل سوم: سیمهُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَام

اشاره

ص: ۴۱

مَنْ أَهْلُ الْبَيْتِ؟

۱ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَأُتِيَ بِحَرِيرَةٍ فَدَعَا عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَأَكَلُوا مِنْهَا، ثُمَّ جَلَلَ عَلَيْهِمُ كِسَاءً خَيْرِيًّا ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

۱ - رسول خداصلی الله علیه وآله در منزل ام سلمه بود که برای او حریره (۱) آوردند. او هم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام (۲) را فراخواند و همه آنها از آن حریره خوردند آن گاه عبای خبیری را بر روی آنها انداخت و فرمود: «همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را

ص: ۴۲

۱- ۲۴. نوعی فرنی.

۲- ۲۵. علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام چهار مصداق از اهل بیت علیهم السلام بودند که در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله در میان مردم حاضر بودند اما همه اهل بیت آن حضرت بنابر روایات علی و فاطمه علیهما السلام و یازده فرزند معصوم آنها می باشند.

عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» (۱) فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَأَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ. (۲)

خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن

أَقْرَبَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقُرْآنِ

۲ - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۳)

إِنَّ الْقُرَابَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِصِلَتَيْهَا وَ عَظَّمَ حَقَّهَا وَ جَعَلَ الْخَيْرَ فِيهَا، قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَوْجَبَ حَقَّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (۴)

پاک گرداند.» ام سلمه گفت: من هم با آنها هستم ای رسول خدا؟ پیامبر صلی الله علیه وآله در جواب فرمود: تو به سوی خیر و نیکی هستی.

۲ - امام حسین علیه السلام درباره این سخن خدا «برای رسالت خود پاداشی از شما نمی خواهم مگر این که خویشان را دوست داشته باشید» فرمود:

آن خویشاوندی که خدا دستور داد رعایت شود و حق آن را بزرگ شمرد و خیر و نیکی را در آن قرار داد، خویشاوندی ما اهل بیت است که خداوند ادای حق ما را بر هر مسلمانی واجب کرد.

ص: ۴۳

۱- ۲۶. سوره الاحزاب، الآیه ۳۳ .

۲- ۲۷. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۱۳؛ تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۳۱۲؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۵۸.

۳- ۲۸. سوره الشوری، الآیه ۲۳ .

۴- ۲۹. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۱؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۲۴؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۰۸؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص

شناخت امامان

مَعْرِفَةُ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

۳ - سَأَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ عَنِ الْأَئِمَّةِ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَدَدُ نُبَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِي، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ. (۱)

۳ - مردی از امام حسین علیه السلام پرسید امامان چند نفرند؟

حضرت فرمود:

به عدد برگزیدگان بنی اسرائیل، نه نفر آنها از فرزندان من هستند و آخرین آنها قائم می باشد.

مقام بلند عترت

عُلُوُّ مَنْزِلَتِهِمْ

۴ - أَتَى رَجُلٌ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: حَدِّثْنِي بِفَضْلِكُمُ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّكَ لَنْ تُطِيقَ حَمَلَهُ.

۴ - مردی نزد حسین بن علی علیه السلام آمد و عرض کرد: مرا به برتری که خداوند برای شما اهل بیت قرار داده است آگاه

گردان. امام علیه السلام فرمود:

تو توان شنیدن آن را نداری.

ص: ۴۴

قال: بلى حَدَّثَنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخْتَمِلُهُ. فَحَدَّثَهُ بِحَدِيثٍ، فَمَا فَرَّغَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ حَدِيثِهِ حَتَّى إِبْيَضَ رَأْسُ الرَّجُلِ وَ لِحْيَتُهُ وَ أَنْسَى الْحَدِيثَ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَذْرَكَتَهُ رَحْمَةُ اللَّهِ حَيْثُ أَنْسَى الْحَدِيثَ. (١)

او در جواب گفت: ای پسر رسول خدا! شما بگوئید من هم تحمل می کنم. امام علیه السلام سخنی درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام به او فرمود و هنوز به آخر سخن خود نرسیده بود که (از سنگینی معارفی که شنیده بود) موهای سر و صورتش سفید شد و حدیث را فراموش کرد. امام علیه السلام فرمود:

رحمت الهی او را فرا گرفت که حدیث را فراموش کرد (وگرنه مانند همیام که از شنیدن امیرالمؤمنین علیه السلام (خطبه همام) جان سپرد، جان خود را از دست می داد).

آموزش اهل بیت علیهم السلام به فرشته ها

تَعْلِيمُهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِلْمَلَائِكَةِ

۵ - حبيب بن مظاهر از حسين بن علي بن ابي طالب عليهما السلام

ص: ۴۵

۱ - ۳۱. الخرايج و الجرايح، ج ۲، ص ۷۹۵؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۸، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۹؛ اثبات الهداه، ج ۵، ۹۵.

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ، فَنُعَلِّمُ الْمَلَائِكَةَ: التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّحْمِيدَ. (۱)

سؤال کرد قبل از آن که خداوند آدم را بیافریند شما چه بودید؟ امام علیه السلام فرمود:

ما موجوداتی نورانی بودیم که بر گرد عرش خدا دور می زدیم و به فرشته ها تسبیح و تهلیل و تحمید می آموختیم.

۵ - سَأَلَ حَبِيبُ بْنُ مَظَاهِرِ الْأَسَدِيِّ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

علم به کتاب خدا نزد ماست

عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ

۶ - نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَ بَيَانُ مَا فِيهِ، وَ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَنَا، لِأَنَّ أَهْلَ سِرِّ اللَّهِ، نَحْنُ آلُ اللَّهِ وَ وَرَثَتُهُ رَسُولِهِ. (۲)

۶ - ما کسانی هستیم که علم به قرآن و تفسیر آن نزد ماست و آنچه پیش ماست نزد کسی از خلق خدا نمی باشد، زیرا ما شایسته سر خدا هستیم و ما خاندان پیامبر و وارثان او می باشیم.

ص: ۴۶

۱- ۳۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳.

۲- ۳۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۱؛ مدینه المعجز، ج ۳، ص ۵۰۲؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۱۹.

ما هیه عُلُومِنَا

۷ - قَالَ جُعَيْدُ الْهَمْدَانِيُّ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

جُعِلْتُ فِدَاكَ بِأَيِّ شَيْءٍ تَحْكُمُونَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا جُعَيْدُ نَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ، فَإِذَا عُيِّنَا عَنْ شَيْءٍ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ. (۱)

۷ - جُعید همدانی گوید: به حسین علیه السلام عرض کردم فدایت شوم، شما با چه حکمی قضاوت می کنید؟ فرمود:

ای جعید! ما به حکم خاندان داود حکم می کنیم، و هرگاه در موردی در مانده شویم روح القدس (جبرئیل علیه السلام) علم آن را به ما القا می کند.

ما خانه رحمتیم

نَحْنُ بَيْتُ الرَّحْمَةِ

۸ - مَا نَدْرِي مَا تَنْتَقِمُ النَّاسُ مِنَّا، إِنَّا لَبَيْتُ الرَّحْمَةِ، وَ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ. (۲)

۸ - نمی دانیم چرا مردم از ما انتقام می کشند، ما خانه رحمت و درخت نبوت و معدن علم هستیم.

ص: ۴۷

۱- ۳۴. بصائر الدرجات، ص ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۵۷؛ ينابيع المعاجز، ص ۷۶.

۲- ۳۵. نزهه الناظر و تنبيه الخواطر، ص ۸۵ ح ۲۱.

اطاعت اشیاء از ما

إِطَاعَةُ الْأَشْيَاءِ عَنَّا

۹ - وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا. (۱)

۹ - به خدا قسم خداوند چیزی را نیافرید مگر این که به آن امر کرد از ما اطاعت کند.

فضائل خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله

فَضَائِلُ عِثْرَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۱۰ - إِذَا وَافَقَ أَقْرَبَاءُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ بِأَنْ قُتِلُوا مَعَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ لَهُمْ:

فَإِنْ كُنْتُمْ قَدْ وَطَّئْتُمْ أَنْفُسَكُمْ عَلَى مَا وَطَّئْتُ نَفْسِي عَلَيْهِ، فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَهَبُ الْمَنَازِلَ الشَّرِيفَةَ لِعِبَادِهِ بِإِحْتِمَالِ الْمَكَارِهِ.

وَ أَنَّ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ خَصَّنِي مَعَ مَنْ مَضَى مِنْ أَهْلِ الَّذِينَ أَنَا

۱۰ - وقتی اقوام و یاران امام حسین علیه السلام اعلام آمادگی کردند که با او در راه خدا کشته شوند به آنها فرمود:

اگر شما خود را بر آنچه من مهبای آن شده ام آماده کرده اید، بدانید که خداوند مقام های بلند را با تحمل سختی ها به بندگانش عطا می فرماید.

اگر چه خداوند مرا با کسانی از خانواده ام که رفتند و من آخرین آنها

ص: ۴۸

۱- ۳۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۷؛ اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۲۹۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص

۴۸.

أَخْرَهُمْ بَقَاءً فِي الدُّنْيَا مِنَ الْكِرَامَاتِ بِمَا يَسْهَلُ عَلَيَّ مَعَهَا إِحْتِمَالُ الْمَكْرُوهَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ شَطْرَ ذَلِكَ مِنْ كِرَامَاتِ اللَّهِ تَعَالَى
وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَمُرُّهَا حُلْمٌ، وَالْإِنْبَاءُ فِي الْآخِرَةِ، وَالْفَائِزُ مَنْ فَازَ فِيهَا، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِيهَا.

أَوَّلًا أُحَدِّثُكُمْ بِأَوَّلِ أَمْرِنَا وَآمْرِكُمْ مَعَاشِرَ أَوْلِيَائِنَا وَمُحِبِّينَا وَ الْمُتَعَصِّبِينَ لَنَا لِيَسْهَلَ عَلَيْكُمْ إِحْتِمَالُ مَا أَنْتُمْ لَهُ مُقَرَّبُونَ؟
قَالُوا: بَلَى يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ آدَمَ وَ سَوَّاهُ وَ عَلَّمَهُ أَسْمَاءَ كُلِّ شَيْءٍ وَ

در دنیا هستم به کراماتی اختصاص داد که با وجود آنها تحمل سختی ها و ناگواری ها آسان می گردد، اما برای شما هم بخشی از این کرامات خدای متعال وجود دارد.

بدانید که تلخ و شیرین دنیا مانند رؤیاست، و بیداری و آگاهی در عالم آخرت است، و رستگار کسی است که در آخرت رستگار شود و بدبخت کسی است که در آن عالم بدبخت گردد.

آیا می خواهید شما را به ابتدای آفرینش خودمان و شما، که از دوستان و دوستاناران و طرفداران ما هستید آگاه سازم تا تحمل آنچه بر آن اقرار دارید (که با ما کشته شوید) برایتان آسان گردد؟

گفتند: آری ای پسر رسول خدا. امام علیه السلام فرمود:

وقتی خداوند آدم را آفرید و او را به کمال رسانید و نام همه اشیاء را

عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ، جَعَلَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ أَشْبَاحًا خَمْسَةً فِي ظَهْرِ آدَمَ، وَكَانَتْ أَنْوَارُهُمْ تُضِيءُ فِي
الْأَفَاقِ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْحُجُبِ وَالْجِنَانِ وَالْكَرْسِيِّ وَالْعَرْشِ.

فَأَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّجْدِ لَهُ لِآدَمَ تَعْظِيمًا لَهُ إِنَّهُ قَدْ فَضَّلَهُ بِأَنْ جَعَلَهُ وَعَاءً لِنُفْسِكَ الْأَشْبَاحِ الَّتِي قَدَعَمَ أَنْوَارُهَا فِي الْأَفَاقِ. فَسَجَدُوا إِلَّا
إِبْلِيسَ، أَبِي أَنْ يَتَوَاضَعَ لِجَلَالِ عَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَنْ يَتَوَاضَعَ لِأَنْوَارِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ، وَقَدْ تَوَاضَعَتْ لَهَا الْمَلَائِكَةُ كُلُّهَا، فَاسْتَكْبَرَ وَ تَرَفَّعَ
وَ كَانَ يَبَاهِيهِ ذَلِكَ مِنَ الْكَافِرِينَ. (۱)

به او آموخت و آدم آنها را برای فرشته ها بیان کرد، محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین را در پشت آدم قرار داد در حالی
که نور آنها در افق آسمان ها، حجاب ها، بهشت، کرسی و عرش می درخشید.

آن گاه خداوند به فرشته ها امر کرد برای بزرگداشت آدم برای او (به سوی او) سجده کنند زیرا خداوند این فضیلت را به او
داده بود که ظرف وجودی آنها باشد که نورشان همه آفاق را گرفته بود. پس همه سجده کردند مگر ابلیس که از تواضع در
برابر جلال و عظمت خداوند و نور ما اهل بیت سر باز زد. همه فرشته ها تواضع کردند و ابلیس تکبر کرد و خود را برتر شمرد
و با این سرکشی و تکبری که کرد از زمره کافران گردید.

ص: ۵۰

ذِكْرُ فَضَائِلِ أَهْلِ الْبَيْتِ عِنْدَ الْمُعَاوِيَةِ

۱۱ - قِيلَ لِمُعَاوِيَةَ إِنَّ النَّاسَ قَدْ رَمَوْا أَبْصَارَهُمْ إِلَى الْحُسَيْنِ، فَلَوْ قَدْ أَمَرْتَهُ يَصِيحُ عَدُوَّ الْمُنْتَبِرِ فَيَخْطُبُ فَإِنَّ فِيهِ حَصِيرًا وَفِي لِسَانِهِ كَلَالَةً. فَلَمْ يَزَالُوا بِهِ حَتَّى قَالَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ لَوْ صَعَدَتِ الْمُنْتَبِرُ فَخَطَبَتْ.

فَصَيحُ عَدُوِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُنْتَبِرَ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَسَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: مَنْ هَذَا الَّذِي يَخْطُبُ؟

فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْعَالِبُونَ، وَ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ الْأَقْرَبُونَ، وَ أَهْلُ بَيْتِهِ

۱۱ - به معاویه گفته شد مردم چشم به حسین دوخته اند و به او توجه دارند تمنا داریم به او دستور دهی به منبر رود و سخنرانی کند زیرا در زبانش بستگی و نرمش وجود دارد. آنها همواره بر نظر خود بودند تا این که معاویه به او گفت: ای اباعبدالله تمنا دارم بر منبر رفته و سخنرانی کنی.

حسین علیه السلام بر بالای منبر رفت و سپس حمد خدا گفت و بر پیامبر صلی الله علیه وآله درود فرستاد. در این هنگام شنید که مردی می گوید: او کیست که سخنرانی می کند؟

امام حسین علیه السلام فرمود:

ما حزب پیروز خدا هستیم، ما خاندان نزدیک رسول خدا و اهل بیت

الطَّيِّبُونَ وَ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ الَّذِينَ جَعَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ ثَانِي كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، وَ الْمُعْوَلُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ وَلَا يُبْطِنُنَا تَأْوِيلُهُ بَلْ نَتَّبِعْ حَقَائِقَهُ.

أَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ، إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَفْرُوضَةً. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (١) وَقَالَ «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ

پاک او و یکی از دو چیز گران بها هستیم که رسول خدا ما را بعد از کتاب خدای متعال قرارداد، کتابی که همه چیز در آن بیان شده است و باطل از هیچ طرفی در آن راه ندارد. کتابی که در تفسیر آن به ما اعتماد می شود و تأویل آن از دسترس ما دور نیست و از حقایق آن پیروی می کنیم.

ما را اطاعت کنید که اطاعت از ما واجب است، زیرا به اطاعت از خدا و رسولش نزدیک است. خداوند فرمود:

«از خدا و فرستاده او و ولی امر خود پیروی کنید و هرگاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و رسول ارجاع دهید» و هم چنین فرمود «اگر امری را که به آنها می رسد به رسول و ولی خود ارجاع دهند، کسانی که

ص: ۵۲

إِلَى أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ الْإِقْلِيلًا» (۱)

وَ أَحِذْرُكُمْ الْإِضْغَاءَ إِلَى هُتُوفِ الشَّيْطَانِ بِكُمْ، فَإِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَتَكُونُوا كَأَوْلِيَاءِ الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ» (۲) فَتَلْقَوْنَ لِلشُّيُوفِ ضَرْبًا، وَ لِلرِّمَاحِ وَرْدًا، وَ لِلْعَمَدِ حَطْمًا، وَ لِلسَّهَامِ غَرَضًا، ثُمَّ لَا يُقْبَلُ مِنْ نَفْسٍ إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا.

به دنبال فهمیدن آن هستند آن را فرا می گرفتند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود به جز عده کمی از شما، از شیطان پیروی می کردید.»

شما را از گوش دادن به ندای شیطان بر حذر می دارم که او دشمن آشکار شماست و همانند دوستان او می شوید که (در جنگ بدر) به آنها گفت: «امروز کسی از مردم بر شما پیروز نمی شود و من پناه شما هستم. هنگامی که دو گروه (کفار و مؤمنان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما بی زارم، پس خود را مورد ضربات شمشیرها و نیزه ها و تیرها قرار می دهید آن گاه ایمان کسی که از قبل ایمان نیاورده باشد یا در حال ایمان خیری به دست نیاورده است پذیرفته نیست.

ص: ۵۳

۱- ۳۹. سوره النساء، الآیه ۵۹ .

۲- ۴۰. سوره الانفال، الآیه ۴۸ .

قَالَ مُعَاوِيَةُ: حَسْبُكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ أُبْلِغْتَ. (۱)

این آیه درباره ما نازل شده است

فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ

۱۲ - قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «إِنَّ مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (۲)

هَذِهِ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (۳)

۱۲ - درباره این سخن خدای متعال «کسانی که اگر در زمین به آنها توانایی دهیم نماز را بر پا می کنند» فرمود:

این آیه درباره ما اهل بیت است.

برکات هم نشینی با ما

بَرَكَاتٌ صُحْبَتِنَا

۱۳ - مَنْ أَتَانَا لَمْ يَغْدَمْ خَصْلَهُ مِنْ أَرْبَعٍ:

در این هنگام معاویه گفت: کافی است ای اباعبدالله، سخنان خود را بیان کردی.

۱۳ - کسی که نزد ما آید یکی از این چهار خصلت را به دست می آورد:

ص: ۵۴

۱- ۴۱. الآمالی للشیخ المفید، ص ۳۴۹؛ الآمالی، للشیخ الطوسی، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵ و ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴۴.

۲- ۴۲. سوره الحج، الآیه ۴۱.

۳- ۴۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۰۷؛ کنز الدقائق، ج ۶، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

آيَهُ مُحْكَمَةً، وَقَضِيَّتُهُ عَادِلَةٌ، وَ أَخَا مُسْتَفَادًا، وَ مُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ. (۱)

۱ - دليل و نشانه ای استوار ۲ - قضاوت عادلانه ۳ - برادر سودمند ۴ - هم نشینی با علماء.

حکومت حق ما بود

كَانَ الْأَمْرُ لَنَا

۱۴ - إِنَّ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرَ عَمِدَا إِلَى الْأَمْرِ وَ هَوْلَنَا كُفُّهُ، فَجَعَلَا لَنَا فِيهِ سَيِّئًا مِمَّا كَسَبَهُمُ الْحَيَّةُ. أَمَّا وَ اللَّهُ لَيَهْتُمُّ بِهِمَا أَنْفُسُهُمَا يَوْمَ يَطْلُبُ النَّاسُ فِي شَفَاعَتِنَا. (۲)

۱۴ - ابابکر و عمر بر حکومت دست انداختند در حالی که همه آن حق ما بود و برای ما سهمی به اندازه سهم ارث جدّه قرار دادند، اما به خدا قسم روزی که مردم خواستار شفاعت ما هستند آن دو خود را در رنج و سختی خواهند انداخت.

کوتاهی مردم درباره ما

تَقْصِيرُ النَّاسِ فِيْنَا

۱۵ - أَمَا إِنَّهُمْ لَوْ كَانُوا دَعَوْا اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ بِصِدْقٍ مِنْ

۱۵ - اگر مردم، خدا را با نیت های پاک و اعتقاد صحیح به محمد و

ص: ۵۵

۱- ۴۴. کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۱.

۲- ۴۵. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۸۰.

يَتَاتِبُهُمْ وَصَحَّحَهُ اعْتِقَادِهِمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ أَنْ يَعْصِيَهُمْ حَتَّى لَا يُعَايِدُوهُ بَعْدَ مُشَاهَدَةِ تَلَمُّكَ الْمُعْجَزَاتِ الْبَاهِرَاتِ لَفَعَلَ ذَلِكَ بِجُودِهِ وَ كَرَمِهِ وَ لَكِنَّهُمْ قَصَّرُوا فَأَثَرُوا الْهُوَيْنَا وَ مَضَوْا مَعَ الْهُوَى فِي طَلَبِ لَذَاتِهِمْ. (۱)

خاندان پاکش می خواندند که آنها را حفظ کند تا با دیدن این معجزات آشکار با او دشمنی نکنند، خداوند با لطف و بزرگواریش چنین می کرد.

اما مردم کوتاهی کردند و هوای حقیر و بی ارزش نفس خود را برگزیدند و با آن به دنبال لذت های خود حرکت کردند.

ما را بیش از حق خود بالا نبرید

لَا تَزْفَعُونَا فَوْقَ حَقِّنَا

۱۶ - أَجْبُونَا بِحُبِّ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: «لَا تَزْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِنِّي أَخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي رَسُولًا» (۲)

۱۶ - ما خاندان پیامبر را به خاطر محبتی که به اسلام دارید دوست بدارید. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مرا بیش از آنچه سزاوارم بالا نبرید. هر آینه خداوند مرا به بندگی برگزید قبل از آن که به پیامبری برگزیند.»

ص: ۵۶

۱- ۴۶. تفسیر الامام العسکری، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۹۰.

۲- ۴۷. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۱.

كَذَلِكَ نُوَجِّهُهُ قَضَاءَ اللَّهِ

۱۷ - قال الفرزدق إذا لقيت الحسين عليه السلام خارجاً من مكة قال لي: أخبرني عن الناس خلفك؟ فقلت: الخبير سألت قلوب الناس معك و أشيافهم عليك و القضاء ينزل من السماء، و الله يفعل ما يشاء. قال عليه السلام:

صَدَقْتُ، لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ، وَ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ. إِنْ نَزَلَ الْقَضَاءُ بِمَا نُحِبُّ فَنَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى أَدَاءِ الشُّكْرِ، وَ إِنْ حَالَ الْقَضَاءُ دُونَ الرَّجَاءِ، فَلَمْ يَبْعُدْ مَنْ كَانَ الْحَقُّ

۱۷ - فرزدد گوید: وقتی حسین علیه السلام را در بیرون از مکه ملاقات کردم (که به کربلا می رفت) به من فرمود: از مردم کوفه بگو. عرض کردم: از فرد بسیار آگاهی سؤال کردی. قلب های مردم با توست و شمشیرهای آنها بر علیه تو می باشد و قضای الهی از آسمان فرود می آید و خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد. حضرت فرمود:

درست گفتم، مقدرات گذشته و آینده در دست خداست و او هر روز در کاری است. اگر قضای الهی آن گونه که ما دوست داریم نازل شود خدا را بر نعمت هایش سپاس می گوئیم و اوست که بر شکر نعمت هایش یاری می دهد. و اگر قضای الهی بر خلاف خواست ما رسید کسی که نیتش حق

سرچشمه دوستی و دشمنی با ما

مُنشَأُ الْوِلَايَةِ وَالْعَدَاوَةِ فِينَا

۱۸ - مَنْ وَالَانَا فَلِجَدِّي وَالِي وَمَنْ عَادَانَا فَلِجَدِّي عَادِي (۲)

۱۸ - کسی که با ما دوستی کند به خاطر جدم دوستی کرده است و کسی که با ما دشمنی ورزد به خاطر جدم دشمنی ورزیده است.

آثار دوستی صادقانه به ما

آثَارُ الْمَحَبَّةِ الصَّادِقَةِ فِينَا

۱۹ - مَنْ أَحَبَّنَا لَمْ يُحِبَّنَا لِقَرَابِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَلَا لِمَعْرُوفٍ أَسَدَيْنَاهُ إِلَيْهِ، إِنَّمَا أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ، جَاءَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ [وَقَرَنَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ (۳)]

و روش او بر پایه تقواست از حق دور نخواهد بود.

۱۹ - کسی که ما را دوست داشته باشد و دوستی او به خاطر خویشاوندی و کار خوبی که برای او انجام داده ایم نباشد، ما را به خاطر خدا و رسولش دوست داشته است و در روز قیامت همانند این دو انگشت با ما وارد قیامت خواهد شد (و دو انگشت سبابه اش را کنار هم قرار داد).

ص: ۵۸

۱- ۴۸. نزهه الناظر و تنبيه خاطر، ص ۸۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۰.

۲- ۴۹. ينابيع الموده، ج ۲، احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۲.

۳- ۵۰. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۷؛ المحاسن، ج ۱، ص ۶۱.

أَجْرُ الْبُكَاءِ عَلَيْهِمْ

۲۰ - ما مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ حُقُبًا. (۱)

۲۰ - بنده ای نیست که چشمانش برای ما اشکی بریزد مگر این که خداوند به خاطر آن اشک، او را روزگاری ساکن بهشت می گرداند.

ص: ۵۹

۱ - ۵۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ بشاره المصطفی، ص ۱۰۸؛ وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۶؛ الامالی للشیخ المفید، ص ۳۴۱.

نام گذاری علی علیه السلام به امیر مؤمنان

تَسْمِيَهُ عَلِيًّا بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ

۱ - إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ بَعَثَ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُشْهَدَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوِلَايَةِ فِي حَيَاتِهِ وَ يُسَمِّيَهُ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ وَفَاتِهِ. فَدَعَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تِسْعَةَ رَهْطٍ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا دَعَوْتُكُمْ لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَقَمْتُمْ أَمْ كَتَمْتُمْ.

۱ - خدای بزرگ جبرئیل علیه السلام را به سوی محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد تا در زمان حیات خود به ولایت و حکومت علی بن ابی طالب شهادت دهد و او را قبل از وفاتش به امیر مؤمنان نام گذاری کند. پیامبر صلی الله علیه و آله نه نفر را دعوت کرد و فرمود: شما را دعوت کردم تا شاهدانی برای خدا در زمین باشید چه گواهی دهید یا کتمان کنید.

ص: ۶۲

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

يَا أَبَا بَكْرٍ! قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ يَوْمَهِ الْمُؤْمِنِينَ.

فَقَالَ: أَعَنْ أَمْرَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَهِ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُمْ يَا عُمَرُ فَسَلِّمْ عَلَيَّ يَوْمَهِ الْمُؤْمِنِينَ.

فَقَالَ: أَعَنْ أَمْرَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ تُسَمِّيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ يَوْمَهِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَامَ فَسَلَّمَ وَلَمْ يَقُلْ مِثْلَ مَا قَالَ الرَّجُلَانِ مِنْ قَبْلِهِ.

آن گاه فرمود:

ای ابابکر! برخیز و به عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن.

ابوبکر گفت: آیا این دستور خدا و فرستاده اوست؟

فرمود: بله. پس ابوبکر برخاست و با عنوان امیر مؤمنان بر او سلام کرد.

آن گاه فرمود: ای عمر برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن.

عمر پرسید آیا این دستور خدا و فرستاده اوست؟

فرمود: بله. عمر هم برخاست و بر او سلام کرد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به مقداد بن اسود فرمود: برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. مقداد برخاست و سلام کرد و سخن آن دو نفر قبل از خود را بیان نکرد.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَبِي ذَرِّ الْغَفَّارِيِّ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.
فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحَدِيثِهِ الْيَمَانِيِّ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.
فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعِمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.
فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ يَا مَرْهَاتُ الْمُؤْمِنِينَ.
فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعُرَيْدَةَ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. - وَكَانَ بُرَيْدَةُ أَصْغَرَ الْقَوْمِ سِنًا -

آن گاه به ابوذر غفاری فرمود: برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. ابوذر هم برخاست و بر او سلام کرد.
سپس به حدیفه فرمود: برخیز و بر امیر مؤمنان سلام کن.

حدیفه نیز برخاست و بر او سلام کرد.

پس از او به عمار بن یاسر فرمود: برخیز و بر امیر مؤمنان سلام کن.

عمار هم برخاست و بر او سلام کرد.

پس از او به عبدالله بن مسعود فرمود: برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. او هم برخاست و سلام کرد.

آن گاه به بریده فرمود: برخیز و بر امیر مؤمنان سلام کن - در آن هنگام بریده کم سن ترین آنها بود - پس او هم برخاست و سلام کرد.

فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا دَعَوْتُكُمْ لِهَذَا الْأَمْرِ لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ اللَّهِ، أَقَمْتُمْ أَمْ تَرَكَتُمْ. (۱)

فضائل امیر مؤمنان علیه السلام

فَضَائِلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲ - فَلَمَّا كَانَ قَبْلَ مَوْتِ مُعَاوِيَةَ بِسَنَةِ حَجِّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بِمَنَى جَمْعٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَالْأَنْصَارِ وَالصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ. قَامَ فِيهِمْ خَطِيبًا فَحَمَدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به این امر دعوت کردم تا گواهان الهی باشید. چه گواهی دهید یا ترک کنید.

۲ - یک سال پیش از مرگ معاویه امام حسین صلوات الله علیه به حج رفت و جمع زیادی از بنی هاشم و گروه انصار و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و عده ای از تابعین (۲) در «منی» به دور او جمع شدند. امام علیه السلام در جمع آنها ایستاد و سخنرانی کرد. در آغاز حمد خدا گفت و سپس فرمود:

ص: ۶۵

۱- ۵۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۳۳۵ و ۳۳۶؛ الامالی للشيخ المفيد، ص ۱۸ و ۱۹؛ قال بعض الاعلام: قد سقط من الحديث ذكر تسليم تاسعهم و هو سلمان الفارسی و هو مذکور فی بعض الروایات.

۲- ۵۳. تابعین کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را ندیده اند اما اصحاب او را دیده اند.

أَمَا بَعِيدٌ فَإِنَّ هَذَا الطَّاعِيَةَ قَدْ فَعَلَ بِنَا وَبِشِيعَتِنَا مَا قَدْ رَأَيْتُمْ وَعَلِمْتُمْ وَشَهِدْتُمْ، وَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكُمْ عَنْ شَيْءٍ، فَإِنْ صَدَقْتُ فَصَدِّقُونِي وَإِنْ كَذَبْتُ فَكَذِّبُونِي.

إِسْمِعُوا مَقَالَتِي وَارْتَبُوا قَوْلِي ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَى أَمْصَارِكُمْ وَقَبَائِلِكُمْ فَمَنْ أَمِنْتُمْ مِنَ النَّاسِ وَوَقَفْتُمْ بِهِ فَادْعُوهُمْ إِلَى مَا تَعْلَمُونَ مِنْ حَقِّهَا، فَإِنِّي أَتَخَوَّفُ أَنْ يَدْرُسَ هَذَا الْأَمْرَ وَيَذْهَبَ الْحَقُّ وَيُغْلَبَ «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (١)

أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَخَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ آخَا بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَأَخَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ وَ

بعد از سپاس خداوند آنچه را که این مرد سرکش نسبت به ما و شیعیانمان انجام داد دیدید و فهمیدید و بر آن گواهِید. اکنون من می خواهم چیزی را از شما بپرسم، اگر راست گفتم بپذیرید و اگر دروغ گفتم تکذیب کنید.

سخنم را بشنوید و بنویسید، آن گاه به شهرها و قبائل خود بروید و مردم مورد اطمینان و اعتماد خود را به آنچه در حق ما می دانید فراخوانید، زیرا می ترسم این امر کهنه شود و حق از میان برود و مغلوب گردد. اما «خداوند نور خود را کامل می کند هر چند کافران دوست نداشته باشند» (آن گاه فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا می دانید وقتی پیامبر میان هر دو نفر از اصحابش عقد برادری بست، میان خود و علی بن

ص: ۶۶

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ

أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! هَيْلٌ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِشْتَرَى مَوْضِعَ مَسْجِدِهِ وَ مَنَازِلِهِ فَأَبْتَنَاهُ ثُمَّ ابْتَنَى فِيهِ عَشْرَةَ مَنَازِلَ، تَشِيعُهُ لَهُ وَ جَعَلَ عَاشِرَ هَا فِي وَسْطِهَا لِأَبِي. ثُمَّ سَدَّ كُلَّ بَابٍ شَارِعٍ إِلَى الْمَسْجِدِ غَيْرَ بَابِهِ، فَتَكَلَّمَ فِي ذَلِكَ مَنْ تَكَلَّمَ، فَقَالَ: «مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَ فَتَحْتُ بَابَهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَ فَتْحِ بَابِهِ»

ثُمَّ نَهَى النَّاسَ أَنْ يَنَامُوا فِي الْمَسْجِدِ غَيْرَهُ، كَانَ يَجُنُبُ فِي

ابی طالب عقد برادری بست و به او فرمود: «ما در دنیا و آخرت با یکدیگر برادریم»؟

- گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند آیا می دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله زمینی را برای مسجد و خانه های خود خرید و مسجد را ساخت، آن گاه ده منزل بنا کرد که نه تایی آن را برای خود و دهمین آنها را که در وسط قرار داشت برای پدرم قرار داد سپس به جز درب خانه او تمام درهایی که به طرف مسجد باز می شد را مسدود کرد و چون بعضی اعتراض کردند، جواب داد. «من درب خانه های شما را نبستم و درب خانه علی را باز گذاردم بلکه خداوند به من دستور داد درب منازل شما را ببندم و درب منزل او را باز گذارم»

آن گاه به جز پدرم مردم را از خوابیدن در مسجد نهی فرمود، و منزل

الْمَسْجِدِ، وَ مَنْزِلُهُ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوَلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِ أَوْلَادٌ؟

قَالُوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَفْتَعْلَمُونَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ حَرَصَ عَلَى كَوِّهِ قَدْرَ عَيْنِهِ يَدْعُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَبَى عَلَيْهِ ثُمَّ خَطَبَ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُبْنِيَ مَسْجِدًا طَاهِرًا لَا يَسْكُنُهُ غَيْرِي وَغَيْرِ أَخِي وَبَنِيهِ؟»

قَالُوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَنَادَى لَهُ بِالْوِلَايَةِ وَقَالَ: «لِيَبْلُغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ»؟

او در کنار مسجد و خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و فرزندان برای رسول الله صلی الله علیه و آله (فرزندان فاطمه علیها السلام) در آن متولد شدند؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- آیا می دانید عمر بن خطاب حرص ورزید تا روزنه ای از خانه اش را به طرف مسجد باز کند و پیامبر صلی الله علیه و آله از او نپذیرفت و فرمود: «خداوند به من امر کرده است مسجد پاکی بنا کنم که کسی غیر از من و برادرم و پسرانش (حسن و حسین علیهما السلام) در آن ساکن نشوند»؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- شما را به خدا قسم! آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در روز غدیر به جانشینی خود منصوب کرد و مردم را به ولایت او فراخواند و فرمود: «حاضران به افراد غایب خبر دهند»؟

قَالُوا أَلَلَّهُمْ نَعَمْ.

أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ فِي غَزْوَةِ تَبُوكٍ: «أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؟

قَالُوا: أَلَلَّهُمْ نَعَمْ.

أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ دَعَا النَّصَارَى مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِهِ وَبِصَاحِبَتِهِ وَابْنَتِهِ؟

قَالُوا: أَلَلَّهُمْ نَعَمْ.

أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَفَعَ إِلَيْهِ اللِّوَاءَ يَوْمَ خَيْبَرَ ثُمَّ قَالَ:

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- شما را به خدا قسم! آیا می دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله در جنگ تبوک درباره او فرمود: «تو نسبت به من به منزله هارون برای موسی هستی و تو بعد از من ولی و سرپرست همه مؤمنین می باشی»؟

- گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله وقتی علمای مسیحی اهل نجران را برای مباحله فرا خواند کسی جز علی و همسر و دو پسرش را نیاورد؟

گفتند: آری، خدایا چنین است.

شما را به خدا قسم! آیا می دانید که پیامبرصلی الله علیه وآله در روز خیبر پرچم را به

«لَاذْفَعُهَا إِلَى رَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، كَرَّارٌ غَيْرُ فَرَّارٍ يَفْتَحُهَا اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ؟»

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَهُ بِرَاءَةٍ وَقَالَ: «لَا يَبْلُغُ عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي.»

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ تُنَزَلْ بِهِ شَدِيدَةٌ قَطُّ إِلَّا قَدَّمَهُ لَهَا ثِقَةً بِهِ وَ إِنَّهُ لَمْ يَدْعُهُ بِاسْمِهِ قَطُّ إِلَّا يَقُولُ يَا أَخِي وَ

دست علی علیه السلام داد و فرمود: «پرچم را به دست کسی خواهم سپرد که خدا و رسولش او را دوست دارند و او هم خدا و رسولش را دوست دارد، حمله کننده ای است که از دشمن فرار نمی کند و خداوند قلعه خبیر را به دست او فتح خواهد کرد؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- آیا می دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله را برگزید تا سوره براءت را برای کفار بخواند و فرمود: «جز من و مردی که از من است کس دیگری آن را به کفار نخواهد رساند؟»

- گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- آیا می دانید هرگز کار سختی برای رسول خداصلی الله علیه وآله پیش نیامد مگر این که او را که مورد اعتماد بود پیش فرستاد و هرگز او را با نام صدا نزد

ادْعُوا لِي أَخِي؟

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

أَفْتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَضَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَعْفَرٍ وَزَيْدٍ فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ وَ أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؟»

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ كَانَتْ لَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلَّ يَوْمٍ خَلْوَةٌ وَكُلَّ لَيْلَةٍ دَخَلَةٌ، إِذَا سَأَلَهُ أَعْطَاهُ وَ إِذَا سَكَتَ ابْتَدَأَهُ؟

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

جز این که گفت: «برادر من» و یا «برادرم را نزد من صدا زنید»؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

آیا می دانید که رسول الله صلی الله علیه و آله میان او و جعفر بن عقیل و زید بن حارثه قضاوت کرد و فرمود: «ای علی تو از من هستی و من از تو می باشم و تو بعد از من سرپرست هر مؤمنی می باشی»؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

آیا می دانید که او هر روز با رسول خدا صلی الله علیه و آله خلوت می کرد و هر شب بر او وارد می شد و هرگاه از او درخواست می کرد پیامبر صلی الله علیه و آله به او می بخشید و هر وقت سکوت می کرد با او سخن می گفت؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَضَّلَهُ عَلَى جَعْفَرٍ وَحَمْزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ: «زَوْجُكَ خَيْرُ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمُهُمْ سِلْمًا وَ
أَعْظَمُهُمْ حِلْمًا وَ أَكْبَرُهُمْ عِلْمًا»؟

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، وَ أَخِي عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَرَبِ، وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ابْنَايَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؟

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَهُ بِغُسْلِهِ وَ أَخْبَرَهُ

- آیا می دانید رسول خداصلی الله علیه وآله او را بر جعفر و حمزه برتری بخشید وقتی که به فاطمه فرمود: «تو را به همسری
بهترین اهل بیت خود در آوردم که در پذیرش اسلام از همه پیش گام تر و حلم او از همه بیشتر و علم او از همه زیادتر است»؟
- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- آیا می دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من سرور فرزندان آدم و برادر علی سرور عرب و فاطمه سرور زنان
اهل بهشت و فرزندانم حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند.»؟
- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- آیا می دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: «پس از مرگ، بدن او را غسل دهد و به او خبر داد
که جبرئیل او را در این کار کمک

أَنْ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعِينُهُ؟

قَالُوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَتَعَلَّمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبِهِ خُطْبُهَا: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا»؟

قَالُوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ. (١)

اثبات حق امير مؤمنان عليه السلام

إِبْتِاطُ حَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام

٣ - إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ كَانَ يَخُطُّ النَّاسَ عَلَى مِنْبَرِ رَسُولِ

خِوَاهِدِ كَرْد؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

- آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه وآله در آخرین سخنرانی خود فرمود: «من دو چیز گران بها را در میان شما گذاردم: کتاب خدا و اهل بیت. پس به این آویزه ها چنگ زید تا گمراه نشوید»؟

- گفتند: آری، خدایا چنین است.

٣ - روزی عمر بن الخطاب بر روی منبر رسول خدا صلی الله علیه وآله برای

ص: ٧٣

١- ٥٥. بحار الانوار، ج ٣٣، ص ١٨٢ الی ١٨٤؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ٢٢٣ الی ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٢٩١.

لَلَّهِ صَيَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَذَكَرَ فِي خُطْبَتِهِ إِنَّهُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ: إِنزِلْ أُيُّهَا الْكَذَّابُ عَنْ مِثْبَرِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ لَا مِثْبَرَ أَبِيكَ. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَمِثْبَرُ أَبِيكَ لِعُمَرَىٰ يَا حُسَيْنُ لَا مِثْبَرَ أَبِي، مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا؟ أَبُوكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنْ أَطَعْتُ أَبِي فِيمَا أَمَرَنِي فَلِعُمَرَىٰ إِنَّهُ لَهَادٍ وَأَنَا مُهْتَدٍ بِهِ. وَلَهُ فِي رِقَابِ النَّاسِ الْبَيْعَةُ عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ. نَزَلَ بِهَا جِبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَىٰ لَا يُنْكِرُهَا إِلَّا جَاحِدٌ بِالْكِتَابِ.

مردم سخنرانی می کرد و در میان سخنان خود گفت از همه مؤمنین به آنها سزاوارتر است. حسین علیه السلام از گوشه مسجد به او گفت: ای بسیار دروغگو! از منبر پدرم رسول خدا پایین بیا! این منبر پدر تو نیست. عمر گفت: ای حسین! به جان خودم قسم این منبر پدر تو است نه پدر من. چه کسی این سخن را به تو یاد داد، پدرت علی بن ابی طالب؟ حسین علیه السلام فرمود: اگر در آنچه پدرم به من دستور داده است اطاعت کنم به جان خودم سوگند که او هدایت کننده و من هدایت شده او هستم. بیعت او از زمان رسول خدا در گردن مردم است. جبرئیل از سوی خدای بلند مرتبه آن را نازل کرد و کسی آن بیعت را انکار نمی کند مگر آن که منکر کتاب خداست.

قَدْ عَرَفَهَا النَّاسُ بِقُلُوبِهِمْ وَ أَنْكَرُوهَا بِاللِّسَانِ، وَ وَيْلٌ لِّلْمُنْكَرِينَ حَقًّا أَهْلَ الْبَيْتِ. مَاذَا يَلْقَاهُمْ بِهِ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ إِدَامَةِ الْغَضَبِ وَ شِدَّةِ الْعَذَابِ.

فَقَالَ عُمَرُ: يَا حُسَيْنُ! مَنْ أَنْكَرَ حَقَّ أَبِيكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. أَمَرْنَا النَّاسَ فَتَأَمَّرْنَا وَلَوْ أَمَّرُوا أَبَاكَ لَأَطَعْنَا. فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا بْنَ الْخَطَابِ فَأَيُّ النَّاسِ أَمَرَكَ عَلَى نَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ تُؤَمِّرَ أَبَا بَكْرٍ عَلَى نَفْسِكَ لِيُؤَمِّرَكَ عَلَى النَّاسِ بِلَا حُجَّةٍ مِنْ نَبِيِّ وَلَا رِضًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؟

مردم آن را با دل های خود شناختند و با زبان هایشان انکار کردند و وای بر انکار کنندگان حق ما اهل بیت. چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را با این انکار و در ادامه غضب و عذاب شدید ملاقات می کند.

عمر گفت: ای حسین! لعنت خدا بر کسی که حق پدرت را انکار کرد. مردم ما را حاکم خود قرار دادند ما هم پذیرفتیم. اگر پدر تو را هم به حکومت می رساندند ما اطاعت می کردیم. حسین علیه السلام فرمود:

ای پسر خطاب پیش از آن که تو ابابکر را حاکم بر خود گرداندی تا او تو را بدون هیچ دلیلی از سوی پیامبر و یا رضایتی از آل محمد بر مردم حکومت دهد کدام مردم تو را حاکم خود قرار دادند؟

فَرِضَاكُمْ كَانَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رِضَاءٌ؟ أَوْ رِضَا أَهْلِهِ كَانَ لَهُ سَخَطًا؟

أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ لِللسانِ مَقَالًا - يَطُولُ تَصْدِيقُهُ وَفِعْلًا - يُعِينُهُ الْمُؤْمِنُونَ، لَمَا تَخَطَّاتِ رِقَابَ آلِ مُحَمَّدٍ. تَزُقِي مِثْبَرَهُمْ وَصِيْرَتِ الْحَاكِمِ عَلَيْهِمْ بِكِتَابٍ نَزَلَ فِيهِمْ، لَا تَعْرِفُ مُعْجَمَهُ وَلَا تَدْرِي تَأْوِيلَهُ، إِلَّا سَمَاعَ الْأَذَانِ.

الْمُخْطِئُ وَالْمُصِيبُ عِنْدَكَ سَوَاءٌ، فَجَزَاكَ اللَّهُ جَزَاكَ، وَسَأَلَكَ عَمَّا أُخْدِثَتْ سُؤَالًا حَفِيًّا. (۱)

آیا رضایت شما رضایت پیامبر و رضایت خاندان او سخط محمد صلی الله علیه وآله است؟

به خدا سوگند اگر زبان‌ها راست می‌گفتند و مؤمنین کمک می‌کردند، تو غاصبانه بر آل محمد حکومت نمی‌کردی، بر منبر آنها بالا- روی و با کتابی که بر آنها نازل شده است بر آنان حکم کنی. کتابی که نه معنای آن را می‌دانی و نه به تأویل آن آگاهی جز آن که تنها صدای آن را می‌شنوی.

خطاکار و درست‌کار نزد تو یکسانند. خداوند آن‌گونه که سزاوار کیفری تو را کیفر دهد و از بدعت‌هایی که گذاردی پی در پی سؤال کند.

ص: ۷۶

علی علیه السلام در قرآن

عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْقُرْآنِ

۴ - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا» (۱)

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲)

۴ - امام حسین علیه السلام درباره این سخن خدا «آنها را همواره در رکوع و سجودی بینی» فرمود:

این آیه در باره علی بن ابی طالب نازل شد.

انکار برتری علی علیه السلام

إِنْكَارُ فَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵ - إِنَّ دَفْعَ الزَّاهِدِ الْعَابِدِ لِفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْخَلْقِ كُلِّهِمْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَصِيرَ كَشُعْلَهٍ نَارٍ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ، وَتَصِيرُ سَائِرُ الْأَعْمَالِ الدَّافِعِ لِفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَالْحَلْفَاءِ وَإِنْ امْتَلَأَتْ مِنْهُ الصَّحَارَى، وَاشْتَعَلَتْ فِيهَا تِلْكَ النَّارُ وَتَخْشَاهَا تِلْكَ

۵ - این که زاهد عابدی برتری علی علیه السلام را - پس از پیامبر صلی الله علیه و آله - بر همه خلق انکار کند، انکار او همانند شعله آتشی در روز طوفانی است و سایر اعمال او مانند علف های خشکی هستند هر چند دشت ها را پر کنند و این شعله

ص: ۷۷

۱- ۵۷. سوره الفتح، الآیه ۲۹.

۲- ۵۸. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۳.

الرَّيْحُ حَتَّى تَأْتِيَ عَلَيْهَا كُلُّهَا فَلَا تَبْقَى لَهَا بَاقِيَةٌ. (۱)

دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام

حُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶ - أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ أَصْحَابِكَ ثَلَاثَةً، فَأَحِبَّهُمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَبُو ذَرٍّ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ. (۲)

۶ - جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآله وارد شد و گفت: ای محمد! خداوند سه نفر از اصحاب تو را دوست دارد تو هم آنها را دوست بدار: علی بن ابی طالب، ابوذر و مقداد.

پرچم شناخت

عَلَمُ الْمَعْرِفَةِ

۷ - مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بِبُغْضِهِمْ عَلِيًّا وَوُلْدَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۳)

در این دشت ها زبانه می کشد تا این که همه علف ها را می سوزاند و چیزی باقی نمی گذارد.

۷ - ما در عصر رسول خدا صلی الله علیه وآله منافقین را جز با دشمنی با علی علیه السلام و فرزندانش علیهم السلام نمی شناختیم.

ص: ۷۸

۱- ۵۹. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۳.

۲- ۶۰. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۳۰؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۷۵۴؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۱۴۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۴۱۲.

۳- ۶۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۰۵.

۱ - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فِي مَجْلِسِ مُعَاوِيَةَ

أَنَا ابْنُ مَاءِ السَّمَاءِ وَعُرُوقِ الثَّرَى أَنَا ابْنُ مَنْ سَادَ أَهْلَ الدُّنْيَا بِالْحَسَبِ النَّاقِبِ وَالشَّرَفِ الْفَائِقِ وَالْقَدِيمِ السَّابِقِ. أَنَا ابْنُ مَنْ رِضَاهُ رِضَا الرَّحْمَانِ وَسَخَطُهُ سَخَطُ الرَّحْمَانِ.

ثُمَّ رَدَّ وَجْهَهُ لِلْخَصْمِ فَقَالَ:

۱ - روزی امام حسین علیه السلام در مجلس معاویه فرمود:

من فرزند مرد آسمانی و ریشه های توانایی ام. من فرزند کسی می باشم که به خاطر حسب افتخار آمیز و شرف بلند و برگزیده و سابقه درخشان، سرور اهل دنیا گردید. من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای بخشنده و خشم او خشم خدای مهربان است.

آن گاه رو به دشمن (معاویه) کرد و گفت:

هَلْ لَكَ أَبٌ كَأَبِي أَوْ قَدِيمٌ كَقَدِيمِي؟ فَإِنْ قُلْتَ لَا، تُغَلَبُ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ تَكْذِبُ.

فَقَالَ الْخَصْمُ: لَا تَصْدِيقًا لِقَوْلِكَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَلْحَقُّ أَوْلَجٌ لَا يَزِيغُ سَبِيلُهُ، وَالْحَقُّ يَعْرِفُهُ ذُؤُوبُ الْأَلْبَابِ (۱)

امامت حسین بن علی علیهما السلام

إِمَامَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲ - دَخَلْتُ أَنَا وَ أَخِي عَلَى خِدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَجَلَسَنِي عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْسَرِ وَأَجَلَسَ أَخِي الْحَسَنَ عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ قَبَلْنَا وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

آیا تو از پدری مانند پدر من و سابقه ای مانند سابقه من برخورداری؟ اگر بگویی نه شکست خورده ای و اگر بگویی آری دروغ گفته ای.

دشمن گفت: سخن تو پذیرفته نیست، و امام حسین علیه السلام

در جواب او فرمود:

حق آشکار است و راهش به انحراف نمی گراید و خردمندان آن را می شناسند.

۲ - من و برادرم بر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم. آن گاه مرا بر زانوی چپ خود و برادرم حسن را بر زانوی راستش نشانند و سپس ما را بوسید و فرمود:

ص: ۸۱

«يَا بِي أَنْتَمَا مِنْ إِمَامَيْنِ سَبَطَيْنِ، إِنْخَارَكُمَا اللَّهُ مِنِّي وَ مِنْ أَبِيكَمَا وَ مِنْ أُمَّكَمَا، وَ اخْتَارَ مِنْ صُيُوبِكِ يَا حُسَيْنُ تَسْبِعَهُ أَئِمَّةٌ تَسْبِعُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ كُلُّهُمْ فِي الْفَضْلِ وَ الْمَنْزِلَةِ سَوَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ. (۱)»

من جانشینان پیامبرم

أَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ

۳ - قَالَتْ أُمُّ سَلِيمٍ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَنْتَ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا أُمَّ سَلِيمٍ! أَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ، وَ أَنَا أَبُو الشَّعْبَةِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ وَ أَنَا وَصِيُّ أَخِي الْحَسَنِ، وَ أَخِي وَصِيُّ أَبِي عَلِيٍّ، وَ عَلِيُّ وَصِيُّ جَدِّي

پدرم فدای شما باد که دو امام نیکوکارید، خداوند شما را از نسل من و پدر و مادرتان برگزید. ای حسین! خدا از نسل تو نه امام انتخاب کرد که نهمین آنها قائمشان می باشد و همه آنها در برتری و رتبه نزد خداوند برابرند.

۳ - ام سلیم به امام حسین علیه السلام عرض کرد شما چه کسی هستید؟

حضرت فرمود:

ای ام سلیم! من جانشین جانشینان پیامبرم، من پدر نه امام هدایت کننده ام، من جانشین برادر حسن و او جانشین پدرم علی و علی جانشین جدم

ص: ۸۲

۱- ۶۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۵؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۶؛ کمال الدین، ص ۲۶۹ بتفاوت یسیر؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۹۱.

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱).

مردم عالم را به منزلت بلند فراخواندم

سُقْتُ الْعَالَمِينَ إِلَى الْمَعَالَى

۴ - سُقْتُ الْعَالَمِينَ إِلَى الْمَعَالَى

بِحُسْنِ خَلِيقِهِ وَعُلُوِّ هِمِّهِ

وَلَا حَ بِحِكْمَتِي نُورُ الْهُدَى فِي

لَيَالٍ فِي الضَّلَالَةِ مُذْلَهْمِهِ

يُرِيدُ الْجَا حِدُونَ لِيُطْفِئُوهُ

وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّهُ (۲)

۴ - مردم عالم را با اخلاقی نیکو و همتی بلند به منزلت بلند فراخواندم. و با حکمت من نور هدایت در شب های تاریک و ظلماتی درخشید. منکران حق می خواهند آن را خاموش کنند اما خداوند جز این که آن را کامل کند نخواهد خواست.

زیرکی امام حسین علیه السلام

فِرَاسَةُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵ - قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

رَسُولِ خِدَا صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْت.

۵ - روزی عبدالله فرزند عمر بن الخطاب در جبهه جنگ صفین به امام حسین علیه السلام گفت:

ص: ۸۳

۱- ۶۴. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۸۷؛ مقتضب الاثر، ص ۲۰.

۲- ۶۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۹.

صَفِين: اِغْلَمْ! اِنَّ اَبَاكَ قَدْ وَتَرَ قُرَيْشًا وَقَدْ اَبْغَضَهُ النَّاسُ وَ ذَكَرُوا اَنَّهُ هُوَ الَّذِي قَتَلَ عَثْمَانَ، فَهَيْلُ لَكَ اَنْ تَخْلَعَهُ وَ تُخَالِفَ عَلَيْهِ حَتَّى نُوَلِّيَكَ هَذَا الْاَمْرَ؟. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَلِمَا وَاللَّهِ لَا اَكْفُرُ بِاللَّهِ وَ بِرِسُوْلِهِ وَ بِوَصِيِّ رِسُوْلِ اللّٰهِ. اِخْسِيًّا، وَيَلْمَكَ مِنْ شَيْطَانٍ مَارِدٍ، فَلَقَدْ زَيْنَ لَكَ الشَّيْطَانُ سُوءَ عَمَلِكَ فَخَدَعَكَ حَتَّى اَخْرَجَكَ مِنْ دِيْنِكَ بِاِتِّبَاعِكَ الْقَاسِطِيْنَ وَ نُضْرَهُ هَذَا الْمَارِقِ مِنَ الدِّيْنِ. لَمْ يَزَلْ هُوَ وَ اَبُوهُ حَزْبِيَيْنِ وَ عَدُوِّيْنَ لِلّٰهِ وَ لِرِسُوْلِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ، فَوَاللّٰهِ مَا اَسْلَمَا وَ لَكِنَّهُمَا اِسْتَسْلَمَا خَوْفًا وَ طَمَعًا.

آگاه باش که پدرت به قریش بدی کرد و مردم از او کینه دارند و می گویند او بود که عثمان را به قتل رساند.

مایلی او را بر کنار کنی و با او به مخالفت برخیزی تا تو را به حکومت رسانیم؟ امام حسین علیه السلام فرمود:

هرگز! به خدا قسم من به خدا و رسولش و جانشین رسول خدا کفر نمی ورزم. گم شو! وای بر تو از شیطان سرکش، همانا شیطان اعمال بد تو را برای زینت داد و تو را فریفت تا آن که با پیروی از ستمگران و یاری دادن به این معاویه خارج شده از دین، از دینی که داشتی بیرون کرد.

معاویه و پدرش همواره با خدا و رسولش و مؤمنین در جنگ و دشمنی بودند. به خدا قسم آنها مسلمان نشدند بلکه از روی ترس و طمع تسلیم شدند.

فَأَنَّتَ الْيَوْمَ تُقَاتِلُ عَنْ غَيْرِ مُتَدَمِّمٍ، ثُمَّ تَخْرُجُ إِلَى الْحَرْبِ مُتَخَلِّفًا لِتِرَائِي بِذَلِكَ نِسَاءَ أَهْلِ الشَّامِ.

إِرْتَعَ قَلِيلًا فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَقْتُلَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سَرِيعًا.

فَضَحَكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مُعَاوِيَةَ فَقَالَ: إِنِّي أَرَدْتُ خَدِيعَةَ الْحُسَيْنِ وَقُلْتُ لَهُ كَذَا وَكَذَا، فَلَمْ أَطْمَعْ فِي خَدِيعَتِي. فَقَالَ الْمُعَاوِيَةُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ بِنَ عَلِيٍّ لَا يُخَدَعُ وَهُوَ ابْنُ أَبِيهِ. (١)

امروز تو بدون هیچ نکوهش کننده ای می جنگی و به میدان جنگ می آیی تا به زنان شام دست یابی.

اندک زمانی در ناز و نعمت باش که من از خدای عزیز و بزرگ امید دارم تو را به زودی بکشد.

عبدالله بن عمر پس از شنیدن سخنان امام حسین علیه السلام خندید و به سوی معاویه بازگشت و گفت: خواستم حسین را فریب دهم و به او چنین و چنان گفتم، اما در وعده فریبکارانه ای که به او دادم طمع نکرد. معاویه گفت: حسین بن علی فریب نمی خورد او فرزند پدرش می باشد (زیرکی پدر را دارد)

ص: ۸۵

وَدَدْتُ أَنْ أُقْتَلَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ

۶- إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ دَدْتُ أَنْ أُقْتَلَ وَ أُحْيَى سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ فِي طَاعَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ، سَيِّمَا إِذَا كَانَ فِي قَتْلِي نُضْرُهُ دِينِكَ وَ إِحْيَاءِ أَمْرِكَ وَ حِفْظِ نَامُوسِ شَرْعِكَ، ثُمَّ إِنِّي قَدْ سَمِمْتُ الْحَيَاةَ بَعْدَ قَتْلِ الْأَجْبَةِ وَ قَتْلِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۱)

۶- ای خدای من! ای سرور من! دوست دارم که هفتاد هزار بار در راه اطاعت و محبت تو کشته شوم به ویژه آن که در کشته شدن من یاری دین تو و زنده شدن امر تو و صیانت از شرع تو نهفته باشد. بعد هم پس از قتل دوستان و جوانان آل محمد از زندگی خسته شدم.

ترس از خدا

خَشْيَةُ اللَّهِ

۷- قِيلَ لَهُ مَا أَعْظَمَ خَوْفَكَ مِنْ رَبِّكَ!

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۷- به امام حسین علیه السلام عرض شد: چه ترس بزرگی از پروردگار خودداری! در جواب فرمود:

ص: ۸۶

لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا. (۱)

تغییر رنگ امام علیه السلام در عبادت

تَغَيَّرَ لَوْنُهُ فِي الْعِبَادَةِ

۸ - كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَازْتَعَدَّ مَفَاصِلُهُ. فَقِيلَ لَهُ. فِي ذَلِكَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حَقٌّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ وَتَزَعَدَّ مَفَاصِلُهُ. (۲)

۸ - وقتی امام حسین علیه السلام وضو می گرفت رنگش تغییر می کرد و مفاصلش می لرزید. گفته شد چرا این حالات بر شما عارض می شود؟ امام علیه السلام فرمود:

حق است بر کسی که در پیشگاه خدا که پادشاه شکست ناپذیر است می ایستد رنگ چهره اش زرد و مفصل هایش بلرزد.

دعای امام حسین علیه السلام بعد از نماز طواف

دُعَاؤُهُ بَعْدَ صَلَوَةِ الطَّوَافِ

۹ - طَافَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْبَيْتِ ثُمَّ صَارَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى

کسی در روز قیامت در امان نمی باشد مگر آن که در دنیا از خدا بترسد.

۹ - امام حسین علیه السلام خانه خدا را طواف کرد و آن گاه به مقام

ص: ۸۷

۱- ۶۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۸؛ اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲- ۶۹. جامع الاخبار، ص ۷۶؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲.

ثُمَّ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى الْمَقَامِ فَجَعَلَ يَبْكِي وَ يَقُولُ:

عَبِيدُكَ يَا بَيْتُكَ، خُوَيْدُمُكَ يَا بَيْتُكَ، سَائِلُكَ يَا بَيْتُكَ، مَسْكِينُكَ يَا بَيْتُكَ. (۱)

من کشته اشکم

أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ

۱۰ - أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرْنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى (۲)

۱۰ - من کشته اشکم، مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر این که می گرید.

۱۱ - أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرْنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. (۳)

ابراهیم رفت و دو رکعت نماز گزارد، سپس رخسار خود را بر روی سنگ مقام گذارد و گریه می کرد و می گفت:

(خدایا) بنده کوچک تو بر در خانه توست، خادم کوچک تو بر در خانه توست، درخواست کننده ات بر در خانه توست، مسکین تو بر در خانه توست.

۱۱ - من کشته اشکم، مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر این که اشکش جاری می شود.

ص: ۸۸

۱ - ۷۰. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۲۳.

۲ - ۷۱. کامل الزیارات، ص ۲۱۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۵۳۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ مستدرک الوسایل، ج ۱۰، ص ۳۱۱.

۳ - ۷۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۹؛ الامالی الصدوق، ص ۲۰؛ کامل الزیارات، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۱۲ - أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، قُتِلْتُ مَكْرُوبًا، وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ قَطَّ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ أَوْ أَقْبَلَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا. (۱)

۱۲ - من کشته اشکم، با اندوه کشته شدم و بر خداوند است که اندوهگینی بر من وارد نشود مگر این که او را از حال اندوه باز گرداند یا با شادمانی به اهلش رساند.

من اولین کسی هستم که رجعت می کنم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ

۱۳ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي

«يَا بُنَيَّ إِنَّكَ سَيَسَاقُ إِلَى الْعِرَاقِ، وَهِيَ أَرْضٌ قَدِ التَّقَى بِهَا النَّبِيُّونَ وَ أَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ، وَهِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عُمُورًا، وَ إِنَّكَ تُسْتَشْهَدُ بِهَا وَ يَسْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِكَ لَا يَجِدُونَ أَلَمَ

۱۳ - پیش از آن که امام حسین علیه السلام به شهادت برسد به اصحاب خود فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای فرزندانم تو به سوی عراق خواهی رفت و آن سرزمینی است که پیامبران و جانشینان آنها بر آن گام نهاده اند و «عمور» نامیده می شود. تو و عده ای از یارانت که درد شمشیرها را احساس نمی کنند در آنجا به

ص: ۸۹

۱- ۷۳. کامل الزیارات، ص ۲۱۶؛ ثواب الاعمال، ص ۹۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۲۹.

مَسَّ الْحَدِيدِ وَتَلَا: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (۱) يَكُونُ الْحَزْبُ بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ.»

فَأَبَشِرُوا، فَوَاللَّهِ لَئِنْ قَتَلْنَا فَأَنَّا نَرُدُّ عَلَىٰ نَبِيِّنَا، ثُمَّ أَمْكُثُ مَا شَاءَ اللَّهُ. فَمَا كُنْ أَوَّلَ مَنْ يَنْشَقُّ الْأَرْضَ عَنْهُ، فَأَخْرِجْ خَرْجَهُ يُوَافِقُ ذَلِكَ خَرْجَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قِيَامَ قَائِمِنَا.

ثُمَّ لَيَنْزِلَنَّ عَلَيَّ وَفُؤْدٌ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَمْ يَنْزِلْهَا إِلَى الْأَرْضِ قَطُّ، وَلَيَنْزِلَنَّ إِلَيَّ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَجُنُودٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

شهادت خواهید رسید و این آیه را تلاوت کرد:

«گفتیم ای آتش! بر ابراهیم سرد و بی آسیب باش»، و جنگ برای تو و یارانت سرد و بدون گزند خواهد بود.

پس بشارت باد بر شما، به خدا سوگند اگر ما را بکشند بر پیامبران وارد می شویم و تا زمانی که خدا بخواهد می مانیم. آن گاه من اولین کسی هستم که زمین برای او شکافته می شود و رجعت می کنم. رجعت من با بازگشت امیرالمؤمنین و قیام قائم همزمان خواهد بود.

سپس گروهی از نیروهای الهی از آسمان بر من فرود خواهند آمد، نیروهایی که هرگز تا آن زمان بر زمین فرود نیامده اند. و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکری از فرشته ها بر من نازل خواهند شد.

ص: ۹۰

وَلَيُنزِلَنَّ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَأَنَا وَأَخِي وَجَمِيعٌ مِّنَ مَنْ أَلَّهِ عَلَيْهِ فِي حَمُولَاتٍ مِّنْ حَمُولَاتِ الرَّبِّ: جَمَالٌ مِّنْ نُورٍ لَمْ يَزَكِّبْهَا مَخْلُوقٌ.

ثُمَّ لِيَهْرَنَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوَاءَهُ وَ لِيُدْفَعَهُ إِلَى قَائِمِنَا مَعَ سَيْفِهِ. ثُمَّ إِنَّا نَمُكُّكَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ.

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبَنٍ.

ثُمَّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَدْفَعُ إِلَى سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يَبْعَثُنِي إِلَى الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. فَلَا آتِي عَلَى عِدْوٍ لِلَّهِ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ، وَلَا صَنَمًا إِلَّا أَحْرَقْتُهُ حَتَّى أَقَعَ إِلَى الْهِنْدِ فَأَفْتَحُهَا.

و محمد و علی و من و برادرم و هر کسی را که خداوند بر او منت گذارد بر مرکب هایی از سوی پروردگار فرود خواهند آمد، شترهایی که از نورند و به آن هنگام مخلوقی سوار آنها نشده است.

آن گاه محمد پرچم خود را به اهتزاز درمی آورد و آن را به همراه شمشیرش به قائم ما خواهد داد. سپس تا زمانی که خدا بخواهد ما می مانیم.

پس از آن خداوند چشمه هایی از روغن و آب و شیر از مسجد کوفه آشکار می کند.

و به دنبال آن امیرالمؤمنین شمشیر رسول خداصلی الله علیه و آله را به من خواهد داد و مرا به مشرق و مغرب خواهد فرستاد. من هم به دشمنی از دشمنان خدا بر خورد نمی کنم مگر این که خون او را می ریزم و به بتی نمی رسم جز این که آن را آتش می زنم تا به سرزمین هند می رسم و آن را فتح می کنم.

وَإِنَّ دَانِيَالَ وَيُوشَعَ يَحْزُجَانِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولَانِ صِدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَيَبْعَثُ مَعَهُمَا إِلَى الْبَصِيرَةِ سَبْعِينَ رَجُلًا فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلِيَهُمْ وَيَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الرُّومِ فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ. ثُمَّ لَمَّا قُتِلَ كُلُّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا، حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ.

وَاعْرَضُ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَسَائِرِ الْمَلَلِ، وَلَأَخَيَّرَنَّهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَالسَّيْفِ، فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ، وَمَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ.

وَلَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسُحُ عَنْ وَجْهِهِ

دانیال و یوشع نیز به سوی امیرالمؤمنین می آیند و می گویند: «خدا و پیامبرش راست گفتند» و او هم هفتاد مرد جنگی به همراه آنها به بصره می فرستد و جنگاوران آن را که به مخالفت برمی خیزند به قتل می رساند و لشکری را به روم می فرستد و خداوند آن سرزمین را برای آنها فتح می کند.

آن گاه هر جنبنده حرام گوشتی را از پا درمی آورم تا جز حیوانات حلال گوشت بر روی زمین باقی نماند.

و با یهود و مسیحیان و آیین های دیگر روبرو می شوم و آنها را میان انتخاب اسلام و شمشیر آزاد می گذارم، پس هر کس اسلام آورد با او به نیکی رفتار می کنم و هر کس از اسلام خشنود نباشد خداوند خون او را خواهد ریخت. در آن هنگام مردی از شیعیان ما نیست مگر این که خداوند فرشته ای بر او می فرستد تا غبار (اندوه و غربت) را از چهره او

التُّرَابِ، وَيُعَرِّفُهُ أَزْوَاجَهُ وَمَنْزِلَتَهُ فِي الْجَنَّةِ.

وَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُتَّعِدٌ وَلَا مُبْتَلَىٰ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِأَهْلِ الْبَيْتِ.

وَلَيَنْزِلَنَّ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّىٰ أَنْ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَهُ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَهُ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱)

بزدايد و همسران بهشتی و مرتبه و جایگاهی که در آن دارند را به آنها بشناساند.

در آن عصر کور و زمین گیر و مبتلایی نخواهد بود مگر این که خداوند به وجود ما اهل بیت بلا را از او دور خواهد کرد.

و خداوند برکت خود را از آسمان بر زمین نازل می کند به گونه ای که شاخه های درخت از فراوانی میوه هایی که خدا به آن می دهد می شکند و شما میوه های تابستانی را در فصل زمستان و میوه های زمستانی را در فصل تابستان می خورید و این تحقق سخن خداوند است که «اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا می گراییدند هر آینه برکاتی را از آسمان و زمین بر آنها می گشودیم، اما تکذیب کردند و ما هم آنها را به کیفر اعمالشان گرفتار کردیم».

ص: ۹۳

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَيَهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّى أَنْ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ
فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمٍ مَا يَعْلَمُونَ. (۱)

آن گاه خداوند به شیعیان ما (که قبل از ظهور شیعه بوده اند) کرامتی خواهد کرد که دیگر چیزی بر روی زمین و درون آن بر آنها مخفی نخواهد ماند. حتی مردی از آنان می خواهد وضع خانواده اش را به آنها اعلام نماید پس آنان را به آنچه انجام خواهند داد با خبر می کند.

ص: ۹۴

۱- ۷۶. الخرايج و الجرايح، ص ۸۴۸؛ نورالتقلين، ج ۳، ص ۴۳۸؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۰ تا ۸۲؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۳۷؛ معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ۵، ص ۱۴ .

غیبت قائم علیه السلام

غَيْبُهُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبِ وَهُوَ الَّذِي يُقْسَمُ مِيرَاثُهُ وَهُوَ حَتَّى (۱).

۱ - قائم این امت فرزند نهم من است، اوست که دارای غیبت است و در حالی که زنده می باشد میراثش تقسیم می شود.

مقام صبر کنندگان در عصر غیبت

مَنْزِلَةُ الصَّابِرِينَ فِي زَمَنِ الْغَيْبِ

۲ - مَنَا إِنْثَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ،

۲ - دوازده هدایت کننده از ما می باشد که اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن

ص: ۹۶

۱- ۷۷. کمال الدین، ص ۳۱۷؛ الامامه و التبصره، ص ۲؛ اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

وَآخِرُهُمُ النَّاسُ مِنَ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ.

يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ.

فَيُؤْذَنُ وَيُقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۱)

أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۲).

ابی طالب و آخرین آنها نهمین فرزند من است و او امامی است که برای حق قیام می کند.

خداوند به وجود او زمین را زنده می کند پس از آن که مرده باشد و دین حق را به وسیله او بر همه ادیان پیروز می گرداند، هر چند مشرکین خشود نباشند.

او دارای غیبتی است که عده ای در آن به تردید می افتند و عده ای دیگر بر دین خدا ثابت قدم می مانند.

اینها مورد آزار قرار می گیرند و به آنها گفته می شود «این وعده چه زمانی تحقق می یابد اگر شما از راست گویان هستید؟»

اما صبر کنندگان بر آزار و تکذیب آنها در زمان غیبت به منزله مجاهدانی هستند که با شمشیر در پیش روی رسول خداصلی الله علیه و آله جهاد می کنند.

ص: ۹۷

۱- ۷۸. سوره النمل، آلیه ۲۷ .

۲- ۷۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ کنایه الاثر، ص ۲۳۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۹؛ کمال الدین، ص ۳۱۷ .

قطعی بودن ظهور

حَتْمِيَّةُ الظُّهُورِ

۳- لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ. (۱)

۳- اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند این یک روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندانم قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد. از رسول خداصلی الله علیه و آله شنیدم که چنین فرمود.

زمان سامان بخشی ظهور

زَمَنُ إِضْلَاحِ الظُّهُورِ

۴- فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سَيِّئَةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سَيِّئَةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. يُصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةٍ. (۲)

۴- در فرزند نهم من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است او قائم ما اهل بیت می باشد که خداوند متعال امر ظهور او را در یک شب سامان می دهد.

ص: ۹۸

۱- ۸۰. کمال الدین، ص ۳۱۸؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۱۵۷.

۲- ۸۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۹؛ کمال الدین، ص ۳۱۷؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

إِنْتِقَامُ الْقَائِمِ مِنَ الْأَعْدَاءِ

۵ - يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ مَنْ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

السَّابِغِ مِنْ وَلَدِ ابْنِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَهُوَ الْحُجَّهُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
إِبْنِي وَهُوَ الَّذِي يَغِيبُ مُدَّةً طَوِيلَةً، ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. (۱)

۵ - خداوند قائم ما را آشکار می کند و از ستمگران انتقام می گیرد.

گفته شد: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه کسی است؟ حضرت فرمود:

هفتمین نفر از فرزندان پسر محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) است. او حجت خدا، فرزند حسن، فرزند علی، فرزند محمد،
فرزند علی، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند علی، پسر من است.

او کسی است که مدتی طولانی از چشم ها غایب می شود، آن گاه ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان
گونه که پر از ستم و ظلم شده است.

ص: ۹۹

شِدَّةُ الْقَائِمِ عَلَى الْأَعْدَاءِ

۶ - قَالَ بُشَيْرُ بْنُ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ: قَالَ لِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

يَا بُشَيْرُ! مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْهُمْ خَمْسَ مِائَةٍ رَجُلٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا، ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَ مِائَةٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَ مِائَةٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا؟

قُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيُّغْنُونَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ. (۱)

۶ - بشر بن غالب اسدی گوید: حسین بن علی علیهما السلام به من فرمود:

ای بشر! چگونه قریش باقی خواهند ماند وقتی قائم پانصد نفر آنها را پیش آورد و با زجر کردن آنها را بزند. آن گاه پانصد نفر دیگر از آنان را پیش آورد و با زجر و سختی کردن آنها را بزند. سپس پانصد نفر دیگر از آنها را پیش آورد و با زجر و سختی کردن آنها را بزند؟

عرض کردم: خداوند حال شما را نیکو قرار دهد آیا آنها به عصر ظهور می رسند؟ امام علیه السلام فرمود:

دوستدار آنها هم از خود آنهاست.

ص: ۱۰۰

۱- ۸۳. کتاب الغیبه، للنعمانی، ص ۲۳۵؛ اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۳، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹.

سخت گیری امام مهدی علیه السلام بر بنی امیه

شَدَّتْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَنِي أُمِّيَّةَ

۷ - قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكَ: مَرَّ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَلْقِهِ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ وَهُمْ جُلُوسٌ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَا وَاللَّهِ لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا وَمَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا.

فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ كَذَا وَكَذَا لَا يَبْلُغُونَ هَذَا. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَيَحْكُكَ إِنَّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَكَذَا

۷ - عبدالله بن شریک گوید: حسین علیه السلام بر جمعی از بنی امیه که به صورت دایره در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله نشسته بودند گذر کرد و به آنها فرمود:

آگاه باشید به خدا قسم دنیا به پایان نخواهد رسید تا آن که خداوند مردی را از نسل من برمی انگیزد که هزار نفر از شما را به قتل می رساند و هزار نفر دیگر را نیز به قتل می رساند و هزار نفر دیگر را بر آنها می افزاید.

عرض کردم: فدایت شوم اینها فرزندان فلان و فلان هستند و به عصر ظهور نمی رسند. امام علیه السلام فرمود:

در آن زمان از پشت هر مردی آن اندازه و آن اندازه مرد به وجود

رَجُلًا وَإِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. (۱)

مدت جنگ امام مهدی علیه السلام

مُدَّةُ جِهَادِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۸ - قَالَ عَيْسَى الْخَشَّابُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا وَلَكِنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتَوِّرُ بِأَبِيهِ، أَلْمَكَنِّي بِعَمِّهِ، يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ. (۲)

خواهد آمد و دوستدار هر قومی از آنها خواهد بود.

۸ - عیسی خشاب از امام حسین علیه السلام پرسید: تو صاحب الامر هستی؟ امام علیه السلام فرمود:

نه، صاحب این امر، آن دور شده خانه به دوشی است که به خون خواهی پدرش برمی خیزد، و با لقب عمویش خوانده می شود، و به مدت هشت ماه شمشیر بر دوش دارد.

ص: ۱۰۲

۱ - ۸۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴؛ الغیبه، للشیخ الطوسی، ص ۱۹۱؛ اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۰۵؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۳.

۲ - ۸۵. کمال الدین، ص ۳۱۸؛ الامامه و التبصره، ص ۱۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴؛ اثباه الهداه، ج ۷، ص ۱۳۸.

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام

مُدَّةُ حُكُومَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۹ - يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً وَأَشْهُرًا (۱)

۹ - مهدی علیه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت می کند.

ص: ۱۰۳

۱- ۸۶. عقدالدرر، ص ۲۳۹.

فصل هفتم: جایگاه شیعه

اشاره

ص: ۱۰۵

۱ - نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا عَلَى الْفِطْرَةِ الَّتِي بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْهَا بَرَاءً. (۱)

شیعه بر آیین ابراهیم است

الشَّيْعَةُ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام

۲ - مَا أَحَدٌ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا، وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْهَا

۱ - ما و شیعیانمان بر همان سرشت و طبیعتی هستیم که خداوند محمد صلی الله علیه و آله را بر آن آفرید و سایر مردم از آن طبیعت به دور هستند.

۲ - کسی جز ما و شیعیان ما بر آیین ابراهیم نیست و سایر مردم از این آیین

ص: ۱۰۶

۱- ۸۷. المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۷؛ الدعوات، للقطب الدین، ص ۶۶؛ رجال الکشی، ج ۱، ص ۳۳۱ و ۳۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

شیعه شهید است

الشَّيْعَةُ شَهِيدٌ

۳ - قَالَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

مَا مِنْ شَيْعَتِنَا إِلَّا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ.

قُلْتُ: أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ وَهُمْ يَمُوتُونَ عَلَى فُرْشِهِمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَا تَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ»؟ (۲) ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَمْ تَكُنْ

دور هستند.

۳ - زيد بن ارقم گوید: حسین بن علی علیه السلام فرمود:

کسی از شیعیان ما نیست مگر آن که نیکوکار و شهید است.

عرض کردم: چگونه همه آنها شهیدند در حالی که آنان در رختخواب خود می میرند؟ امام علیه السلام فرمود:

آیا کتاب خدا را نخوانده ای که می فرماید: «کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آوردند آنها از نیکان و شهیدان در نزد پروردگار خویشند» اگر شهادت جز برای کسی که با شمشیر کشته می شود نمی بود

ص: ۱۰۷

۱- ۸۸. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۸۸ ح ۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲- ۸۹. سوره الحديد، الآیه ۱۹.

الشَّهَادَةُ إِلَّا لِمَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ، لَأَقَلَّ اللَّهُ الشَّهَادَةَ. (۱)

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي نَقْلِ آخَرَ.

لَوْ كَانَ الشَّهَادَةُ لَيْسَ إِلَّا كَمَا تَقُولُ لَكَانَ الشَّهَادَةُ قَلِيلًا. (۲)

نجات شیعه از دست گمراهان

إِنْفَاذُ الشِّيْعَةِ مِنْ يَدِ الضَّالِّينَ

۴ - قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا لِرَجُلٍ:

أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ رَجُلٌ يَرُومُ قَتْلَ مَسْكِينٍ قَدْ ضَعُفَ، تَنْقِذُهُ مِنْ يَدِهِ، أَوْ نَاصِبٍ يُرِيدُ إِضْلَالَ مَسْكِينٍ مِنْ ضُعْفَاءِ شِيْعَتِنَا تَفْتَحُ عَلَيْهِ مَا

خداوند تعداد شهدا را به اندک رسانده بود.

و در نقل دیگری فرمود:

اگر شهدا جز آن گونه که تو می گویی نبودند (که شهید تنها کسی باشد که با شمشیر کشته شود) تعداد آنها بسیار کم بود.

۴ - حسین بن علی صلوات الله علیه به مردی فرمود:

کدام یک از این دو کار برای تو محبوب تر است؟ نجات آن مسکین ضعیفی که مردی می خواهد او را به قتل برساند و تو از دست او نجاتش می دهی یا نجات یکی از شیعیان ضعیف ما که یکی از دشمنانمان می خواهد او را گمراه سازد و تو راه بسته را بر او می گشایی و دلایلی را به

ص: ۱۰۸

۱- ۹۰. المحاسن، ج ۱، ص ۱۶۳؛ الدعوات، ص ۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۷۳؛ مشکاه الانوار، ص ۱۶۸.

۲- ۹۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۳؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۶۴؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۰.

يُمْتَنَعُ بِهِ وَيُفْحِمُهُ وَيَكْسِرُهُ بِحُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى

بَلْ إِنْقَاذُ هَذَا الْمِسْكِينِ الْمُؤْمِنِ مِنْ يَدِ هَذَا النَّاصِبِ. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» (١)

أَيُّ وَمَنْ أَحْيَاهَا وَ أَرَشَدَهَا مِنْ كُفْرٍ إِلَى إِيْمَانٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقْتُلَهُمْ بِسُيُوفِ الْحَدِيدِ. (٢)

دستگیری علمی از شیعیان

مُؤَاسَاةٌ عِلْمِيَّةٌ لِلشَّيْعَةِ

٥ - مَنْ كَفَّلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعْتُهُ عَنَّا غَيْبَتُنَا وَ اسْتِتَارُنَا فَوَاسَاةٌ مِنْ عُلُومِنَا

او می آموزی تا آن مرد گمراه کننده را درمانده کرده و با حجت های الهی درهم شکنند؟

آری نجات این مؤمن ضعیف از دست آن ناصبی (دشمن اهل بیت) بهتر است. خدای تعالی می فرماید: «کسی که نفسی را زنده کند گویا همه مردم را زنده کرده است.»

یعنی کسی که فردی را زنده کند و از کفر به ایمان هدایت نماید گویا همه مردم را پیش از آن که به شمشیر کشته شوند زنده کرده است.

٥ - کسی که یتیمی (شیعه ای) را که غیبت و پنهانی ما او را از ما جدا کرده است دستگیری فکری کند و با علومی که از ما به او رسیده است وی را

ص: ١٠٩

١- ٩٢. سورة المائدة، الآية ٣٣.

٢- ٩٣. بحار الانوار، ج ٢، ص ٩؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ٣٤٨.

الَّتِي سَقَطَتْ إِلَيْهِ حَتَّى أَرْشَدَهُ وَهَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

«يَا أَيُّهَا الْعَبِيدُ الْكَرِيمُ الْمُوَاسِي! إِنِّي أَوْلَىٰ بِهَذَا الْكَرَمِ، اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَانِ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ عَلَّمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قَصِيرٍ، وَ أَضَيْفُوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النَّعْمِ. (۱)»

شیعه کیست؟

مَنْ الشَّيْعَةُ؟

۶ - قَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمْ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَدْعَيْنِ شَيْئًا يَقُولُ اللَّهُ لَكَ كَذِبْتَ وَفَجَرْتَ فِي دَعْوَاكَ،

یاری دهد تا او را هدایت کند خداوند به او می فرماید:

«ای بنده بزرگوار و یاری دهنده! من به این بزرگواری سزاوارترم، همان ای فرشته های من! برای هر حرفی که به او آموخت هزارهزار قصر برای او در بهشت قرار دهید و از سایر نعمت ها که لایق آن است بر آن بیفزایید.

۶ - مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! من از شیعیان شما هستم. امام علیه السلام فرمود:

از خدا بترس و ادعایی نکن که خداوند بگوید دروغ گفتی و در

ص: ۱۱۰

۱- ۹۴. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۸۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۹ بتفاوت یسیر؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۴۱؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۸ بتفاوت یسیر.

إِنَّ شَيْعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ، وَ لَكِنْ قُلْنَا أَنَا مِنْ مُوَالِيكُمْ وَ مُحِيطِيكُمْ. (۱)

پاداش شیعه

أَجْرُ الشَّيْعَةِ

۷- إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ تَاجٌ نُبُوهُ، قُدَامُهُ سَبْعِينَ مَلَكًا يَنْسَاقُ سَوْقًا إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ، فَيُقَالُ لَهُ: أُدْخِلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (۲)

۷- روز قیامت مردی از شیعیان ما می آید که تاج بنوت بر سر اوست و در پیش روی او هفتاد فرشته به دنبال هم تا درب بهشت حرکت می کنند، آن گاه به او گفته می شود: بدون حساب روز قیامت وارد بهشت شو.

نقش دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله

دَوْرُ حُبِّ الْعِتْرَةِ

۸- مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلَى نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ادعای خود به گناه افتادی. همانا شیعیان ما کسانی هستند که قلب های آنان از هر فریب و ناپاکی و خیانت پاک باشد. اما تو بگو من از دوستان و دوستاناران شما هستم.

۸- کسی که ما را به خاطر خدا دوست بدارد ما و او این گونه بر پیامبران

ص: ۱۱۱

۱- ۹۵. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۶؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۰۹.

۲- ۹۶. الاصول الستة عشر، ص ۸۰.

هَكَذَا (وَضَمَّ إِضْبَعِيهِ) وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْعُ الْبُرَّ وَ الْفَاجِرَ. (۱)

۹ - مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا يُجِبُّهُ الْبُرُّ وَ الْفَاجِرُ، وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ (وَ أَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَ الْوُسْطَى) (۲)

۹ - کسی که ما را به خاطر دنیا دوست داشته باشد البته انسان های خوب و بد، دارنده دنیا را دوست دارند و کسی که به خاطر خدا ما را دوست بدارد، ما و او در روز قیامت مثل این دو انگشت کنار هم خواهیم بود (و به دو انگشت نشانه و میانه خود اشاره کرد).

۱۰ - مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ حُبُّنَا، وَلَوْ كَانَ فِي جَبَلِ الدِّيْلَمِ، وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُسَاقِطُ عَن

وارد می شویم (و دو انگشت خود را کنار هم قرار داد) و کسی که ما را به خاطر دنیا دوست بدارد، دنیا بر خوب و بد گسترش می یابد.

۱۰ - کسی که ما را برای خدا دوست داشته باشد دوستی ما به او سود می رساند اگر چه در کوه دیلم باشد. و کسی که به خاطر غیر خدا به ما محبت ورزد خدا آنچه بخواهد با او انجام می دهد. به راستی که دوستی ما اهل بیت گناهان را از بندگان فرو می ریزد همان گونه که باد برگ ها را از

ص: ۱۱۲

۱- ۹۷. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۸۴ و ۸۵؛ الامالی للشيخ الطوسي، ص ۲۵۳؛ الامالی لابن الشيخ، ص ۱۵۹.
۲- ۹۸. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۴۴۴؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۲۶؛ ترجمه الحسين عليه السلام، ص ۲۲۷.

۱۱ - مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا، وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَنَا. إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ تُسَاقِطُ عَنِ الْعَبِيدِ الذُّنُوبَ كَمَا تُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ. (۲)

۱۱ - کسی که ما را به خاطر خدا دوست داشته باشد خداوند به او سود رساند و کسی که ما را به خاطر غیر خدا (دنیا) دوست داشته باشد خداوند برای ماست. دوستی ما خاندان گناهان را از بندگان فرو می ریزد همان گونه که باد برگ ها را از درختان فرو می ریزد.

۱۲ - مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَ نَصَرَ رَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ لَمْ يَنْصُرْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ دُونَ ذَلِكَ بِمَنْزِلِهِ، وَ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، وَ مَنْ أَبْغَضَنَا

درختان فرو می ریزد.

۱۲ - کسی که با قلبش ما را دوست داشته باشد و با زبان و دستش یاری رساند روز قیامت در رفیق اعلی (محل انبیا و اولیاء) با ماست و کسی که ما را با قلبش دوست بدارد اما با زبان و دستش یاری ندهد، در بهشت با درجه ای پایین تر از مقام رفیق اعلی با ما خواهد بود. و کسی که با قلب خود به ما کینه ورزد و با دست و زبانش دشمنی کند در پایین ترین طبقه از

ص: ۱۱۳

۱- ۹۹. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۱۶؛ بشاره المصطفی، ص ۱۹؛ شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- ۱۰۰. کتاب الاربعین، ص ۴۷۲؛ احقاق الحق، ج ۹، ص ۴۱۷؛ ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۳۷۵ بتفاوت یسیر.

بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ فَوْقَ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ (۱).

۱۳ - وَ اللَّهُ! الْبَلَاءُ وَ الْفَقْرُ وَ الْقَتْلُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ أَحَبَّنَا مِنْ رَكْضِ الْبَرَّازِينَ وَ مِنَ السَّيْلِ إِلَى صَمْرِهِ (۲).

۱۳ - به خدا سوگند بلاها و فقر و کشته شدن به سوی دوستداران ما شتابنده تر از دویدن اسب های مسابقاتی و حرکت سیل به سوی محل پایانی آن است.

۱۴ - قَالَ قَيْسُ بْنُ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ: خَرَجْتُ أَنَا وَ أَخِي عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ غَالِبٍ وَ زُرْبُنُ جَيْشٍ وَ هَانِيُّ بْنُ عُرْوَةَ، وَ عِبَادَةُ بْنُ رَبِيعٍ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ قَوْمِنَا حَتَّىٰ إِنْتَهَيْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَأَتَيْنَا مَنْزِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَخَلْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ:

آتش است. و کسی که با قلبش با ما کینه ورزد و با زبانش دشمنی کند اما با دست و عمل خود مخالفت نکند در درجه ای بالاتر از آن خواهد بود.

۱۴ - قیس بن غالب اسدی گوید: من و برادرم و عبدالله بن غالب و زرین جیش و هانی بن عروه و عباد بن ربیع با گروهی از قوم خود از محل خویش خارج شدیم تا به مدینه رسیدیم. آن گاه به خانه حسین بن علی علیه السلام آمدیم و بر او وارد شدیم. حضرت فرمود:

ص: ۱۱۴

۱- ۱۰۱. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۸.

۲- ۱۰۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۶، ح ۸۵؛ کتاب المؤمن، ص ۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۱؛ مشکاه الانوار، ص ۵۰۶.

ما أَقَدَمُكُمْ هَذَا الْبَلَدِ فِي غَيْرِ حَجٍّ وَلَا عُمْرَةٍ؟

قُلْنَا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَفَدَّ النَّاسُ عَلَى يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ فَأَحْبَبْنَا أَنْ وَفَادَتَنَا عَلَيْكَ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ؟ قُلْنَا: وَاللَّهِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أُبَشِّرُوا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - ثُمَّ قَالَ: أَتَأْذِنُونِي لِي أَنْ أَقُومَ؟

قُلْنَا: نَعَمْ. فَقَامَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَعَادَ إِلَيْنَا. فَقَالَ ابْنُ رَبِيعٍ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنَّ الْحَوَارِيَّةَ كَانَتْ لَهُمْ عِلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا. فَهَلْ لَكُمْ عِلَامَاتٌ تُعْرَفُونَ بِهَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ:

يَا عِبَادَهُ! نَحْنُ عِلَامَاتُ الْإِيمَانِ فِي بَيْتِ الْإِيمَانِ، مَنْ أَحَبَّنَا أَحَبَّهُ اللَّهُ وَنَفَعَهُ إِيْمَانُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ،

چه چیز شما را به این شهر کشاند بدون آن که بخواهید حج و عمره ای انجام دهید؟

گفتیم: ای فرزند رسول خدا! مردم بر یزیدین معاویه وارد شدند و ما دوست داشتیم که بر شما وارد شویم. امام علیه السلام فرمود:

شما را به خدا! گفتیم به خدا قسم. سه مرتبه فرمود:

بشارت باد شما را (و آن گاه فرمود): اجازه می دهید برخیزم؟

پاسخ دادیم: آری. پس برخاست، وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد و به سوی ما بازگشت. عبادۀ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! خاندان پیامبران نشانه هایی داشتند که به آن شناخته می شدند. آیا شما نشانه هایی دارید که شناخته شوید؟ فرمود:

ای عبادۀ! ما نشانه های ایمان در خانه ایمان هستیم. هر کسی ما را دوست بدارد، خداوند او را دوست می دارد و ایمانش در روز قیامت برای او سودمند خواهد بود و عملش از او پذیرفته می شود.

وَمَنْ أَنْغَضْنَا أَنْغَضَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَنْفَعَهُ إِيمَانُهُ وَ لَمْ يَتَّقِبَلْ عَمَلُهُ.

قَالَ: فَقُلْتُ: وَ إِنْ دَابَّ وَ نَصَبَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

نَعَمْ! وَصَامَ وَصَلَّى

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا عِبَادَهُ! نَحْنُ يَنْابِغُ الْحِكْمَةِ وَ بِنَا جَرَتِ التُّبُوهُ وَ بِنَا يُفْتَحُ وَ بِنَا يُحْتَمُّ لَا بَغَيْرِنَا. (۱)

و کسی که با ما دشمنی کند خداوند با او دشمنی می کند و ایمانش برای او سودی ندارد و عملش پذیرفته نیست.

عرض کردم اگر چه در رنج و زحمت افتد؟ فرمود:

بله و اگر چه روزه گیرد و نماز گزارد. آن گاه فرمود: ای عباد! ما چشمه های حکمیتیم، به وسیله ما نبوت جریان پیدا کرد و به وسیله ما آغاز می شود و به ما خاتمه می یابد نه به غیر از ما.

ص: ۱۱۶

فصل هشتم: مرگ و قیامت

اشاره

ص: ۱۱۷

وَصَفُ الْقَبْرِ

۱ - نَظَرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْقُبُورِ وَقَالَ:

مَا أَحْسَنَ ظَوَاهِرَهَا وَ إِنَّمَا الدَّوَاهِي فِي بُطُونِهَا.

فَاللَّهُ! اللَّهُ! عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَشْتَغَلُوا بِالدُّنْيَا. فَإِنَّ الْقَبْرَ بَيْتُ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَلَا تَغْفُلُوا. - وَ أَنْشَدَ: -

يَا مَنْ بِدُنْيَاهُ اشْتَغَلَ

وَعَزَّهُ طُولُ الْأَمَلِ

۱ - امام حسین علیه السلام به قبرها نگاه کرد و فرمود:

چه ظاهر زیبایی دارند در حالی که سختی و دشواری درون آنهاست.

پس خدا را، خدا را به یاد داشته باشید. ای بندگان خدا! به دنیا مشغول نشوید، به راستی که قبر خانه عمل است، پس عمل

کنید و غفلت نورزید - آن گاه این اشعار را سرود:

ای کسی که به دنیای خود مشغول شده است و آرزوهای دراز او را فریفته است.

الْمَوْتُ يَأْتِي بَعْتَهُ

وَالْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ (۱)

یاد مرگ

ذِكْرُ الْمَوْتِ

۲ - يَا بَنَ آدَمَ! تَفَكَّرْ وَ قُلْ:

أَيْنَ مَلُوكُ الدُّنْيَا وَ أَرْبَابُهَا، الَّذِينَ عَمَّرُوا خَرَابَهَا، وَ اخْتَفَرُوا أَنْهَارَهَا، وَ عَرَسُوا أَشْجَارَهَا، وَ مَدَّنُوا مَدَائِنَهَا. فَارْقُوهَا وَ هُمْ كَارِهُونَ، وَ وَرَثَهَا قَوْمٌ آخَرُونَ، وَ نَحْنُ بِهِمْ عَمَّا قَلِيلٍ لَاحِقُونَ؟

يَا بَنَ آدَمَ! أَذْكَرُ مَضْرَعَكَ، وَ فِي قَبْرِكَ مَضْجَعَكَ، وَ مَوْقِفَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى يَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ.

مرگ به طور ناگهانی می آید و قبر صندوق عمل است.

۲ - ای فرزند آدم! اندیشه کن و بگو!

کجا هستند پادشاهان و صاحبان دنیا؟ کسانی که ویرانه های آن را آباد و نهرهای آن را حفر کردند، درختان آن را کاشتند و شهرهای آن را بنا گذاردند و از آن جدا شدند در حالی که ناراحت بودند و گروهی دیگر آن را به ارث بردند و ما هم به زودی به آنها خواهیم پیوست.

ای فرزند آدم! مرگ خود را به یاد آور و بر پهلو خوابیدن در قبر و ایستادن در برابر خدا در روز قیامت را به یاد داشته باش. روزی که قدم ها در آن می لرزد و اعضای بدنت بر علیه تو گواهی می دهند.

ص: ۱۱۹

وَتَبْلُغُ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَ تَبْيَضُ وُجُوهُ وَ تَسْوَدُ وُجُوهُ، وَ تَبْدَى السَّرَائِرُ وَ يُوضَعُ الْمِيزَانُ لِلْقِسْطِ. يَا بَنَ آدَمَ! أَذْكَرُ مَصَارِعَ آبَائِكَ
كَيْفَ كَانُوا وَ حَيْثُ حَلُّوا، وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ - وَأَنْشَدَ:

أَيْنَ الْمُلُوكِ الَّتِي عَنْ حَظِّهَا غَفَلْتُ

حَتَّى سَقَاها بِكَأْسِ الْمَوْتِ سَاقِيها

تِلْكَ الْمَدَائِنُ فِي الْأَفَاقِ خَالِيَةً

عَادَتْ خَرَابًا وَ ذَاقَ الْمَوْتَ بَانِيها

أَمْوَالُنَا لِذَوِي الْوَارِثِ نَجْمَعُها

وَدُورُنَا لِخَرَابِ الدَّهْرِ نَبْنِيها. (۱)

و جان ها به گلو می رسد. در آن روز چهره های بعضی سفید و چهره های بعضی سیاه می شود و درون انسان ها آشکار می گردد و میزان الهی برای اجرای عدالت نصب می شود.

ای فرزند آدم! مرگ پدران را به یاد آور که چگونه بودند و به کجا رفتند و گویا تو به زودی به جایگاه آنها وارد خواهی شد. آن گاه این اشعار را سرود:

کجا هستند پادشاهان که از لذت های دنیا در غفلت فرو رفتند تا این که ساقی مرگ جام مرگ را به آنها نوشاند.

این شهرهایی که در روزگاران گذشته بنا گردید خراب شدند و سازندگان آنها جام مرگ چشیدند.

ما اموال خود را برای وارثانمان جمع می کنیم و خانه های خویش را برای خراب کردن آنها به دست روزگار بنا می نهیم.

ص: ۱۲۰

۳ - لَوْ عَقَلَ النَّاسُ وَ تَصَوَّرُوا الْمَوْتَ بِصُورَتِهِ لَخَرَبَتِ الدُّنْيَا. (۱)

۳ - اگر مردم می اندیشیدند و مرگ را به صورت حقیقی آن در نظر می آوردند دنیا (از فرط بی رغبتی مردم به آن) ویران می شد.

مرگ موجودات جهان

مَوْتُ أَشْيَاءِ الْعَالَمِ

۴ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ عَاشُورَاءِ لِأُخْتِهِ زَيْنَبَ.

إِعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ، وَأَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ، وَأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ وَ يُعَوِّدُونَ وَ هُوَ فَزْدٌ وَحْدَهُ، وَ أَبِي خَيْرٌ مِنِّي، وَ أُمِّي خَيْرٌ مِنِّي، وَ

۴ - امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به خواهرش زینب علیها السلام فرمود:

بدان که همه اهل زمین می میرند و اهل آسمان هم باقی نخواهند ماند و هر چیزی جز خداوند از بین می رود، خدایی که خلق را به قدرت خود آفرید. و آنها را برمی انگیزد و بر او وارد می شوند در حالی که تنها و یکتاست. پدر و مادر و برادرم از من بهتر بودند (و همه آنها به عالم دیگر

ص: ۱۲۱

أَخِي خَيْرٌ مِنِّي، وَلِيَّ وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ. (۱)

تفسیر مرگ

تفسیر الموت

۵ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ بِكَرْبَلَا:

صَبْرًا يَا بَنِي الْكِرَامِ! فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ. فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ؟ وَ مَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَ عَذَابٍ.

إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

رفتند) و من و هر مسلمان دیگر باید از رسول خداصلی الله علیه و آله پیروی کند.

۵ - امام حسین علیه السلام به اصحاب خود در کربلا فرمود:

ای فرزندان شرف و بزرگواری! شکبیا باشید که مرگ جز پلی نیست که شما را از رنج و سختی به باغ های بزرگ و نعمت های جاودان عبور می دهد. کدام یک از شما دوست ندارد از زندانی به قصری منتقل گردد؟ اما دشمن شما که می میرد مانند کسی است که از قصری به زندان و شکنجه گاه منتقل شود.

پدرم از رسول خداصلی الله علیه و آله برای من روایت کرد که فرمود:

ص: ۱۲۲

«إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَإِ إِلَى جَنَانِهِمْ وَجِسْرٌ هُوَ لَإِ إِلَى جَحِيمِهِمْ. مَا كَذَّبْتُ وَلَا كَذَّبْتُ. (۱)»

توصیف مرگ و آثار آن

وَصَفُ الْمَوْتِ وَآثَارُهُ

۶ - أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاحْذَرُوا أَيَّامَهُ وَأَرْفَعُوا لَكُمْ أَعْلَامَهُ. فَكَأَنَّ الْمَخُوفَ قَدْ أُفِدَ بِمَهْوَلٍ وَرُودِهِ، وَنَكِيرٍ حُلُولِهِ، وَبَشَعِ مَذَاقِهِ، فَاعْتَلَقَ مَهَجَكُمْ وَحَالَ بَيْنَ الْعَمَلِ وَبَيْنَكُمْ، فَبَادِرُوا بِصِحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مُدَّةِ الْأَعْمَارِ.

«دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پل اهل ایمان به بهشتشان و پل کافران به جهنمشان می باشد. نه دروغ به من گفته شده و نه دروغ می گویم.»

۶ - شما را به پرهیزکاری سفارش می کنم و از روز حساب بر حذر می دارم و نشانه هایش را برای شما بیان می کنم. گویا آنچه ترسناک است با ورودی هولناک و مقدمی ناآشنا و مزه ای ناگوار نزدیک شده است و به جان های شما دست انداخته و میان شما و اعمالتان حائل گردیده است. پس با سلامتی جسمانی که در مدت عمر خود دارید در انجام عمل بکوشید.

ص: ۱۲۳

كَأَنَّكُمْ بِيَعْتَاتِ طَوَارِقِهِ فَتَنُّكُمْ مِنْ ظَهْرِ الْأَرْضِ إِلَى بَطْنِهَا، وَ مِنْ عَلْوِهَا إِلَى سَفْلِهَا وَ مِنْ أَنْسِهَا إِلَى وَحْشَتِهَا وَ مِنْ رَوْحِهَا وَضُؤِهَا إِلَى ظَلَمَتِهَا وَ مِنْ سَعَتِهَا إِلَى ضَيْقِهَا، حَيْثُ لَا يُزَارُ حَمِيمٌ، وَلَا يُعَادُ سَقِيمٌ، وَلَا يُجَابُ صَرِيحٌ.

أَعَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ عَلَى أَهْوَالِ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَ نَجَانَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ عِقَابِهِ، وَ أَوْجَبَ لَنَا وَ لَكُمْ الْجَزِيلَ مِنْ ثَوَابِهِ.

عِبَادَ اللَّهِ! فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ قَصِيرَ مَرَمَاتِكُمْ وَ مَدَى مَطْعِنِكُمْ كَانَ حَسْبُ الْعَامِلِ شُغْلًا يَشْتَفِرُّ عَلَيْهِ أَحْزَانُهُ، وَ يُذْهِلُهُ عَنْ دُنْيَاهُ وَ يَكْثُرُ نَصَبُهُ لِطَلَبِ الْخَلَاصِ مِنْهُ.

گویا مرگ به طور ناگهانی شما را در کام خود می گیرد و از پشت زمین به درون آن و از بلندی به گودی آن منتقل می کند، و از انس آن به وحشی که دارد و از آسایش و روشنی اش به تاریکی و از وسعتش به تنگنایش انتقال می دهد. آنجا که نه خویشاوندی ملاقات شود و نه بیماری عیادت گردد و نه به فریاد کسی جواب داده شود.

خداوند ما و شما را بر هراس های این روز یاری دهد و از عذاب آن نجات بخشد و اجر بزرگی برای ما و شما قرار دهد.

ای بندگان خدا! اگر این دنیا پایان زندگی و منتهای کوچ شما باشد سزاوار است انسان در آن به کاری مشغول گردد که غم و اندوهش را ببرد و او را از دنیا به کناری کشد و برای خلاص از آن زحمت خود را زیاد کند.

فَكَيْفَ وَهُوَ بَعِيدٌ ذَلِكُمْ مُرْتَهَنٌ بِاِكْتِسَابِهِ، مُسْتَوْقِفٌ عَلَى حِسَابِهِ، لَاوَزِيرَ لَهُ يَمْنَعُهُ، وَ لَا ظَهِيرَ عَنْهُ يَدْفَعُهُ، وَ «يَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مَنَّظِرُونَ» (۱)

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ! فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ أَنْ يُحَوَّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ، وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.

فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ دُنُوبِهِمْ، وَ يَأْمَنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَخْدَعُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لَا

پس چگونه چنین عمل نکند در حالی که پس از این جهان در گرو اعمال خویش است و او را به پای حساب می برند و نه یآوری دارد که او را از سختی ها دور بدارد و نه پشتیبانی دارد که از او دفاع کند. «در این روز ایمان کسی که از قبل در دنیا مؤمن نشده و یا خیری در ایمان خود کسب نکرده است سودی ندارد. بگو شما در انتظار باشید ما هم منتظریم.»

شما را به پرهیزکاری سفارش کنم زیرا خداوند ضمانت کرده است که هر کس تقوا پیشه کند او را از وضعی که خوش ندارد به وضعی که دوست دارد برساند و از جایی که گمان آن را نمی برد به او روزی رساند.

پس مبادا از زمره کسانی باشی که بر گناه بندگان ترسان است و از عذاب گناه خود آسوده خاطر می باشد. به راستی که خدای متعال در وارد کردن مردم به بهشتش فریب نمی خورد و آنچه از نعمت های بهشتی نزد

ص: ۱۲۵

يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (١)

اوست جز با طاعت به دست نمی آید.

ص: ١٢٦

١- ١١٠. بحار الانوار، ج ٧٨، ص ١٢٠ و ١٢١؛ تحف العقول، ص ٢٤؛ الانوار البهيه، ص ١٠١.

فصل نهم: عبادت

اشاره

ص: ۱۲۷

۱ - إِنَّ قَوْمًا عَيَّبُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَّكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَيَّبُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ. (۱)

۱ - گروهی خدا را به خاطر علاقه به بهشت می پرستند که این عبادت تاجران است و گروهی خدا را از ترس جهنم می پرستند که این پرستش بردگان است و گروهی خدا را از روی شکر و سپاس می پرستند که این عبادت آزادگان است و بهترین نوع بندگی است.

پاداش خواندن قرآن

۲ - قَالَ بَشْرُ بْنُ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ: قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۲ - بشر بن غالب گوید: امام حسین علیه السلام فرمود:

ص: ۱۲۸

۱- ۱۱۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۵؛ تحف العقول، ص ۲۴۶؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰.

مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةٌ حَسَنَةٍ، فَإِنْ قَرَأَهَا فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرًا.
فَإِنْ اسْتَمَعَ الْقُرْآنَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ حَسَنَةٌ، وَإِنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ لَيْلًا صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُصْبِحَ، وَإِنْ خَتَمَهُ نَهَارًا صَلَّتْ عَلَيْهِ
الْحَفَظَةُ حَتَّى يُمَسِيَ وَكَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ وَكَانَ خَيْرًا لَهُ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

قُلْتُ: هَذَا لِمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، فَمَنْ لَمْ يَقْرَأْهُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا أَخَا بَنِي أَسَدٍ! إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ مَاجِدٌ كَرِيمٌ، إِذَا قَرَأَ مَا مَعَهُ أَعْطَاهُ

کسی که آیه ای از کتاب خدا را در نماز خود در حال ایستاده بخواند برای هر حرفی از آن صد پاداش نیکو برای او نوشته می شود و اگر در غیر نماز بخواند خداوند خداوند برای هر حرفی از آن ده پاداش برای او می نویسد.

اگر قرآن را بشنود برای هر حرفی یک پاداش نیکو برای او خواهد بود و اگر در شب قرآن را ختم کند فرشته ها تا صبح بر او درود می فرستند و اگر در روز آن را ختم کند فرشته های حافظ اعمال تا شب بر او درود می فرستند و یک دعای مستجاب هم خواهد داشت و این برای او از آنچه میان زمین و آسمان وجود دارد بهتر است.

عرض کردم این ثواب برای کسی است که همه قرآن را بخواند اما کسی که همه آن را نخواند چه پاداشی دارد؟

امام علیه السلام فرمود:

ای برادرِ اسدی! خدا بخشنده، بزرگوار و سخی است اگر کسی قرآن

آمین گویی به دعای مؤمنین

الْتَّامِينَ لِدُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

۳ - الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، لَمْ يَمْنَعُهُ مِنْهُدُ فَتَحَهُ. وَإِنَّ مَا بَيْنَ هَذَيْنِ الرُّكْنَيْنِ - الْأَسْوَدِ وَالْيَمَانِيِّ - مَلَكٌ يُدْعَى هَجِيرٌ يُؤْمِنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ. (۲)

۳ - رکن یمانی دری از درهای بهشت است. از روزی که خداوند آن را گشوده، بر روی بندگانش نبسته است. میان حجرالاسود و رکن یمانی فرشته ای است که به آن هجیر گویند و به دعای مؤمنین آمین می گوید.

اهمیت پیامبر صلی الله علیه وآله به نماز خانواده اش

إِهْتِمَامُ النَّبِيِّ بِصَلَاةِ عِثْرَتِهِ

۴ - كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْتِي كُلَّ يَوْمٍ بَابَ فَاطِمَةَ عِنْدَ الصَّلَاةِ الْفَجْرِ فَيَقُولُ: «الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ» «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

را به اندازه ای که در امکان دارد بخواند خداوند به همین اندازه به او پاداش می دهد.

۴ - پیامبر صلی الله علیه وآله هر روز به هنگام نماز صبح به منزل فاطمه می آمد و می فرمود: «نماز ای خانواده نبوت» خدا می خواهد آلودگی را از شما

ص: ۱۳۰

۱- ۱۱۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۱؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۱.

۲- ۱۱۳. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۵۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۹۱.

لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۱) تِسْعَةَ أَشْهُرٍ بَعْدَ مَا نَزَلَتْ «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطِرَابِ عَلَيْهَا» (۲) و (۳)

آثار بندگی

آثارُ العِبَادَةِ

۵ - مَنْ عَبَدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَ كِفَايَتِهِ. (۴)

۵ - کسی که خدا را به شایستگی پرستد خداوند بیش از امید و نیازش به او خواهد داد.

معنای صدای حیوانات

مَعْنَى صَوْتِ الْحَيَوَانَاتِ

۶ - سُئِلَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَالِ صِغَرِهِ عَنْ أَصْوَاتِ الْحَيَوَانَاتِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا صَاحَ النَّسْرُ فَإِنَّهُ يَقُولُ.

خانواده بزدايد و شما را پاک گرداند» این اعلام نماز را به مدت نه ماه پس از نزول آیه «خانواده ات را به نماز امر کن و خود بر آن شکیبای باش» ادامه داد.

۶ - از امام حسین علیه السلام که در حال خردسالی به سر می برد سؤال شد، صدای حیوانات چه معنایی دارد؟ حضرت فرمود:

وقتی کرکس می خواند می گوید:

ص: ۱۳۱

۱- ۱۱۴. سوره الاحزاب، الآیه ۳۳ .

۲- ۱۱۵. سوره طه، الآیه ۱۳۲ .

۳- ۱۱۶. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۵۹ .

۴- ۱۱۷. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۲۷؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴، ح ۴۴ .

يَا بَنِي آدَمَ! عِشْ مَا شِئْتَ فَأَخِرْهُ الْمَوْتُ.

وَ إِذَا صَاحَ الْبَازِيُّ يَقُولُ:

يَا عَالِمِ الْخَفِيَّاتِ وَ يَا كَاشِفَ الْبَلِيَّاتِ!

وَ إِذَا صَاحَ الطَّائِوُسُ يَقُولُ:

مَوْلَايَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَزْتُ بِزَيْتِي فَأَغْفِرْ لِي.

وَ إِذَا صَاحَ الدَّرَاجُ يَقُولُ:

أَلرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى

وَ إِذَا صَاحَ الدَّيْكُ يَقُولُ:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَهُ.

وَ إِذَا قَرَقَرَتِ الدُّجَاجَةُ تَقُولُ:

ای فرزند آدم! هر چه می خواهی زندگی کن که پایان آن مرگ است.

وقتی باز می خواند می گوید:

ای آگاه به امور پنهانی و ای بر طرف کننده سختی ها!

وقتی طاووس می خواند می گوید:

مولای من! به نفس خود ستم کردم و به زیبایی خود فریفته شدم، مرا ببخش.

وقتی دراج (پرنده ای شبیه کبک) می خواند می گوید:

خدای مهربان بر عرش مسلط است.

وقتی خروس می خواند می گوید:

کسی که خدا را بشناسد ذکر او را فراموش نمی کند.

وقتی مرغ قُدُقْدُ می کند می گوید:

يَا إِلَهَ الْحَقِّ! أَنْتَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ يَا اللَّهُ يَا حَقُّ.

وَ إِذَا صَاحَ الْبَاشِقُ يَقُولُ:

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَ إِذَا صَاحَتِ الْحِدَاءُ تَقُولُ:

تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ تَرْزُقْ.

وَ إِذَا صَاحَ الْعُقَابُ يَقُولُ:

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ لَمْ يَشُقْ.

وَ إِذَا صَاحَ الشَّاهِينُ يَقُولُ:

سُبْحَانَ اللَّهِ حَقًّا حَقًّا.

وَ إِذَا صَاحَتِ الْبُؤْمَةُ تَقُولُ:

ای خدای برحق! تو حقی و گفته ات حق امت ای خدا و ای حق.

وقتی قرقی می خواند می گوید.

به خدا و روز قیامت ایمان آوردم.

وقتی زغن (نوعی پرنده) می خواند می گوید:

به خدا توکل کن روزی داده می شوی.

وقتی عقاب می خواند می گوید:

کسی که از خدا اطاعت کند بدبخت نمی شود.

وقتی شاهین می خواند می گوید:

به درستی، به درستی منزه است خداوند.

وقتی جغد می خواند می گوید:

أَلْبُعْدُ مِنَ النَّاسِ أَنْسٌ.

وَإِذَا صَاحَ الْعُرَابُ يَقُولُ:

يَا رَازِقُ ابْعَثِ الرِّزْقَ الْحَلَالَ.

وَإِذَا صَاحَ الْكُرْكِيُّ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ عَدُوِّي.

وَإِذَا صَاحَ اللَّقْلُقُ يَقُولُ:

مَنْ تَخَلَّى عَنِ النَّاسِ نَجَى مِنْ أَذَاهُمْ.

وَإِذَا صَاحَ الْبَطَّةُ يَقُولُ:

غَفْرَانِكَ يَا اللَّهُ.

وَإِذَا صَاحَ الْهُدْهُدُ يَقُولُ:

دوری از مردم انس با خداست.

وقتی کلاغ می خواند می گوید:

ای روزی دهنده! روزی حلال بفرست.

وقتی دُرْنَا (پرنده ای حلال گوشت شبیه لک لک) می خواند می گوید:

خدایا مرا از شر دشمنم حفظ کن.

وقتی لک لک می خواند می گوید:

کسی که از مردم بگریزد از آزار آنها نجات یابد.

وقتی مرغابی می خواند می گوید:

خواستار بخشش تو هستم ای خدا.

وقتی هدهد می خواند می گوید:

مَا أَشْقَى مَنْ عَصَى اللَّهَ.

وَ إِذَا صَاحَ الْقُمْرِيُّ يَقُولُ:

يَا عَالِمَ السِّرِّ وَ النَّجْوَى يَا أَلَّهَ.

وَ إِذَا صَاحَ الدُّبْسِيُّ يَقُولُ:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا أَلَّهَ.

وَ إِذَا صَاحَ الْعُقُقُ يَقُولُ:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَهُ.

وَ إِذَا صَاحَ الْبُبْغَاءُ يَقُولُ.

مَنْ ذَكَرَ رَبَّهُ غَفَرَ ذَنْبَهُ.

وَ إِذَا صَاحَ الْعُصْفُورُ يَقُولُ:

چه اندازه بدبخت است کسی که معصیت خدا می کند.

وقتی قمری می خواند می گوید:

ای آگاه به سرّ و راز! ای خدا!

وقتی دُبسی (مرغی مایل به سیاهی) می خواند می گوید:

تو خدایی و خدایی جز تو نمی باشد ای خدا!

وقتی کلاژ (پرنده ای شبیه کلاغ) می خواند می گوید:

منزه است خدایی که هیچ امر پوشیده ای بر او پنهان نیست.

وقتی طوطی می خواند می گوید:

کسی که پروردگارش را یاد کند گناه او را می بخشاید.

وقتی گنجشک می خواند می گوید.

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا يَسْخَطُ اللَّهَ.

وَ إِذَا صَاحَ الْبُلْبُلُ يَقُولُ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا.

وَ إِذَا صَاحَ الْقَبَبْجَةُ يَقُولُ:

قَرَّبَ الْحَقَّ قَرَّبًا.

وَ إِذَا صَاحَتِ السَّمَانَاتُ تَقُولُ:

يَا بَنَ آدَمَ مَا أَغْفَلَكَ عَنِ الْمَوْتِ؟

وَ إِذَا صَاحَ السُّوَدَّ نِيقُ يَقُولُ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ وَ آلُهُ خَيْرُهُ اللَّهُ.

وَ إِذَا صَاحَتِ الْفَاخْتَةُ تَقُولُ:

طلب مغفرت می کنم از آنچه خدا را به خشم می آورد.

وقتی بلبل می خواند می گوید.

به درستی، به درستی خدایی جز خدای یگانه نیست.

وقتی کبک می خواند می گوید:

به حق نزدیک شو، نزدیک شو.

وقتی بلدرچین می خواند می گوید:

ای فرزند آدم! چه چیز تو را از مرگ غافل کرده است؟

وقتی چَرُغ (مرغی شکاری) می خواند می گوید:

خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد و آل او برگزیدگان خدا هستند.

وقتی فاخته (قمری) می خواند می گوید:

يا وَاٰحِدُ يا اَحَدُ يا فَرْدُ يا صَمَدُ.

وَ اِذَا صَاحَ الشَّقْرَاقُ يَقُوْلُ:

مَوْلَايَ اَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ.

وَ اِذَا صَاحَتِ الْقَبْرِهٗ تَقُوْلُ:

مَوْلَايَ تُبِّ عَلٰى كُلِّ مُدْنِبٍ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ.

وَ اِذَا صَاحَ الْوَرْشَانُ يَقُوْلُ:

اِنْ لَمْ تَغْفِرْ ذَنْبِيْ شَقِيْتُ.

وَ اِذَا صَاحَ الشُّفْنِيْنُ يَقُوْلُ:

لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ.

وَ اِذَا صَاحَتِ النُّعَامَةُ تَقُوْلُ:

ای یگانه! ای یکتا! ای بی همتا و بی نیاز!

وقتی دارکوب می خواند می گوید:

ای مولای من! مرا از آتش آزاد گردان!

وقتی چکاوک (پرنده ای شبیه طوطی) می خواند می گوید:

مولای من! به هر گهنگاری از گهنگاران توفیق توبه عنایت کن.

وقتی ورشان (کبوتری صحرايي) می خواند می گوید:

اگر گناهم را نبخشی بدبخت می شوم.

وقتی یمام (کبوتری صحرايي) می خواند می گوید:

قدرتی نیست مگر برای خدای بلند مرتبه و بزرگ.

وقتی شتر مرغ می خواند می گوید:

لَا مَعْبُودَ سِوَى اللَّهِ.

وَ إِذَا صَاحَتِ الْخَطَافَةُ فَإِنَّهَا تَقْرَأُ سُورَةَ الْحَمْدِ وَ تَقُولُ:

يَا قَابِلَ تَوْبِهِ التَّوَّابِينَ يَا اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ.

وَ إِذَا صَاحَتِ الزَّرَّافَةُ تَقُولُ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ.

وَ إِذَا صَاحَ الْحَمَلُ يَقُولُ:

كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا.

وَ إِذَا صَاحَ الْجَدْيُ يَقُولُ:

عَاجِلَنِي الْمَوْتُ، ثَقُلَ ذَنْبِي وَازْدَادَ.

وَ إِذَا صَاحَ الْأَسَدُ يَقُولُ:

مَعْبُودِي جِزِ خَدَا نِيَسْتِ.

وقتی پرستو می خواند سوره حمد را می خواند و می گوید:

ای قبول کننده توبه توبه کنندگان! ای خدا! ستایش برای توست.

وقتی زرافه صدا می کند می گوید:

خدایی جز خدای یکتا نیست و یگانه است.

وقتی بز بانگ برمی آورد می گوید:

مرگ برای اندرز کافی است.

وقتی بزغاله صدا می کند می گوید:

مرگ به سوی من شتاب گرفت، گناهم سنگین و زیاد شد.

وقتی شیر فریاد می کند می گوید:

أَمْرُ اللَّهِ مُهِمٌّ مُهِمٌّ.

وَ إِذَا صَاحَ الثَّوْرُ يَقُولُ:

مَهْلًا مَهْلًا يَا بَنَ آدَمَ! أَنْتَ بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى وَ هُوَ اللَّهُ.

وَ إِذَا صَاحَ الْفِيلُ يَقُولُ:

لَا يُغْنِي عَنِ الْمَوْتِ قُوَّةٌ وَلَا حِيلَةٌ.

وَ إِذَا صَاحَ الْفَهْدُ يَقُولُ:

يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ.

وَ إِذَا صَاحَ الْجَمَلُ يَقُولُ:

سُبْحَانَ مُذِلِّ الْجَبَّارِينَ سُبْحَانَهُ.

امر خدا مهم است، مهم.

وقتی گاو نر فریاد می کند می گوید:

آهسته، آهسته، ای فرزند آدم، تو در پیش کسی قرار داری که می بیند و دیده نمی شود و آن خداوند است.

وقتی فیل صدا می کند می گوید:

هیچ توانایی و حيله ای نمی تواند جلوی مرگ را بگیرد.

وقتی یوزپلنگ بانگ بر می آورد می گوید:

ای شکست ناپذیر و اصلاح کننده! ای شایسته بزرگی، ای خدا!

وقتی شتر صدا می دهد می گوید:

منزه است خوار کننده سرکشان، منزه است.

وَ إِذَا صَهَلَ الْفَرَسُ يَقُولُ:

سُبْحَانَ رَبَّنَا سُبْحَانَهُ.

وَ إِذَا صَاحَ الذُّئْبُ يَقُولُ:

مَا حَفِظَ اللَّهُ لَنْ يُضَيِّعَ أَبَدًا.

وَ إِذَا صَاحَ ابْنُ آوِي يَقُولُ:

الْوَيْلُ، الْوَيْلُ لِلْمَذْنِبِ الْمُصِرِّ.

وَ إِذَا صَاحَ الْكَلْبُ يَقُولُ:

كَفَى بِالْمَعَاصِي ذُلًّا.

وَ إِذَا صَاحَ الْإِرْتَبُ يَقُولُ:

لَا تُهْلِكُنِي يَا اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ.

وقتی اسب شیبه می کشد می گوید:

منزه است پروردگار ما، منزه است.

وقتی گرگ زوزه می کشد می گوید:

آنچه را خدا حفظ کند هرگز ضایع نمی شود.

وقتی شغال فریاد می کند می گوید:

وای بر گنهکاری که بر گناه اصرار می ورزد.

وقتی سگ صدا می کند می گوید:

گناهان برای ذلت کافی است.

وقتی خرگوش صدا می کند می گوید:

هلاکم نکن ای خدا! ستایش برای توست.

وَ إِذَا صَاحَ الثَّعْلَبُ يَقُولُ:

الدُّنْيَا دَارُ غُرُورٍ.

وَ إِذَا صَاحَ الْغَزَالُ يَقُولُ:

نَجِّنِي مِنَ الْأَذَى

وَ إِذَا صَاحَ الْكُرْكَدَانُ يَقُولُ:

أَغْنِنِي وَالْأَهْلَكْتُ يَا مَوْلَايَ.

وَ إِذَا صَاحَ الْإِبِلُ يَقُولُ:

حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، حَسْبِيَ اللَّهُ.

وَ إِذَا صَاحَ النَّمْرُ يَقُولُ:

سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ سُبْحَانَهُ.

وقتی روباه فریاد می کند می گوید:

دنیا خانه فریب است.

وقتی آهو صدا می دهد می گوید:

مرا از آزار شدن نجات ده.

وقتی کرگدن بانک برمی آورد می گوید:

به فریادم برس و گرنه هلاک می شوم ای مولای من.

وقتی شتر فریاد می کند می گوید:

خداوند مرا کافی است و بهترین و کیل است، خداوند مرا کافی است.

وقتی پلنگ فریاد می کند می گوید:

پاک و منزّه است خدایی که به قدرت خود شکست ناپذیر است پاک و منزّه است.

وَإِذَا سَبَّحْتَ الْحَيَّهٗ تَقُولُ.

مَا أَشْقَىٰ مَنْ عَصَاكَ يَا رَحْمَنُ

وَإِذَا سَبَّحْتَ الْعَقْرَبُ تَقُولُ:

الْشَّرُّ شَيْءٌ وَحَشٌّ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ تَسْبِيحٌ يَحْمَدُ بِهِ رَبَّهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (۱) و (۲)

وقتی مار به سخن آید می گوید.

چه اندازه بدبخت است کسی که تو را معصیت می کند ای مهربان.

وقتی عقرب به سخن آید می گوید:

بدی چیز وحشت انگیزی است.

آن گاه امام علیه السلام فرمود: خداوند چیزی خلق نکرده مگر اینکه تسبیحی دارد که با آن پروردگارش را ستایش می کند.

سپس این آیه را تلاوت کرد:

«هیچ چیزی نیست مگر این که با ستایش خداوند او را تسبیح می گوید اما شما تسبیح آنها را نمی فهمید»

ص: ۱۴۲

۱- ۱۱۸. سوره الاسراء، الآیه ۴۴ .

۲- ۱۱۹. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۷ الی ۲۹، ح ۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱۱، ص ۲۴۸ الی ۲۵۲.

۱ - إِصْبِرْ عَلَى مَا تَكْرَهُ فِيمَا يُلْزِمُكَ الْحَقُّ، وَاصْبِرْ عَمَّا تُحِبُّ فِيمَا يَدْعُوكَ إِلَيْهِ الْهَوَى (۱)

۱ - بر سختی هایی که تو را به حق می رساند صبر کن، و بر آنچه دوست داری و هوای نفس تو را به سوی آن می کشاند شکمیا باش.

کلید نجات

مِفْتَاحُ النَّجَاةِ

۲ - مَنْ أَحْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَ عَيَّتْ بِهِ الْحَيْلُ كَانَ الرَّفْقُ مِفْتَاحَهُ. (۲)

۲ - کسی که از تدبیر بازماند و راه چاره ای ندارد، مدارا کلید (گشایش) اوست.

ص: ۱۴۴

۱- ۱۲۰. نزهه الناظر و تنبيه الخواطر، ص ۸۵؛ مقصد الراغب، ص ۱۳۷.

۲- ۱۲۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸، ح ۱۱؛ اعلام الدین، ص ۲۹۸.

۳ - دِرَاسَةُ الْعِلْمِ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ، وَ طُولُ التَّجَارِبِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ، وَ الشَّرْفُ التَّقْوَى وَ الْقُنُوعُ رَاحَةُ الْأَبْدَانِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكَ أَعْرَاكَ. (۱)

۳ - آموختن علم مایه شناخت است و استمرار تجربه ها سبب زیادی عقل می گردد.

بزرگی به تقواست و قناعت مایه راحتی جسم می باشد، کسی که دوست داشته باشد تو را از زشتی باز می دارد. و کسی که با تو دشمن است مغرورت می گرداند.

نشانه بزرگواری

۴ - إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ يَتَّبِعِي أَنْ يُصَدِّقَهُ بِالْفِعْلِ. (۲)

۴ - انسان بزرگوار وقتی سخن می گوید سزاوار است سخن خود را با عمل تصدیق کند.

۱- ۱۲۲. اعلام الدین، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۱۵.

۲- ۱۲۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۹۳.

أَجْرُ السَّلَامِ

۵ - لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً، تَسْعُ وَ سِتُونَ لِلْمُبْتَدِي وَ وَاحِدَةٌ لِلزَّادِ. (۱)

۵ - سلام کردن هفتاد پاداش دارد، شصت و نه تای آن برای سلام کننده و یک پاداش برای پاسخ دهنده است.

ترس و گریه

الْخَوْفُ وَالْبُكَاءُ

۶ - بُكَاءُ الْعُيُونِ وَ حَشْيَةُ الْقُلُوبِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. (۲)

۶ - گریه چشم ها و ترس قلب ها، رحمت الهی است.

اثر ترس از خدا

أَثْرُ الْخَوْفِ

۷ - قِيلَ لَهُ مَا أَعْظَمَ خَوْفَكَ مِنْ رَبِّكَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا. (۳)

۷ - به امام حسین علیه السلام عرض شد چه ترس بزرگی از پروردگار خود داری! حضرت فرمود:

روز قیامت امنیت ندارد مگر کسی که در دنیا از خدا بترسد.

ص: ۱۴۶

۱- ۱۲۴. تحف العقول، ص ۲۴۸؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰.

۲- ۱۲۵. جامع الاخبار، ص ۱۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۵.

۳- ۱۲۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ اعیان الشیعه، ج ۴، ص

۸ - الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاهٌ مِنَ النَّارِ. (۱)

۸ - گریه از ترس خدا، سبب نجات از آتش است.

پذیرش دعوت مؤمن

إِجَابَةُ دَعْوَةِ الْمُؤْمِنِ

۹ - رَأَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا دَعَى إِلَى طَعَامٍ فَقَالَ لِلَّذِي دَعَاهُ: أَعْفِنِي. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

قُمْ! فَلَيْسَ فِي الدَّعْوَةِ عَفْوٌ، وَإِنْ كُنْتَ مُفْطِرًا فَكُلْ، وَإِنْ كُنْتَ صَائِمًا فَبَارِكْ. (۲)

۹ - امام حسین علیه السلام مردی را دید که دعوت به خوردن غذا می شود و در جواب دعوت کننده می گوید: از دعوت من در گذر. امام علیه السلام به او فرمود:

برخیز و دعوت او را بپذیر که در دعوت به غذا گذشتی نخواهد بود، اگر روزه نداری برو و غذا بخور، و اگر روزه دار هستی به مقداری از غذا تبرک جو.

ص: ۱۴۷

۱- ۱۲۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۵.

۲- ۱۲۸. دعائم الاسلام، ج ۶، ص ۱۰۷ و ۱۰۸. نُقِلَ هَذِهِ الرِّوَايَةُ فِي الْمُسْتَدْرَكِ الْوَسَائِلِ، ج ۱۶، ص ۲۳۵ عَنْ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ وَ يُنْسَبُ إِلَى الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ غَيْرُ صَحِيحٍ وَ يَكُونُ تَصْحِيفًا.

أَلْحَسَانُ إِلَى النَّاسِ

۱۰ - إَعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَحْوَلَ إِلَى غَيْرِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمَعْرُوفَ مَكْسَبٌ حَمِيداً وَ مُعْتَبَرٌ أَجْراً.

فَلَمَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا لَرَأَيْتُمُوهُ حَسِينًا جَمِيلًا- تَسِيرُ النَّاطِرِينَ وَ يَفُوقُ الْعَالَمِينَ، وَلَوْ رَأَيْتُمُ اللَّؤْمَ رَأَيْتُمُوهُ سَمِجًا قَبِيحًا مُشَوَّهًا تَنْفَرَمِنَهُ الْقُلُوبُ وَ تَغَضُّ دُونَهُ الْأَبْصَارُ.

وَ مَنْ نَفَسَ كَرْبَهُ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،

۱۰ - بدانید که نیازمندی های مردم به شما از نعمت های خداوند بر شماست پس نعمت ها را رد نکنید که به سوی دیگران روان خواهند شد. و بدانید که کار خیر ستایش برانگیز و پاداش آخرت را به دنبال دارد.

اگر کار نیک را به صورت مردی مشاهده می کردید او را نیکو و زیبا می دیدید، آن گونه که سیمای زیبای او بینندگان را شادمان می کند و برتر از همه خلق عالم خواهد بود. و اگر بخل و پستی را مشاهده می کردید آن را به صورتی زشت، بدقیافه و ناهنجار می دیدید که دل ها از آن متنفر است و چشم ها از آن بسته می شود.

کسی که غم مؤمنی را بر طرف کند خدای تعالی غم دنیا و آخرت را از او برطرف می سازد.

وَمَنْ أَحْسَنَ، أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (۱)

خیر دنیا و آخرت

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۱۱ - إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ كَتَبَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاءُ اللَّهِ أُمُورَ

و کسی که نیکی کند خداوند به او نیکی خواهد کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۱۱ - مردی از اهل کوفه نامه ای به حسین بن علی نوشت و پرسید: ای سرور من! مرا به خیر دنیا و آخرت آگاه گردان. امام علیه السلام در جواب او نوشت:

به نام خداوند بخشنده مهربان

کسی که رضایت خدا را با خشم مردم طلب کند (به دنبال رضایت خدا باشد اگر چه مردم از آن ناراضی باشند)، خداوند او را از مردم بی نیاز

ص: ۱۴۹

۱ - ۱۲۹. کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳۹؛ تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۱۱۲، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷، ح ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹.

النَّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بَسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ. وَالسَّلَامُ. (۱)

مرگ با عزت

مَوْتُ فِي عِزٍّ

۱۲ - مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ. (۲)

۱۲ - مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

عذر پذیری

قَبُولُ الْإِعْتِدَارِ

۱۳ - لَوْ شِئْتَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ - وَ أَوْمَى إِلَيَّ الْيَمْنَى - وَاعْتَذَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ. (۳)

خواهد کرد، و کسی که رضایت مردم را با خشم خداوند طلب نماید (به دنبال رضایت مردم باشد اگر چه خواسته آنها خلاف رضای خدا باشد) خداوند او را به مردم واگذارد. والسلام.

۱۳ - اگر مردی در این گوش به من ناسزا گوید - و اشاره به گوش راست خود کرد - و در گوش دیگرم عذرخواهی کند عذر او را می پذیرم.

ص: ۱۵۰

۱ - ۱۳۰. الاختصاص، ص ۲۲۴؛ الامالی للصدوق، ص ۱۶۷؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶، ح ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۹.

۲ - ۱۳۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۷.

۳ - ۱۳۲. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۳۱؛ نظم درر السمطین، ص ۲۰۸؛ المصنف، ج ۱۱، ص ۱۷۷.

پاسخ به پرسش های امیر مؤمنان علیه السلام

جوابُ أسئله أمير المؤمنين عليه السلام

احسان به خویشاوندان و تحمل بدی ها.

۱۴ - قال أمير المؤمنين عليه السلام لابنه الحسين عليه السلام: يا بني! ما أسودد؟ قال عليه السلام:

إضطناع العشيرَه و احتمال الجريه.

قال: فما الغنى؟ قال: قلّه أمانيك و الرضا بما يكفيك.

قال: فما الفقر؟ قال: الطمع و شدّه القنوط.

قال: فما اللؤم؟ قال: إحراز المرء نفسه و إسلامه عرسه.

قال: فما الخرق؟ قال: معاداتك أميرك و من يقدر على ضررك و نفعك. (۱)

۱۴ - امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: ای فرزندم! بزرگی چیست؟ حسین علیه السلام پاسخ داد:

فرمود: بی نیازی چیست؟ جواب داد: کم کردن آرزوها و رضایت به آنچه برای تو کافی است.

- فرمود: فقر چیست؟ در جواب گفت: طمع و ناامیدی شدید.

- فرمود: پستی چیست؟ جواب داد: این که مرد به خود برسد و همسرش را واگذارد.

- فرمود: حماقت چیست؟ پاسخ داد: دشمنی با امیر خود و هر کسی که بر سود و زیان تو توانایی دارد.

ص: ۱۵۱

نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ

۱۵ - أَيُّهَا النَّاسُ! نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ، وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ، وَ لَا تَحْتَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعَجَلُوا. وَ اكْسَبُوا الْحَمْدَ بِالنُّجْحِ وَ لَا تَكْتَسِبُوا بِالْمُطَلِّ ذِمًّا. فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَنِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمُكَافَأَتِهِ، فَإِنَّهُ أَجْزَلُ عَطَاءٍ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا.

وَ اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَحُورَ نِقَمًا.

وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْمَعْرُوفَ مَكْسَبٌ حَمْدًا وَ مَعَقَّبٌ أَجْرًا.

۱۵ - ای مردم در کسب کرم و جوانمردی رقابت کنید و برای رسیدن به سرمایه های سعادت شتاب ورزید و کار نیکی را که در انجام آن شتاب نکرده اید به حساب خود نیاورید. ستایش را با پیروزی به دست آورید و با سهل انگاری خود را مورد مذمت قرار ندهید.

هرگاه کسی کار نیکی برای دیگری انجام داد که او نمی تواند سپاسگزاری کند خدا به او پاداش خواهد داد و البته عطای خدا بیشتر و پاداش او بزرگ تر است.

بدانید که نیازمندی های مردم به شما از نعمت های خداوند بر شماست، پس نعمت ها را رد نکنید که به عقوبت تبدیل خواهند شد.

و بدانید که نیکی ها ستایش برانگیز و پاداش آخرت را به همراه دارند.

فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسِينًا جَمِيلًا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ وَ لَوْ رَأَيْتُمُ اللَّؤْمَ رَأَيْتُمُوهُ سَمِجًا مُشَوَّهًا تَنْفَرُ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ تَغِيضُ دُونَهُ
الْأَبْصَارُ.

أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ جَادَ سَادَ، وَمَنْ بَخَلَ رَذَلَ، وَإِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوهُ.

وَإِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَن قُدْرِهِ، وَإِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ. وَ الْأَصُولُ عَلَى مَغَارِسِهَا بُفْرُوعِهَا تَسْمُوَا.

اگر نیکی را به صورت مردی مشاهده می کردید او را نیکو و زیبا می دیدید به گونه ای که بینندگان را شادمان می کند. و اگر بخل و پستی را می دیدید، او را به صورتی زشت و بد قیافه و ناهنجار مشاهده می کردید که دل ها از آن متنفر و چشم ها از آن بسته می شود.

ای مردم! کسی که ببخشد به مجد و بزرگی می رسد و کسی که بخل ورزد پست می گردد. همانا بخشنده ترین انسان ها آن است که به کسی ببخشد که از او امید بخشش ندارد.

و با گذشت ترین مردم کسی است که با داشتن توانایی عفو کند و با ارتباطترین مردم با مؤمنین کسی است که با فردی که از او بریده است ارتباط پیدا کند. و درختان آن گونه خواهند بود که ریشه ها برآند و با شاخه ها رشد می کنند (حقیقت مردم بر پایه خانواده ها و ارزش های ریشه ای است و براساس آنها رشد می کنند).

فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَحَدَّ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ غَدًا، وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالصَّنِيعَةِ إِلَى أَخِيهِ كَافَأَهُ بِهَا فِي وَقْتِ حَاجَتِهِ وَصَرَفَ عَنْهُ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ.

وَمَنْ نَفَسَ كُرْبَهُ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَمَنْ أَحْسَنَ، أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (۱)

شناخت صفات متنوع اخلاقی

مَعْرِفَةُ خِصَالِ شَتَّى

۱۶ - إِنَّ الْجِلْمَ زِينَةٌ، وَالْوَفَاءَ مُرُوءَةٌ، وَالصَّلَةَ نِعْمَةٌ، وَالْإِسْتِكْبَارَ

پس کسی که در نیکی به برادرش بشتابد فردا به نتیجه آن خواهد رسید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود کمک کند خداوند به وقت نیازمندی به او پاداش می دهد و بیش از آنچه کمک کرده است بلاها را از او دور می گرداند.

و کسی که اندوه و مشقت مؤمنی را بر طرف نماید خداوند اندوه و سختی او را در دنیا و آخرت بر طرف می سازد. و کسی که با مردم نیکی کند خداوند به او نیکی خواهد کرد و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۱۶ - همانا خویشتن داری زینت و وفاداری جوانمردی و پیوند با نزدیکان نعمت و تکبر خودپسندی است.

ص: ۱۵۴

۱- ۱۳۴. كشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳۹؛ الدرر الباهره، ص ۲۴، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲؛ نزهه الناظر و تنبيه الخاطر،

ص ۸۱.

صَلَفٌ، وَالْعَجَلَةَ سَفَهُ، وَالسَّفَهَ ضَعْفٌ، وَالْغُلُوَّ وَرَطَّةً، وَمُجَالَسَةَ أَهْلِ الدَّنَاءِ شَرًّا، وَمُجَالَسَةَ أَهْلِ الْفِسْقِ رَيْبُهُ. (۱)

تسلی خاطر به ابودر

التَّسْلِيَةُ لِأَبِي ذَرٍّ

۱۷ - لَمَّا أُخْرِجَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى الرَّبْدَةِ قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا عَمَّاهُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَادِرٌ أَنْ يُغَيِّرَ مَا قَدْ تَرَى وَاللَّهُ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ.

وَقَدْ مَنَعَكَ الْقَوْمَ دُنْيَاهُمْ، وَمَنَعْتَهُمْ دِينَكَ، فَمَا أَعْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ وَ أَحْوَجَهُمْ إِلَيَّ مَا مَنَعْتَهُمْ.

و شتابزدگی بی خردی و بی خردی ضعف و زیاده طلبی هلاکت و هم نشینی با افراد پست بدی است و نشست و برخاست با گهنگاران سبب تردید (مردم) می گردد.

۱۷ - وقتی ابودر به ربذه تبعید شد امام حسین علیه السلام به او فرمود:

ای عمو! خدای بزرگ قادر است آنچه را برای تو پیش آمده است تغییر دهد و خداوند هر روز در کاری است.

این گروه، دنیایی را که در دست خود داشتند از تو دریغ کردند و تو هم دین خود را از آنان دریغ داشتی. چه اندازه از آنچه تو را منع کردند بی نیازی، و چقدر آنها به آنچه از آنان دریغ داشتی نیازمندند.

ص: ۱۵۵

فَاسْئَلِ اللَّهَ الصَّبْرَ وَالنَّصْرَ، وَاسْتَعِذْ بِهِ مِنَ الْجَسَعِ وَالْجَزَعِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الدِّينِ وَالْكَرَمِ، وَإِنَّ الْجَسَعَ لَا يُقَدِّمُ رِزْقًا وَالْجَزَعَ لَا يُؤَخِّرُ أَجَلًا. (۱)

صبر و پیروزی را از خداوند درخواست کن و از حرص و ناشکیبایی به خدا پناه بر، که صبر نتیجه دین داری و جوانمردی است، و حرص روزی را پیش نمی اندازد و ناشکیبایی مرگ را دور نخواهد کرد.

ص: ۱۵۶

۱- ۱۳۶. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۱۲ و ۴۱۳؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۵۴؛ کتاب الاربعین، ص ۶۰۳؛ الغدیر، ج ۸، ص ۳۵۸.

پرهیز از هوای نفس

إِتِّقَاءُ الْهُوَى

۱ - إِتَّقُوا هَذِهِ الْأَهْوَاءَ الَّتِي جَمَاعُهَا الضَّلَالَةُ وَ مِعَادُهَا النَّارُ. (۱)

۱ - از این هواهای نفسانی که حاصل آن گمراهی و پایان آن آتش است بپرهیزید.

فریفتگی به دنیا

الْإِغْتِرَارُ بِالْدُنْيَا

۲ - يَا أَهْلَ لَذَّةِ دُنْيَا لَا بَقَاءَ لَهَا

إِنَّ إِغْتِرَارًا يَبْطُلُ زَائِلٌ حُمَقٌ. (۲)

۲ - ای اهل لذت دنیا! این لذت دوامی ندارد. فریفته شدن به سایه ای که از میان می رود حماقت است.

ص: ۱۵۸

۱- ۱۳۷. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۱؛ النهایه فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۸۵؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۵۵.

۲- ۱۳۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸۱؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۹.

پرهیز از بدی ها

اجْتِنَابُ السَّيِّئَاتِ

۳ - إِيَّاكَ وَمَا تَعْتَدِرُ مِنْهُ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَلَا يَعْتَدِرُ، وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَيَعْتَدِرُ. (۱)

۳ - از انجام آنچه بخواهی عذرخواهی کن پرهیز، که مؤمن بدی نمی کند و (در نتیجه) پوزش هم نمی خواهد، اما منافق هر روز بدی می کند و پوزش می خواهد.

بخیل کیست؟

مَنْ الْبَخِيلُ؟

۴ - الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ. (۲)

۴ - بخیل کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

کلید سخن با دیگران

مِفْتَاحُ الْكَلَامِ

۵ - قَالَ لَهُ رَجُلٌ إِتِّدَاءً: كَيْفَ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۵ - مردی بدون سلام کردن به امام حسین علیه السلام عرض کرد: حال شما چطور است، خداوند سلامتی دهد. امام علیه السلام فرمود:

ص: ۱۵۹

۱- ۱۳۹. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰، ح ۱۶؛ تحف العقول، ص ۲۴۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰.

۲- ۱۴۰. تحف العقول، ص ۲۴۸؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰، ح ۱۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۱.

السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ، عَافَاكَ اللَّهُ، لَا تَأْذُنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ. (۱)

ترک ستم

تَرْكُ الظُّلْمِ

۶ - قَالَ لِابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

أَيُّ بُنَى! إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ. (۲)

۶ - اما حسین علیه السلام به فرزندش علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

ای فرزندم! از ظلم به کسی که یاورى جز خدای بزرگ در برابر تو ندارد پرهیز.

آثار گناه

آثَارُ الذَّنْبِ

۷ - مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَا

سلام کردن بر سخن گفتن مقدم است، خداوند به تو سلامتی دهد. به کسی اجازه سخن گفتن ندهید تا سلام کند.

۷ - کسی که با معصیت خدا به کارى مبادرت ورزد به آنچه امید دارد، زودتر از دستش مى رود و از آنچه مى ترسد زودتر دامن گیر آن خواهد

ص: ۱۶۰

۱- ۱۴۱. تحف العقول، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۸.

۲- ۱۴۲. الخصال: ص ۱۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸، ح ۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

بدترین صفات پادشاهان

شَرُّ خِصَالِ الْمُلُوكِ

۸ - شَرُّ خِصَالِ الْمُلُوكِ: أَلْجُبْنُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَالْقَسْوَةُ عَلَى الضُّعَفَاءِ، وَالْبُخْلُ عِنْدَ الْإِعْطَاءِ. (۲)

۸ - بدترین صفات پادشاهان (زامداران)، ترس از دشمنان، و سخت دلی بر ضعیفان، و بخل و تنگ نظری به هنگام بخشش است.

نبایدهای اخلاقی

النَّوَاهِي الْخُلُقِيَّةِ

۹ - لَا تَتَكَلَّفْ مَا لَا تُطِيقُ وَلَا تَتَعَرَّضْ لِمَا لَا تُدْرِكُ.

وَلَا تَعْدُ بِمَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا تُنْفِقُ إِلَّا بِقَدْرِ مَا تَسْتَفِيدُ.

شد.

۹ - کاری که توان آن را نداری نپذیر و در پی آنچه به آن نمی رسی نباش.

و بر انجام آنچه توانایی نداری وعده نده و جز به اندازه ای که بهره مند می شوی خرج نکن.

ص: ۱۶۱

۱- ۱۴۳. تحف العقول، ص ۲۴۸؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰، ح ۱۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۷۳ بتفاوت یسیر؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۱ بتفاوت یسیر.

۲- ۱۴۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲؛

وَلَا تَطْلُبُ مِنَ الْجَزَاءِ إِلَّا بِقَدْرِ مَا صَنَعْتَ.

وَلَا تَفْرَحْ إِلَّا بِمَا نِلْتَ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ.

وَلَا تَتَنَاوَلْ إِلَّا مَا رَأَيْتَ نَفْسَكَ لَهُ أَهْلًا. (۱)

اطاعت حرام از پدر

الطَّاعَةُ الْمَحْرَمَةُ عَنِ الْآبِ

۱۰ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ:

أَتَعَلَّمُ أَنِّي أَحَبُّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ وَتُقَاتِلُنِي وَ أَبِي يَوْمَ صِفِّينَ وَاللَّهِ إِنَّ أَبِي لَخَيْرٌ مِنِّي؟

فَاسْتَعَذَرَ وَقَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: أَطَعِ

و جز به اندازه ای که عمل کرده ای پاداش نخواه،

و جز به آنچه از اطاعت خدا رسیده ای شادمان نگرد،

و جز به اندازه ای که شایسته آن هستی دریافت نکن.

۱۰ - امام حسین علیه السلام به عبدالله بن عمرو بن عاص فرمود:

آیا می دانی که من محبوب ترین اهل زمین نزد اهل آسمان هستم و تو با من و پدرم در صفین می جنگی و به خدا قسم پدرم از من برتر است؟

عبدالله عذر آورد و گفت: پیامبر صلی الله علیه وآله به من فرمود: از پدرت

ص: ۱۶۲

أَبَاكَ: فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَّا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (١) وَقَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «إِنَّمَا الطَّاعَةُ، الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ» وَقَوْلَهُ «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (٢).

پرهیز از غیبت

إِتِّقَاءُ الْغَيْبِ

١١ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ اغْتَابَ رَجُلًا:

اطاعت کن. امام حسین علیه السلام فرمود:

آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرمود: «اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که از آن آگاهی نداری به من شرک ورزی از آنها اطاعت نکن» و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشنیدی که فرمود: «اطاعت از پدر و مادر تنها اطاعت در خوبی هاست» و سخن دیگر او که فرمود: «روا نیست که مخلوقی با مخالفت با خدا اطاعت شود؟»

١١ - امام حسین علیه السلام به مردی که از مرد دیگری غیبت می کرد فرمود:

ص: ١٦٣

١- ١٤٦. سوره لقمان، الآیه ١٤ .

٢- ١٤٧. بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٢٩٧؛ مدینه المعاجز، ج ٤، ص ٥٣ بتفاوت یسیر؛ شرح الاخبار، ج ١، ص ١٤٦ بتفاوت یسیر؛ مناقب آل ابی طالب، ج ٣، ص ٢٢٨ .

يا هذا كُفَّ عَنِ الْغَيْبِ، فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ. (۱)

ای مرد غیبت نکن که غیبت خورش سگ های جهنم است.

ص: ۱۶۴

۱- ۱۴۸. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۲؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰.

بخشش و آزمندی

الْجُودُ وَ الْبُخْلُ

۱ - مَنْ جَادَ سَادَ، وَ مَنْ بَخَلَ رَذِلَ، وَ مَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ إِلَى رَبِّهِ غَدًا. (۱)

۱ - کسی که بخشش کند بزرگ گردد و کسی که بخل ورزد خوار شود و کسی که برای برادرش نیکی ورزد فردای قیامت که بر پروردگارش وارد می شود آن را می یابد.

زمان بخشش

زَمَنُ الْجُودِ

۲ - إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا فَجُدْ بِهَا

عَلَى النَّاسِ طَرًا قَبْلَ أَنْ تَتَفَلَّتْ

۲ - وقتی دنیا بر تو روی آورد آن را به نیکی بر مردم ببخش پیش از آن که از دست برود.

ص: ۱۶۶

۱- ۱۴۹. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۱؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۳۰ بتفاوت یسیر.

فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ

وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ (۱)

از مال خود بهره گیر

إِسْتَفِدْ مِنْ مَالِكَ

۳ - مَالِكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ مُنْفِقًا فَلَا تُنْفِقُهُ بَعْدَكَ فَيَكُونُ ذَخِيرَةً لِغَيْرِكَ وَتَكُونُ أَنْتَ الْمُطَالِبَ بِهِ، أَلْمَأْخُذُ بِحِسَابِهِ.

إِعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَبْقَى لَهُ وَلَا يَبْقَى عَلَيْكَ، فَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ. (۲)

نه وقتی دنیا رو می آورد بخشش آن را از بین می برد و نه وقتی پشت می کند بخل آن را نگه می دارد.

۳ - اگر مال تو برای خودت صرف نشود آن را نابود کرده ای، پس آن را برای بعد از خود نگذار که سرمایه دیگری خواهد شد و تو در آخرت گرفتار محاسبه آن بوده و باید پاسخ گوی حساب آن باشی.

بدان که نه تو برای مال باقی می مانی و نه مال برای تو پایدار خواهد ماند. پس آن را بخور قبل از آن که تو را بخورد. (مال را در راه مصالح دنیا و آخرت خود صرف کن پیش از آن که تو را در خدمت خود درآورد).

ص: ۱۶۷

۱ - ۱۵۰. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۴؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۷۹.

۲ - ۱۵۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ اعلام الدین، ص ۲۹۸.

۴ - مَالِكُ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ، كُنْتَ لَهُ؛ فَلَا تَبْقَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى عَلَيْكَ وَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ. (۱)

۴ - اگر مال تو در خدمت تو نباشد تو در خدمت آن خواهی بود، پس در خدمت آن باقی نمان که برای تو باقی نخواهد ماند، و آن را بخور پیش از آن که تو را بخورد.

بهترین مال کدام است؟

ما خَيْرُ الْمَالِ؟

۵ - إِنْ الْفَرَزْدَقَ أَتَى الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَخْرَجَهُ مَرْوَانَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَأَعْطَاهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِمِائَةَ دِينَارٍ. فَقِيلَ لَهُ: أَنَّهُ شَاعِرٌ مُنْتَهَرٌ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ خَيْرَ مَالِكَ مَا وَقِيتَ بِهِ عِرْضَكَ، وَقَدْ أَثَابَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

۵ - وقتی مروان، فرزددق را از مدینه بیرون کرد نزد امام حسین علیه السلام آمد و حضرت چهارصد دینار به او داد. به امام علیه السلام عرض شد فرزددق شاعر هتاکی است و شما به او کمک کردید. حضرت در جواب فرمود:

بهترین مال تو آن است که آبروی خود را با آن حفظ کنی. رسول خدا صلی الله علیه و آله به کعب بن زهیر پاداش داد (تا از اشعار موهن او در امان بماند)

ص: ۱۶۸

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَعَبَّ بَنُ زُهَيْرٍ، وَقَالَ فِي عَبَّاسِ بْنِ مَرْدَاسٍ «إِقْطَعُوا لِسَانَهُ عَنِّي» (۱)

افزایش روزی

إِزْدِيَادُ الرَّزْقِ

۶ - مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ. (۲)

۶ - کسی که دوست دارد عمرش طولانی و روزی اش زیاد گردد صله رحم کند.

آداب کسب روزی

آدَابُ طَلْبِ الرَّزْقِ

۷ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ:

يَا هَذَا لَا تُجَاهِدْ فِي الرَّزْقِ جِهَادَ الْغَالِبِ، وَلَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدَرِ

و درباره عباس بن مرداس فرمود: (با دادن مال به او) زبانش را از من کوتاه کنید.

۷ - امام حسین علیه السلام به مردی فرمود:

ای مرد! در کسب روزی بیش از اندازه تلاش نکن (که گویا اندازه رزق تو در گرو تلاش توست و نه تقدیر الهی) و آن اندازه هم بر قدر اعتماد

ص: ۱۶۹

۱- ۱۵۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۲ .

۲- ۱۵۴. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۹۱، ح ۱۵؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۸؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷ .

إِتْكَالَ مُسْتَسْلِمٍ.

فَمَنْ اتَّبَعَ الرَّزْقَ مِنَ السُّنَّةِ، وَ الْأَجْمَالَ فِي الطَّلَبِ مِنَ الْعِفَّةِ، وَ لَيْسَ الْعِفَّةُ بِمَانِعَةٍ رِزْقًا، وَ لَمَّا الْحِرْصُ بِجَالِبٍ فَضْلًا، وَ إِنَّ الرَّزْقَ مَقْسُومٌ، وَ الْأَجَلَ مَحْتُومٌ، وَ اسْتِعْمَالَ الْحِرْصِ طَلَبُ الْمَأْتَمِ. (۱)

شرایط در خواست مالی

شَرَايِطُ الْمَسْأَلَةِ

۸ - جَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

نکن که تلاشی نداشته باشی (و گمان بری هر چه مقدر است بدون تلاش هم خواهد رسید).

همانا به دنبال روزی رفتن از سنت است و به اختصار در پی آن بودن پارسایی است. پارسایی مانع رسیدن روزی نیست و آزمندی جلب روزی زیاد نمی کند. همانا روزی (به اندازه خاص) تقسیم شده است و زمان مرگ حتمی است و آزمندی طلب گناه است .

۸ - مردی نزد امام حسین علیه السلام آمد و از او در خواست مالی کرد. حضرت فرمود:

ص: ۱۷۰

إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَصْلَحُ إِلَّا فِي غُرْمٍ فَادِحٍ، أَوْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ، أَوْ حِمَالَةٍ مُقْطَعَةٍ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: مَا جِئْتُ إِلَّا فِي إِحْدَايَهُنَّ. فَأَمَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ بِمِائَةِ دِينَارٍ. (۱)

از چه کسی در خواست کنیم؟

مَنْ نَسَأَلُ؟

۹ - جَاءَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُرِيدُ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَةً. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا أَخَا الْأَنْصَارِ! صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلِ الْمَسْأَلَةِ، وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُفْعِهِ، فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَارَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

در خواست از دیگران صلاح نیست مگر در پرداخت غرامتی سنگین یا تنگدستی شدید یا ادای تعهد مالی که خارج از توان باشد.

مرد در خواست کننده عرض کرد: من هم جز برای یکی از این سه مورد نیامدم. آن گاه حضرت دستور داد صد دینار به او دادند.

۹ - مردی از گروه انصار نزد امام حسین علیه السلام آمد و می خواست از او کمک بگیرد. حضرت فرمود:

ای برادر انصاری! آبرویت را از در خواست حضوری نگهدار و حاجت خود را در نامه ای بنویس، من هم ان شاء الله به آن عمل خواهم کرد به گونه ای که شاد گردی.

ص: ۱۷۱

فَكَتَبَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! إِنَّ لِفُلَانٍ عَلَيَّ خَمْسَ مِائَةِ دِينَارٍ وَقَدْ أَلَحَّ بِي، فَكَلَّمَهُ يَنْظُرُنِي إِلَى مَيْسَرِهِ فَلَمَّا قَرَأَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرُّقْعَةَ، دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْرَجَ صُرَّةً فِيهَا أَلْفَ دِينَارٍ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ:

أَمَّا خَمْسَ مِائَةٍ فَأَقْضِ بِهَا دَيْنَكَ، وَ أَمَّا خَمْسَ مِائَةٍ فَاسْتَعِنْ بِهَا عَلَى دَهْرِكَ، وَلَا تَرْفَعْ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَى أَحَدٍ ثَلَاثَةٍ: إِلَى ذِي دِينَ أَوْ مُرْوَةَ أَوْ حَسَبٍ.

فَأَمَّا ذُو الدِّينِ فَيَصُونُ دِينَهُ، وَ أَمَّا ذُو المُرْوَةِ فَإِنَّهُ يَسْتَحْيِي لِمُرْوَتِهِ، وَ أَمَّا ذُو الحَسَبِ فَيَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُكْرِمِ وَجْهَكَ أَنْ تَبْدُلَهُ لَهُ

مرد در خواست کننده در نامه ای نوشت: ای ابا عبدالله! فلانی پانصد دینار از من طلبکار است و برگرفتن آن اصرار دارد به او بگو تا زمانی که توانایی مالی پیدا کنم به من مهلت دهد. وقتی امام حسین علیه السلام نامه را خواند به منزل رفت و کیسه ای آورد که هزار دینار در آن بود. همه را به مرد نیازمند داد و به او فرمود:

با پانصد دینار آن وام خود را بپرداز و با پانصد دینار دیگر زندگی خود را اداره کن و جز از یکی از این سه کس در خواست نکن:

مرد دین دار یا صاحب مرّوت و یا اصیل و خانواده دار.

اما فرد دین دار به هنگام درخواست دیگران، با کمک به آنها دینش را حفظ می کند و انسان با مرّوت به خاطر مرّوتی که دارد از کمک نکردن شرم دارد و انسان اصیل می داند که تو با درخواستی که کردی از آبروی

فی حاجتک، فَهُوَ یُصَوِّنُ وَجْهَکَ أَنْ یُرَدَّکَ بِغَیْرِ قَضَائِ حاجتک. (۱)

پاسخ مثبت به نیازمند

إِجَابَةُ صَاحِبِ الْحَاجَةِ

۱۰ - صَاحِبُ الْحَاجَةِ لَمْ یُکْرِمَ وَجْهَهُ عَنْ سُؤَالِکَ، فَأَکْرِمَ وَجْهَکَ عَنْ رَدِّهِ. (۲)

۱۰ - نیازمند، آبروی خود را با درخواست از تو نگاه نداشت، پس تو آبروی خود را با رد نکردن او نگاه دار.

بخش پاک

الْعَطِيَّةُ الطَّيِّبَةُ

۱۱ - قِيلَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَامِرٍ تَصَدَّقَ الْيَوْمَ بِكَذَا وَكَذَا وَ أَعْتَقَ كَذَا وَ كَذَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

خود مایه گذاردی و با برآوردن نیازی که داری، آبروی تو را حفظ می کند.

۱۱ - به امام حسین علیه السلام گفته شد: امروز عبدالله بن عامر چه اندازه صدقه داد و چه اندازه بنده آزاد کرد. حضرت

فرمود:

ص: ۱۷۳

۱- ۱۵۷. تحف العقول، ص ۲۴۷؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸، ح ۱۲؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۰.

۲- ۱۵۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۴۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۴.

إِنَّمَا مَثَلُ عَمْرِ بْنِ عَامِرٍ، كَمَثَلِ الَّذِي يَسْرِقُ الْحَاجَّ ثُمَّ يَتَّصِدُّ بِمَا سَرَقَ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ مَنْ عَرِقَ فِيهَا جَبِينُهُ وَاعْتَبَرَ فِيهَا وَجْهُهُ. (١)

ارزش غذا دادن به برادران دینی

صَوَابُ إِطْعَامِ الْإِخْوَانِ

١٢ - لَئِنْ أُطِعِمَ أَخًا مُسْلِمًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أُفُقًا مِنَ النَّاسِ.

قِيلَ وَكَمْ الْأُفُقُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَشْرَةَ آلَافٍ. (٢)

مثل عبدالله بن عامر مثل کسی است که از زائر خانه خدا می دزدد و از آنچه دزدیده است صدقه می دهد، در حالی که بخشش پاک، بخشش کسی است که در راه تحصیل آن پیشانی اش عرق کند و چهره او گردآلود شود. (از راه حلال و با سعی و تلاش آن را به دست آورد و ببخشد).

١٢ - اگر به یک برادر مسلمانم غذا دهم نزد من دوست داشتنی تر از این است که یک افق از برده را آزاد کنم.

گفته شد یک افق از برده چند نفر است؟ حضرت فرمود:

ده هزار نفر.

ص: ١٧٤

١- ١٥٩. دعائم الاسلام، ج ٢، ص ٣٢٩؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٢٤٤.

٢- ١٦٠. احقاق الحق، ج ١١، ص ٦٢٨.

أَثْرُ قَبُولِ الْعَطَاءِ

۱۳ - مَنْ قَبِلَ عَطَاءَكَ فَقَدْ أَعَانَكَ عَلَى الْكُرْمِ. (۱)

۱۳ - کسی که بخشش تو را بپذیرد، تو را بر بخشیدن به خود یاری کرده است.

یک موعظه مالی

مَوْعِظَةٌ مَالِيَّةٌ

۱۴ - فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفْسِيَّةً

فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَى وَ أَنْبَلُ

وَ إِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَاءً

فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ

وَ إِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قَسَمًا مُقَدَّرًا

فَقَلِّهِ حِرْصَ الْمَرْءِ فِي الرِّزْقِ أَجْمَلُ

وَ إِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرْكِ جَمْعُهَا

فَمَا بِالْ مَثْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخُلُ (۲)

۱۴ - اگر دنیا ارزشمند شمرده می شود، اما بهشت خداوند برتر و ارزشمندتر است و اگر بدن ها برای مرگ آفریده شده اند، پس کشته شدن با شمشیر در راه خدا بهتر است. و اگر روزی ها اندازه معینی دارند، پس حرص نورزیدن مرد در کسب روزی زیباتر است. و اگر جمع آوری اموال برای ترک آنهاست، پس چرا آنچه را مرد ترک می کند به آن بخل ورزد.

ص: ۱۷۵

۱- ۱۶۱. الدررالباهره، ص ۲۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۲- ۱۶۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۴۶؛ اللهوف، ص ۳۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

فصل سیزدهم: حکمت ها و موعظه ها

اشاره

ص: ۱۷۷

عزت و بی نیازی

الْعِزُّ وَالْغِنَى

۱ - إِنَّ الْعِزَّ وَالْغِنَى خَرَجَا يَجُولَانِ، فَلَقِينَا التَّوَكُّلَ فَاسْتَوْطَنَا. (۱)

عالم کیست؟

مَنْ الْعَالِمُ؟

۲ - لَوْ أَنَّ الْعَالِمَ كُلُّ مَا قَالَ أَحْسَنَ وَأَصَابَ لَأَوْشَكَ أَنْ يُجَنَّ مِنَ الْعُجْبِ وَإِنَّمَا الْعَالِمُ مَنْ يَكْتُمُ صَوَابَهُ. (۲)

۱ - عزت و بی نیازی حرکت کردند و می گشتند، وقتی به توکل رسیدند، آنجا را وطن خود قرار دادند.

۲ - اگر عالم هر چه بگوید نیکو و درست باشد، نزدیک است که عجب او را فرا گیرد، بلکه عالم کسی است که گفته های درست او زیاد باشد

ص: ۱۷۸

۱- ۱۶۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸، ح ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۸.

۲- ۱۶۴. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۰.

قدرت و خویشتن داری

الْقُدْرَةُ وَالْحَفِیْظَةُ

۳ - الْقُدْرَةُ تُذْهِبُ الْحَفِیْظَةَ، الْمَرْءُ أَعْلَمُ بِشَأْنِهِ. (۱)

۳ - قدرت، خویشتن داری را از بین می برد و مرد به احوال خود آگاه تر از دیگران است.

بی نیازی از عذرخواهی

الْعُتْبَةُ مِنَ الْإِعْتِذَارِ

۴ - مَنْ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ عَائِبًا لَمْ يَعْدَمْ مَعَ كُلِّ عَائِبٍ عَازِرًا. (۲)

۴ - کسی که عیب جوی دیگری نباشد نیازی ندارد با هر عیب گیری عذرخواهی کند.

فروتنی اجباری

خُضُوعٌ جَبْرِيٌّ

۵ - لَوْلَا ثَلَاثَةٌ مَا وَضَعَ ابْنُ آدَمَ رَأْسَهُ لِشَيْءٍ: الْفَقْرُ وَالْمَرَضُ وَالْمَوْتُ. (۳)

۵ - اگر این سه چیز نبود فرزند آدم سر خود را برای چیزی پایین نمی آورد: فقر و بیماری و مرگ.

ص: ۱۷۹

۱- ۱۶۵. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۰.

۲- ۱۶۶. نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۰.

۳- ۱۶۷. نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۰.

أَشْرَفُ النَّاسِ

۶ - قَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَشْرَفُ النَّاسِ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ إِتَّعَظَ قَبْلَ أَنْ يُوعَظَ، وَاسْتَيْقَظَ قَبْلَ أَنْ يُوقَظَ. (۱)

۶ - مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: بزرگوارترین مردم کیست؟ حضرت فرمود:

کسی که پیش از آن که موعظه شود پند گیرد و پیش از آن که بیدارش کنند بیدار شود.

پند گرانها

مَوْعِظَةٌ قِيَمَةٌ

۷ - أَلْصَدُوقُ عَزٌّ، وَ الْكِذْبُ عَجْزٌ، وَ السَّرُّ أَمَانَةٌ، وَ الْجَوَارُ قَرَابَةٌ، وَ الْمَعِيُونَةُ صِدَاقَةٌ، وَ الْعَمَلُ تَجْرِبَةٌ، وَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ عِبَادَةٌ، وَ الصَّمْتُ زَيْنٌ، وَ الشُّحُّ فَقْرٌ، وَ السَّخَاءُ غِنَى، وَ الرَّفْقُ لُبٌّ. (۲)

۷ - راستگویی عزت و دروغگویی ناتوانی است و راز امانت و همسایگی خویشاوندی و یاری دادن صمیمیت و عمل تجربه و اخلاق خوب عبادت و سکوت زینت و طمع فقر و بخشش بی نیازی و مدارا خردمندی است.

ص: ۱۸۰

۱- ۱۶۸. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۰.

۲- ۱۶۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶.

عَلَائِمُ قَبُولِ الْحَقِّ

۸ - مِنْ دَلَائِلِ عِلْمَاتِ الْقَبُولِ الْجُلُوسُ إِلَى أَهْلِ الْعُقُولِ، وَ مِنْ عِلْمَاتِ أَسْبَابِ الْجَهْلِ الْمُمَارَاةُ لِغَيْرِ أَهْلِ الْفِكْرِ، وَ مِنْ دَلَائِلِ الْعَالَمِ إِنْتِقَادُهُ لِحَدِيثِهِ وَ عِلْمُهُ بِحَقَائِقِ فُنُونِ النَّظْرِ. (۱)

۸ - از نشانه های پذیرش حق نشستن با صاحبان عقل و اندیشه است و از نشانه های نادانی جدال و نزاع با کسانی است که اهل فکر و اندیشه نیستند و از نشانه های عالم بودن کسی این است که سخن خود را نقد کند و به روش های اندیشه و نظر آگاه باشد.

غافلگیری بنده

إِسْتِدْرَاجُ الْعَبْدِ

۹ - أَلْإِسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يَسْبِغَ عَلَيْهِ النَّعْمَ وَ يَسْلُبَهُ الشُّكْرَ. (۲)

۹ - غافلگیری خدای منزّه نسبت به بنده اش این است که به او نعمت فراوان دهد و توفیق شکر گزاری را از او بگیرد.

ص: ۱۸۱

۱- ۱۷۰. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹، ح ۱۴؛ تحف العقول، ص ۲۴۷؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰.

۲- ۱۷۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۷.

شکر نعمت

شُكْرُ النُّعْمَةِ

۱۰ - شُكْرُكَ لِنِعْمَةٍ سَالَفِهِ يَقْتَضِي نِعْمَةً آتِيَةً. (۱)

۱۰ - شکرگزاری تو برای نعمت گذشته سبب نعمت آینده می گردد.

عوامل کمال عقل

أَسْبَابُ كَمَالِ الْعَقْلِ

۱۱ - لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ. (۲)

۱۱ - عقل کامل نمی شود مگر به پیروی از حق.

پستی دنیا

هَوَانُ الدُّنْيَا

۱۲ - وَمِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنْ رَأَسَ يَحْيَى بَنَ ذَكْرِيَّا أُهْدِيَ إِلَى بَعِيٍّ مِنْ بَغَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ. (۳)

۱۲ - از پستی دنیا نزد خداوند همین بس که سر بریده یحیی فرزند زکریا به زنی از زنان زناکار بنی اسرائیل هدیه شد.

ص: ۱۸۲

۱- ۱۷۲. نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۰؛ مقصد الراغب، ص ۱۳۴.

۲- ۱۷۳. اعلام الدين، ص ۲۹۸؛ نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۳- ۱۷۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۷؛ عوالمی اللئالی، ج ۴، ص

عذر بدتر از گناه

إِعْتِدَارُ أَسْوَأِ مِنَ الذَّنْبِ

۱۳ - رَبِّ ذَنْبٍ أَحْسَنُ مِنَ الْإِعْتِدَارِ مِنْهُ. (۱)

۱۳ - چه بسا گناهی که از عذر خواهی بهتر باشد.

روزی بندگان

أَرْزَاقُ الْعِبَادِ

۱۴ - أَرْزَاقُ الْعِبَادِ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، يُنَزَّلُهَا اللَّهُ بِقَدْرِ وَبِئْسُطُهَا بِقَدْرِ. (۲)

۱۴ - روزی بندگان در آسمان چهارم است و خداوند آنها را به تقدیر خود نازل و گسترده می گرداند.

ظاهر و باطن قرآن

ظَاهِرُ الْقُرْآنِ وَبَاطِنُهُ

۱۵ - الْقُرْآنُ ظَاهِرُهُ أُنَيْقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ. (۳)

۱۵ - قرآن ظاهری آراسته و باطنی عمیق دارد.

ص: ۱۸۳

۱- ۱۷۵. نزهه الناظر و تنبيه خاطر، ص ۸۴؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ اعلام الدین، ص ۱۲۸؛ مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ص ۲۱۸.

۲- ۱۷۶. تحف العقول، ص ۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

۳- ۱۷۷. جامع الاخبار، ص ۴۸؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰.

درجات قرآن

مراتبُ القرآنِ

۱۶ - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ:

عَلَى الْعِبَارَةِ، وَالْإِشَارَةِ، وَاللَّطَائِفِ، وَالْحَقَائِقِ

فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ، وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ. (۱)

۱۶ - کتاب خدای عزوجل بر چهار چیز استوار است.

ترکیب الفاظ، رمز و اشاره، نکات نغز و حقایق.

اما عبارت برای توده مردم، و رمز و اشاره برای بندگان خاص می باشد، و نکات نغز و لطیف برای اولیاء، و حقایق آن برای انبیاء است.

علت واجب شدن روزه

عَلَّةُ وُجُوبِ الصَّوْمِ

۱۷ - سُئِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ إِفْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى عَبْدِهِ الصَّوْمَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۱۷ - از امام حسین علیه السلام سؤال شد چرا خداوند روزه را بر بنده اش واجب کرد؟ حضرت فرمود:

ص: ۱۸۴

لِيَجِدَ الْغِنَى مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُودُ بِالْفَضْلِ عَلَى الْمَسَاكِينِ. (۱)

صفات مؤمن

خِصَالُ الْمُؤْمِنِ

۱۸ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِتَّخَذَ اللَّهُ عَضِيْمَتَهُ وَقَوْلُهُ مِرْآتَهُ. فَمَرَّةً يَنْظُرُ فِي نَعْتِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ تَارَةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ الْمُتَحَبِّبِينَ، فَهُوَ مِنْهُ فِي لَطَائِفٍ، وَمِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَارُفٍ، وَمِنْ فِطْنَتِهِ فِي يَقِينٍ، وَمِنْ قُدْسِهِ عَلَى تَمَكُّينِ. (۲)

۱۸ - مؤمن خدا را نگهدار خود و گفتارش را آینه خویش می داند، یک بار در صفت مؤمنین می اندیشد (و درس می گیرد) و یک بار در صفت زورگویان نظر می کند (و عبرت می گیرد) او از درون خود نکته ها دارد و قدرشناس خویش است. از هوش خود به مقام یقین رسیده و از پاکی دل توانمند است.

نیکی به خوبان و بدان

الْصَّنِيْعَةُ إِلَى الْأَبْرَارِ وَالْفُجَّارِ

۱۹ - قَالَ عِنْدَهُ رَجُلٌ: إِنَّ الْمَعْرُوفَ إِذَا أُسْدِيَ إِلى غَيْرِ أَهْلِهِ ضَاعَ.

برای آن که توانگر طعم گرسنگی را بچشد تا بر بینوایان بخشش کند.

۱۹ - مردی در محضر امام حسین علیه السلام گفت: وقتی به کسی که

ص: ۱۸۵

۱- ۱۷۹. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۳؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۵، ح ۶۲.

۲- ۱۸۰. تحف العقول، ص ۴۸؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹، ح ۱۵.

فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَيْسَ كَذَلِكَ، وَ لَكِنْ تَكُونُ الصَّنِيعَةُ مِثْلَ وَابِلِ الْمَطَرِ تُصِيبُ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ. (۱)

این گونه صبح کردم

كَذَلِكَ أَصْبَحْتُ

۲۰ - قِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَصْبَحْتُ وَ لِي رَبُّ فَوْقِي، وَ النَّارُ أَمَامِي، وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي، وَ الْحِسَابُ مُحْدَقٌ بِي، وَ أَنَا مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِي.

اهل نیکی نیست نیکی شود آن کار نیک ضایع شده است. حضرت فرمود:

این چنین نیست بلکه کار نیک همانند باران شدیدی است که خوب و بد را فرا می گیرد.

۲۰ - به امام حسین علیه السلام عرض شد چگونه شب را به صبح رساندی ای پسر رسول خدا! امام علیه السلام فرمود:

صبح کردم در حالی که پروردگاری بالای سر و آتشی در پیش داشتم. مرگ به دنبالم بود، حساب مرا در بر گرفته و در گرو اعمال خود بودم.

ص: ۱۸۶

۱ - ۱۸۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۳؛ تحف العقول، ص ۲۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۴۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰.

لَا أَجِدُ مَا أَحِبُّ، وَلَا أَذْفَعُ مَا أَكْرَهُ، وَالْأُمُورُ بِيَدِ غَيْرِي، فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَنِي وَإِنْ شَاءَ عَفَى عَنِّي، فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ مِنِّي. (۱)

شگفتی های مردم

عَجَائِبُ النَّاسِ

۲۱ - وَجِدَ لَوْحَ تَحْتِ حَائِطِ مَدِينَةٍ مِنَ الْمَدَائِنِ، مَكْتُوبٌ فِيهِ: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرُحُ، وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَخْزُنُ، وَعَجِبْتُ لِمَنْ إِخْتَبَرَ الدُّنْيَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا، وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ كَيْفَ يُذْنِبُ. (۲)

آنچه را دوست دارم نمی یابم و آنچه را دوست ندارم نمی توانم از خود دور کنم و زمام امور به دست کسی غیر از من است، پس اگر بخواهد عذابم می کند و اگر بخواهد می بخشد. پس چه کسی فقیرتر از من است؟

۲۱ - تخته ای در زیر دیوار شهری از شهرها پیدا شد که در آن نوشته شده بود من خدا هستم و خدایی جز من نیست و محمد پیامبر من است. در شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد چگونه شادمانی می کند، در شگفتم از کسی که یقین به قضا و قدر دارد چگونه اندوهگین است، و در شگفتم از کسی که به حساب روز قیامت یقین دارد چگونه گناه می کند.

ص: ۱۸۷

۱- ۱۸۲. الامالی للصدوق، ص ۷۰۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۴؛ روضه الواعظین، ص ۴۸۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۶، ح ۱.

۲- ۱۸۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۰، ح ۱۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۸؛ مسند زید بن علی، ص ۴۴۷؛ مسند الرضا علیه السلام، ص ۱۷۳.

۲۲ - إِنَّ رَجُلًا قَالَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِجْلِسْ حَتَّى نَتَنَاظَرَ فِي الدِّينِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يا هذا! أنا بصيرٌ بديني، مكشوفٌ على هداي، فإن كنت جاهلاً بدينك فأذهب واطلبه. ما لي وللمماراه؟ وإن الشيطان ليوسوس للرجل ويناجيه ويقول: ناظر الناس في الدين كيلا يظنوا بك العجز والجهل. ثم المراء لا يخلو من أربعه أوجه:

۱ - إما أن تتمازي أنت و صاحبك فيما تعلمان، فقد تركتما بذلك النصيحة و طلبتما الفضيحة و أصغتما ذلك العلم.

۲۲ - مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: بنشین تا در باره دین با یکدیگر مناظره کنیم. حضرت فرمود:

ای مرد! من به دین خود آگاهم و هدایت نزد من آشکار است، اگر تو به دین خود آگاهی نداری برو کسب آگاهی کن، مرا با جدال و خودنمایی علمی چه کار؟ شیطان انسان را وسوسه کرده و در گوش او زمزمه می کند و می گوید: درباره دین با مردم مناظره کن تا تو را ضعیف و جاهل نیندازند. آن گاه بدان که خودنمایی علمی از چهار صورت بیرون نیست.

۱ - یا جدال تو و کسی که با او مناظره می کنی در اموری است که به آن آگاهید، در این صورت خیرخواهی را ترک کرده اید و به دنبال رسوایی رفته و علم خود را ضایع ساخته اید.

۲ - أَوْتَجْهَلَانَهُ فَأَظْهَرْتُمَا جَهْلًا وَ خَاصَمْتُمَا جَهْلًا.

۳ - أَوْ تَعَلَّمَهُ أَنْتَ فَظَلَمْتَ صَاحِبِكَ بِطَلْبِكَ عَثْرَتَهُ.

۴ - أَوْ يَعْلَمُهُ صَاحِبُكَ فَتَرَكْتَ حُرْمَتَهُ وَلَمْ تَنْزِلْهُ مَنْزِلَتَهُ وَ هَذَا كُلُّهُ مُحَالٌ.

فَمَنْ أَنْصَفَ وَ قَبَلَ الْحَقَّ وَ تَرَكَ الْمُمَارَاةَ فَقَدْ أَوْثَقَ إِيمَانَهُ وَ أَحْسَنَ صُحْبَةَ دِينِهِ وَ صَانَ عَقْلَهُ. (۱)

۲ - یا آگاهی به دین ندارید پس نادانی خود را آشکار کرده اید و جاهلانه نزاع می کنید.

۳ - یا تو آگاهی داری و کسی که با او مناظره می کنی جاهل است که در این صورت به خاطر پی گیری خطاهایش به او ظلم کرده ای.

۴ - یا طرف تو آگاهی دارد و تو جاهلی که در این صورت حرمت او را مراعات نکرده ای و او را در جایگاهی که شایسته است قرار نداده ای و تمام این چهار قسم نارواست.

پس کسی که انصاف داشته باشد و حق را بپذیرد و خود نمایی علمی را ترک گوید ایمان خود را محکم کرده و با دین خود به نیکی رفتار نموده و عقل خود را از لغزش نگاه داشته است.

ص: ۱۸۹

۲۳ - وَمِنَ الْبَلَاءِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ، إِنَّا إِذَا دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يَجِئُونَا وَإِذَا تَرَكَنَاهُمْ لَا يَهْتَدُوا بَعِيرِنَا. (۱)

۲۳ - از گرفتاری های این امت آن است که وقتی ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را می خوانیم اجابت نمی کنند و وقتی آنها را به حال خود وا می گذاریم به وسیله غیر ما هدایت نمی شوند.

موضع عاقل در برابر گرفتاری ها

مَوْضِعُ الْعَاقِلِ تَجَاهَ الْإِثْتِلَاءِ

۲۴ - الْأَمِينُ آمِنٌ، وَ الْبَرِيُّ بَرٌّ، وَ الْخَائِنُ خَائِفٌ، وَ الْمُسِيءُ مُشْتَوْحِشٌ.

إِذَا وَرَدَتْ عَلَى الْعَاقِلِ لُئْمَةٌ قَمَعَ الْحُزْنَ بِالْحَزْمِ، وَ فَرَعَ الْعَقْلَ لِلِإِحْتِيَالِ. (۲)

۲۴ - انسان امین در امنیت است و بی گناه دلیر و خائن هراسناک می باشد و گنهکار در وحشت قرار دارد.

وقتی بلایی بر عاقل وارد می شود با دوراندیشی بر اندوه چیره می گردد و عقل او آماده راه حل می گردد.

ص: ۱۹۰

۱- ۱۸۵. نزهه الناظر و تنبيه خاطر، ص ۸۵ ح ۲۰.

۲- ۱۸۶. نزهه الناظر و تنبيه خاطر، ص ۸۴.

۲۵ - لَا تَصِفَنَّ لِمَلِكٍ دَوَاءً، فَإِنَّهُ إِنْ نَفَعَهُ لَمْ يَحْمِدْكَ، وَإِنْ ضَرَّهُ إِتَّهَمَكَ. (۱)

صِفَاتُ الْمُعَاوِيَةِ

۲۵ - دارویی را برای پادشاهی (زمامداری) توصیف نکن، زیرا اگر به او سود بخشد از تو تشکر نمی کند و اگر به او زیان رساند تو را متهم می سازد.

ویژگی های معاویه

۲۶ - إِذَا بَلَغَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَلَامَ نَافِعِ بْنِ جُبَيْرٍ فِي مُعَاوِيَةَ وَقَوْلِهِ «إِنَّهُ كَانَ يَشْكُتُهُ الْحِلْمُ وَيَنْطِقُهُ الْعِلْمُ»، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بَلْ كَانَ يَنْطِقُهُ الْبَطْرُ وَيَشْكُتُهُ الْحَصْرُ. (۲)

۲۶ - وقتی سخن نافع بن جبیر درباره معاویه به امام حسین ۷ رسید که گفته بود: «شکیبایی معاویه را به سکوت وا می داشت و علم او را به سخن می آورد» فرمود:

بلکه گردن کشی او را به سخن می آورد و تنگدلی او را به سکوت می کشانید.

ص: ۱۹۱

۱- ۱۸۷. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷؛ اعلام الدین، ص ۲۹۸؛ نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۴.

۲- ۱۸۸. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷؛ كنز الفوائد، ص ۱۹۵.

الْإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ

۲۷ - الْإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ: فَأَخٌ لَكَ وَ لَهٗ، وَ أَخٌ لَكَ، وَ أَخٌ عَلَيْكَ، وَ أَخٌ لَكَ وَ لَا لَهٗ.

فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى ذَلِكَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ وَ لَهٗ، فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ بَقَاءَ الْإِخَاءِ وَ لَا يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ مَوْتَ الْإِخَاءِ. فَهَذَا لَكَ وَ لَهٗ، لِأَنَّهُ إِذَا تَمَّ الْإِخَاءُ طَابَتْ حَيَاتُهُمَا جَمِيعًا. وَإِذَا دَخَلَ الْإِخَاءُ فِي حَالِ التَّنَاقُضِ بَطَلَ جَمِيعًا.

وَ الْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي قَدْ خَرَجَ بِنَفْسِهِ عَنْ حَالِ

۲۷ - برادران (مسلمان) بر چهار دسته اند:

۱ - برادری که برای تو و خودش سودمند است.

۲ - برادری که تنها به سود توست.

۳ - برادری که به ضرر تو می باشد.

۴ - برادری که نه برای تو سودمند است و نه برای خودش.

از امام علیه السلام سؤال شد در این باره توضیح دهد و او فرمود:

برادری که برای تو و خودش سودمند است کسی است که مرادش از برادری استمرار رابطه دوستی است و نمی خواهد این ارتباط از میان برود. این برای تو و او مفید است زیرا وقتی برادری کامل و دو طرفه باشد زندگی بر هر دو خوش می گذرد، اما اگر برادری یک طرفه باشد از بین می رود.

اما برادری که تنها برای تو می باشد آن برادری است که طمع را از

الطَّمَعِ، إِلَى حَالِ الرِّغْبَةِ، فَلَمْ يَطْمَعْ فِي الدُّنْيَا إِذَا رَغِبَ فِي الْإِخَاءِ. فَهَذَا مُؤَفَّرٌ عَلَيْكَ بِكَلَّتِيهِ.

وَالْأَخُ الَّذِي هُوَ عَلَيْكَ، فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَتَرَبَّصُّ بِكَ الدَّوَائِرَ وَيَعْشَى السَّرَائِرَ، وَيَكْذِبُ عَلَيْكَ بَيْنَ الْعَشَائِرِ، وَيَنْظُرُ فِي وَجْهِكَ نَظَرَ الْحَاسِدِ، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ الْوَاحِدِ.

وَالْأَخُ الَّذِي لَا لَكَ وَلَا لَهُ، فَهُوَ الَّذِي قَدْ مَلَأَهُ اللَّهُ حُمَقًا فَأَبْعَدَهُ سُحْقًا، فَتَرَاهُ يُؤَثِّرُ نَفْسَهُ عَلَيْكَ وَيَطْلُبُ شُحًا مَا لَدَيْكَ. (۱)

خود دور ساخته و شیفته تو می باشد. هدف چنین برادری طمع در دنیا نیست و در نتیجه تمام برادری او به سود توست.

اما برادری که به زیان تو می باشد برادری است که منتظر گرفتاری توست و درونش خلاف ظاهر اوست و در میان برادران و اقوام بر تو دروغ می بندد و با حسادت به چهره تو می نگرد. لعنت خدا بر او باد.

اما برادری که سودی برای تو و خود ندارد کسی است که خداوند او را بسیار احمق آفریده و از رحمت خود کاملاً دور ساخته است از این رو می بینی که خود را بر تو مقدم می کند و با آزمندی از آنچه داری درخواست می کند.

ص: ۱۹۳

۲۸ - عِبَادَ اللَّهِ! اتَّقُوا اللَّهَ وَكُلُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حَذَرٍ؛

فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوُ بُقِيَّتْ لِأَحَدٍ وَبَقِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ، كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ أَحَقَّ بِالْبُقَاءِ وَأَوْلَى بِالرِّضَا وَارْضَى بِالْقَضَاءِ. غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ.

فَجَدِيدُهَا بَالٍ، وَنَعْمُهَا مُضْمَحِلٌّ، وَسُرُورُهَا مُكْفَهَرٌ، وَالْمَنْزِلُ بُلْغَةٌ، وَالِدَارُ قُلْعَةٌ.

فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۱)

۲۸ - ای بندگان خدا! از خدا پروا داشته باشید و از دنیا بپرهیزید. اگر بنا بود که دنیا برای کسی باقی بماند و یا کسی همواره در دنیا باقی بماند، پیامبران برای بقاء در آن سزاوارتر و کسب خشنودی برای آنها بهتر و با قضای الهی موافق تر بود. اما خدای متعال دنیا را برای آزمایش آفرید و اهل دنیا را هم برای فانی شدن خلق کرد.

پس تازه هایش کهنه شدنی و نعمت هایش از بین رفتنی و شادمانی آن گرفتگی و تلخی است. دنیا خانه کفاف و کوچ کردن است.

پس برای آخرت خود توشه بگیرید که همانا بهترین توشه پرهیزکاری است و از خدا پروا داشته باشید شاید رستگار شوید.

ص: ۱۹۴

صفات رهبر مسلمانان

خِصَالُ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

۲۹ - مَا لِلْإِمَامِ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَالْآخِذُ بِالْقِسْطِ، وَالِدَائِرُ بِالْحَقِّ، وَالْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ. (۱)

۲۹ - پیشوای مسلمانان کسی است که عمل کننده به کتاب خدا، مجری عدالت، پیرو حق و پایدار بر راه خدا باشد.

موعظه حکمت آمیز

مَوْعِظَةٌ حَكِيمَةٌ

۳۰ - جَاءَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ وَقَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَلَا أَضْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَعِظْنِي بِمَوْعِظَةٍ!

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ وَادْنِبْ مَا شِئْتَ.

۳۰ - مردی نزد امام حسین علیه السلام آمد و عرض کرد: من مردی گنه کارم و توان خود داری از معصیت را ندارم مرا موعظه کن. امام علیه السلام فرمود:

پنج کار را انجام ده و هر چه می خواهی گناه کن.

ص: ۱۹۵

۱- ۱۹۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۲؛ مشیرالاحزان، ص ۱۶؛ الامامه و السياسه، ج ۲، ص ۸.

فَأَوْلُ ذَلِكَ: لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَ اذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَ الثَّانِي: أُخْرِجْ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَ اذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَ الثَّلَاثُ: أَطْلُبْ مَرَضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ اذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَ الرَّابِعُ: إِذَا جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنِ نَفْسِكَ وَ اذْنِبْ مَا شِئْتَ.

وَ الْخَامِسُ: إِذَا أَدْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ اذْنِبْ مَا شِئْتَ. (۱)

پنهانی چهار چیز در چهار چیز دیگر

خِفَاءُ الْأَرْبَعَةِ فِي الْأَرْبَعَةِ

۳۱ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ: أَخْفَى رِضَاهُ فِي

اول: روزی خدا را نخور و آنچه می خواهی گناه کن.

دوم: از حاکمیت خدا بیرون رو و آنچه می خواهی گناه کن.

سوم: جایی را انتخاب کن که خدا نبیند و آنچه می خواهی گناه کن.

چهارم: وقتی فرشته مرگ آمد تا جان تو را بگیرد، او را از خود دور گردان و آنچه می خواهی گناه کن.

پنجم: وقتی مالک (فرشته) تو را وارد جهنم می کند داخل نشو و آنچه می خواهی گناه کن.

۳۱ - خداوند چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرد: خشنودی خود را در

ص: ۱۹۶

الْحَسَنَاتِ، فَلَا يَسْتَضْعِرَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ حَسَنَةً، لِأَنَّهُ لَا يَدْرِي فِيمَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى

وَ أَخْفَى سَخَطُهُ فِي السَّيِّئَاتِ فَلَا يَسْتَضْعِرَنَّ أَحَدُكُمْ سَيِّئَةً، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِيمَ سَخَطُ اللَّهِ.

وَ أَخْفَى أَوْلِيَاءَهُ فِي النَّاسِ فَلَا يَسْتَضْعِرَنَّ أَحَدُكُمْ أَحَدًا، فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ وَلِيًّا لِلَّهِ.

وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي الدُّعَاءِ فَلَا يَسْتَضْعِرَنَّ أَحَدُكُمْ دَعْوَةً، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي لَعَلَّهُ دُعَاءٌ مُسْتَجَابٌ. (۱)

کارهای خیر پنهان کرد. پس کسی از شما کار خیری را کوچک نشمارد زیرا نمی داند رضایت خدا در چه کاری است.

و غضبش را در گناهان مخفی کرد، پس کسی از شما گناهی را کوچک نشمارد زیرا نمی داند که غضب خدا در کدام یک از آنهاست.

و دوستانش را در مردم مخفی کرد، پس کسی از شما فردی را کوچک نشمارد که نزدیک است او از دوستان خدا باشد.

و اجابتش را در دعا پنهان کرد پس کسی از شما دعایی را کوچک نشمارد زیرا او که نمی داند، شاید همان دعا مورد اجابت خدا باشد.

ص: ۱۹۷

۳۲ - اجْتَبُوا الْغَشِيَانَ فِي اللَّيْلِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ رُزِقَ وَلَدًا كَانَ حِوَالَهُ. (۱)

۳۲ - از آمیزش در شبی که قصد مسافرت دارید پرهیزید. کسی که چنین کند و دارای فرزندی شود چپ چشم خواهد بود.

بنده های دنیا

عَبِيدُ الدُّنْيَا

۳۳ - النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينِ لَعَقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. (۲)

۳۳ - مردم بنده های دنیا هستند و دین شعار زبان آنهاست. تا زندگی آنان تأمین است دین داری می کنند، اما وقتی به بلا آزمایش می شوند دین داران کم می گردند.

ص: ۱۹۸

۱- ۱۹۴. طبّ الأئمه، ص ۱۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۹؛ بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۳.

۲- ۱۹۵. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ مقتل الحسین علیه السلام للخوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۳۴؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷.

۳۴ - قَامَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ فَقَالَ فِي تَحْرِيبِ النَّاسِ بِجِهَادِ الْأَعْدَاءِ فِي حَرْبِ صِفِّينَ:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَنْتُمْ الْأَجِبَةُ الْكُرْمَاءِ وَالشُّعَارُ دُونَ الدُّنَا فِجِدُوا فِي إِحْيَاءِ مَا دَثَرَ بَيْنَكُمْ وَتَسْهِيلِ مَا تَوَعَّرَ عَلَيْكُمْ.

أَلَا إِنَّ الْحَرْبَ شَرُّهَا ذَرِيعٌ، وَطَعْمُهَا فَظِئِعٌ، وَهِيَ جُرْعٌ مُسَيِّتٌ حَسَاهُ، فَمَنْ أَخَذَ لَهَا أَهْبَتَهَا وَاسْتَعَدَّ لَهَا عَيْدَتَهَا وَلَمْ يَأْلَمْ كُلُّومَهَا عِنْدَ حُلُولِهَا فَذَاكَ صَاحِبُهَا. وَمَنْ عَاجَلَهَا قَبْلَ أَوَانِ فُرُصَتِهَا وَاسْتَبْصَارِ سَعْيِهِ

۳۴ - امام حسین علیه السلام در برابر مردم کوفه ایستاد و آن گونه که سزاوار خداوند است حمد و ثنای او گفت و آن گاه در ترغیب مردم به جهاد با دشمنان در جنگ صفین فرمود:

ای مردم کوفه! شما دوستان گرامی ما هستید و مانند لباس زیرین به بدن، به ما اهل بیت نزدیکید. پس در زنده کردن آنچه در میان شما کهنه گردیده و آسان نمودن آنچه بر شما دشوار شده است بکوشید.

آگاه باشید که بدی جنگ زیاد و طعم آن بسیار ناگوار است و جرعه هایی است که باید کم کم نوشید. پس کسی که برای آن آمادگی داشته و ساز و برگ آن را فراهم سازد و از جراحت های آن احساس درد نکند برنده آن است و کسی که قبل از فرا رسیدن فرصت های مناسب و شناخت لازم، عجولانه وارد جنگ شود سزاوار آن است که به مردم خود

فِيهَا فَذَاكَ قَمَنْ أَنْ لَا يَنْفَعَ قَوْمَهُ وَ أَنْ يُهْلِكَ نَفْسَهُ. نَسَأَلُ اللَّهَ بِقُوَّتِهِ أَنْ يُدْعِمَكُمْ بِالْفَيْتَةِ. (۱)

نسبت توانایی و تکلیف

نِسْبَةُ الْقُدْرَةِ وَ التَّكْلِيفِ

۳۵ - مَا أَخَذَ اللَّهُ طَاقَهُ أَحَدٍ إِلَّا وَضَعَ عَنْهُ طَاعَتَهُ، وَ لَا أَخَذَ قُدْرَتَهُ إِلَّا وَضَعَ عَنْهُ كَلْفَتَهُ. (۲)

۳۵ - خداوند توان کسی را نمی گیرد مگر این که اطاعت خود را از او برطرف می کند، و قدرت او را نمی گیرد مگر این که تکلیف خود را از عهده او برمی دارد.

پرسی ها و پاسخ ها

أَسْئَلُهُ وَأَجِوبُهُ

۳۶ - عَنْ يَحْيَى بْنِ نُعْمَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سودی نرساند و خود را به هلاکت اندازد. از خداوند می خواهم که به قدرت خود جمعیت شما را محکم و مقاوم گرداند.

۳۶ - یحیی بن نعمان گوید: نزد حسین علیه السلام بودم که مرد عربی

ص: ۲۰۰

۱- ۱۹۶. بحارالان؟؟؟؟ ج ۳۲، ص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۶؛ وقعه صفین، ص ۱۱۴.

۲- ۱۹۷. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۴؛ تحف العقول، ص ۲۴۶.

إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ أَسْمَرَ شَدِيدَ السَّمَرَةِ، فَسَلَّمَ، فَرَدَّ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَسْأَلُهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَاتِ. قَالَ: كَمْ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَرْبَعُ أَصَابِعٍ

قَالَ: كَيْفَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْإِيمَانُ مَا سَمِعْنَاهُ، وَالْيَقِينُ مَا رَأَيْنَاهُ، وَبَيْنَ السَّمْعِ وَالْبَصْرِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ.

قَالَ: فَكَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ.

سبزه رو بر او وارد شد و سلام کرد و حسین علیه السلام جواب سلام او را داد. آن گاه عرض کرد: ای پسر رسول خدا! سؤالی دارم. حضرت فرمود: سؤال خود را بپرس. عرض کرد: فاصله بین ایمان و یقین چه اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود:

به اندازه چهار انگشت است.

پرسید: چگونه به اندازه چهار انگشت است؟ فرمود:

ایمان چیزی است که آن را شنیده ایم و یقین چیزی است که آن را دیده ایم و میان شنیدن و دیدن چهار انگشت فاصله است.

عرض کرد: فاصله آسمان و زمین چه اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود:

به اندازه یک دعای اجابت شده.

قَالَ: فَكَمْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَسِيرَهُ يَوْمٍ لِلشَّمْسِ.

قَالَ: فَمَا عِزُّ الْمَرْءِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ.

قَالَ: فَمَا أَفْبَحُ شَيْءٍ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْفِسْقُ فِي الشَّيْخِ قَبِيحٌ، وَالْحِدَّةُ فِي السُّلْطَانِ قَبِيحَةٌ، وَالْكَذِبُ فِي ذِي الْحَسَبِ قَبِيحٌ، وَالْبُخْلُ فِي ذِي الْغِنَاءِ، وَالْحِرْصُ فِي الْعَالِمِ.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَأَخْبِرْنِي عَنْ عَدَدِ الْأَثَمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عرض کرد: فاصله بین مشرق و مغرب چه اندازه است؟ حضرت فرمود:

به اندازه یک روز حرکت خورشید.

عرض کرد: عزت مرد به چیست؟ فرمود:

به بی نیازی او از مردم.

عرض کرد: زشت ترین چیز کدام است؟ فرمود:

گناه پیرمرد، تندى سلطان، دروغ انسان اصیل، بخل ثروتمند و حرص عالم.

عرض کرد: درست گفتمی ای فرزند رسول خدا، مرا از تعداد امامان بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله آگاه گردان. فرمود:

إِثْنَا عَشَرَ، عَدَدَ نُبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

قَالَ: فَسَمَّيْتُهُمْ لِي، فَأَطْرَقَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ:

نَعَمْ أُخْبِرُكَ يَا أَخَا الْعَرَبِ، إِنَّ الْإِمَامَ وَالْخَلِيفَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ
السَّلَامُ، وَالْحَسَنُ، وَأَنَا، وَتَسْبِعَةٌ مِنْ وُلْدِي، مِنْهُمْ عَلِيُّ ابْنِي، وَبَعْدَهُ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ جَعْفَرٌ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ مُوسَى ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ عَلِيُّ
ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ عَلِيُّ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ الْحَسَنُ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ الْخَلِيفَةُ الْمَهْدِيُّ، هِيَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي يَقُومُ بِالدِّينِ فِي
آخِرِ الزَّمَانِ.

دوازده نفر به عدد برگزیدگان بنی اسرائیل اند.

عرض کرد: آنها را برای من نام ببر. حسین علیه السلام مدتی سر به زیر انداخت و آن گاه سر خود را بالا آورد و فرمود:

بله نام آنها را به تو خواهم گفت ای برادر عرب. هر آینه امام و جانشین بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پدرم امیرالمؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام و حسن و خودم و نه نفر از فرزندان من می باشند. یکی از آنها پسر من علی و پس از او پسرش
محمد و پس از او پسرش جعفر و پس از او پسرش موسی و پس از او پسرش علی و پس از او پسرش محمد و پس از او
پسرش علی و پس از او پسرش حسن و پس از او فرزندش مهدی است. او نهمین فرزند من است که در آخر زمان برای برپایی
دین قیام می کند.

ص: ۲۰۳

قال: فَقَامَ الْأَعْرَابِيُّ وَهُوَ يَقُولُ:

مَسَحَ النَّبِيُّ جَبِينَهُ

فَلَهُ بَرِيقٌ فِي الْخُدُودِ

أَبْوَاهُ مِنْ أَعْلَى قُرَيْشٍ

وَ جَدُّهُ خَيْرُ الْجُدُودِ. (۱)

یک توصیه پزشکی

تَوْصِيَّةٌ طَيِّبَةٌ

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا إِشْتَكَى إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ وَجَعًا فِي عِرَاقِيْنِي قَدْ مَنَعَنِي مِنَ النَّهْوِضِ إِلَى الصَّلَاةِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْعَوْدَةِ؟

مرد عرب برخاست در حالی که این اشعار را می سرود:

پیامبر دست بر پیشانی او کشید، پس درخششی در چهره دارد.

پدر و مادرش از بهترین طایفه قریش اند و جدش (محمدصلی الله علیه وآله) بهترین جداهاست.

مردی به اباعبدالله حسین بن علی علیهما السلام شکایت کرد و گفت: ای پسر رسول خدا! من دردی را در عصب های پای خود دارم که مرا از بلند شدن برای نماز باز می دارد. امام علیه السلام فرمود:

چه چیز تو را از استفاده از تعویذ باز می دارد؟

ص: ۲۰۴

قال: لَسْتُ أَعْلَمُهَا، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فَإِذَا أَحْسَيْتَ بِهَا فَضَعْ يَدَكَ عَلَيْهَا وَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ»، ثُمَّ اقْرَأْ عَلَيْهِ: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»^(۱). فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَشَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى (۲)

عرض کرد: تعویذ آن را نمی دانم. حضرت فرمود:

وقتی درد را در عصب های پای خود احساس کردی دست خود را بر آن بگذار و بگو: «بسم الله و بالله و السلام على رسول الله صلى الله عليه وآله. آن گاه بر آن بخوان: «و ما قدر الله حق قدره و الارض جميعا قبضته يوم القيامة، و السموات مطويات بيمينه سبحانه و تعالى عما يشركون»^(۳) آن مرد به این تعویذ عمل کرد و خدای متعال او را شفا داد.

ص: ۲۰۵

۱- ۱۹۹. سوره الزمر، الآیه ۶۷.

۲- ۲۰۰. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۸۵؛ طب الائمه، ص ۳۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۱.

۳- ۲۰۱. خدا را آن گونه که شایسته اوست نشناختند در حالی که همه زمین در روز قیامت در قبضه قدرت اوست و آسمان ها پیچیده در دست او می باشد. خداوند منزّه و برتر است از شریک هایی که برای او قرار می دهند.

دشمنی بنی هاشم و بنی امیه

خُصُومَةُ بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ

۱ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى

«هَذَانِ خُضَمَانِ إِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ» (۱)

نَحْنُ وَبَنُو أُمَيَّةَ إِخْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ، وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ. فَنَحْنُ وَإِيَّاهُمْ الْخُضَمَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

۱ - امام حسین علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «این دو گروه، دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارشان با هم دشمنی می کنند»، فرمود:

ما و بنی امیه درباره خداوند به دشمنی پرداختیم. ما گفتیم خدا راست می گوید و آنها گفتند خدا دروغ می گوید. ما و آنها در روز قیامت هم دشمن یکدیگریم.

ص: ۲۰۸

۱- ۲۰۲. سوره الحج، الآیه ۱۹ .

۲- ۲۰۳. الخصال، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۱۷؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۷۶ .

۲ - إنا و بنی اُمّیّه تَعَادینا فی اللّهِ، فَخُنُّ وَ هُمْ کَذَلِکَ إلی یَوْمِ الْقِیَامَةِ. فَجَاءَ جِبْرِئِلُ عَلَیهِ السَّلَامُ بِرَأِیهِ الْحَقِّ فَرَكَرَهَا بَیْنَ أَظْهَرِنَا وَ جَاءَ إِبْلِیسُ بِرَأِیهِ الْبَاطِلِ فَرَكَرَهَا بَیْنَ أَظْهَرِهِمْ. (۱)

۲ - ما و بنی امیه برای خدا با یکدیگر دشمنی کردیم و این دشمنی تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. جبرئیل علیه السلام پرچم حق را آورد و در پشت ما برافراشت و ابلیس هم پرچم باطل را آورد و در پشت آنها برافراشت.

پاسخ امام حسین علیه السلام به معاویه

جَوَابُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمُعَاوِيَةَ

۳ - لَمَّا قَتَلَ مُعَاوِيَةَ حُجْرَ بْنَ عَدِيٍّ وَأَصْحَابَهُ، حَجَّ ذَلِكَ الْعَامَ فَلَقِيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ هَلْ بَلَغَكَ مَا صَنَعْنَا بِحُجْرٍ وَأَصْحَابِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ شِيعَةِ أَبِيكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ مَا صَنَعْتَ بِهِمْ؟

۳ - وقتی معاویه حجر بن عدی و یارانش را کشت در همان سال به سفر حج رفت و امام حسین علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: ای اباعبدالله آیا این خبر به تو رسید که ما با حجر و یاران و پیروانش و شیعیان پدرت چه کردیم؟ امام علیه السلام فرمود: با آنها چه کردی؟

ص: ۲۰۹

قَالَ قَتَلْنَاهُمْ وَكَفَّنَّاهُمْ وَصَلَّيْنَا عَلَيْهِمْ. فَضَحِكَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ:

حَضَمْتُ الْقَوْمَ يَا مُعَاوِيَةَ، لَكِنَّا لَوْ قَتَلْنَا شِيعَتَكَ مَا كَفَّنَّاهُمْ وَلَا صَلَّيْنَا عَلَيْهِمْ وَلَا أَقْبَرْنَاهُمْ.

وَلَقَدْ بَلَغَنِي وَوَعَيْتُكَ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَقَائِمِكَ بِنُقُصَانَا، وَإِعْتِرَاضِكَ بِنِي هَاشِمٍ بِالْعُيُوبِ. فَأِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَارْجِعْ فِي نَفْسِكَ، ثُمَّ سَلِّهَا الْحَقَّ، عَلَيْهَا وَلَهَا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْهَا أَعْظَمَ عَيْبًا فَمَا أَصْغَرَ عَيْبِكَ فِيكَ.

فَقَدْ ظَلَمْنَاكَ يَا مُعَاوِيَةَ، وَلَا تُوتِرَنَّ غَيْرَ قَوْسِكَ. وَلَا تَزْمِينَنَّ غَيْرَ

معاویه گفت: آنها را کشتیم و کفن کردیم و بر آنها نماز گزاردیم. امام علیه السلام خنده تلخی کرد و فرمود:

ای معاویه کسانی را که کشتی در قیامت با تو دشمن خواهند بود. اما اگر ما پیروان تو را بکشیم آنها را کفن نمی کنیم و بر آنان نماز نمی گزاریم و دفنشان نمی کنیم.

خبر ناسزا گویی تو به علی علیه السلام به من رسید و از عیب گیری که بر ما بنی هاشم داشتی آگاه شدم. حال که چنین کردی به نفس خود رجوع کن و حق را از آن بخواه چه بر ضرر آن باشد و یا به سود آن. پس اگر عیب های بزرگی در آن نیابی عیب تو کوچک هم نخواهد بود.

ما (مردم) تو را در غیر محل خود نشانیدیم (شایسته حکومت نبود) از کمان دیگری تیراندازی نکن و به آنچه هدف تو نیست تیر نینداز و از

غَرَضِكَ، وَ لَا تَزِمْنَا بِالْعَدَاوَةِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ.

فَأِنَّكَ وَاللَّهِ قَدْ أَطَعْتَ فِينَا رَجُلًا مَا قَدِمَ إِسْلَامُهُ، وَلَا حَدَّثَ نِفَاقُهُ، وَلَا نَظَرَ لَكَ، فَانظُرْ لِنَفْسِكَ أَوْ دَعُ. (۱)

سخنرانی حماسی در مبنی

خُطْبَةُ حِمَاسِيَّةٍ بِمِنَى

۴ - إِعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعِظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ «لَوْلَا- يَنْهَاهُمْ الرَّبَائِثُونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ» (۲) وَ قَالَ «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» إِلَى قَوْلِهِ «لِبَسِّ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۳)

پایگاه نزدیک، تیر دشمنی به سوی ما پرتاب نکن.

به خدا سوگند تو درباره ما از کسی پیروی می کنی که او (عمروبن عاص) سابقه ای در اسلام ندارد و نفاقش چیز جدیدی نیست و نظر او به سود تو نمی باشد. به خود بیندیش یا عمروبن عاص را رها کن.

۴ - هان ای مردم! از آنچه خداوند دوستان خود را با سرزنش علمای یهود پند داده است عبرت بگیرید، آن گاه که می فرماید: «چرا دانشمندان مسیحیت و علمای یهود آنان را از سخنانی که گناه است باز نمی دارند؟» هم چنین فرمود: «عده ای از بنی اسرائیل که کافر شدند مورد لعنت قرار گرفتند، تا آنجا که می فرماید: «چه بد بود آنچه عمل می کردند».

ص: ۲۱۱

۱- ۲۰۵. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۲۹؛ نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۹؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- ۲۰۶. سوره المائده، الآیه ۶۳.

۳- ۲۰۷. سوره المائده، الآیه، ۷۸.

وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ مِنَ الظَّالِمِ الَّذِينَ بَيَّنَّ أَظْهَرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفَسَادَ، فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَحْذَرُونَ، وَاللَّهُ يَقُولُ: «فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ» (١) وَقَالَ: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ لِبَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (٢)

فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ، لِعِلْمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأُقِيمَتْ إِسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيَّئَتْهَا وَصِيَّعِبَهَا، وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ، مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقَسْمِهِ الْفَيْءَ وَالْغَنَائِمَ وَأَخَذِ الصَّدَقَاتِ

و خداوند آنها را نکوهش کرد زیرا می دیدند که ستمگران ظلم و فساد می کنند اما آنها را از کار خود نهی نمی کردند و این نهی نکردن آنها به خاطر آن بود که می خواستند از آنان بهره مند شوند و از دشمنی آنان در امان مانند در حالی که خداوند می فرماید: «مردان و زنان مؤمن یار و دوستان یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند»

خداوند در این آیه «امر به معروف و نهی از منکر» را اولین واجب قرار داد زیرا می دانست که اگر این فریضه اجرا و برگزار شود همه واجبات از آسان و سخت بر پا می گردد چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام، اعاده آنچه به ستم از دست رفته و مخالفت با ستمگر، تقسیم بیت المال و غنیمت ها و گرفتن زکات در مواردی که معین

ص: ۲۱۲

۱- ۲۰۸. سوره المائده، الآیه ۴۴ .

۲- ۲۰۹. سوره التوبه، الآیه ۷۱ .

مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضِعِهَا فِي حَقِّهَا.

ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ! بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ، وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ، وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ، وَبِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ. يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ، وَيُكْرِمُكُمْ الضَّعِيفُ، وَيُؤَثِّرُكُمْ مَنْ لافِضَلٌ لَكُمْ عَلَيْهِ وَلا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ. تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَلَابِهَا، وَتَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَكَرَامَةِ الْأَكَابِرِ، أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِذَا نَلْتُمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصُرُونَ؟

فَاسْتَحَقُّتُمْ بِحَقِّ الْأَيْمَةِ، فَأَمَّا حَقُّ الضُّعَفَاءِ فَضَيَّعْتُمْ، وَأَمَّا حَقُّكُمْ

گردیده و صرف آن در جای خود است.

شما ای گروهی که به علم شهرت دارید و به خیر و نیکی یاد می شوید و در خیرخواهی معروف گشته اید و به لطف خداوند از موقعیتی نافذ در دل مردم برخوردارید و افراد نیرومند از شما حساب می برند و انسان های

ضعیف شما را احترام می کنند و کسانی که بر آنها برتری و توانمندی ندارید شما را بر خود مقدم می دارند، در بر آوردن خواسته های نیازمندان که از آن محروم مانده اند شفاعت می کنید و با شکوه پادشاهان و بزرگواری بزرگان در میان مردم راه می روید، آیا همه این امتیازها برای آن نیست که به شما امید می رود به حقوق الهی قیام کنید اگر چه از ادای بیشتر حقوق خدا کوتاهی کردید؟

حق پیشوایان را سبک شمردید و حق ضعیفان را پایمال نمودید و به

بِرْغَمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ.

فَلَا مَالًا بَدَلْتُمُوهُ، وَلَا نَفْسًا خَاطَرْتُمْ بِهَا لِلَّذِي خَلَقَهَا، وَلَا عَشِيرَةً عَادِيْتُمُوهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ.

أَنْتُمْ تَتَمَنُّونَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتُهُ وَ مُجَاوِرَةَ رُسُلِهِ وَأَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ؟

لَقَدْ خَشِيتُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُتَمَنُّونَ عَلَى اللَّهِ أَنْ تَحُلَّ بِكُمْ نِقْمَةٌ مِنْ نِقْمَاتِهِ، لِأَنَّكُمْ بَلَّغْتُمْ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ مَنْزِلَهُ فَضَلَّيْتُمْ بِهَا، وَ مَنْ يُعْرِفُ بِاللَّهِ لَا تُكْرِمُونَ وَ أَنْتُمْ بِاللَّهِ فِي عِبَادِهِ تُكْرِمُونَ.

وَ قَدْ تَرَوْنَ عُهْدَ اللَّهِ مَنْقُوضَةً فَلَا تَنْفَرُوعُونَ، وَ أَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّمٍ

خیال خود حق خویش را گرفتید.

نه مالی را در راه خدا بخشیدید و نه جان خود را به خاطر کسی که آن را آفریده است به خطر انداختید و نه با قبیله ای برای خدا دشمنی ورزیدید.

آیا با این رفتارهایی که دارید از خداوند آرزوی بهشت و هم جواری فرستادگانش را دارید و از او می خواهید از عذابش در امان باشید؟

ای کسانی که چنین آرزوهایی را از خدا دارید، می ترسم که عذابی از عذاب های الهی بر شما فرود آید زیرا شما در پرتو لطف الهی به موقعیتی رسیدید که به آن برتری یافتید. چهره های الهی را گرمی نمی دارید در حالی که به لطف خدا در میان مردم گرمی هستید.

شما می بینید که پیمان های الهی شکسته شده است اما ترسی به خود راه نمی دهید در حالی که برای شکسته شدن برخی از پیمان های پدرانتان به

أَبَائِكُمْ تَفَزَعُونَ. وَ ذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ مَحْقُورَةٌ، وَالْعُمَى وَالْبُكْمُ وَالزَّمِنُ فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تَزْحَمُونَ، وَلَا فِي مَنْزِلَتِكُمْ تَعْمَلُونَ، وَلَا مِنْ عَمَلٍ فِيهَا تَعْنُونَ، وَ بِالْإِدْهَانِ وَالْمُصَانَعَةِ عِنْدَ الظَّلَمَةِ تَأْمَنُونَ.

كُلُّ ذَلِكَ مِمَّا أَمَرَكُمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ النَّهْيِ وَالْتِنَاهِي وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ.

وَ أَنْتُمْ أَعْظَمُ النَّاسِ مُصِيبَةً لِمَا غُلِبْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ مَنَازِلِ الْعُلَمَاءِ لَوْ كُنْتُمْ تَشْعُونَ.

ذَلِكَ بِأَنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ، الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ.

هراس می افتید. پیمان های رسول خداصلی الله علیه وآله سبک و خوار شده، کورها و لال ها و زمین گیرها در شهرها مورد اهمال و بی توجهی قرار گرفته اند و بر آنان رحم نمی شود و شما در خور منزلت خویش کاری انجام نمی دهید و به کسی هم که به انجام این امور می پردازد عنایت نمی کنید و با تساهل و سازشکاری با ظالمان، خود را در امنیت و آرامش قرار می دهید.

همه بدی هایی که بیان شد اموری هستند که خداوند به شما دستور داده است از آنها نهی و جلوگیری کنید و شما از آن غافلید.

مصیبت شما از همه مردم بیشتر است زیرا نتوانستید شأن و منزلت علما را حفظ کنید، ای کاش تلاش می کردید (که به فهم این حقیقت دست یابید) این شکست شما به خاطر آن است که باید زمام امور و اجرای احکام به دست علمای الهی باشد که بر حلال و حرام او امین هستند.

فَأَنْتُمْ الْمَسْلُوبُونَ تِلْكَ الْمَنْزِلَةَ، وَ مَا سَلَبْتُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِتَفَرُّقِكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَ اخْتِلَافِكُمْ فِي السُّنَنِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ الْوَاضِحَةِ.

وَلَوْ صَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى وَ تَحَمَّلْتُمُ الْمُؤُونَةَ فِي ذَاتِ اللَّهِ، كَانَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ تَرْدٌ وَ عَنْكُمْ تَصُدُّرٌ وَ إِلَيْكُمْ تَرْجِعُ.

وَ لَكِنَّكُمْ مَكَّنْتُمُ الظُّلْمَةَ مِنْ مَنْزِلَتِكُمْ وَ أَسَلَمْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ. يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ. سَلَطَهُمْ عَلَى ذَلِكَ فِرَارُكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَ إِعْجَابُكُمْ بِالْحَيَاةِ الَّتِي مُفَارَقْتَكُمْ.

فَأَسَلَمْتُمُ الضُّعْفَاءَ فِي أَيْدِيهِمْ، فَمِنْ بَيْنِ مُسْتَعْبِدٍ مَقْهُورٍ وَبَيْنِ مُسْتَضْعَفٍ عَلَى مَعِيشَتِهِ مَغْلُوبٍ.

این منزلت از شما گرفته شده است که از محوریت حق پراکنده شدید و با وجود دلیل روشن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف کردید.

اگر در برابر آزارها صبر می کردید و سختی ها را در راه خدا تحمل می نمودید، اجرای احکام خدا در دست شما قرار می گرفت و احکام الهی از سوی شما صادر می شد. اما شما ستمکاران را در جای خود نشانید و اجرای احکام خدا را به دست آنان دادید، آنها هم به امور شبیه ناک عمل کرده و در شهوات خود گام برمی دارند. آنچه آنها را بر این مقام مسلط کرد فرار شما از مرگ و خوش آمدنتان از زندگی دنیا بود که از شما جدا خواهد شد.

افراد ضعیف جامعه را در دست های آنها قرار دادید تا برخی را برده و مقهور خود ساخته و گروهی را در اداره زندگی ناتوان کردند.

يَتَقَلَّبُونَ فِي الْمُلْكِ بِأَرْئِهِمْ وَيَسْتَشْعِرُونَ الْخِزْيَ بِأَهْوَائِهِمْ، إِقْتِدَاءً بِالْأَشْرَارِ، وَجُزْأَةً عَلَى الْجَبَّارِ، فِي كُلِّ بَلَدٍ مِنْهُمْ عَلَى مَنَبَرِهِ خَطِيبٌ يَصْتَعِقُ.

فَالْأَرْضُ لَهُمْ شَاغِرَةٌ، وَ أَيْدِيهِمْ فِيهَا مَبْسُوطَةٌ، وَالنَّاسُ لَهُمْ حَوْلٌ لَا يَدْفَعُونَ يَدَ لَامِسٍ.

فَمَنْ بَيْنَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَذِي سَيْطَوِهِ عَلَى الضَّعْفَةِ شَدِيدٍ، مُطَاعٍ لَا يَعْرِفُ الْمُؤْبَدَةَ الْمُعِيدَةَ. فَيَا عَجَبًا وَ مَالِي لَا أَعْجَبُ وَالْأَرْضُ مِنْ غَاشٍ غَشُومٍ وَ مُتَّصِدِّقٍ ظُلُومٍ وَعَامِلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ غَيْرِ رَحِيمٍ.

حکومت را به آراء و خواسته های خود می گردانند و با پیروی از اشرار و جسارت بر خدای قادر، رسوایی و هوسرانی را بر خود هموار می سازند. در هر شهری گوینده ای را بر بالای منبر دارند که با صدای بلند سخنرانی می کند.

زمین در سیطره آنهاست و دست آنان در همه جا باز است. مردم برده های آنانند و نمی توانند دست ظلم را از خود دور سازند.

حکومت در دست مردی زورگو و خود سراسر است که بر ضعیفان فشار می آورد و فرمانروایی است که به خدا و معاد شناخت ندارد. چه شگفت انگیز است و چرا در شگفت نباشم در حالی که زمین در تصرف مردی حیلہ گر و زکات گیرنده ای ستمکار است و حاکمی است که به مؤمنین رحم نمی کند.

فَاللَّهُ الْحَاكِمُ فِيهَا تَنَازَعْنَا وَ الْقَاضِي بِحُكْمِهِ فِيهَا شَجَرَ بَيْنَنَا.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسُّبَ مِنْ فَضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِنُتْرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرُ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَ يَا أَمَّنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ.

فَبِأَنِّكُمْ إِنْ لَمْ تَنْصُرُونَا وَ تَنْصُرْنَا فَمُونَا قَوَى الظُّلْمَةَ عَلَيْكُمْ، وَ عَمِلُوا فِي إِطْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكُمْ، وَ حَسْبِنَا اللَّهُ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا، وَإِلَيْهِ أُنَبْنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ. (۱)

خداوند در نزاعی که ما با او داریم حکم خواهد کرد و در مشاجره ای که میان ما در گرفته است قضاوت می کند.

خدایا تو می دانی که مبارزه ما برای رقابت در دست یابی به سلطنت و رسیدن به مال اندک دنیا نیست بلکه می خواهیم نشانه های دین تو را آشکار سازیم و اصلاح را در شهرهای تو عیان کنیم و بنده های ستم دیده ات به امنیت برسند و واجبات و سنت ها و احکام تو اجرا گردد.

پس اگر شما بزرگان امت ما را یاری ندهید و به انصاف با ما رفتار نکنید ستمگران بر شما غالب می گردند و در خاموش کردن نور پیامبران تلاش خواهند کرد. خداوند ما را کفایت می کند، بر او توکل می کنیم و به سوی او باز می گردیم و پایان امور به سوی اوست.

ص: ۲۱۸

۱- ۲۱۰. تحف العقول، ص ۲۳۷، الی ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۵؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۲.

مُصَادِرَةُ أَمْوَالِ الْمُعَاوِيَةِ

۵ - كَانَ مَالٌ حُمِلَ مِنَ الْيَمَنِ إِلَى مُعَاوِيَةَ فَلَمَّا مَرَّ بِالْمَدِينَةِ وَثَبَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخَذَهُ وَقَسَمَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ كَتَبَ إِلَى مُعَاوِيَةَ.

مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ،

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ عَيْرًا مَرَّتْ بِنَا مِنَ الْيَمَنِ تَحْمِلُ مَالًا - وَ حُلًّا وَ عَثْرًا وَ طَبِيبًا إِلَيْكَ، لِتُودِعَهَا خَزَائِنَ دِمَشْقَ، وَ تَعْلُبَ بِهَا بَعْدَ النَّهْلِ بِنِي أَبِيكَ وَ إِنِّي إِحْتَجْتُ إِلَيْهَا فَأَخَذْتُهَا وَ السَّلَامُ. (۱)

۵ - اموالی از یمن به سوی معاویه حمل می شد، وقتی کاروانِ اموال از مدینه عبور می کرد امام حسین علیه السلام بر آن حمله برد و اموال را تصرف کرد و در میان خاندان و دوستان خود تقسیم کرد و به معاویه نوشت:

از حسین بن علی به معاویه بن ابی سفیان؛

پس از حمد خدا، کاروانی از شترها از یمن بر ما می گذشت که اموال، زیورها، عنبر و عطر برای تو حمل می کرد تا در انبارهای دمشق نگهداری کنی و فرزندان تشنه پدرت را از آنها سیراب سازی. اما من به آنها نیاز داشتم و همه را گرفتم. والسلام.

ص: ۲۱۹

۱- ۲۱۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۴۰۹؛ انساب الاشراف، ص ۵۳؛ الفوائد الفرجالیة، ج ۴، ص ۴۷.

٦ - كَتَبَ مُعَاوِيَةُ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَمَّا بَعْدُ: فَقَدِ انْتَهَتْ إِلَيَّ أُمُورُ عَنكَ إِنْ كَانَتْ حَقًّا فَقَدْ أُطُنُّكَ تَرَكْتُهَا رَغْبَةً فَدَعَوْتُهَا، وَلَعَمْرُ اللَّهِ إِنْ مَنْ أَعْطَى اللَّهُ عَهْدَهُ وَمِشَاقَةَ لِحْدَيْهِ بِالْوَفَاءِ، فَإِنْ كَانَ الَّذِي بَلَغَنِي بَاطِلًا فَإِنَّكَ أَنْتَ أَعَزُّ النَّاسِ لِذَلِكَ. وَعِظْ نَفْسَكَ، فَادْكُرْ، وَبِعْهِدِ اللَّهِ أَوْفٍ.

فَإِنَّكَ مَتَى مَا تُنْكِرُنِي أَنْكِرُكَ، وَمَتَى مَا تَكِدُنِي أَكِدُكَ.

٦ - معاویه در نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشت: خبرهایی درباره تو به من رسیده است. اگر این اخبار صحت داشته باشند گمان من به تو این است که به خاطر میلی که به ثواب الهی داری آنها را ترک کنی پس آنها را رها کن. به جان خودم قسم کسی که با خدا عهد و پیمان می بندد شایسته است که بر آن وفادار باشد و اگر آنچه از تو به من رسیده است دروغ باشد تو بیش از همه مردم از این امور به دور هستی. خود را نصیحت کن و متوجه باش و بر پیمان با خدا وفادار بمان.

تا زمانی که مرا انکار می کنی تو را انکار خواهم کرد و تا هنگامی که با من دشمنی داری با تو دشمنی می کنم.

فَاتَّقِ شَقَّ عَصَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنْ يَرُدَّهُمُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ فِي فِتْنَةٍ. فَقَدْ عَرَفْتُ النَّاسَ وَ بَلَوْتُهُمْ. فَانظُرْ لِنَفْسِكَ وَ لِدِينِكَ وَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا يَسْتَحْفَنَنَّكَ الشُّمُهَاءُ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

فَلَمَّا وَصَلَ الْكِتَابُ إِلَى الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، كَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامَ إِلَيْهِ:

أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي كِتَابُكَ، تَذَكُّرٌ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَكَ عَنِّي أُمُورٌ أَنْتَ لِي عَنْهَا رَاغِبٌ، وَ أَنَا بَعِيرُهَا عِنْدَكَ جَدِيرٌ. فَإِنَّ الْحَسَنَاتِ لَا يَهْدِي لَهَا، وَ لَا يَسِيدُ إِلَيْهَا إِلَّا اللَّهُ. أَمَّا مَا ذَكَرْتَ إِنَّهُ إِنْتَهَى إِلَيْكَ عَنِّي، فَإِنَّهُ إِنَّمَا رَقَاهُ إِلَيْكَ الْمَلَأُفُونَ الْمَشَاؤُونَ بِالنَّمِيمِ، وَ مَا أُرِيدُ لَكَ حَرْبًا

از ایجاد سرکشی در این امت پرهیز و از این که خدا آنها را به دست تو در فتنه اندازد بر حذر باش. من مردم را شناسایی و آزمایش کردم. مراقب خود، دین خود و امت محمد باش و مبادا کسانی که بی خرد و ناآگاهند تو را به خواری کشانند.

وقتی نامه معاویه به امام حسین صوت الله علیه رسید به او نوشت:

بعد از ستایش خداوند، نامه تو به دستم رسید. یادآوری کرده بودی اموری از من به تو رسیده است که مایل نبودی چنین می کردم و شایسته بود به گونه ای دیگر عمل می کردم. همانا کسی جز خدا به سوی نیکی ها و انجام آنها هدایت نمی کند.

اما آنچه را یادآوری کرده بودی که اخباری از من به تو رسیده است، این سخنان را افراد چاپلوس و سخن چین برای تو آورده اند. من قصد

وَلَا عَلَيْكَ خِلَافًا، وَ أَيُّمُ اللَّهِ إِنِّي لَخَائِفٌ لِّلَّهِ فِي تَرْكِ ذَلِكِ (۱)، وَ مَا أَظُنُّ اللَّهَ رَاضِيًا بِتَرْكِ ذَلِكِ، وَلَا عَازِرًا بِعُدُونِ الْإِعْذَارِ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ فِي أَوْلِيكَ الْقَاسِطِينَ الْمُلْحِدِينَ حِزْبِ الظَّالِمَةِ وَ أَوْلِيَاءِ الشَّيَاطِينِ.

أَلَسْتَ الْقَاتِلَ حُجْرًا أَخَا كُنْدَةَ وَ الْمُصَلِّينَ الْعَابِدِينَ، الَّذِينَ كَانُوا يُنْكِرُونَ الظُّلْمَ وَ يَسْتَعِظُمُونَ الْبِدْعَ وَ لَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمًا. ثُمَّ قَتَلْتَهُمْ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا مِنْ بَعْدِ مَا كُنْتَ أُعْطِيْتَهُمُ الْإِيمَانَ الْمُغْلَظَةَ، وَ الْمَوَاقِيقَ الْمُؤَكَّدَةَ، وَ لَا تَأْخُذْهُمْ بِحَدِيثِ كَانَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ، وَ لَا بِأَحْنِهِ تَجِدُهَا فِي نَفْسِكَ.

جنگ و مخالفت با تو را ندارم. به خدا قسم که در ترک آن (۲) (پیمان) بیمناکم و گمان نمی کنم که خداوند به ترک آن راضی باشد. و با نبود بهانه نزد تو و این گمراهان بی دین و حزب ستمگر و دوستان شیطان ها از شما عذرخواهی نخواهم کرد.

آیا تو قاتل حُجْر بن عدی - برادر ما از طایفه کنده - و نماز گزاران و خداپرستانی که با ظلم مخالف بودند و بدعت در دین را گناه بزرگی می دانستند و در راه خدا از سرزنش ملامت گران هراسی نداشتند نیستی؟ تو بعد از آن که آنان را به سوگندهای شدید و پیمان های محکمی مطمئن کردی، ظالمانه به قتل رساندی بدون آن که بهانه و مشکلی در میان خود و آنها در دست داشته باشی و دشمنی و کینه ای را از آنها نسبت به خود دیده باشی.

ص: ۲۲۲

۱- ۲۱۲. یزید ظاهراً ترک عهد الامام الحسن علیه السلام مع معاویه.

۲- ۲۱۳. ظاهراً ترک پیمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه باشد.

أَوْلَسْتَ قَاتِلَ عَمْرِو بْنِ الْحَمَقِ، صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْعَبِيدِ الصَّالِحِ الَّذِي أْبَلَّتُهُ الْعِبَادَةَ، فَتَحَلَ جَسَدُهُ، وَصِيَفَرَتْ لُونُهُ، بَعِيدَ مَا أَمَّنْتَهُ وَ أَعْطَيْتَهُ مِنْ عُهُودِ اللَّهِ وَ مَوَاقِيهِ مَا لَوْ أَعْطَيْتَهُ طَائِرًا لَنَزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَأْسِ الْجَبَلِ، ثُمَّ قَتَلْتَهُ جُرْأَةً عَلَى رَبِّكَ وَ اسْتِخْفَافًا بِذَلِكَ الْعَهْدِ.

أَوْلَسْتَ الْمُدْعَى زِيَادَ بْنَ سُمَيْيَةَ الْمُؤَلُّودِ عَلَى فِرَاشِ عُبَيْدِ ثَقِيفٍ، فَرَعَمْتَ أَنَّهُ إِنْ أَبَيْكَ، وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ»، فَتَرَكَتْ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ تَعَمُّدًا وَ تَبَعْتَ هَوَاكَ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ.

آیا تو قاتل عمرو بن حَمَق صحابی رسول خداصلی الله علیه وآله نیستی؟ آن بنده صالحی که عبادت، بدن او را فرسود و جسمش لاغر گردید و رنگ چهره اش به زردی گرایید. تو پس از آن که به او امان دادی و عهدها و پیمان ها بستی، که اگر پرنده ای را این گونه امان می دادی از سر کوه نزد تو می آمد، با جرأت بر پروردگارت او را می کشتی و پیمان خود را ناچیز می شمردی.

آیا تو زیاد پسر سمیه را که بر بستر ثقیف متولد شد فرزند پدرت ابوسفیان نخواندی؟ با این که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هر فرزندی به صاحب بستر خود که در آن به وجود آمده است تعلق دارد و جزای زناکار سنگباران است» پس سنت رسول خداصلی الله علیه وآله را از روی عمد ترک کردی و بدون توجه به هدایت الهی از هوای نفس خود پیروی کردی.

ثُمَّ سَلَطْتَهُ عَلَى الْعِرَاقَيْنِ، يَقْطَعُ أَيْدِيَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَرْجُلَهُمْ، وَ يَسْمُلُ أَعْيُنَهُمْ وَ يُصَيِّبُهُمْ عَلَى جُزُوعِ النَّخْلِ. كَأَنَّكَ لَسْتَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَيْسُوا مِنْكَ.

أَوْلَسْتَ صَاحِبَ الْحَضْرَمِيِّينَ الَّذِينَ كَتَبَ فِيهِمْ ابْنُ سَمِيَّةٍ إِنَّهُمْ كَانُوا عَلَى دِينِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَكَتَبْتَ إِلَيْهِ أَنْ: اقْتُلْ كُلَّ مَنْ كَانَ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ، فَقَتَلْتَهُمْ، وَ مَثَّلَ بِهِمْ بِأَمْرِكَ.

وَ دِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهِ الَّذِي كَانَ يَضْرِبُ عَلَيْهِ أَبَاكَ وَ يَضْرِبُكَ، وَ بِهِ جَلَسْتَ مَجْلِسَكَ الَّذِي جَلَسْتَ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ شَرْفُكَ وَ شَرَفُ أَبِيكَ الرَّحْلَيْنِ.

و زیاد را برادر خود خواندی و حاکمیت کوفه و بصره را به او دادی تا دست و پای مسلمانان را قطع و چشم های آنها را کور و از حدقه در آورد و آنان را بر شاخه های درختان خرما به دار آویزد. گویا تو از این امت نیستی و آنها هم از تو نمی باشند.

آیا تو حاکم مردم حضرموت نبودی که زیاد پسر سمیه درباره آنها برای تو نوشت که بر دین علی صلوات الله علیه هستند و توبه او نوشتی هر کسی که بر دین علی است او را به قتل برسان، زیاد هم آنها را کشت و به دستور تو مثله کرد.

و به خدا قسم دین علی علیه السلام همان است که تو و پدرت را براساس آن مضروب ساخت و اکنون تو به نام همان دین بر مسند خلافت تکیه زدی، و اگر این دین نبود شرف تو و پدرت همان بود که در زمستان و تابستان برای کسب در آمد به دنبال شترها به اطراف کوچ می کردید.

وَقُلْتُ فِيمَا قُلْتُ: «أَنْظُرْ لِنَفْسِكَ وَلِدِينِكَ وَلِأُمَّهِ مُحَمَّدٍ، وَاتَّقِ شَقَّ عَصَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنْ تَرُدَّهُمْ إِلَى فِتْنِهِ» وَ إِنِّي لَا أَعْلَمُ فِتْنَهُ أَعْظَمَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ وَلَايَتِكَ عَلَيْهَا، وَ لَا أَعْلَمُ نَظْرًا لِنَفْسِي وَلِدِينِي وَلِأُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْنَا أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أُجَاهِدَكَ، فَإِنْ فَعَلْتُ فَإِنَّهُ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ إِنْ تَوَفَّقَهُ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِدُنْبِي وَ أَسْأَلُهُ تَوْفِيقَهُ لِإِرْشَادِ أَمْرِي.

وَقُلْتُ فِيمَا قُلْتُ: «إِنِّي إِنْ أَنْكَرْتُكَ تُنْكِرُنِي، وَ إِنْ أَكْرَمْتُكَ تَكْرِمُنِي» فَكِدْنِي مَا بَدَا لَكَ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا يَضُرُّنِي كَيْدُكَ فَيَّ، وَ أَنْ لَا

در نامه ات نوشته بودی. «مواظب خود و دین خود و امت محمد باش و از ایجاد شورش و سرکشی در این امت بپرهیز و از این که آنها را در فتنه و اختلاف اندازی بر حذر باش» در حالی که من هیچ فتنه ای را بر این امت، بزرگ تر از حکومت تو بر آن نمی دانم و هیچ نظری را برای خود و دینم و امت محمدصلی الله علیه و آله بهتر از جهاد با تو نمی دانم. اگر با تو مبارزه کنم این مبارزه نزدیک کننده به خداست و اگر آن را ترک نمایم برای این گناهم از خداوند آمرزش می خواهم و برای هدایت در کارم از او درخواست توفیق دارم.

و این که گفته بودی «اگر تو را ناسپاسی کنم مرا ناسپاسی خواهی کرد و اگر با تو دشمنی کنم با من دشمنی خواهی کرد» آنچه در توان داری دشمنی کن، امیدوارم دشمنی تو ضرری برای من نداشته باشد و بیش از هر کسی برای خودت ضرر خواهد داشت زیرا تو بر جهل خود سوار شده ای

يَكُونُ عَلَى أَحَدٍ أَضَرُّ مِنْهُ عَلَى نَفْسِكَ، لِأَنَّكَ قَدْ رَكِبْتَ جَهْلَكَ، وَتَحَرَّضْتَ عَلَى نَقْضِ عَهْدِكَ، وَ لَعْمَرِي مَا وَفَيْتَ بِشَرْطِ.

وَ لَقَدْ نَقَضْتَ عَهْدَكَ بِقَتْلِكَ هَؤُلَاءِ النَّفَرِ الَّذِينَ قَتَلْتَهُمْ بَعْدَ الصُّلْحِ وَ الْأَيْمَانِ وَ الْعُهُودِ وَ الْمَوَاقِيقِ. فَ قَتَلْتَهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا قَاتِلُوا وَ قَتَلُوا وَ لَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ إِلَّا لِإِذْكَرِهِمْ فَضَلَمْنَا، وَ تَعْظِيمِهِمْ حَقًّا. فَ قَتَلْتَهُمْ مَخَافَةَ أَمْرِ لَعَلَّكَ لَوْ لَمْ تَقْتُلْتَهُمْ مِتَّ قَبْلَ أَنْ يَفْعَلُوا أَوْ مَا تَوَا قَبْلَ أَنْ يُدْرِكُوا.

فَأُبَشِّرُ يَا مُعَاوِيَةَ بِالْقِصَاصِ، وَ اسْتَيْقِظْ بِالْحِسَابِ. وَ اعْلَمْ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى كِتَابًا لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا. وَ لَيْسَ اللَّهُ بِنَاسٍ

و بر شکستن عهد خود حرص می ورزی و به جان خودم سوگند تو به هیچ شرطی وفا نکردی.

تو با کشتن کسانی که بعد از قرارداد صلح و انجام سوگندها و بستن پیمان ها و عهدها آنها را به قتل رساندی، پیمان خود را شکستی و بدون آن که با تو سر جنگ داشته و یا کسی را به قتل رسانده باشند آنها را کشتی و تو این کار را نکردی مگر به خاطر آن که آنها فضایل ما را بیان می کردند و حق ما را بزرگ می شمردند و تو آنها را کشتی از ترس آن که مبادا قبل از کشته شدن آنها بمیری یا قبل از آن که به تیغ تو کشته شوند بمیرند.

ای معاویه! آماده قصاص باش و روز قیامت را باور کن و بدان که خدای متعال کتابی دارد که هیچ کار کوچک و بزرگی را فرو گذار نکرده

لَأَخَذِكَ بِالظَّنِّهِ وَقَتْلِكَ أَوْلِيَاءَهُ عَلَى التُّهْمِ، وَنَفْيِكَ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ دُورِهِمْ إِلَى دَارِ الْعُزْبَةِ، وَأَخَذِكَ النَّاسَ بِيَعِهِ إِيْنِكَ غُلَامَ حَدَثٍ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَيَلْعَبُ بِالْكِلَابِ. لا- أَعْلَمِيكَ إِلَّا- وَقَدْ خَسِرْتَ نَفْسَكَ وَبَتَرْتَ دِينَكَ وَغَشَشْتَ رِعْيَتَكَ وَأَخْرَيْتَ أَمَانَتَكَ وَ سَمِعْتَ مَقَالَه السَّفِيهِ الْجَاهِلِ وَ أَخَفْتَ الْوَرَعَ التَّقِيَّ لِأَجْلِهِمْ. وَالسَّلَامُ. (١)

اتمام حجت بر معاويه

إِتْمَامُ الْحُجَّةِ عَلَى الْمُعَاوِيَةِ

٧- إِذَا أَرَادَ الْمُعَاوِيَةُ أَنْ يَأْخُذَ الْبَيْعَةَ لِإِيْنِهِ يَزِيدَ، فَقَامَ الْحُسَيْنُ

و به حساب می آورد. و خداوند فراموش نمی کند که تو را به خاطر تهمت ها و قتل هایی که با اتهام های ناروا مرتکب شدی و دوستان او را از خانه های خود به دیار غربت تبعید و مردم را به بیعت با فرزند جوانت اجبار کردی مؤاخذه کند. جوانی که شراب می خورد و سگ بازی می کند.

من درباره تو چیزی نمی دانم مگر این که به خود زیان رساندی و دین خود را از میان بردی، به مردم خیانت کردی و امانت خویش را ضایع گرداندی و به سخنان آن گستاخ نادان (عمرو بن عاص) گوش فرادادی و مردم وارسته و با تقوا را ترساندی.

٧- وقتی معاویه خواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد امام

ص: ٢٢٧

١- ٢١٤. بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢١٢ الی ٢١٤؛ العوالم، ج ١٧، ص ٩٠ الی ٩٣؛ الدرجات الرفیعه، ص ٤٣٤ الی ٤٣٦.

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَجْلِسِهِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ صَلَّى عَلَى الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَّا بَعِيدُ: يَا مُعَاوِيَةَ! فَلَنْ يُودَى الْقَائِلُ وَإِنْ أَطْنَبَ فِي صِفَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ جَمِيعِ جُزْءِهَا. وَقَدْ فَهِمْتُ مَا لَبِسْتَ بِهِ الْخَلْفَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ إِحْزَانِ الصَّفَةِ وَالتَّنَكُّبِ عَنِ إِسْتِبْلَاحِ النَّعْتِ.

وَهَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ يَا مُعَاوِيَةَ! فَصَحَّ الصُّبْحُ فَحَمَهُ الدُّجَى، وَبَهَرَتِ الشَّمْسُ أَنْوَارَ السُّرُجِ.

وَلَقَدْ فَضَلْتَ حَتَّى أَفْرَطْتَ، وَاسْتَأْتَرْتَ حَتَّى أَجْحَفْتَ، وَمَنْعْتَ حَتَّى مَحَلْتَ، وَجَزْتَ حَتَّى جَاوَزْتَ. مَا يَذَلَّتْ لِيذَى حَقٌّ مِنْ إِسْمِ حَقِّهِ بِنَصِيبٍ حَتَّى أَخَذَ الشَّيْطَانُ حَظَّهُ الْأَوْفَرَ وَنَصِيبَهُ الْأَكْمَلَ.

حسین علیه السلام در حضور او برخاست و خدا را ستایش کرد و بر رسول خداصلی الله علیه وآله درود فرستاد و آن گاه فرمود:

ای معاویه! هیچ گوینده ای هر چند سخن او به درازا کشد نمی تواند گوشه ای از صفات رسول خداصلی الله علیه وآله را بیان کند. من فهمیدم که چه کوتاه درباره خلفای بعد از رسول خدا سخن گفتمی و از بیان ویژگی های کامل آنها دوری گزیدی و چه دور است و چه دور است که تو از واقعیت ها سخن بگویی. ای معاویه! روشنی صبح بر تاریکی شب نمایان گشته است و فروغ خورشید نور چراغ ها را تحت الشعاع خود قرار داده است.

آن قدر خلفا را برتری دادی که زیاده روی کردی و تنها برخی را در سخنان خود برگزیدی و ستم نمودی و از بیان حق دوری گزیدی تا این که سعایت کردی و چنان به اختصار سخن گفتمی که از جاده حق و عدالت

وَفَهِمْتُ مَا ذَكَرْتَهُ عَنْ يَزِيدَ مِنْ إِكْتِمَالِهِ وَ سِيَاسَتِهِ لِأُمِّهِ مُحَمَّدٍ، تُرِيدُ أَنْ تُوهَمَ النَّاسَ فِي يَزِيدٍ. كَأَنَّكَ تَصِفُ مَحْجُوبًا، أَوْ تَنْعَتُ غَائِبًا أَوْ تَخْبِرُ عَمَّا كَانَ مِمَّا اخْتَوَيْتَهُ بِعِلْمٍ خَاصٍّ، وَقَدْ دَلَّ يَزِيدٌ مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مَوْجِعِ رَأْيِهِ. فَخُذْ لِيَزِيدَ فِيمَا أَخَذَ بِهِ مِنْ إِسْتِقْرَائِهِ الْكِلَابَ الْمُهَارِشَةَ عِنْدَ التَّحَارُشِ وَالْحَمَامَ السَّبَقَ لِإِثْرَابِهِنَّ وَالْقِيَانَ ذَوَاتِ الْمَعَارِفِ، وَضَرْبَ الْمَلَاهِي تَجِدُهُ بَاصِرًا، وَدَعَّ عَنْكَ مَا تُحَاوِلُ.

فَمَا أَغْنَاكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ مِنْ وَرْرِ هَذَا الْخَلْقِ بِأَكْثَرِ مِمَّا أَنْتَ لَاقِيهِ،

بیرون رفتی. سهم هیچ صاحب حقی را نپرداختی تا شیطان بهره فراوان خود را گرفت و به سهم کامل خود دست یافت.

آنچه را از کمال و سیاست یزید برای حکومت بر امت محمد بیان کردی دانستم. تو می خواهی مردم را درباره یزید به اشتباه اندازی. گویا فرد ناشناخته ای را توصیف می کنی یا فرد غائبی را معرفی می نمایی یا از کسی سخن می گویی که گویا تنها تو از او آگاهی ویژه ای داری در حالی که یزید موقعیت فکری و اخلاقی خود را نشان داده است. از سگ بازی های یزید بگو در آن هنگام که سگ ها را به مبارزه با یکدیگر برمی انگیزد، از کبوتر بازیش بگو که کبوتران را به مسابقه با یکدیگر وامی دارد. از هوس رانی اش بگو که به زنان خواننده و نوازنده سرگرم می شود تا او را به وضوح مشاهده کنی و تلاش هایی را که برای حاکمیت او داری رها سازی.

آیا برای مرگ و ملاقات با خداوند گناهایی که تا به حال از حکومت

وَ اللَّهُ مَا بَرِحَتْ تَقْدَحُ بَاطِلًا فِي جَوْرِ، وَ حَقًّا فِي ظُلْمٍ حَتَّى مَلَأَتْ الْأَسْقِيَةَ.

وَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الْمَوْتِ إِلَّا غَمُضَةٌ، فَتَقَدَّمَ عَلَى عَمَلٍ مَحْفُوظٍ فِي يَوْمٍ مَشْهُودٍ، وَ لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ.

وَ رَأَيْتَكَ عَرَّضْتَ بِنَا بَعْدَ هَذَا الْأَمْرِ، وَ مَنَعْتَنَا عَنْ آبَائِنَا تَرَاثًا، وَ لَقَدْ لَعَمْرُ اللَّهِ أَوْرَثْنَا الرَّسُولَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَدَاهُ، وَ جِئْتَ لَنَا بِهَا مَا حَجَّجْتُمْ بِهِ الْقَائِمَ عِنْدَ مَوْتِ الرَّسُولِ فَأُذِعِنَ لِلْحُجَّجِ بِذَلِكَ وَ رَدَّهُ الْأَيْمَانَ إِلَى النَّصْفِ.

فَرَكِبْتُمُ الْأَعَالِيلَ، وَ فَعَلْتُمُ الْأَفَاعِيلَ، وَ قُلْتُمْ: كَانَ وَيَكُونُ حَتَّى أَتَاكَ

بر مردم مرتکب شده ای کافی نیست و به دنبال گناهان دیگری هستی؟ به خدا قسم آن قدر به روش های باطل و کینه توزانه خود ادامه دادی که جان ها به لب آمد.

اکنون بین تو و مرگ یک چشم به هم زدنی فاصله نمانده است، پس بر عملی بشتاب که ذخیره روز قیامت باشد، روزی که گریزی از آن نیست. می بینم که پس از حکومت خود متعرض حاکمیت ما شده ای و ما را از میراث پدران خود منع می کنی. به خدا قسم پیامبر صلی الله علیه و آله آن را برای ما به ارث گذارد و تو برای حفظ آن به همان دلایل واهی رو آوردی که به هنگام مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله رو آوردید و پذیرفته شد تا آن که دست های توانا آن را در جایگاه خود و به صاحب حق بازگرداند.

عذرها تراشیدید و کارها کردید و گفتید: این گونه بود و این گونه

الْأَمْرُ يَا مُعَاوِيَةَ مِنْ طَرِيقٍ كَانَ قَصْدُهَا لِغَيْرِكَ، فَهَنَّاكَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولَى الْأَبْصَارِ. وَذَكَرَتْ قِيَادَةَ الرَّجُلِ الْقَوْمَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَأْمِيرَهُ لَهُ، وَقَدْ كَانَ ذَلِكَ. وَلِعَمْرِ بْنِ الْعَاصِ يَوْمَئِذٍ فَضِيلَةٌ بِصِيحْبِهِ الرَّسُولِ، وَيَبِيعَتِهِ لَهُ، وَمَا صَارَ - لِعَمْرِ اللَّهِ - يَوْمَئِذٍ مَبْعُوثُهُمْ حَتَّى أَنْفَ الْقَوْمِ إِمْرَتَهُ وَكَرَهُوا تَقْدِيمَهُ، وَعَدُّوا عَلَيْهِ أَفْعَالَهُ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا جَرَمَ مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ لَا يَعْمَلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ الْيَوْمِ غَيْرِي

فَكَيْفَ تَحْتَجُّ بِالْمَنْسُوحِ مِنْ فِعْلِ الرَّسُولِ فِي أَوْكَدِ الْأَحْكَامِ وَأَوْلَاهَا بِالْمُجْمَعِ عَلَيْهِ مِنَ الصَّوَابِ؟ أَمْ كَيْفَ صَاحِبَتَ بِصَاحِبِ تَابِعاً

خواهد بود تا این که حکومت از راهی که به تو مربوط نمی شد به دست تو افتاد! پس این جا ای صاحبان فهم و آگاهی عبرت بگیرید.

گفتی عمرو بن عاص در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را رهبری کرده و از سوی او به امارت رسیده و چنین بوده است و صحابی بودن او و بیعتش با پیامبر فضیلتی برای او به شمار می رفته است. ولی به خدا قسم رهبر آنها نشد مگر این که مردم امیری او را ننگ دانستند و او را به جلو داری نپذیرفتند و اعمال زشت او را بر شمردند و پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای گروه مهاجرین! از امروز به بعد کسی غیر از من مسئول کارهای شما نخواهد بود»

پس چگونه به یک عمل نسخ شده رسول خدا صلی الله علیه و آله برای یکی از استوارترین و مهم ترین احکام (رهبری و امارت) که همه عقل ها بر آن اتفاق دارند استدلال می کنی؟ یا چگونه عمرو بن عاص را به همراهی و

وَحَوْلِكَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ فِي صُحْبَتِهِ، وَلَا يَعْتَمِدُ فِي دِينِهِ وَقَرَائِبِهِ.

وَتَتَخَطَّاهُمْ إِلَى مُسْرِفٍ مَفْتُونٍ. تُرِيدُ أَنْ تَلْبَسَ النَّاسَ شُبُهَةً يَسُدُّ بِهَا الْبَاقِيَ فِي دُنْيَاهُ وَتَشْقَى بِهَا فِي آخِرَتِكَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ. (۱)

سرزنش معاویه و افشای یزید

دَمُّ مُعَاوِيَةَ وَ إِفْشَاءُ يَزِيدَ

۸ - كَتَبَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُعَاوِيَةَ كِتَابًا يُقَرِّعُهُ فِيهِ وَ يُبَكِّتُهُ

ملازمت خود در امر حکومت پذیرفته ای در حالی که در اطراف تو کسی وجود دارد که صلاحیت همراهی اش را تصدیق نمی کند و به دین او و نزدیکی اش با تو اعتماد ندارد.

تو می خواهی مردم را نسبت به اسراف گری گمراه به خطا اندازی. تو می خواهی لباس شبهه و تردید را بر ذهن و دل مردم بپوشانی تا کس دیگری به دنیای خود برسد و تو با این کار خود در آخرت بدبخت گردی. این خسارتی آشکار است و من برای خود و شما از خداوند آمرزش می خواهم.

۸ - امام حسین علیه السلام نامه ای به معاویه نوشت و او را مورد سرزنش قرار داد و بر اعمالی که انجام داده بود ملامت کرد.

ص: ۲۳۲

۱- ۲۱۵. الامامه و السياسة، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸؛ الغدير، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ اعيان الشيعه، ج ۱، ص ۵۸۳.

بِأُمُورٍ صَنَعَهَا.

كَانَ فِيهِ:

ثُمَّ وَوَلَّيْتَ إِبْنَكَ وَهُوَ غُلَامٌ يَشْرَبُ الشَّرَابَ وَيَلْهُو بِالْكَلَابِ فَخُنْتَ أَمَانَتَكَ، وَ أَخْزَيْتَ رِعْيَتَكَ، وَ لَمْ تُؤَدِّ نَصِيحَةَ رَبِّكَ.

فَكَئِيفَ تُوَلَّى عَلَى أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ يَشْرَبُ الْمُسْكِرَ، وَ شَارِبُ الْمُسْكِرِ مِنَ الْفَاسِقِينَ، وَ شَارِبُ الْمُسْكِرِ مِنَ الْأَشْرَارِ، وَ لَيْسَ شَارِبُ الْمُسْكِرِ بِأَمِينٍ عَلَى دِرْهِمٍ، فَكَيْفَ عَلَى الْأُمَّهِ؟

فَعَنْ قَلِيلٍ تَرُدُّ عَلَى عَمَلِكَ حِينَ تُطْوَى صَحَائِفُ الْإِسْتِغْفَارِ. (۱) و (۲)

در آن نامه آمده است:

آن گاه فرزندان یزید را حاکم مسلمانان قراردادی در حالی که او جوانی است که شراب می خورد و سگ بازی می کند. تو به امانت خود خیانت کردی و مردم را خوار نمودی و به پندهای پروردگارت عمل نکردی.

چگونه کسی را بر امت محمد حاکم می کنی که شراب می خورد؟ در حالی که شراب خوار از راه راست بیرون و از اشرار است. شراب خوار بر یک درهم مورد اعتماد نیست پس چگونه رهبر امت اسلامی گردد؟

تو به زودی به اعمال خود خواهی رسید وقتی که دفترهای طلب آمرزش بسته خواهد شد.

ص: ۲۳۳

۱- ۲۱۶. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۳۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۹۵.

۲- ۲۱۷. نُسِبَ هَذَا الْكَلَامُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ إِلَى الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَحْتَوَاهُ يَشْهَدُ بِأَنَّ هَذِهِ النِّسْبَةَ تَصْحِيفٌ.

أَلِامْتِنَاعُ عَنْ بَيْعِهِ يَزِيدَ

۹ - كَتَبَ يَزِيدُ إِلَى الْوَلِيدِ يَأْمُرُهُ بِأَخْذِ الْبَيْعَةِ عَلَى أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَخَاصَّةً عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَكِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْوَلِيدِ:

أَيُّهَا الْأَمِيرُ! إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعِيدُ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَبِنَا فَتِيحَ اللَّهِ، وَبِنَا خَتَمَ اللَّهِ، وَبِنَا يَزِيدَ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ، مُغْلِنٌ بِالْفِسْقِ، وَمِثْلِي لَا يَبِيعُ مِثْلَهُ.

وَلَكِنْ نُصْبِحُ وَتُصْبِحُونَ وَنَنْتَظِرُ وَتَنْتَظِرُونَ أَيُّنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ. (۱)

۹ - یزید نامه ای به ولید بن عتبّه فرماندار مدینه نوشت و به او دستور داد تا از مردم مدینه به ویژه امام حسین علیه السلام برای او بیعت بگیرد، اما آن حضرت به ولید فرمود:

ای امیر! ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشته ها و نزول رحمت خدا هستیم و خداوند خلقت را با ما آغاز کرد و نبوت را به ما پایان داد.

یزید مردی زشت کردار، شرابخوار و قاتل افراد بی گناه است که آشکارا گناه می کند و کسی مثل من با فردی مانند او بیعت نمی کند.

ما و شما زمانی را می گذرانیم و هر دو درنگ خواهیم کرد تا معلوم گردد کدام یک از ما به خلافت و بیعت مردم با او سزاوارتریم.

ص: ۲۳۴

كَلَامٌ لِمَرْوَانَ بْنِ حَكَمٍ

۱۰ - قَالَ مَرْوَانُ بْنُ حَكَمٍ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي لَكَ نَاصِحٌ، فَأَطِئْنِي تُرْشِدُ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَمَا ذَاكَ؟ قُلْ حَتَّى أَسْمَعَ.

فَقَالَ مَرْوَانُ: إِنِّي آمُرُكَ بِبَيْعِهِ يَزِيدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ فِي دِينِكَ وَدُنْيَاكَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. وَعَلَى الْإِسْلَامِ سَلَامٌ إِذْ قَدْ بُلِّغَتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدَ. وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ» (۱)

۱۰ - مروان بن حکم به امام حسین علیه السلام گفت: ای اباعبدالله! من خیرخواه تو هستم، از من اطاعت کن در راه درستی قرار می گیری. امام علیه السلام به او فرمود:

سخن تو چیست؟ بگو تا بشنوم.

مروان گفت: من به تو امر می کنم که با یزید بیعت کنی، زیرا خیر و صلاح دین و دنیای تو در این بیعت است. حضرت فرمود: همه ما از خدائیم و به سوی او باز می گردیم. سلام بر اسلام که از میان ما می رود زیرا امت اسلام گرفتار حاکمی مثل یزید شده است. من از جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: خلافت بر فرزندان ابوسفیان حرام است.

ص: ۲۳۵

کتابِ اِلی مُحَمَّدِ بْنِ حَنْفِيَه

۱۱ - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هذا ما أوصى به الحسين بن علي بن أبي طالب إلى أخيه محمد المعروف بابن الحنفية.

إِنَّ الْحُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

وَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۱۱ - به نام خداوند بخشنده مهربان

این وصیت حسین بن علی بن ابی طالب به برادرش محمد حنفیه است.

حسین گواهی می دهد که خدایی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست و دین حق را از سوی خداوند برای مردم آورد. و شهادت می دهد که بهشت و جهنم حق است و روز قیامت خواهد آمد و شکی در آن نمی باشد و خداوند همه انسان ها را از قبرها بر می انگیزد.

من از روی خودخواهی و یا سرپیچی در برابر حق و یا مفسده انگیزی و ستمگری از مدینه خارج نشدم بلکه هدف من از این خروج اصلاح امت جدم صلی الله علیه و آله می باشد.

أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَسِيرَ بِسِيرِهِ حَيْدَى وَأَبَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.

وَهَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي إِلَيْكَ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. (۱)

نامه ای به بنی هاشم

کتابُ اِلی بنی هاشم

۱۲ - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ اِلی بنی هاشم؛

می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیهما السلام عمل نمایم.

پس هر کس قبول حق کرده و با من همراهی کند خداوند با اوست و هر کس رد کند و راه مرا نپذیرد صبر می کنم تا خداوند میان من و آنها حکم نماید و او بهترین قضاوت کنندگان است.

این وصیت من به توست ای برادر و من توفیقی جز از سوی خدا ندارم بر او توکل می کنم و به سوی او باز می گردم.

۱۲ - به نام خداوند بخشنده مهربان

از حسین بن علی به بنی هاشم؛

ص: ۲۳۷

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ مَنْ لَحِقَ بِي مِنْكُمْ أَسْتَشْهِدُ مَعِيَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَبْلُغِ الْفَتْحِ. وَالسَّلَامُ. (۱)

نامه ای به بزرگان بصره

كِتَابٌ إِلَىٰ وُجُوهِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ

۱۳ - أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ اللَّهَ اضْطَفَىٰ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ، وَ أَكْرَمَهُ بِبُيُوتِهِ وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ. ثُمَّ قَبَضَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ وَبَلَغَ مَا أُرْسِلَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَكُنَّا أَهْلَهُ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ أَوْصِيَاءَهُ وَ وَرَثَتَهُ وَ أَحَقَّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ. فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمُنَا بِذَلِكَ.

هر کس از شما به من ملحق شود در راه خدا کشته خواهد شد و هر کس با من نباشد به پیروزی نخواهد رسید. والسلام.

۱۳ - پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند، محمدصلی الله علیه وآله را برای هدایت مردم برگزید و او را به پیامبری خود گرامی داشت و برای رسالت خویش انتخاب کرد. آن گاه او را به سوی خود برد در حالی که وظیفه اش را در نصیحت و خیرخواهی مردم و رساندن وحی به آنها انجام داد.

ما از خاندان او، دوستان او، جانشینان او، وارثان او و سزاوارترین مردم به مقام او و رهبری مردم بودیم. اما مردان زمان ما این مقام را برای

ص: ۲۳۸

۱ - ۲۲۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۰؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۵؛ ذوب النصار، ص

فَرَضِينَا وَكَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَ أَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ. وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسَيِّتِ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ، وَ قَدْ أَحْسَيْنُوا وَأَصْلَحُوا وَ تَحَرَّوْا الْحَقَّ، فَ رَحِمَهُمُ اللَّهُ وَ غَفَرَ لَنَا وَ لَهُمْ.

وَ قَدْ بَعَثْتُ رَسُولِي إِلَيْكُمْ بِهَذَا الْكِتَابِ، وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ. وَ إِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تُطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۱)

خود برگزیدند و ما هم به آن راضی شدیم زیرا از تفرقه بی زار بودیم و دوست داشتیم امنیت و آرامش برقرار باشد. ما می دانیم که از هر کس که به حکومت رسیده است به رهبری و حکومت بر مردم سزاوارتریم. و اوصیای پیامبر (امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام) در برابر عمل آنها رفتاری نیکو و مصلحت جویانه داشتند و حق را طلب کردند. خداوند آنها را مورد رحمت خود قرار دهد و ما و آنها را بیامرزد.

من پیک خود را با این نامه به سوی شما فرستادم و شما را به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنم. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله از میان رفته و بدعت ها زنده شده است. اگر سخن مرا بشنوید و فرمان مرا اطاعت کنید شما را به راه رستگاری هدایت می کنم. درود و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

ص: ۲۳۹

۱- ۲۲۲. مقتل الحسين عليه السلام لابی مخنف الازدی، ص ۲۵ و ۲۶؛ مثير الاحزان، ص ۱۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۱۸۹؛ البدايه و النهايه، ج ۸، ص ۱۷۰.

كِتَابُ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ

۱۴ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى الْمَلَأَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ؛

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ هَانِيًا وَسَعِيدًا قَدِمَا عَلَيَّ بِكُتُبِكُمْ وَكَانَا آخِرَ مَنْ قَدِمَ عَلَيَّ مِنْ رُسُلِكُمْ، وَقَدْ فَهِمْتُ كُلَّ الَّذِي اقْتَضَيْتُمْ وَذَكَرْتُمْ وَمَقَالَهُ جُلُّكُمْ إِنَّهُ: «لَيْسَ عَلَيْنَا إِمَامٌ، فَأَقْبِلْ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا بِكَ عَلَى الْحَقِّ وَالْهُدَى . وَأَنَا بَاعِثُ إِلَيْكُمْ أَخِي وَابْنَ عَمِّي وَثِقَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ. فَإِنْ كَتَبَ إِلَيَّ بِأَنَّهُ قَدِ اجْتَمَعَ رَأَى مَلِكِكُمْ وَذَوِي الْحِجْبِيِّ وَالْفَضْلِ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ مَا قَدَّمْتُ بِهِ رُسُلَكُمْ، وَقَرَأْتُ فِي كُتُبِكُمْ، فَإِنِّي أَقْدِمُ إِلَيْكُمْ وَشَيْكَاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۱۴ - از حسین بن علی به جمعی از مؤمنان و مسلمانان.

پس از ستایش خداوند، هانی و سعید با نامه های شما بر من وارد شدند و آنها آخرین فرستاده های شما بودند. من آنچه را بیان کردید و یادآوری نمودید فهمیدم، سخن همه شما این است که ما رهبر نداریم به سوی ما بیا شاید خداوند ما را به وسیله تو بر حق و هدایت گرد آورد.

من برادر و پسر عمو و فرد مورد اعتماد خاندانم مسلم بن عقیل را به سوی شما فرستادم، پس اگر در نامه ای به من گزارش کند که نظر اکثر شما مردم و خردمندان و بزرگان همان گونه است که فرستادگانتان گفتند و در نامه هایتان خواندم انشاءالله به زودی به سوی شما حرکت خواهیم کرد.

فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ، الْحَاسِبُ نَفْسَهُ عَلَى ذَلِكَ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ. (۱)

فردا صبح حرکت می کنم

إِنِّي رَاحِلٌ مُضِيحاً

۱۵ - لَمَّا عَزَمَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ قَامَ خَطِيباً فَقَالَ:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَسَلَّمَ.

خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفِتَاةِ.

به جان خودم قسم! امام و پیشوای مردم کسی نیست مگر آن که بر اساس قرآن حکم کند، اجرای عدالت نماید، به دین حق پایبند باشد و خود را به خاطر خدا وقفِ اجرای آن نماید. والسلام

۱۵ - وقتی امام حسین علیه السلام عازم عراق گردید برخاست و در سخنرانی خود فرمود:

ستایش برای خداست، آنچه خدا خواهد همان می شود و توان و نیرویی جز به وسیله خداوند نمی باشد و درود و سلام خدا بر فرستاده او باد.

قلم مرگ بر فرزند آدم نوشته شد آن گونه که گردنبد بر گردن دختران

ص: ۲۴۱

۱- ۲۲۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۹؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۲؛ الامامه و السياسة، ج ۲، ص ۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۵.

وَمَا أَوْلَهُنِي إِلَّا إِلَىٰ أَسِيْلَافِي إِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَىٰ يُوسُفَ. وَخَيْرَ لِي مَصْرِعَ أَنَا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي يَتَقَطَّعُهَا عَسِيْلَانُ الْفَلَوَاتِ، بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَكَرْبَلَا، فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبَةً سَغْبًا.

لا- مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ حُطَّ بِالقَلَمِ. رِضَا اللّٰهِ رِضَانَا أَهْلِ الْبَيْتِ، نَصْبِرُ عَلَىٰ بَلَائِهِ وَ يُؤَفِّينَا أَجْوَرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ لِحَمَّتُهُ، وَهِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيْرِهِ الْقُدْسِ تَقْرُبُهُمْ عَيْنُهُ، وَ تُنَجِّزُ لَهُمْ وَ عِدَّهُ.

مَنْ كَانَ فِيْنَا بَاذِلًا مُّهْجَتُهُ، مُوْطِنًا عَلَىٰ لِقَاءِ اللّٰهِ نَفْسُهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا،

جا می گذارد. من به اندازه ای به دیدار نیاکانم اشتیاق دارم که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود. برای من قتلگاهی معین شده است که در آن قرار می گیرم. گویا می بینم که گرگان بیابان ها (لشکریان یزید) در سرزمینی میان نواویس و کربلا استخوان هایم را قطعه قطعه کرده و شکم های خالی و گرسنه خود را پر می کنند.

از تحقق روزی که به قلم تقدیر نوشته شده است چاره ای نیست. رضایت خداوند، رضایت ما اهل بیت است در برابر سختی و آزمایش او صبر می کنیم و خداوند پاداش صابران را به ما خواهد داد. میان رسول خدا و پاره تن او جدایی نمی افتد و آنها در بهشت برین با یکدیگر می باشند و چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها روشن خواهد بود و وعده او به وسیله آنها محقق می گردد.

پس هر کس حاضر است جان خود را در راه ما بدهد و روح خود را برای ملاقات خداوند مهیا سازد، با ما کوچ کند، من فردا صبح حرکت

فَإِنِّي رَاحِلٌ مُضْبِحًا إِنِشَاءَ اللَّهِ. (۱)

نامه ای به عبدالله بن جعفر

كِتَابٌ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ

۱۶ - إِذَا كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ لَا تَخْرُجَ عَنْ مَكَّةَ، إِنِّي خَائِفٌ عَلَيْكَ، وَأَخِذْ لَكَ الْأَمَانَ مِنْ يَزِيدَ وَجَمِيعِ بَنِي أُمَيَّةَ، كَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ:

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ كِتَابَكَ وَرَدَّ عَلَيَّ فَقَرَأْتُهُ وَفَهَمْتُ مَا ذَكَرْتِ، وَأُعَلِّمُكَ إِنِّي رَأَيْتُ حَيْدَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنَامِي فَخَبَّرَنِي بِأَمْرٍ وَأَنَا مَاضٍ لَهُ، لِي كَانَ أَوْعَلَيَّ.

می کنم انشاء الله.

۱۶ - وقتی عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام نامه نوشت از مکه خارج نشو که من از این سفر تو به کوفه در هراسم و از یزید و همه بنی امیه برای تو امان می گیرم، امام علیه السلام در نامه ای به او نوشت:

بعد از ستایش خداوند، نامه تو به من رسید، آن را خواندم و از آنچه نوشته بودی آگاه شدم. به تو خبر می دهم که جدم رسول خداصلی الله علیه وآله را در خواب دیدم که مرا به امری خبر داد و من به سوی آن در حرکتیم. چه به سود من باشد و یا (به ظاهر) بر ضرر من.

ص: ۲۴۳

۱- ۲۲۴. کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳۹؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶ و ۳۶۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۱۶.

وَاللَّهُ يَا بَنَ عَمِّي لَوْ كُنْتُ فِي حُجْرٍ هَامَّةٍ مِنْ هَوَامِّ الْأَرْضِ لَأَسَدَيْتُ خُرْجُونِي وَ يَقْتُلُونَنِي. وَاللَّهُ يَا بَنَ عَمِّي لَيُعْتِدَنَّ عَلَيَّ كَمَا اعْتَدَتْ
الْيَهُودُ عَلَيَّ السَّبْتِ. وَالسَّلَامُ. (۱)

نامه ای به عمرو بن سعید

كِتَابُ إِلَى عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ

۱۷ - كَتَبَ عَمْرُو بْنُ سَعِيدٍ عَامِلٌ يَزِيدَ عَلَى مَكَّةَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَعَدَهُ الْأَمَانَ وَ الصَّلَةَ وَ الْبِرَّ. وَ كَتَبَ إِلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ
السَّلَامُ.

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّهُ لَمْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ صَالِحًا وَ قَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

ای پسر عمو! به خدا سوگند اگر من در لانه جنبنده ای از جنبندگان زمین باشم مرا از آن بیرون می آورند و می کشند. ای
پسر عمو! به خدا سوگند بر من تعدی می کنند همان گونه که یهود بر روز شنبه تعدی کردند. والسلام

۱۷ - عمرو بن سعید که از سوی یزید فرماندار مکه بود نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشت و به او وعده امان و احسان و
نیکی داد و امام حسین علیه السلام در جواب او نوشت:

بعد از ستایش پروردگار، با خدا مخالفت نکرده است کسی که به سوی خدای عزوجل و رسولش دعوت کرده و بگوید من از
مسلمانانم.

ص: ۲۴۴

وَقَدْ دَعَوْتَ إِلَى الْأَمَانِ وَالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، فَخَيْرُ الْأَمَانِ أَمَانُ اللَّهِ، وَ لَنْ يُؤْمِنَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ لَمْ يَخَفْهُ فِي الدُّنْيَا. فَسَأَلَ اللَّهُ مَخَافَهُ فِي الدُّنْيَا تُوجِبُ لَنَا أَمَانَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَإِنْ كُنْتَ نَوَيْتَ بِالْكِتَابِ صَلَاتِي وَ بَرِي فَجَزَيْتَ خَيْرًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَالسَّلَامُ. (۱)

خطبه ای در راه کربلا

خُطْبَةٌ فِي مَسِيرِ كَرْبَلَاءَ

۱۸ - إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ، وَأَذْبَرَ مَعْرُوفُهَا، فَلَمْ يَبْقِ مِنْهَا إِلَّا صُبَابُهُ كَصُبَابِهِ الْإِنَاءِ، وَ حَسِيسُ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ.

تو به امان و نیکی و احسان دعوت کرده ای اما بهترین امان، امان الهی است و کسی که در دنیا از خدا نترسد در روز قیامت به او امان نخواهد داد. ما در دنیا ترس از خدا را درخواست می کنیم تا سبب امان روز قیامت گردد. اگر نیت تو از نامه ای که نوشتی احسان و نیکی به من باشد به پاداش خوبی در دنیا و آخرت دست می یابی والسلام.

۱۸ - (وقتی امام حسین علیه السلام به ذی حسم رسید این سخنرانی را ایراد فرمود:)

به راستی این دنیا دگرگون و ناپسند گشته و خوبی آن پشت کرده و جز ته مانده ای مانند ته مانده کاسه و زندگی پستی چون گیاه ناگوار نمانده

ص: ۲۴۵

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْتَهَى عَنْهُ، لِيُزَعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا الْحَيَاةَ،
وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا.

إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. (۱)

سخنرانی اول برای حر و لشکرش

الْخُطْبَةُ الْأُولَى لِلْحُرِّ وَعَسَاكِرِهِ

۱۹ - إِذَا صَلَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَسَاكِرِينَ فِي مَسِيرِهِ بِكَرْبَلَاءَ، قَامَ وَ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟ پس حق است که مؤمن در این وضعیت خواهان مرگ باشد.

به راستی من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ذلت نمی بینم، همانا مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست، تا وقتی زندگی آنها تأمین است آن را می چرخانند و چون به بلا آزمایش شوند دین داران کم می شوند.

۱۹ - وقتی امام حسین علیه السلام در مسیر خود به سوی کربلا، نماز ظهر را در منزلگاه «شراف» با یاران خود و حر و لشکرش اقامه کرد برخاست و حمد و ثنای خدا گفت و آن گاه فرمود:

ص: ۲۴۶

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي لَمْ آتِكُمْ حَتَّى أَتْتَنِي كُتُبِكُمْ، وَقَدِمْتُ عَلَيَّ رُسُلَكُمْ أَنْ «أَقْدِمَ عَلَيْنَا فَلَيْسَ لَنَا إِمَامٌ، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ عَلَيَّ الْهُدَى وَالْحَقَّ».

فَمَنْ كُنْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ فَتَقَدُّوا جِسْمَكُمْ، فَأَعْطُونِي مَا أَطْمَئِنُّ إِلَيْهِ مِنْ عُهُودِكُمْ وَ مَوَائِقِكُمْ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ كُنْتُمْ لِمَقْدَمِي كَارِهِينَ، إِنَصْرَفْتُ عَنْكُمْ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي جِئْتُ مِنْهُ إِلَيْكُمْ. (۱)

سخنرانی دوم برای حرّ و یاراناش

الْخُطْبَةُ الثَّانِيَةُ لِلْحَرِّ وَ أَنْصَارِهِ

۲۰ - إِذَا صَلَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَاةَ الْعَصْرِ بِالْعَسْكَرَيْنِ

ای مردم! من به سوی شما حرکت نکردم تا این که نامه های شما به دست من رسید و فرستادگانتان نزد من آمدند و گفتند: «به سوی ما به کوفه بیا که ما پیشوایی نداریم و شاید خداوند ما را بر هدایت و راه حق گرد آورد.

اگر شما بر عهد خود باقی هستید من آمدم و شما هم مرا از اطمینان بیشتری در عمل به پیمان های خود برخوردار کنید و اگر بر عهد خود باقی نیستید و از آمدن من ناخشنودید به جایی که بودم باز می گردم.

۲۰ - وقتی امام حسین علیه السلام نماز عصر را در منزلگاه «شراف» با

ص: ۲۴۷

إِنْصَرَفَ إِلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَّا بَعْدُ، أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنَّكُمْ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ، يَكُنْ أَرْضَى لِلَّهِ عَنْكُمْ، وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَالسَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.

فَإِنْ أُيِّتُمْ إِلَّا الْكِرَاهَةَ لَنَا، وَالْجَهْلَ بِحَقِّنَا، وَكَانَ رَأْيِكُمْ الْآنَ غَيْرَ مَا أَتَّسَى بِهِ كُتُبِكُمْ وَقَدِمْتُ عَلَيَّ بِهِ رُسُلُكُمْ إِنْصَرَفْتُ عَنْكُمْ. (۱)

لشکر خود و لشکر حراقامه کرد، رو به آنها کرد و آن گاه حمد و ستایش خدا گفت و فرمود:

ای مردم! اگر پرهیزکار باشید و حق را برای اهل حق بدانید خداوند از شما خوشنودتر است. ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله از این مدعیان حکومت (بنی امیه) که خلافت حق آنها نیست و به ظلم و دشمنی در میان شما رفتار می کنند به ولایت و حکومت بر شما سزاوارتریم.

اگر ما را نمی خواهید و حق ما را نمی شناسید و نظر فعلی شما غیر از آن چیزی است که در نامه های خود نوشتید و فرستادگانتان اعلام کرده اند از نزد شما باز می گردم.

ص: ۲۴۸

۲۱- إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَطَبَ أَصْحَابَهُ وَ أَصْحَابَ الْحَرِّ بِالْبَيْضَةِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسِيئًا تَحَلَّمًا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخَلَهُ»

أَلَا- وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكَوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ، وَ اسْتَأْتَرُوا بِالنَّفْسِ، وَ أَحَلُّوا حَرَامًا

۲۱- امام حسین علیه السلام در منزلگاه بیضه برای یاران خود و لشکر حر سخنرانی کرد. در آغاز حمد و ثنای خدا گفت و سپس فرمود:

ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که زمامدار ستمکاری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده، عهد و پیمان خدا را می شکند، و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می ورزد و با گناه و دشمنی در میان بندگان خدا رفتار می کند، ولی با عمل و گفتار با او مخالفت نکند بر خداوند است که او را به همان جایی برد که آن زمامدار ظالم را می برد.»

آگاه باشید که اینها (بنی امیه) به اطاعت شیطان درآمدند و اطاعت خدا را ترک، فساد را آشکار و حدود الهی را تعطیل کردند و اموال عمومی را

اللَّهِ، وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ، وَ أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ.

قَدْ أَتَتْنِي كُتُبُكُمْ وَقَدِمْتُمْ عَلَيَّ رُسُلُكُمْ بِيَعْتِكُمْ إِنَّكُمْ لَا تُسَلِّمُونِي وَلَا تَحْدُلُونِي. فَإِنْ تَمَمْتُمْ عَلَيَّ بِيَعْتِكُمْ تُصِيبُوا رُشْدَكُمْ.

فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِكُمْ فِي أَسْوَأِ.

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَنَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ، وَخَلَعْتُمْ بِيَعْتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، فَلَعْمَرِي مَا هِيَ لَكُمْ بِنُكْرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَ أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي مُسْلِمٍ.

وَ الْمَعْرُورُ مِنْ اعْتَرَبِكُمْ.

به خود اختصاص دادند. حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند و من به حکومت یا قیام علیه آنها سزاوارتر از دیگرانم.

نامه هایتان به من رسید و پیک هایتان خبر بیعت شما را و این که هرگز مرا تسلیم دشمن نکرده و خوار و تنها نمی گذارید به من رساندند. پس اگر بر پیمان خود باقی هستید به رشد و کمال خود خواهید رسید.

من حسین پسر علی و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم. خودم در کنار شما و خانواده ام در کنار خانواده شما قرار دارم. من الگوی رفتاری شما هستم.

اگر به پیمانی که بستید عمل نکرده و آن را بشکنید و بیعت مرا از گردن خود بردارید، به جان خودم قسم که این کار شما تازگی ندارد، پیش از این هم با پدر و برادر و پسر عمویم مسلم چنین کردید.

فریب خورده کسی است که فریفته شما گردد.

فَحَظَّكُمْ أَخْطَأْتُمْ، وَنَصِيْبِكُمْ ضَيَّعْتُمْ. وَمِنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَسَيُغْنِي اللَّهُ عَنْكُمْ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ. (۱)

سخنی حماسی با حرّ

كَلَامٌ حِمَاسِيٌّ لِلْحُرِّ

۲۲ - إِذَا قَالَ الْحُرُّ: يَا حُسَيْنُ إِنِّي أَذْكُرُكَ اللَّهُ فِي نَفْسِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ لِيَنَّ قَاتِلَتَ لَتُقْتَلَنَّ. فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ. مَا أَهْوَنَ الْمَوْتَ عَلَيَّ فِي

شما در کسب بهره خود به خطا رفتید و سهم خویش را از میان بردید. کسی که پیمان شکنند به زیان خود عمل کرده است و خداوند مرا از شما بی نیاز خواهد کرد. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

۲۲ - وقتی حرّ به امام حسین علیه السلام گفت: ای حسین تو را به حفظ جانت توصیه می کنم و من گواهی می دهم که اگر

بجنگی کشته خواهی شد، امام حسین علیه السلام به او ف... لَيْسَ

شأن من شأن کسی نیست که از مرگ هراس دارد. چه اندازه مرگ در

ص: ۲۵۱

۱ - ۲۳۰. مقتل الحسين عليه السلام لابی مخنف الازدی، ص ۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۴.

جاء مفاد هذه الخطبة في كتابه عليه السلام لاشراف الكوفة و لم تذكره تحريزا عن التكرار. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱ و ۳۸۲.

سَبِيلِ نَيْلِ الْعِزِّ وَ إِحْيَاءِ الْحَقِّ. لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةً

خَالِدَةً، وَ لَيْسَتْ الْحَيَاةُ مَعَ الذَّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ.

أَفَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟ هَيْهَاتَ، طَاشَ سَيِّهْمُكَ وَ خَابَ ظُنُّكَ، لَسْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ، إِنَّ نَفْسِي لِأَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ، وَ هِمَّتِي لِأَعْلَى مِنْ أَنْ أَحْمِلَ الضَّيْمَ خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ.

وَ هَلْ تَقْدِرُونَ عَلَى أَكْثَرِ مَنْ قَتَلْتُمْ؟ مَرْحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى هَدْمِ مَجْدِي وَ مَحْوِ عِزِّي وَ شَرْفِي، فَإِذَا لَا أُبَالِي بِالْقَتْلِ. (۱)

راه عزت و زنده کردن حق برای من آسان است. مرگ در راه عزت جز حیات جاودان چیز دیگری نیست و زندگی همراه با ذلت و خواری جز مرگ چیز دیگری نمی باشد.

آیا به مرگ مرا می ترسانی؟ دور است که من از مرگ هراسی داشته باشم. تیر تو به خطا رفت و گمان تو به بی راهه گرایید. من از مرگ نمی ترسم، روح من بزرگ تر از آن است که از مرگ هراسی داشته باشم و همت من والاتر از آن است که زیر بار ظلم بروم به خاطر آن که از مرگ ترسی داشته باشم.

آیا بیش از این است که مرا می کشید؟ مرحبا به مرگ در راه خدا. ولی شما بدانید که نمی توانید بزرگواری و عزت و شرف مرا نابود کنید، در این صورت باکی از کشته شدن ندارم.

ص: ۲۵۲

ستایش امام حسین علیه السلام از اصحابش

مَدْحُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنْ أَصْحَابِهِ

۲۳ - أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ، وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعاً وَأَبْصَاراً وَأَفْئِدَةً، فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ.

أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي. فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا.

أَلَا وَإِنِّي لَا أَظُنُّ يَوْمًا لَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَدْنَيْتُ لَكُمْ، فَانْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلِّ.

۲۳ - با بهترین ستایش، خدا را می ستایم و او را در راحتی و سختی سپاس می گویم.

خدایا تو را می ستایم که ما را به نبوت گرامی داشتی و قرآن را به ما آموختی و در دین آگاه گرداندی و گوش و چشم و دل بیدار عطا فرمودی. خدایا ما را از شکر گزاران قرار ده.

اما پس از ثنای خداوند من اصحابی وفادارتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوتر و در پیوند خویشاوندی پایبندتر از اهل بیتم نمی شناسم. خداوند از جانب من به شما جزای خیر دهد.

بدانید که من گمان ندارم که دیگر روزی از سوی اینها برای ما باشد، بدانید من به شما اجازه دادم که همگی باز گردید.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ حَرَجٌ مِّنِّي وَلَا ذِمَامٌ. هَذَا اللَّيْلُ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا. (۱)

پاداش یاران امام حسین علیه السلام

أَجْرُ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام

۲۴ - يَا أَصْحَابِي! إِنَّ هَذِهِ الْجَنَّةَ قَدْ فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا، وَاتَّصَلَتْ أَنْهَارُهَا، وَأُتِيَعَتْ ثِمَارُهَا، وَزُيِّنَتْ قُصُورُهَا، وَتَأَلَّفَتْ وَلَدَانُهَا وَحُورُهَا.

وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الشُّهَدَاءُ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ وَ أَبِي وَ أُمِّي يَتَوَقَّعُونَ قُدُومَكُمْ، وَ يَتَبَاشَرُونَ بِكُمْ، وَ هُمْ مُشْتَاقُونَ إِلَيْكُمْ. فَحَامُوا عَن دِينِ اللَّهِ وَ ذُبُّوا عَن حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ. (۲)

از سوی من سختی و حقی بر شما نیست. این شب را چون شتر برای رفتن خود قرار دهید.

۲۴ - امام حسین علیه السلام به اصحاب خود در کربلا فرمود:

ای یاران من! این بهشت است که درهای آن باز شده و نهرهای آن به هم پیوسته است، میوه های آن رسیده، قصرهای آن زینت شده و پسران زیبای بهشتی و حورهای آن با هم گرد آمده اند.

و این رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهدایی که با او به شهادت رسیدند و پدر و مادرم هستند که منتظر ورود شما بوده و قدمتان را به یکدیگر بشارت می دهند و مشتاق دیدار شما هستند. پس، از دین خدا حمایت نمایید و از حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع کنید.

ص: ۲۵۴

۱- ۲۳۲. الارشاد، ج ۲، ص ۹۱؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲ و ۳۹۳؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۴۳.

۲- ۲۳۳. معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ینایع المودّه، ج ۳، ص ۷۲ بتفاوت یسیر.

۲۵ - دَعَا الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَاحِلَتِهِ فَوَكَّبَهَا وَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ بِكَرْبَلَا:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْمَعُوا قَوْلِي وَلَا تُعْجَلُوا حَتَّى أَعْظِمُكُمْ بِمَا يَحِقُّ لَكُمْ عَلَيَّ وَحَتَّى أَعْدِرَ عَلَيْكُمْ؛ فَإِنْ أَعْطَيْتُمُونِي النِّصْفَ كُنْتُمْ بِمِثْلِكُمْ أَشَدَّ وَإِنْ لَمْ تُعْطُونِي النِّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ «فَأَجْمَعُوا رَأْيَكُمْ وَشُرَكَائِكُمْ، ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُونِ» «إِنَّ وَليَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»

ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَذَكَرَ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلَّى

۲۵ - امام حسین علیه السلام اسب خود را طلب کرد و سوار بر آن شد و با صوت بلند در کربلا فرمود:

ای اهل عراق! ای مردم! سخن مرا بشنوید و در جنگ با من شتاب نکنید تا شما را به آنچه وظیفه خود می دانم نصیحت کنم و دلایل خود را از حرکت به سوی شما بیان نمایم. پس اگر با من به انصاف رفتار کردید به سعادت رسیده اید. و اگر نظر منصفانه ای نسبت به من نداشتید. «نظر خود و شرکایتان را یکی کنید تا کار بر شما پوشیده نباشد آن گاه به نظر خود عمل کنید و مهلتم ندهید» «یاور من کسی است که قرآن را نازل کرد و او یاور نیکوکاران است.»

آن گاه حمد و ثنای خداوند گفت و آن گونه که سزاوار است او

عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى مَلَائِكَتِهِ وَعَلَى أَنْبِيَائِهِ، فَلَمْ يَسْمَعْ مُتَكَلِّمًا قَطَّ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ أُبْلَغَ مِنْهُ فِي مَنْطِقٍ. ثُمَّ قَالَ:

أَمَّا بَعْدُ، فَاَنْسِبُونِي فَاَنْظُرُونِي مَنْ أَنَا؟ ثُمَّ رَاجِعُوا أَنْفُسَكُمْ وَعَاتِبُواهَا، فَاَنْظُرُوا هَلْ يَصْلُحُ لَكُمْ قَتْلِي وَإِتْهَاكَ حُرْمَتِي؟

أَلَسْتُ ابْنَ نَبِيِّكُمْ، وَابْنَ وَصِيِّهِ وَابْنَ عَمِّهِ وَأَوَّلَ مُؤْمِنٍ مُصَدِّقٍ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ؟ أَوَلَيْسَ حَمْزَةُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَمِّي؟ أَوَلَيْسَ جَعْفَرُ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ بَجِنَا حَيْنِ عَمِّي؟ أَوْلَمْ يَبْلُغْكُمْ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي وَالْأَخِي: «هَذَا سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.»

را ستایش کرد و بر پیامبر و فرشته ها و پیامبران او درود فرستاد به طوری که قبل و بعد از او هرگز از گوینده ای به این رسایی شنیده نشده بود. سپس فرمود:

پس از ستایش خداوند، نسب مرا به یاد آورید و ببینید من چه کسی هستم آن گاه به خود آید و خودتان را سرزنش کنید و ببینید آیا کشتن و هتک حرمت من به صلاح شماست؟

آیا من پسر پیامبر شما نیستم؟ آیا من پسر وصی پیامبر شما و پسر عموی او و اولین مؤمنی که رسول خداصلی الله علیه وآله را در آنچه از سوی پروردگارش آورده بود تصدیق کرد نمی باشم؟ آیا حمزه سیدالشهداء عموی من نیست؟ آیا جعفر طیار که در بهشت با دو بال پرواز می کند عموی من نمی باشد؟ آیا آنچه را که رسول خداصلی الله علیه وآله درباره من و برادرم فرمود به شما نرسید که این دو نفر سرور جوانان اهل بهشتند؟

فَإِنْ صَدَّ قَتْمُونِي بِمَا أَقُولُ وَهُوَ الْحَقُّ، وَاللَّهِ مَا تَعَمَّدْتُ كِذْبًا مُدْعَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ يَمُقَّتْ عَلَيْهِ أَهْلُهُ. وَإِنْ كَذَّبْتُمُونِي فَإِنَّ فِيكُمْ مَنْ إِنْ سَأَلْتُمُوهُ عَنْ ذَلِكَ أَخْبَرَكُمْ. إِسْأَلُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ وَ أَبَا سَعِيدِ الْخُدْرِيَّ وَ سَيْهَلَ بْنَ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ وَ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ وَ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ، يُخْبِرُوكُمْ أَنَّهُمْ سَمِعُوا هَذِهِ الْمَقَالَهَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي وَ لِأَخِي. أَمَا فِي هَذَا حَاجِزٌ لَكُمْ عَنْ سَفْكِ دَمِي؟

فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ هَذَا أَفْتَشُكُونَ أَنِّي ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ؟ فَوَاللَّهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّ غَيْرِي فِينُكُمْ، وَلَا فِي غَيْرِكُمْ.

پس اگر آنچه را می گویم و به حق هم می گویم تصدیق می کنید زیرا به خدا سوگند از زمانی که دانسته ام خداوند دشمن دروغ گویان است دروغ نگفته ام، پس، از ریختن خون من دست بردارید و اگر گفته هایم را دروغ می دانید در میان شما کسانی هستند که اگر از آنها پرسید به شما خبر می دهند. از جابر بن عبدالله و ابوسعید خدری و سهل بن سعد ساعدی و زید بن ارقم و انس بن مالک پرسید، به شما خبر می دهند که آنها این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره من و برادرم شنیده اند. آیا این سخن مانع از ریختن خون من به دست شما نمی شود؟

اگر شما در این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله درباره من و برادرم تردید دارید آیا در این هم شک دارید که پسر دختر پیامبر شما هستم؟ به خدا قسم در میان مغرب و مشرق زمین غیر از من پسری برای پیامبر صلی الله علیه و آله در میان شما و غیر شما نمی باشد.

وَيَحْكَمْ أَتَطْلُبُونِي بِقَتِيلٍ مِنْكُمْ قَتَلْتُهُ؟ أَوْ مَالٍ لَكُمْ إِسْتَهْلَكْتُهُ؟ أَوْ بِقِصَاصٍ مِنْ جِرَاحِهِ؟

فَأَخَذُوا لَا يُكَلِّمُونَهُ فَنَادَى

يَا شَبِثَ بْنَ رَبِيعٍ، يَا حَجَّارَ بْنَ أَبَجْرٍ، يَا قَيْسَ بْنَ الْأَشْعَثِ، يَا يَزِيدَ بْنَ الْحَارِثِ! أَلَمْ تَكْتُبُوا إِلَيَّ أَنْ قَدْ أُيْنَعَتِ الثَّمَارُ، وَ اخْضَرَ الْجَنَابُ، وَإِنَّمَا تَقْدِمُ عَلَيَّ جُنْدِيكَ مُجَنَّدًا؟

فَقَالَ لَهُ قَيْسُ بْنُ الْأَشْعَثِ: مَا نَدْرِي مَا تَقُولُ وَلَكِنْ إِنزِلْ عَلَيَّ حُكْمَ بَنِي عَمَّكَ، فَإِنَّهُمْ لَنْ يَرُوكَ إِلَّا مَا تُحِبُّ.

وای بر شما آیا کسی از شما را کشته ام که خون او را از من طلب می کنید، یا مالی را از شما تلف کرده ام که آن را درخواست می کنید و یا جراحتی بر شما وارد کرده ام که قصد تلافی آن را دارید؟

کوفیان در برابر پرسش های امام علیه السلام چیزی نگفتند، آن گاه با صدای بلند به آنها فرمود:

ای شبث بن ربیع، ای حجار بن ابجر، ای قیس بن اشعث، ای یزید بن حارث! آیا شما در نامه های خود برای من نوشتید که میوه ها رسیده و باغ های ناحیه کوفه سرسبز گردیده است و تو به سوی لشکری می آیی که برایت آماده شده است؟

قیس بن اشعث به امام حسین علیه السلام پاسخ داد: ما چنین نامه هایی را که می گویی به یاد نداریم و تو حکم پسر عموهایت (سران بنی امیه) را بپذیر که آنها جز به گونه ای که تو دوست داری با تو

فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا وَاللَّهِ، لَا أُعْطِيكُمْ يَدَيِ إِعْطَاءِ الدَّلِيلِ، وَلَا أَقْرُ لَكُمْ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ.

ثُمَّ نَادَى

يَا عِبَادَ اللَّهِ! «إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ» (۱) وَ «أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (۲) و (۳)

سخنرانی در محاصره دشمنان

الْخُطْبَةُ فِي حَلْقَةِ الْأَعْدَاءِ

۲۶ - إِذَا أَحَاطَ الْأَعْدَاءُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

رفتار نمی کنند. امام علیه السلام در جواب او فرمود:

نه به خدا قسم، من هرگز دست ذلت به شما نمی دهم و چون بردگان برای شما اقرار نمی کنم.

آن گاه با صدای بلند فرمود:

ای بندگان خدا! «من به پروردگار خود و شما پناه می برم از این که مرا سنگسار کنید» و «از هر متکبری که به روز قیامت ایمان ندارد به پروردگار خود پناه می برم.»

۲۶ - وقتی دشمنان، امام حسین علیه السلام را از هر سو احاطه کردند

ص: ۲۵۹

۱- ۲۳۴. سوره الدخان، الآیه ۲۰.

۲- ۲۳۵. سوره الغافر، الآیه ۲۷.

۳- ۲۳۶. الارشاد، ص ۹۷؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۵۸؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۵۰؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶ و ۷.

حَتَّى جَعَلُوهُ فِي مِثْلِ الْحَلْقَةِ، خَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى أَتَا النَّاسَ فَاسْتَنْصَتَهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يَنْصِتُوا حَتَّى قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ:

وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي، وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ، فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ، وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلِكِينَ، وَ كُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي، غَيْرُ مُسْمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلَأْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ، وَ طَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، وَيَلِكُمْ أَلَّا تَنْصِتُونَ؛ أَلَّا تَسْمَعُونَ؟

فَتَلَاوَمَ أَصْحَابُ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ بَيْنَهُمْ وَ قَالُوا أَنْصِتُوا لَهُ. فَقَامَ

و در حلقه محاصره خود قرار دادند، امام علیه السلام از میان یاران خود بیرون آمد تا به آنها رسید، آن گاه از آنان خواست سکوت کنند اما نپذیرفتند و همه می کردند تا این که امام علیه السلام به آنها فرمود:

وای بر شما چرا سکوت نمی کنید تا سخن مرا بشنوید. من شما را به راه رستگاری دعوت می کنم. پس هر کس از من اطاعت کند از سعادت‌مندان است و هر کس سرپیچی کند از هلاک شدگان خواهد بود. شما از من پیروی نمی کنید و به سخن من گوش نمی دهید. شکم های شما از حرام پر شده و بر دل های شما مهر خورده است. وای بر شما چرا سکوت نمی کنید، چرا به سخنانم گوش فرا نمی دهید؟

در این هنگام لشکریان عمر سعد یکدیگر را ملامت کردند و از هم خواستند تا سکوت کنند.

الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ:

تَبَّ لَكُمْ أَيُّهَا الْجَمَاعَةُ وَ تَرَحَّأَ، أَفَحِينَ اسْتَضَى رَحْمَتُنَا وَلِهَيْنَ مُتَحَيِّرِينَ فَأَصْرَحْتُمْ مُؤَدِّينَ مُسَدِّعِينَ، سَيَلَّمْتُمْ عَلَيْنَا سَيِّفًا فِي رِقَابِنَا وَ حَشَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارَ الْفِتَنِ حَبَاها عَدُوُّكُمْ وَ عَدُوُّنَا فَأَصْبَحْتُمْ إِبَاءَ عَلَى أَوْلِيَائِكُمْ وَ يَدَا عَلَيْهِمْ لِأَعْدَائِكُمْ بِغَيْرِ عَدْلِ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَلَا أَمَلٍ أَصْبَحَ لَكُمْ فِيهِمْ إِلَّا الْحَرَامُ مِنَ الدُّنْيَا أَنَالُوكُمْ وَ حَيْسِسَ عَيْشِ طَمَعْتُمْ فِيهِ، مِنْ غَيْرِ حَدِّثٍ كَانَ مِنَّا وَلَا رَأْيٍ تَفَيْلَ لَنَا.

فَهَلَّا لَكُمْ الْوَيْلَاتُ إِذْ كَرِهْتُمُونَا وَ تَرَكْتُمُونَا؟

آن گاه امام عليه السلام برخاست و فرمود:

مرگتان باد و غم و اندوه همراہتان که با حیرت و اشتیاق از ما کمک خواستید و آن گاه که به ندای یاری طلبانه شما پاسخ دادیم و به کمک شما شتافتیم شمشیرهایی را که به نفع ما بود علیه ما به کار گرفتید و آتش فتنه ای را که دشمن مشترک ما و شما پنهان کرده بود علیه ما برافروختید و پشتیبان و کمک کار دشمنانتان علیه دوستان خود گشتید بدون آن که آنها عدالتی را در میان شما رایج کرده باشند و یا امید خیری به آنها داشته باشید جز مال حرامی از دنیا که به شما دادند و طمعی که به زندگی پست و زودگذر کرده بودید، بدون آن که خطایی از ما سر زده و یا نظر ناصوابی از ما مشاهده کرده باشید.

آیا شما سزاوار بلاها نیستید که از ما ناخشنود شدید و ما را رها کردید؟

ص: ۲۶۱

تَجَهَّزْ تُمُوهَا وَ السَّيْفُ لَمْ يُشْهَرْ، وَ الْجَاشُ طَامِنٌ، وَ الرَّأْيُ لَمْ يُسَيِّتْ حَصْفٌ وَ لَكِنْ أَسْرِعْتُمْ عَلَيْنَا كَمَطِيرِهِ الدَّبَابِ، وَ تَدَاعَيْتُمْ كَتْدَاعِي الْفَرَّاشِ.

فَقُبْحاً لَكُمْ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ مِنْ طَوَاغِيَتِ الْأُمَّةِ وَ شِدَادِ الْأَحْزَابِ، وَ نَبَذَهُ الْكِتَابِ، وَ نَفَثَهُ الشَّيْطَانِ، وَ عُصَبِهِ الْأَثَامِ وَ مُحَرَّفِي الْكِتَابِ، وَ مُطْفِئِي السُّنَنِ، وَ قَتْلِهِ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مُبِيرِي عَتْرَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَ مُلْحَقِي الْعِهَارِ بِالنَّسَبِ، وَ مُؤَذِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ صُرَاحِ أَيْمَةِ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ.

وَ أَنْتُمْ إِبْنُ حَرْبٍ وَ أَشْيَاعُهُ تَعْتَمِدُونَ، وَ إِيَّانَا تُخَاذِلُونَ.

در حالی مهیای جنگ شدید که شمشیرها در نیام و دل ها آرام و نظرها استوار بود اما مانند زنبورهای عسل بر ما رو آوردید و چون پروانه ها از هر سو به حرکت درآمدید.

پس مرگتان باد که از سرکشان امت و فرومایگان احزاب و ترک کنندگان قرآنید. شما از اخلاط بینی شیطان و گروه گنه کاران و تحریف کنندگان قرآن و پایمال کنندگان سنت های الهی هستید، شما کشندگان فرزندان پیامبران و نابود کنندگان خاندان جانشینان پیامبرید، شما ملحق کنندگان زنازاده ها به نسب و آزار دهندگان اهل ایمان و فریاد پیشوایان استهزا کنندگانید که قرآن را پاره پاره کردند.

شما یزید و پیروانش را پشتیبانی کردید و از یاری ما دست کشیدید.

أَجِلْ وَاللَّهِ الْخَذْلُ فَيَكُم مَعْرُوفٌ، وَشَجَّتْ عَلَيْهِ عُرُوقُكُمْ، وَتَوَارَتْهُ أُصُولُكُمْ وَفُرُوعُكُمْ، وَتَبَيَّتْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ وَغَشِيَتْ صُدُورُكُمْ.

فَكُنْتُمْ أَحْبَبُ شَيْءٍ سَخَا لِلنَّاصِبِ، وَأُكَلَّ لِلْغَاصِبِ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى النَّاكِثِينَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ الْأَيْمَانَ بَعِيدَ تَوَكِيدِهَا، وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا، فَاتَّسَمَ وَاللَّهُ هُمْ.

أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَنِي بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ، وَهَيْهَاتَ مَا أَخَذُ الدَّيْتَةَ (۱)، أَبِي اللَّهُ ذَلِكَ وَرَسُولُهُ، وَجُدُودٌ طَابَتْ، وَ

به خدا قسم بی وفایی در میان شما مشهور است و رگ و ریشه های شما از آن روییده و تنه و شاخه های درخت وجود شما آن را به ارث برده است و دل های شما بر آن استوار گردیده و سینه هایتان از آن لبریز گشته است.

شما بدترین میوه گلوگیر برای سرپرست خود و لقمه ای لذیذ برای غاصبان می باشید. لعنت خدا بر پیمان شکنانی که سوگندهای خود را پس از محکم کردن آنها نقض کردند و شما خدا را ضامن پیمان های خود کرده بودید و همان پیمان شکنانید.

آگاه باشید که زنازاده فرزند زنازاده مرا بین دو چیز قرار داده است. کشیدن شمشیر و ذلت. اما چه دور است که من پستی و خواری را بپذیرم. خداوند و رسولش و پدران و دامن های پاک و خاندان غیرتمند و با

ص: ۲۶۳

حُجُورٌ طَهَّرَتْ وَ أَنْوْفٌ حَمِيَّةٌ وَ نُفُوسٌ أُبِيَّةٌ لَا تُؤَثِّرُ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ.
أَلَا قَدْ أَعْدَرْتُ وَ أَنْدَرْتُ، أَلَا إِنِّي زَاحِفٌ بِهَذِهِ الْأُسْرَةِ عَلَى قَلْبِهِ الْعِتَادِ وَ خَذَلَهُ الْأَصْحَابُ.

ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فَإِنْ نُهَزَمَ فَهَزَامُونَ قَدَمًا

وَ إِنْ نُهَزَمَ فَغَيْرُ مُهَزَّمِينَا

وَ مَا إِنْ طَبْنَا جُبْنَ وَ لَكِنْ

مَنَايَانَا وَ دَوْلَهُ آخِرِينَا

أَلَا! ثُمَّ لَا تَلْبَثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا كَرَيْثٍ مَا يُزَكِّبُ الْفَرَسُ، حَتَّى تَدُورَ بِكُمْ الرَّحَى

شرافت روا نمی دارند که طاعت انسان های پست را بر کشته شدن انسان های بزرگوار برگزینم.

آگاه باشید که من حجت را بر شما تمام کردم و از آینده بدی که در انتظار دارید ترساندم. بدانید که من با همین خویشان کم و یاران تنها بر شما یورش می آورم.

آن گاه این اشعار را از فروه بن مسیک مرادی خواند:

اگر شکست بدهیم از روزگاران قدیم شکست دهنده بوده ایم و اگر شکست بخوریم در حقیقت شکست خورده نیستیم.

خوی و عادت ما بر ترسیدن نیست اما حکومت دیگران با مرگ ما ادامه دارد.

بدانید که پس از کشته شدن ما جز به اندازه یک سوار شدن اسب مهلت نخواهید یافت تا آسیای شما را بچرخاند.

عَهْدُ عَهْدِهِ إِلَيَّ أَبِي عَنْ جَدِّي، فَأَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَ كُمْ ثُمَّ كِيدُونِي جَمِيعاً فَلَا تَنْتَظِرُونِ، «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱)

اللَّهُمَّ أَحْبِسْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ سِنِينَ كَسَنِيَّ يُوسُفَ، وَسَلِّطْ عَلَيْهِمْ غُلَامَ ثَقِيفٍ يُسْقِيهِمْ كَأْساً مُصَبَّرَةً، وَلَا يَدْعُ فِيهِمْ أَحَدًا إِلَّا قَتَلَهُ قَتْلَهُ بِقَتْلِهِ، وَضَرْبَهُ بِضَرْبِهِ، يَنْتَقِمُ لِي وَالْأَوْلِيَاءِ وَأَهْلِ بَيْتِي وَأَشْيَاعِي مِنْهُمْ، فَإِنَّهُمْ غَرُّونَا وَكَذَّبُونَا وَحَدَلُونَا.

این عهد و برنامه ای است که پدرم از جدم رسول خداصلی الله علیه وآله به من رسانیده است پس با هم فکran خود همدست شوید آن گاه همگی وارد جنگ شوید و به من مهلت ندهید. من بر خداوند که پروردگار من و شماست توکل کرده ام. «جنبنده ای نیست مگر این که جان او به دست خداوند است و پروردگار من بر راه مستقیم است»

خدایا باران را از آنها دریغ دار و سال هایی چون سال های قحطی زمان یوسف را بر آنها قرار ده و مردی از طایفه ثقیف را بر آنها مسلط گردان تا از جامی لبریز از تلخی سیرابشان کند و آنان را رها نکند مگر این که در برابر هر کشته ای از ما یکی از آنها را به قتل رساند و در برابر هر ضربه ای، ضربه ای بر آنان وارد کند و انتقام من و دوستان و خاندان و شیعیانم را بگیرد. آنها به ما خدعه زدند و ما را تکذیب کردند و تنها گذاردند.

ص: ۲۶۵

وَ أَنْتَ رَبُّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَيُّنَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ؟ أُدْعُوا لِي عُمَرَ!

فَدَعَى لَهُ، وَ كَانَ كَارِهًا لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَهُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا عُمَرُ! أَنْتَ تَقْتُلُنِي؟ تَزْعَمُ أَنْ يُؤَلِّيكَ الدَّعِيُّ بْنُ الدَّعِيِّ بِلَادَ الرُّبَّى وَ جُرْجَانَ؟ وَ اللَّهُ لَا تَهْتَأُ بِذَلِكَ أَبَدًا.

عَهْدًا مَعَهُودًا، فَاصْنَعْ مَا أَنْتَ صَانِعٌ، فَإِنَّكَ لَا تَفْرُحُ بَعْدَى بَدُنِيَا وَ لَا آخِرِهِ. وَ لَكَأَنِّي بِرَأْسِكَ عَلَى قَصْبِهِ قَدْ نُصِبَ بِالْكَوْفَةِ يَتَرَامَاهُ

تویی پروردگار ما، بر تو توکل می کنیم. و به سوی تو باز می گردیم و بازگشت همه به سوی توست.

آن گاه فرمود:

عمر بن سعد کجاست؟ او را نزد من فرا خوانید.

او را صدا زدند اما دوست نداشت نزد امام علیه السلام حاضر شود. وقتی آمد حضرت به او فرمود:

ای عمر! تو مرا می کشی؟ گمان کرده ای زنازاده پسر زنازاده (یزید) تو را والی شهرهای ری و گرگان می کند؟ به خدا قسم این حکومت هرگز برای تو گوارا نخواهد بود.

این عهدهی است که از پیش بسته شده است. هر چه می خواهی انجام ده که پس از من هیچ شادمانی در دنیا و آخرت نخواهی داشت. گویا سر تو را می بینم که بر چوبی گذارده شده و آن را در کوفه برجایی نصب

اتمام حجت بر مردم کوفه

إِتْمَامُ الْحُجَّةِ عَلَى الْكُوفِيِّينَ

۲۷ - نَادَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ لِأَعْدَائِهِ بِكَرْبَلَا مُتَوَكِّئًا عَلَى سَيْفِهِ:

- أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْرِفُونِي؟

قَالُوا: نَعَمْ أَنْتَ ابْنُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سِبْطُهُ.

- أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟

قَالُوا: أَلَلَّهُمَّ نَعَمْ.

کرده اند و بچه ها به آن تیر می زنند و آن را هدف خود ساخته اند.

۲۷ - در حالی که امام حسین علیه السلام بر شمشیرش تکیه کرد بود با صدای بلند به دشمنان خود در کربلا فرمود:

- شما را به خدا سوگند آیا مرا می شناسید؟

گفتند: آری، تو فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید جد من رسول خداست؟

گفتند: آری، خدایا این چنین است.

ص: ۲۶۷

- اُنشِدْكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

- اُنشِدْكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ اَبِي عَلِيٍّ بِنُّ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

- اُنشِدْكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيْجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ اَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ اَلْاُمَّةِ اِسْلَامًا؟

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

- اُنشِدْكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ حَمْرَةَ عَمِّ اَبِي؟

قالوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید مادر من فاطمه دختر محمد است؟

گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید پدر من علی بن ابی طالب است؟

گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید جده من خدیجه اولین زن این امت است که اسلام آورد؟

گفتند: آری خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید حمزه سیدالشهداء عموی پدر من است؟

گفتند: آری، خدایا چنین است.

- فَأَنْشِدُكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَعْفَرَ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ عَمَى؟

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

- فَأَنْشِدُكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذَا سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا مُتَقَلِّدُهُ؟

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

- فَأَنْشِدُكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذِهِ عِمَامَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا لَا بِسْهَاءِ؟

قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ.

- فَأَنْشِدُكُمْ اللَّهَ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَوْلَهُمْ إِسْلَامًا وَ أَعْلَمَهُمْ عِلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؟

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید جعفر طیار که در بهشت است عموی من است؟

گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند آیا می دانید این شمشیر - که بر آن تکیه داده ام - شمشیر رسول خدا است و من به آن مجهز شده

ام؟

گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید این عمامه رسول خداست که من بر سر گذارده ام؟

گفتند: آری، خدایا این چنین است.

- شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که علی اولین کسی بود که از میان مردم اسلام آورد و آگاه ترین و بردبارترین آنها بود

و او ولی و سرپرست هر مرد و زن با ایمانی بود؟

قَالُوا: اَللّٰهُمَّ نَعَمْ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام:

فَبِمَ تَسْتَحِلُّوْنَ دَمِيْ؟ وَ اَبِي الدَّائِمِدُ عَنِ الْحَوْضِ عَمَدًا يَذُوْدُ عَنْهُ رِجَالًا كَمَا يَذَاْدُ الْبَعِيْرُ الصَّادِرُ عَنِ الْمَاءِ، وَ لَوَاءُ الْحَمْدِ فِي يَدِ جَدِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟

قَالُوا: قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ كُلُّهُ وَ نَحْنُ غَيْرُ تَارِكِيْكَ حَتَّى تَذُوْقَ الْمَوْتَ عَطْشًا.

فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَطْرَفِ لِحْيَتِهِ وَ هُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَئِذٍ ابْنُ سَبْعٍ وَ خَمْسِيْنَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِسْتَدَّ غَضَبُ اللّٰهِ عَلَى الْيَهُودِ حِيْنَ قَالُوا: عَزِيْزُ ابْنِ اللّٰهِ؛ وَ اسْتَدَّ غَضَبُ اللّٰهِ عَلَى النَّصَارَى حِيْنَ قَالُوا: الْمَسِيْحُ ابْنُ اللّٰهِ.

گفتند: آری، خدایا این چنین است. فرمود:

پس چرا ریختن خون مرا جایز می دانید در حالی که پدرم در فردای قیامت بر سر حوض کوثر عده ای را از آن دور می سازد آن گونه که شتر از آب باز داشته می شود و پرچم حمد در آن روز به دست جدم می باشد؟

گفتند: همه اینها را می دانیم اما تو را رها نخواهیم کرد تا از تشنگی بمیری. در این هنگام که حسین علیه السلام پنجاه و هفت سال داشت محاسن خود را گرفت و فرمود:

در آن هنگام خشم خدا بر یهود شدت گرفت که گفتند عزیز فرزند خداست و در آن هنگام غضب خدا بر مسیحیان شدت گرفت که گفتند مسیح فرزند خداست.

وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْمُجُوسِ حِينَ عَيَّدُوا النَّارَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ قَتَلُوا نَبِيَّهُمْ، وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الْعِصَابَةِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ قَتْلِي إِبْنِ نَبِيِّهِمْ. (۱)

سخنرانی در جمع عمر بن سعد و یارانش

الْخُطْبَةُ لِعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَأَنْصَارِهِ

۲۸ - تَقَدَّمَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى وَقَفَ بِإِزَاءِ الْقَوْمِ، فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى صُفُوفِهِمْ كَأَنَّهُمُ السَّيْلُ، وَنَظَرَ إِلَى إِبْنِ سَعْدٍ وَاقِفًا فِي صَنَادِيدِ الْكُوفَةِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

و آن هنگام غضب خدا بر مجوس شدت یافت که به جای خدا آتش را پرستیدند و خشم خدا بر قومی شدت گرفت که پیامبرشان را کشتند. و خشم خدا بر این گروه شدت یافت که می خواهند مرا که فرزند پیامبرشان هستم به قتل رسانند.

۲۸ - امام حسین علیه السلام به سوی دشمنان پیش آمد تا در برابر آنها ایستاد. آن گاه صف های سیل آسای آنها را مشاهده کرد و نظری به عمر بن سعد که در میان پهلوانان کوفه ایستاده بود انداخت و فرمود:

ص: ۲۷۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ، مَتَّصِرَةً بِأَهْلِهَا حَالاً - بَعِيدَ حَالٍ. فَالْمَغْرُورُ مِنْ عَزَّتِهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ فِتْنَتَهُ، فَلَا تَغْرَنُّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَيُخَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا.

وَ أَرَاكُمْ قَدْ اجْتَمَعْتُمْ عَلَى أَمْرٍ قَدْ أَسْخَطْتُمُ اللَّهَ فِيهِ عَلَيْكُمْ، وَ أَعْرَضَ بَوَجهِ الْكَرِيمِ عَنْكُمْ، وَ أَحَلَّ بِكُمْ نِقْمَتَهُ، وَ جَبَبَكُمْ رَحْمَتَهُ.

فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبُّنَا، وَ بئْسَ الْعَبِيدُ أَنْتُمْ، أَفَرَرْتُمْ بِالطَّاعَةِ، وَ آمَنْتُمْ بِالرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ إِنَّكُمْ زَحَفْتُمْ إِلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ

ستایش برای خدایی است که دنیا را آفرید و آن را خانه فنا و نابودی قرار داد، دنیایی که برای اهلش همواره در حال دگرگونی است.

فریب خورده کسی است که فریب دنیا را بخورد و بدبخت کسی است که دنیا او را به شگفت آورد. پس این دنیا شما را نفریبد زیرا هر کس به آن تکیه کند امیدش را قطع می کند و هر کس به آن طمع بندد ناامیدش سازد.

می بینم بر کاری اجتماع کرده اید که خدا را از خود به خشم آورده اید، نگاه رحمتش را از شما برگردانده و غضبش را بر شما فرو فرستاده و رحمتش را از شما دور داشته است.

بهترین پروردگار، پروردگار ماست و بدترین بندگان، شما هستید. به اطاعت از خدا اقرار کردید و به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله ایمان آوردید، آن گاه بر فرزندان و خاندان او یورش آوردید و قصد کشتن آنها را دارید.

عَثَرْتَهُ تُرِيدُونَ قَتْلَهُمْ. لَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ. فَتَبَّأَ لَكُمْ وَ لِمَا تُرِيدُونَ. إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.
هُؤُلَاءِ قَوْمٌ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ فَبَعْدَ لَلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

فَقَالَ عُمَرُ: وَيَلِكُمْ كَلِمُوهُ فَإِنَّهُ ابْنُ أَبِيهِ. وَاللَّهِ لَوْ وَقَفَ فِيكُمْ هَكَذَا يَوْمًا جَدِيدًا لَمَا انْقَطَعَ وَ لَمَا حَضَرَ. فَكَلِمُوهُ. فَتَقَدَّمَ شِمْرٌ لَعْنَهُ
اللَّهُ فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ! مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ أَفَهَمْنَا حَتَّى نَفْهَمَ. فَقَالَ:

أَقُولُ: اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَ لَا تَقْتُلُونِي، فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَكُمْ قَتْلِي، وَ لَا

«به راستی که شیطان بر شما مسلط گردیده و ذکر خدای بزرگ را از یاد شما برده است» مرگ بر شما و خواسته های شما باد.
همه ما از خدائیم و به او باز می گردیم. اینها مردمی هستند که پس از ایمان آوردن کافر شدند، پس ستمگران از رحمت خدا
دور باشند.

عمر سعد گفت: وای بر شما جواب او را بدهید که او فرزند پدر شجاعش می باشد. به خدا قسم اگر یک روز هم به این
صورت در برابر شما بایستد سخن او قطع نخواهد شد و به پایان نمی رسد. پس جواب او را بدهید. شمر که لعنت خدا بر او باد
جلو آمد و گفت: ای حسین چه می گویی؟ سخنان خود را به ما تفهیم کن تا بدانیم چه می گویی. امام حسین علیه السلام
فرمود:

می گویم: از خدا که پروردگار شماست پروا داشته باشید و مرا نکشید، زیرا کشتن و هتک حرمت من بر شما روا نیست.

انْتِهَاكَ حُرْمَتِي. فَإِنِّي ابْنُ ابْنَتِ نَبِيِّكُمْ وَحَدَّتِي خَدِيدَهُ زَوْجَهُ نَبِيِّكُمْ وَ لَعَلَّهُ قَدْ بَلَغَكُمْ قَوْلُ نَبِيِّكُمْ «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». - الى آخر ما نقلناه في حديث ٢٥ هذا الفصل. (١)

سخنرانی به هنگام بارش تیرها

الْخُطْبَةُ حِينَ إِمْطَارِ السَّهَامِ

٢٩ - إِذَا كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْخُذُهُ السَّهَامُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا أُمَّهُ السُّوءِ بِنْسَمَا خَلَفْتُمْ مُحَمَّدًا فِي عِثْرَتِهِ، أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَقْتُلُوا بَعْدِي عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ فَتَهَابُوا قَتْلَهُ، بَلْ يُهَوِّنُ عَلَيْكُمْ عِنْدَ قَتْلِكُمْ.

من پسر دختر پیامبر شما هستم و مادر بزرگم خدیجه همسر پیامبر شماست. و شاید این سخن پیامبرتان به شما رسیده باشد که فرمود: «حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت هستند». تا آخر حدیث ٢٥ همین فصل که آن را نقل کردیم.

٢٩ - وقتی از هر سو تیرها بر امام حسین علیه السلام می بارید فرمود:

ای امت بدکار! پس از محمد صلی الله علیه و آله چه رفتار بدی با خاندان او داشتید، بعد از قتل من از کشتن بنده ای از بندگان خدا هراسی نخواهید داشت زیرا کشتن من قتل آنان را بر شما آسان می کند.

ص: ٢٧٤

١ - ٢٤١. مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي، ج ١، ص ٢٥٢؛ بحار الانوار، ج ٤٥، ص ٦ و ٥؛ العوالم، ج ١٧، ص ٢٤٩ و ٢٥٠.

وَ أَيْمُ اللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُكْرِمَنِي رَبِّي بِالشَّهَادَةِ بِهَوَانِكُمْ، ثُمَّ يَنْتَقِمَ لِي مِنْكُمْ مِنْ حَيْثُ لَا تَشْعُرُونَ. (۱)

مرگ بهتر از پذیرش ننگ است

الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ

۳۰ - إِذَا قَتَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمْعًا كَثِيرًا مِنَ الْأَعْدَاءِ أَنْشَأَ:

الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ

وَ الْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ

أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ

أَلَيْتُ أَنْ لَا أَتَّشَى

أَحْمَى عِيَالَتِ أَبِي

أَمْضَى عَلَى دِينِ النَّبِيِّ. (۲)

به خدا قسم من به پروردگارم امیدوارم که در برابر خواری شما نعمت شهادت را عطايم کند، آن گاه از راهی که گمان نمی برید انتقام مرا از شما بگیرد.

۳۰ - وقتی امام حسین علیه السلام عده زیادی از دشمنان را کشت این اشعار را سرود.

مرگ بهتر از پذیرش ننگ است و پذیرش ننگ (ناشی از جنگ و اسارت) بهتر از ورود در آتش جهنم است.

من حسین بن علی هستم، قسم خورده ام که سر فرود نیاورم.

از اهل و عیال پدرم حمایت می کنم و در راه دین پیامبر کشته می شوم.

ص: ۲۷۵

۱- ۲۴۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۹۵.

۲- ۲۴۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۸؛ مقتل الحسین و ابی مخنف الازدی، ص ۱۹۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۹؛

العوالم، ج ۱۷، ص ۲۹۲.

۳۱ - إِذَا حَالَ الْعَدُوُّ بَيْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخِيَامِهِ قَالَ:

وَيُحَكِّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ أَعْرَاباً.

فناداهُ شِمْرٌ فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا بَنَ فاطِمَةَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَقُولُ: أَنَا الَّذِي أَفَاتِلُكُمْ وَتُقَاتِلُونِي، وَالنِّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاْمُنَعُوا عُنْتَكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا. (۱)

۳۱ - وقتی دشمن میان امام حسین علیه السلام و خیمه هایش قرار گرفت فرمود:

وای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، در دنیای خود آزاده باشید و به مردانگی و نسب خود باز گردید اگر از قوم عرب هستید.

شمر با صدای بلند گفت: چه می گویی ای پسر فاطمه؟

امام علیه السلام فرمود:

می گویم: این من هستم که با شما می جنگم و شما هم با من می جنگید، زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که من زنده ام متکبران و متجاوزان لشکر خود را از تعرض به خیمه های من باز دارید.

ص: ۲۷۶

فصل پانزدهم: احادیث منسوب به امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: ۲۷۷

أَلْأَخْبَارُ الْمُنْسُوبَةُ إِلَى الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

روایات قابل توجهی در کتاب های روایی و منابع دست دوم و به ویژه دست سوم شیعه و سنی نقل شده است که نسبت آنها به امام حسین علیه السلام صحیح نمی باشد؛ اگر چه ما در تحقیقات خود به جمع زیادی از احادیث آن حضرت دست یافتیم که در مجموعه های موجودی که مربوط به آن امام همام می باشد دیده نمی شود، اما از نقل تعدادی از روایاتی هم که در آن مجموعه ها به چشم می خورد پرهیز کردیم و برای روشن شدن موضوع، همه آنها را در این فصل گرد آورده و نتیجه تحقیقات خود را پیرامون هر یک از آنها بیان می کنیم.

بدون شک عدم نقل این روایات از سوی امام حسین علیه السلام در مجموعه موجود (نهج الکرامه) به خاطر آن است که در انتساب آنها به آن حضرت اشتباهاتی صورت گرفته و در نتیجه سخنانی از رسول خدا، امام حسن، امام سجاد و امام صادق علیهم السلام به او نسبت داده شده که به منشأ این نسبت ها اشاره خواهیم کرد.

به طور کلی آنچه سبب شده است سخنان امام حسن علیه السلام به امام

حسین علیه السلام نسبت داده شود تشابه لفظی نام آنها می باشد به ویژه آن که نام پدر بزرگوارشان پس از نام مبارک آنها ذکر می شود. و آنچه منشأ نسبت دادن سخنان امام صادق علیه السلام به آن حضرت شده است کنیه مشترک آنها یعنی «ابا عبدالله» است.

اگر چه میان امام حسین و پیامبر و امام سجادعلیهم السلام وجه تشابهی در نام و کینه آنها وجود ندارد اما از آن جهت که امام حسین علیه السلام سخنانی را از رسول خداصلی الله علیه و آله نقل کرده است، برخی از سخنان آن حضرت به نقل کننده آن یعنی حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده شده و به خاطر آن که روایات امام سجادعلیه السلام با نام علی بن الحسین یا علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل شده است بدون توجه به نام مبارک امام چهارم، حدیث او را به پدر بزرگوارش که نام او قبل از شروع روایات ذکر شده نسبت داده شده است.

آنچه بیان گردید علل عمده خطای در نسبت دادن برخی احادیث به امام حسین علیه السلام بود و عوامل و موارد دیگری هم وجود دارد که به آنها خواهیم پرداخت.

البته همان گونه که اشاره شد این خطای در نسبت برخی روایات به حسین بن علی علیهما السلام در کتاب ها و منابع اصلی و اولی وجود ندارد و یا درصد آن بسیار کم می باشد و به طور عمده در منابع دست دوم و سوم به وجود آمده است که ناشی از عدم تحقیق لازم پیرامون نقل آنهاست و ما در اینجا به تفکیک، آنها را مطرح می کنیم:

۱ - روایات رسول خدا صلی الله علیه وآله

همان گونه که بیان شد برخی از روایات پیامبر صلی الله علیه وآله به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که به آنها می پردازیم:

۱ - من لبس مشهوراً من الثياب اعرض الله عنه يوم القيامة.

این روایت در تمام منابعی که آمده از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است و آنها عبارتند از: مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۳۵ - المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۳۴، ح ۳۰۲۹۰۶ - کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۱۷، ح ۴۱۲۰۲.

همه کسانی که این حدیث را نقل کرده اند از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده اند اما در کتاب «کلمات الامام الحسین علیه السلام به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که این نسبت صحیح نیست و منشأ اشتباه هم این است که در منابع مذکور این حدیث را امام حسن و امام حسین علیهما السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده اند چنان که در کنز العمال که منبع مورد استفاده «کلمات الامام الحسین علیه السلام» بوده است آمده است: عن ابی سعید التیمی قال سمعت الحسن و الحسین رضی الله عنهما یقولان قال رسول الله صلی الله علیه وآله: من لبس مشهوراً... و مجمع الزوائد نیز با همین سند آن را نقل کرده است. شیوه کنز العمال این است که یکی دو سه را وی آخر و به ویژه کسی که حدیث را از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده است بعد از ذکر بسیاری از روایات نام می برد و پس از نقل روایت مذکور هم به این شیوه عمل کرده است.

برخی از مجموعه های روایی نظیر فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۰۷ نیز این حدیث را به نقل از کلمات الامام الحسین علیه السلام به آن

ص: ۲۸۰

حضرت نسبت داده اند.

۲- لا ینبغی لنفس مؤمنه تری من یعضی الله فلا تنکر علیه.

این حدیث تنها در کتاب کنز العمال ج ۳ ص ۸۵، ح ۵۶۱۴ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است و کتاب های دیگر هم آن را به نقل از همین منبع و از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که از جمله آنها میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۱ می باشد. اما در کتاب کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۷۱۲ اشتبهاً به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و علت آن هم این است که در پایان حدیث در بیان نام برخی از راویان آن آمده است: (الحکیم عن حسین بن علی). و پیش از این بیان گردید که این شیوه مؤلف کنز العمال است که نام راویان منتهی به رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیان می کند.

۳- من اصابته مصیبه فقال اذا ذکرها «انا لله و انا الیه راجعون» جدّد الله له من اجرها مثل ما کان له یوم اصابته.

این حدیث در همه منابع اصلی و دست دومی که از آنها نقل کرده اند از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. این کتاب ها عبارتند از: المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۳۱ - کنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۰ - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۴۱ - مستدرک الوسائل ج ۲، ص ۴۰۷.

این روایت را امام حسین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و همین امر سبب گردیده است که به آن حضرت نسبت داده شود.

در کتاب کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۷۰ این روایت اشتباهاً به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و بخشی از سند روایت حذف گردیده و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله از قول امام حسین علیه السلام نقل شده است. اصل

ص: ۲۸۱

سلسله روايات حديث كه معجم الكبير آن را آورده است اين گونه است:

حدثنا ابو خليفه الفضل بن الحباب الجمحي و ابراهيم بن هاشم البغوي قالوا: حدثنا عبدالرحمن بن سلام الجمحي، حدثنا هشام ابوالمقدام عن امه فاطمه بنت الحسين عن ابيها رضى الله عنه، انّ النبي صلى الله عليه وآله قال: من اصابته مصيبه... اما در كتاب كلمات الامام الحسين عليه السلام آمده است: حدثنا ابو خليفه الفضل بن الحباب الجمحي و ابراهيم بن هاشم البغوي قالوا: حدثنا عبدالرحمن بن سلام الجمحي، حدثنا هشام ابوالمقدام عن امه فاطمه بنت الحسين عن الامام الحسين عليه السلام، انه قال: من اصابته مصيبه...»

۴ - اعجز الناس من عجز عن الدعاء و ابخل الناس من بخل بالسلام.

منابع فراوانی از شيعه و سنی اين سخن را از رسول خدا صلی الله عليه وآله نقل کرده اند و برخی از آن منابع عبارتند از: امالی شيخ مفيد، ص ۳۱۷ - امالی شيخ طوسي، ص ۸۹ - عده الداعي، ص ۳۴، مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۳۱ - المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۳۷۱ - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴، ح ۲۳ و ص ۲۹۱ و ص ۳۰۲ ح ۳۹ - مشكاه الانوار، ص ۳۵۰ - مكارم الاخلاق، ص ۲۶۸ - بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴، ح ۱۱ - وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۴۴۰ و ج ۴ ص ۱۰۸۶.

تنها موردی كه اين روايت بدون سلسله سند به امام حسين عليه السلام نسبت داده شده است بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴ است و البته اين نسبت صحيح نيست و منشأ اشتباه هم اين است كه پس از بيان روايتی از پيامبر صلی الله عليه وآله اين حديث نقل شده و به جای آن كه مؤلف يا نسخه برداران صلی الله عليه وآله بنويسند، عليه السلام نوشتند وعده ای هم بدون تحقيق آن را با استناد

ص: ۲۸۲

به منبع ذکر شده به امام حسین علیه السلام نسبت دادند.

۵- لایحل لعین مؤمنه تری الله یعضی، فتطرف حتی تغیره.

این حدیث را تنها شیخ طوسی در کتاب امالی خود ص ۵۵ آورده است و دیگران هم فقط از این منبع نقل کرده اند که از جمله علامه مجلسی در ج ۱۰۰ بحار الانوار، ص ۷۷ و شیخ حرعاملی با کمی تفاوت در اسناد در ج ۱، ص ۳۹۹ وسائل الشیعه می باشند.

در کتاب فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۶۹۳ و کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۴۸ آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده اند در صورتی که در هیچ منبعی به گوینده آن اشاره نشده است و امام حسین علیه السلام هم بدون ذکر نام گوینده با جمله «کان یقال لایحل لعین...» آن را بیان کرده است. از همین رو شیخ حرعاملی در کتاب الفصول المهمه ج ۲، ص ۲۲۶ با کلمه رُوی (روایت شده است) آن را بیان می کند.

۲- روایت امیرالمؤمنین علیه السلام

ان رسول الله صلی الله علیه وآله کان یتدیء طعامه اذا کان صائماً بالتمر.

منبع این روایت، کتاب مکارم الاخلاق، فصل ۹، ص ۱۶۹ می باشد که آن را از قول امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است و علامه مجلسی هم با استفاده از مکارم الاخلاق آن را در ج ۶۶، ص ۱۴۱ از قول آن حضرت آورده است اما در کتاب مستدرک الوسائل ج ۱۶، ص ۳۸۰ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده و مجموعه های مربوط به امام حسین علیه السلام نظیر کلمات الامام الحسین، ص ۶۹۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص

ص: ۲۸۳

۳۹۴ با استناد به مستدرک الوسائل آن را به آن حضرت نسبت داده اند که این نسبت صحیح نیست زیرا تنها منبع اصلی این روایت مکارم الاخلاق است که از امیرالمؤمنین علیه السلام آن را نقل کرده است.

نقل کننده این روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام فرزند بزرگوارش حسین بن علی علیهما السلام است چنان که در سند روایت آمده است: عن الحسين بن علی، عن ابیه علیهما السلام. اما نسخه برداران یا مؤلف مستدرک کلمه «عن ابیه» را از قلم انداخته اند و این سبب شده است که حدیث به امام حسین علیه السلام منسوب شود.

البته در پاورقی مستدرک آدرس دیگری از دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۱ ذکر کرده است که این آدرس صحیح نیست و در کتاب دعائم الاسلام چنین حدیثی نقل نشده است.

۳- روایات امام حسن علیه السلام

روایاتی از حسن بن علی علیهما السلام به حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده شده است که آنها را مورد نقل و بررسی قرار می دهیم:

۱- فضل کافل یتیم آل محمد علیهم السلام المنقطع عن موالیه، الناشب فی رتبه الجهل، یخرجه من جهله و یوضح له ما اشتبهه علیه، علی فضل کافل یتیم یطعمه و یسقیه، کفضل الشمس علی السها.

تنها منبع اصلی این روایت تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ص ۳۴۱ است که آن را از قول امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کرده است. و پس از آن همه کتاب های روایی نظیر بحار الانوار، ج ۲، ص ۳- الفصول

ص: ۲۸۴

المهمه، ج ۱، ص ۶۰۱، مستدرک الوسایل، ج ۱۷، ص ۳۱۸ و منیه المرید، ص ۱۱۶ آن را از همین منبع نقل کرده اند و تنها در کتاب احتجاج طبرسی ج ۱، ص ۱۶ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که با توجه به معلوم بودن منبع اصلی که احتجاج هم از آن نقل کرده است این نسبت اشتباه است و منشأ اشتباه هم تشابه لفظی حسن و حسین علیهما السلام می باشد که از سوی نسخه برداران و یا مؤلف کتاب صورت گرفته است و در برخی از کتاب ها نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۶۷۴ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۵۵۴ این اشتباه تکرار شده است.

۲ - ما قدمت رایه قوتل تحتها امیر المؤمنین علیه السلام الّا نکسها الله تبارک و تعالی و غلب اصحابها و انقلبوا صاغیرین و ما ضرب امیر المؤمنین علیه السلام بسیفه ذی الفقار احداً فنجا و کان اذا قاتل، قاتل جبرائیل عن یمینه و میکائیل عن یساره و ملک الموت بین یدیه.

اصل این روایت تنها در کتاب امالی شیخ صدوق، ص ۶۰۳، ح ۹ از مجلس ۷۷ می باشد که تحت شماره ۸۳۸ از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل گردیده و در بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۷۶ نیز از قول آن حضرت نقل شده است و سایر کتاب ها نیز آن را از همان منبع و از قول امام حسن علیه السلام نقل کرده اند اما برخی کتب نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۹۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۱۸، ح ۵۲ آن را به حسین بن علی علیه السلام نسبت داده اند که این نسبت اشتباه است و منشأ آن تشابه لفظی حسن و حسین علیهما السلام می باشد.

۳ - قال الحسن علیه السلام لجعید بن همدان:

ص: ۲۸۵

ان الناس اربعة: فمنهم من له خلاق و ليس له خلق و منهم من له خلق و ليس له خلاق و منهم من ليس له خلق و لاخلاق فذاك
اشر الناس و منهم من له خلق و خلاق فذاك افضل الناس.

این روایت در تمام منابع شیعه و اهل سنت از امام حسن علیه السلام نقل شده است و از جمله این منابع خصال صدوق، ص
۲۳۶ - نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۷ - تفسیر کنزالدقائق، ج ۲، ص ۱۲۹ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۵۳ - تهذیب الکمال،
ج ۶، ص ۲۳۵ و ترجمه الامام الحسن علیه السلام، ص ۱۵۹ می باشد. از میان همه کتاب هایی که آن را نقل کرده اند تنها ابن
ابی الدنیا در کتاب «العقل و فضله» آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده است که با توجه به معلوم بودن منابع آن ابن
ابی الدنیا و یا نسخه برداران از کتاب او در نسبت خود خطا کرده اند و منشأ خطا هم همان تشابه لفظی نام آن دو امام همام
علیها السلام است.

۴ - عن الحسن بن علی علیه السلام أنه قيل له عليه السلام: انّ اباذر يقول: الفقر أحبّ الیّ من الغنی، والسقم أحبّ الیّ من
الصحة،

فقال علیه السلام: رحم الله اباذر، اما انا فاقول: من اتكل على حسن اختيار الله له لم يتمنّ أنه من غير الحاله التي اختار الله له و هذا
حدّ الوقوف على الرضا بما تصرف به القضاء.

کامل این روایت به همان گونه که نقل گردید در منابع اهل سنت است و همه آنها آن را از امام حسن علیه السلام بیان کرده
اند. اسامی کتاب هایی که آن را از آن حضرت نقل کرده اند عبارتند از: کنز العمال، ج ۳، ص ۷۱۲، ح

۸۵۳۸ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۵۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۶۲ - البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۴۳ - ترجمه الامام الحسن علیه السلام، ص ۱۵۸ و سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۶۹.

البته این روایت به صورت محدودتری در کتاب تحف العقول، ص ۲۳۴ و بحار الانوار ج ۷۸، ص ۱۰۶ نیز از قول امام حسن علیه السلام نقل شده و در دو مورد هم در کتاب بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱ و نزهه الناظر، ص ۹۴ به صورت مختصر و بدون ذکر سند به امام سجاد علیه السلام نسبت داده شده است. اما کتاب احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۱ آن را بدون ذکر سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده و برخی از کتاب های دیگر نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۴۷ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۵۷ نیز بدون مراجعه به منابع فراوان دیگر، آن را از احقاق الحق و از قول امام حسین علیه السلام نقل کرده اند که نسبت این حدیث به آن حضرت ناصواب است.

۵ - لا یكون هذا الامر الذى تنتظرون حتى يبرأ بعضكم من بعض و يلعن بعضكم بعضا. و يتفل بعضكم فى وجه بعض او حتى يشهد بعضكم بالكفر على بعض.

قلت: ما فى ذلك خير؟

قال عليه السلام: الخير كله فى ذلك، عند ذلك يقوم قائمنا، فيرفع ذلك كله.

این روایت در کتاب غیبت شیخ طوسی، ص ۴۳۸ - الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۳، باب ۲۰، ح ۵۹ - غیبت نعمانی طبع قدیم، ص ۱۰۹، باب ۱۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵ و ۲۱۱ از امام

ص: ۲۸۷

حسن علیه السلام نقل شده است اما در غیبت نعمانی طبع جدید، ص ۲۰۵، باب ۱۲، ح ۹ از امام حسین علیه السلام نقل گردیده که معلوم می شود در طبع جدید سهوی صورت گرفته است چرا که طبع قدیم همین کتاب آن را از قول امام حسن علیه السلام آورده است و بحارالانوار هم در ج ۵۲، ص ۱۱۵ به نقل از آن از قول امام حسن علیه السلام نقل کرده است. عقد الدرر نیز بدون ذکر سند و منبع، آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده که این نسبت با توجه به معلوم بودن منبع و عدم ذکر سند اشتباه است و احتمالاً از تشابه لفظی حسن و حسین علیهما السلام سرچشمه گرفته است و کتاب هایی نظیر کلمات الامام الحسین، ص ۶۶۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۶، ح ۷۴ که با استناد به عقد الدرر و غیبت نعمانی طبع جدید که به اشتباه آن اشاره شد آن را نقل کرده اند نیز این نسبت اشتباه را تکرار کرده اند چرا که از نقل کننده این حدیث (عمیره بنت نفیل) در تمام کتاب ها معلوم می گردد بیش از یک روایت نبوده است.

در بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱ کلمه «بنت» پیش از نام امام حسن علیه السلام اضافه شده است و در نتیجه، حدیث به دختر امام حسن علیه السلام منسوب می شود که به نظر می رسد این سهوی بوده است که از سوی نسخه برداران از بحارالانوار صورت گرفته است چرا که منبع بحارالانوار، غیبت شیخ طوسی است که در آن کلمه بنت وجود ندارد.

اگرچه تفاوت کمی در کتاب های مختلفی که این حدیث را نقل کرده اند دیده می شود اما شکی نیست که با توجه به این که ناقل مستقیم حدیث تنها (عمیره بنت نفیل) است و تفاوت کمی که وجود دارد مربوط

به پایان حدیث می شود یک حدیث بیشتر نبوده است ضمن این که در منابع اصلی تفاوتی وجود ندارد و این تفاوت در منابع دست دوم به وجود آمده است.

۶ - سئل الحسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام عن العقل، فقال: التجرع للغصه و مداهنه الاعداد.

این روایت در کتاب امالی صدوق، ص ۷۷۰ - معانی الاخبار، ص ۳۸۰، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۸۶ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۵ از امام حسن علیه السلام نقل شده است اما در کتاب محاسن، ج ۱، ص ۱۹۵ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است این نسبت خطایی بوده که از نسخه برداران صورت گرفته و چه بسا نسخه دیگری از کتاب محاسن به صورت صحیحی در اختیار دیگران بوده است چه این که علامه مجلسی که این حدیث را به نقل از محاسن در بحارالانوار، در ج ۱، ص ۱۳۰ آورده است از قول امام حسن علیه السلام نقل کرده و ظاهراً این اشتباه در نسبت، از تشابه لفظی نام حسن و حسین علیهما السلام و به وسیله نویسندگان احادیث صورت گرفته است.

۷ - نظر الحسن علیه السلام الی ناس فی یوم فطرٍ یلعبون و یضحکون. فقال لاصحابه و التفت الیهم: ان الله عزوجل جعل شهر رمضان مضماً را لخلقہ، یتبقون فیہ بطاعته الی رضوانہ، فسبق فیہ قوم ففازوا و تخلف آخرون فخابوا.

فالعجب کل العجب من الضاحک اللاعب فی الیوم الذی یتاب فیہ المحسنون و یخیب فیہ المقصرون. و ایم الله لو كشف الغطاء لشغل

ص: ۲۸۹

این روایت در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۱ و ج ۲، ص ۱۷۴ - تحف العقول، ص ۱۱۰ - بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۱۰ و اقبال الاعمال سید بن طاووس، ج ۱، ص ۴۶۷ از امام حسن علیه السلام نقل شده و در کتاب کافی، ج ۴، ص ۱۸۱ از امام رضا علیه السلام بیان شده است اما در کتاب وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۰ به نقل از کتاب «من لایحضره الفقیه» به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که با توجه به معلوم بودن منبع و سایل الشیعه معلوم می شود این نسبت اشتباه از تشابه لفظی حسن و حسین علیهما السلام به هنگام خواندن یا نوشتن صورت گرفته است. و کتاب هایی نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۹۵ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام نیز که آن را به حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده اند این اشتباه را تکرار کرده اند.

۴ - روایات امام سجاد علیه السلام

تعدادی از روایات علی بن الحسین بن علی علیهما السلام به پدر بزرگوارش حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده شده است که ضمن نقل هر کدام نتیجه بررسی های خود را پیرامون آنها بیان می کنیم.

۱ - ان جمیع ما طلعت علیه الشمس فی مشارق الارض و مغاربها، بحرها و برها و سهلها و جبلها عند ولی من اولیاء الله و اهل المعرفه بحق الله کفیئ الظلال اولا حرٌ یدع هذه اللماظه لاهلها - یعنی دنیا - فلیس لانفسکم ثمن الا الجنّه فلا تیبعوها بغيرها، فانه من رضی من الله بالدنیا

منبع اصلی این حدیث تحف العقول، ص ۳۹۱ است که امام کاظم علیه السلام در بین روایت بلند و مشهور خود خطاب به هشام از قول امام سجاده علیه السلام آن را بیان می کند و علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۰۶ آن را از تحف العقول نقل کرده و کتاب هایی نظیر میزان الحکمه ج ۲، ص ۹۱۹ آن را از بحار الانوار از قول امام سجاده علیه السلام بیان کرده اند اما در کتاب حیاة الامام الحسین علیه السلام، ص ۱۶۳ و مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۶۶ و انوار البهیة شیخ عباس قمی ص ۱۰۱ به نقل از بحار به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است ولی با توجه به معلوم بودن منابع دست اول و دوم این روایت که چنین روایتی از امام حسین علیه السلام در آنها نقل نشده است استناد حدیث به آن حضرت صحیح نمی باشد.

۲ - قال الباقر علیه السلام: لَمَّا حضرت ابی علی بن الحسین علیهما السلام الوفاه ضمنی الی صدره، ثم قال علیه السلام: ای بنی! اوصیک بما اوصانی به ابی حین حضرته الوفاه و بما ذکر ان اباه علیه السلام اوصاه به؛

ای بنی! اصبر علی الحق و ان کان مرّاً.

اصل این حدیث در کتاب کافی ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۳ از قول امام سجاده علیه السلام بیان شده است و در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱ به صورت مستقیم از قول آن حضرت بیان شده و در بحار الانوار، ج ۷، ص ۷۶ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۸۷ و مشکاه الانوار، ص ۵۸ نیز از قول آن حضرت نقل شده است.

اگر چه مفاد این روایت توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام و

توصیه آن حضرت به فرزندش امام سجاده علیه السلام و توصیه او به فرزندش امام باقر علیه السلام است اما کلمات حدیث به گونه ای که در منابع روایی بیان شده، از سوی امام سجاده علیه السلام صادر شده است و از احادیث آن حضرت به شمار می آید چه این که در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۴۱ و وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۸۸ با صراحت آمده است: روی ابو حمزه الثمالی قال: قال لی ابوجعفر علیه السلام لَمَا حضرت ابی علیه السلام الوفاه ضمنی الی صدره ثم قال: یا بُتّی اصبر علی الحق و ان کان مرّاً یوف الیک اجرک.

در عین حال کتاب هایی نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۸۸ اشتباهاً آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده اند.

۳ - القائم مَنّا تخفی عن الناس ولادته، حتی یقولوا لم یولد بعد لیخرج حین یخرج و لیس لاحد فی عنقه بیعه.

منبع اصلی این حدیث کمال الدین شیخ صدوق، ص ۳۲۳ است و راوی آن سعید بن جبیر می باشد که آن را از قول امام سجاده علیه السلام نقل کرده و در کتاب اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۱ و تاریخ آل زراره، ج ۱، ص ۲۳ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵ از کمال الدین نقل شده است اما در کتاب کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۹ بدون ذکر سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و با توجه به این که تنها منبع اصلی این روایت که کمال الدین شیخ صدوق بوده و روایت را از قول امام سجاده علیه السلام نقل کرده است، نسبت بدون سند کشف الغمه ناصحیح است و شاید منشأ اشتباه آن همان گونه باشد که در اول همین فصل به آن اشاره گردید.

۴ - فی القائم مَنّا سنن من الانبیاء:

ص: ۲۹۲

سنه من نوح عليه السلام، و سنه من ابراهيم عليه السلام، و سنه من موسى عليه السلام، و سنه من عيسى عليه السلام، و سنه من ايوب عليه السلام و سنه من محمد صلى الله عليه وآله.

فأما من نوح عليه السلام فطول العمر، و اما من ابراهيم عليه السلام فخفاء الولاده و اعتزال الناس، و اما من عيسى عليه السلام فاختلف الناس فيه، و اما من ايوب عليه السلام فالفرج بعد البلوى، و اما من محمد صلى الله عليه وآله فالخروج بالسيف.

منبع اصلی این حدیث کتاب کمال الدین شیخ صدوق، ص ۳۲۲ و ۵۷۷ است و راوی آن هم سعید بن جبیر از اصحاب امام سجاده علیه السلام می باشد. این حدیث در بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷ و اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۱ و کتاب های روایی دیگر از کمال الدین نقل شده که همگی آنها آن را از قول امام سجاده علیه السلام نقل کرده اند. اما در کتاب کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۹ بدون سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده و کتاب هایی

نظیر کلمات الامام الحسين عليه السلام ص ۶۶۸ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۵۳، ح ۸۱ با استناد به کشف الغمه آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده اند که با توجه به معلوم بودن منبع اصلی و فقدان سند روایت در کشف الغمه این نسبت صحیح نمی باشد و شاید منشأ اشتباه، حذف کلمه «علی» از قلم نسخه برداران از کشف الغمه باشد.

۵- روایات امام صادق علیه السلام

روایاتی از امام صادق علیه السلام به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که اکثر آنها به کتاب عقد الدرر مربوط می گردد و ما در این بحث همه آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

ص: ۲۹۳

۱ - خمس من لم يكن فيه لم يكن فيه كثير مستمتع: العقل و الدين و الادب و الحياء و حسن الخلق.

این روایت با همین کلمات و جمله بندی در کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۸، ص ۱۸۵ از امام صادق علیه السلام نقل شده است و با کمی تفاوت در کتاب محاسن ج ۱، ص ۱۹۱ - خصال شیخ صدوق، ص ۲۹۸ - امالی شیخ صدوق، ص ۳۶۷ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۳ - مشکاه الانوار طبرسی، ص ۴۳۵ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۳ و ج ۶۹، ص ۳۶۹ و ص ۳۸۷ و ج ۷۵، ص ۶۷ نیز از آن حضرت نقل گردیده است و مجموعه های روایی دیگری نیز آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند اما برخی کتاب ها نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۴۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۰۶ آن را اشتباهاً به امام حسین علیه السلام نسبت داده اند که این نسبت ناصواب است زیرا منبع آنها به ترتیب، تحف العقول، ص ۲۴۵ و بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸ می باشد که حدیث در این دو منبع نیز مشاهده نشد.

۲ - الجهاد علی اربعه اوجه: فجهادان فرض، و جهاد سنه لایقام الا مع فرض، و جهاد سنه.

فاما احد الفرضین فجهاد الرجل نفسه عن معاصی الله، و هو من اعظم الجهاد و مجاهده الذین یلونکم من الکفار فرض.

و اما الجهاد الذی هو سنه لایقام الا مع فرض فان مجاهده العدو فرض علی جمیع الامه لو ترکوا الجهاد لأنهم العذاب و هذا هو من عذاب الامه و هو سنه علی الامام، و حدّه ان یأتی العدو مع الامه فیجاهدهم.

ص: ۲۹۴

و اما الجهاد الذى هو سنه فكل سنه اقامها الرجل و جاهد فى اقامتها و بلوغها و احيائها. فالعمل والسعى فيها من افضل الاعمال لانها احياء سنه و قد قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من سنَّ سنَّه حسنه فله اجرها و اجر من عمل بها الى يوم القيامه من غير ان ينقص من اجورهم شيئاً.

این روایت در منابع دست اول نظیر کافی، ج ۵، ص ۹ - خصال، ص ۲۴۰ - تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۴ و کتاب الغایات، ص ۷۴ و منابع دست دوم نظیر بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶ - مشکاه الانوار طبرسی، ص ۴۳۱، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۲۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶ و ج ۱۲، ص ۲۳۱ و برخی کتب دیگر با چند سند از امام صادق علیه السلام نقل شده اما در کتاب تحف العقول در بخش سخنان امام حسین علیه السلام، بدون ذکر سند، به آن حضرت نسبت داده شده است که احتمالاً این نسبت از یکی بودن کنیه آن دو امام سرچشمه گرفته باشد. البته احتمال این که دو حدیث در جواب دو سؤال کننده با یک ادبیات و جمله بندی و کلمات واحد از دو معصوم صادر شده باشد وجود دارد ولی این احتمال با توجه به طولانی بودن حدیث و به ویژه مطالب و منابعی که بیان شد ضعیف است اما احتمال خطای در نسبت این حدیث از سوی مؤلف تحف العقول بسیار قوی است و از این رو نسبت این روایت در مجموعه های مربوط به سخنان امام حسین علیه السلام نیز مخدوش می باشد.

۳ - قال ابان بن تغلب: قال الامام الشهيد صلى الله عليه:

من احبنا كان منا اهل البيت.

ص: ۲۹۵

فقلت: منكم اهل البيت؟ فقال عليه السلام: مَن اهل البيت؛ حتى قالها - ثلاثاً، ثم قال عليه السلام: اما سمعت قول العبد الصالح «فمن تعنى فأنه مني»؟

این روایت در هیچ یک از منابع اصلی وجود ندارد و تنها در تفسیر اصفی، ج ۱، ص ۶۲ تألیف فیض کاشانی بدون ذکر راوی و حتی نام امام آمده است و در کتاب نزهه الناظر، ص ۸۵، ح ۱۹ و کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۸۲ به نقل از آن آمده است:

قال ابان بن تغلب: قال الامام الشهيد صلى الله عليه: من احبنا كان منا اهل البيت.

چند اشکال جدی بر نسبت این حدیث به امام حسین علیه السلام وجود دارد: ۱ - ابان بن تغلب از اصحاب امام صادق علیه السلام است و هیچ حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل نکرده است ۲ - در هیچ یک از منابع اصلی روایات چنین حدیثی وجود ندارد. و بنابراین نسبت این حدیث به آن حضرت مخدوش است.

۴ - العاقل لا يحدث من يخاف تكذيبه ولا يسأل من يخاف منعه ولا يثق بمن يخاف عذره ولا يرجو من لا يوثق برجائه.

این حدیث در کتاب کافی، ج ۱، ص ۲۰ و تحف العقول، ص ۳۹۰ و مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۳ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۴۱ و ج ۷۸، ص ۳۰۴ با کمی تفاوت از امام کاظم علیه السلام خطاب به هشام نقل شده و در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۸۷ به امام صادق نسبت داده شده است اما در کتاب حياه الحسین علیه السلام ج ۱، ص ۱۸۱ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده که این نسبت نادرست است و

ص: ۲۹۶

کمترین اصل و مبنایی ندارد و در فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۲۰۶ هم به نقل از حیاة الحسین علیه السلام این اشتباه تکرار شده است.

روایات عقد الدرر

اکثر روایات امام صادق علیه السلام که به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است در کتاب عقد الدرر می باشد از این رو ما آنها را به صورت مستقل بیان می کنیم.

قبل از بیان روایات ذکر این نکات لازم است که کتاب عقد الدرر از منابع دست دوم اهل سنت است و اکثر روایات آن از رسول خداصلی الله علیه وآله می باشد و روایاتی هم از امیرالمؤمنین و امام باقرعلیهما السلام در آن نقل گردیده که منبع دقیق هیچ کدام در پاورقی نیامده است از این رو اگر خطایی در نسبت دادن روایات آن پیش آمده باشد راهی جز مراجعه به منابع اصلی و اولی نخواهد بود و در آن صورت هر یک از احادیث آن که در منابع اصلی از قول دیگری نقل شده باشد بر نسبت ذکر شده در عقد الدرر مقدم است.

علی رغم روایات قابل توجهی که به ظاهر در کتاب عقد الدرر از امام حسین علیه السلام نقل شده جز یک حدیث کوتاه که آن هم محل تأمل است از آن حضرت نقل نشده و آنچه به او نسبت داده شده روایات امام صادق علیه السلام است. منشأ این اشتباه در نگاه اول می تواند یکی بودن کنیه امام حسین و امام صادق علیهما السلام باشد اما با کمی تأمل می یابیم که این نسبت های گسترده فراتر از یک اشتباه عادی است که برای آن چنین توجیهی بیان

شود زیرا در تمام روایات امام صادق علیه السلام بعد از کنیه آن حضرت یعنی ابی عبدالله، اسم حسین بن علی اضافه شده است. البته این احتمال هم وجود دارد که مؤلف عقد الدرر از منابع دست دوم و سوم استفاده کرده باشد که آنها اسم حسین بن علی را اضافه کرده باشند اما آنچه که ما با آن روبرو هستیم کتاب اوست که دارای این نسبت های اشتباه است و کتاب هایی نظیر کلمات الحسین علیه السلام و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام موارد متعددی از آن نقل کرده اند. اما آن روایات که ما با رعایت ترتیب بیان آنها در عقد الدرر مورد بررسی قرار می دهیم عبارتند از:

۱ - لو قام المهدي لانكره الناس، لانه يرجع اليهم شابًا موفقًا، و ان من اعظم البليّه ان يخرج اليهم صاحبهم شابا و هم يحسبونه شيخا كبيراً. (۱)

این روایت در کتاب غیبت شیخ طوسی، ص ۲۵۹ - غیبت نعمانی، ص ۱۸۹ و ۱۸۸ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷ از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۲ - عن الحارث بن المغيرة النصری قال: قلت لابی عبدالله الحسين بن علی علیه السلام: بای شیء يعرف الامام المهدي؟

قال: بالسكينة و الوقار. قلت: و بای شیء؟ قال بمعرفه الحلال و الحرام و بحاجه الناس اليه، و لايحتاج الي احد. (۲)

حارث بن مغیره نصری از اصحاب امام صادق علیه السلام است که این حدیث را از آن حضرت نقل می کند چه این که در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۴۲ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۵۶ وارد شده است و کلمه مهدی هم در

ص: ۲۹۸

۱- ۲۴۵. عقد الدرر، ص ۴۲ و ۴۱.

۲- ۲۴۶. عقد الدرر، ص ۴۱.

منبع اصلی وجود ندارد. متن صحیح روایت به این گونه است:

عن الحارث بن المغیره قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: بأی شیء یُعرف الامام؟...

و در کتاب عقد الدرر آمده است:

عن محمد بن الصامت، قال: قلت لابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام: اما من علامه بین یدی هذا الامر؟ یعنی ظهور المهدی علیه السلام؟

فقال: بلی. قلت و ماهی؟ قال: هلاک بنی العباس، و خروج السفیانی و الخسف بالبیداء.

قلت: جعلت فداک: اخاف ان يطول هذا الامر؟

قال: انما هو كنظام الخرز يتبع بعضه بعضا. (۱)

محمد بن الصامت از اصحاب امام صادق علیه السلام است که این روایت را از او نقل کرده است همان گونه که در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۶۲ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵ آمده است. و روایت این گونه آغاز می شود:

عن محمد بن الصامت عن ابي عبدالله عليه السلام: قال: قلت له: ما من علامه بين یدی هذا الامر؟ فقال: بلی...

۳ - اذا هُدم حائط مسجد الكوفة ممایلی دار عبدالله بن مسعود، فعند ذلك زوال ملك القوم، و عند زواله خروج المهدی. (۲)

این روایت در کتاب ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۵ با همین متن و کتاب های غیبت نعمانی، ص ۲۷۷ - غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۶ -

ص: ۲۹۹

۱- ۲۴۷. عقد الدرر، ص ۴۹.

۲- ۲۴۸. عقد الدرر، ص ۵۱.

خرائج و جرایح، ص ۱۱۶۳ و صراط المستقیم، ص ۲۴۹ با همین متن و گاهی با کمی تفاوت از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۴- ان لله مائده - و فی غیر هذه الروایه مأدبه - بقرقیسیاء یطلع مطلع من السماء، فینادی: یا طیر السماء، و یا سباع الارض! هلّموا الی الشبع من لحوم الجبارین. (۱)

این روایت در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۷۸ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶ از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۵- اذا رأیتم علامه فی السماء نار عظیمه من قبل المشرق، تطلع لیالی، فعندها فرج الناس، و هی قدام المهدیّ علیه السلام. (۲)

اصل این روایت در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۶۷ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۶- للمهدی خمس علامات: السفیانی، و الیمانی، و الصیحه من السماء، و الخسف بالیداء، و قتل النفس الزکیه. (۳)

منبع اصلی این روایت غیبت نعمانی، ص ۲۵۲ می باشد که از قول امام صادق علیه السلام بیان شده است و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ هم از آن نقل کرده است. البته در منبع اصلی «قتل النفس الزکیه» بر «الخشف با لیداء» مقدم است.

در کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۹۹ در بیان سند این حدیث آمده است: عقد الدرر، ص ۱۱۱، باب ۴، فصل ۳ کما

ص: ۳۰۰

۱- ۲۴۹. عقد الدرر، ص ۸۷.

۲- ۲۵۰. عقد الدرر، ص ۱۰۶.

۳- ۲۵۱. عقد الدرر، ص ۱۱۱.

فی النعمانی بتفاوت یسیر و نَسَبَه اشتبهاً الی ابی عبدالله الحسین علی عادته فیما روی عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام.

۷- لصاحب هذا الامر - یعنی المهدي عليه السلام - غیبتان، احدهما تطول حتی یقول بعضهم: مات و بعضهم: قُتِل و بعضهم: ذَهَب. ولا یطلع علی موضعه احد من ولی ولا غیره الا المولی الذی یلی أمره. (۱)

این روایت تنها در کتاب غیبت شیخ طوسی، ص ۱۶۲ و غیبت نعمانی، ص ۱۷۲ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و ج ۵۳، پاورقی ص ۳۲۰ با کمی قضاوت از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۸- عن شعيب بن ابي حمزه، قال: دخلت علی ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام، فقلت له: انت صاحب هذا الامر؟ قال علیه السلام: لا.

فقلت: فولدك؟ قال علیه السلام: لا.

فقلت: فولد ولدك؟ قال علیه السلام: لا

فقلت: فمن هو؟

قال علیه السلام: الذی یملأها عدلاً، كما ملئت جوراً، علی فتره من الائمه تأتي، كما ان رسول الله صلی الله علیه وآله بُعث علی فتره من الرسل. (۲)

شعيب بن ابی حمزه از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده که این حدیث را هم از آن حضرت نقل کرده است چنان که در کتاب کافی، ج ۱، ص ۳۴۱ و غیبت نعمانی، ص ۱۸۶ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۹ آمده است.

۹- عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام انه سئل هل ولد المهدي علیه السلام؟

ص: ۳۰۱

۱- ۲۵۲. عقدالدرر، ص ۱۳۴ .

۲- ۲۵۳. عقدالدرر، ص ۱۵۹ و ۱۵۸ .

قال عليه السلام: لا ولو ادر كته لخدمته ايام حياتي. (۱)

این روایت در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۴۵ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸ از امام صادق علیه السلام نقل شده است و نقل کننده آن خلاء بن قصار از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است.

در کتاب معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام ج ۳، ص ۳۸۵ در بیان سند این روایت آمده است: عقد الدرر، ص ۱۶۰ باب ۷ كما في النعماني بتفاوت يسير جدا، مرسلًا عن ابي عبدالله الحسين بن علي عليهما السلام و هو اشتباه كما اشرنا و له نظائر.

۱۰ - تواصلوا و تباروا، فو الذي فلق الحبة و برأ النسمة ليأتينَّ عليكم وقت لا يجد احدكم لديناره و لا لدرهمه موضعاً. (۲)

نقل کننده این روایت عبدالله بن يحيى كاهلي از اصحاب امام صادق و امام كاظم عليهما السلام بوده است و این حدیث در کتاب غیبت نعمانی، ص ۱۵۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۷ و اثباه الهداه ج ۳، ص ۵۳۳ آمده است.

۱۱ - عن الحسن بن هارون يبيح الانماط، قال: كنت عند ابي عبدالله الحسين بن علي عليهما السلام جالساً، فسأله المعلی بن خنيس: أيسير المهدي عليه السلام اذا خرج بخلاف سيره على عليه السلام؟

قال عليه السلام: نعم، و ذلك ان علياً عليه السلام سار باللين و الكف، لانه علم ان شيعته سيظهر عليهم من بعده، و ان المهدي اذا خرج سار فيهم بالبسط و السبي، و ذلك أنه يعلم ان شيعته لن يظهر عليهم من بعده ابدأ. (۳)

ص: ۳۰۲

۱- ۲۵۴. عقد الدرر، ص ۱۶۰ .

۲- ۲۵۵. عقد الدرر، ص ۱۷۱ .

۳- ۲۵۶. عقد الدرر، ص ۲۲۷ و ۲۲۶ .

حسن بن هارون بیاع و معلی بن خنیس هر دو از اصحاب امام صادق علیه السلام بودند و این روایت در کتاب تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳ و وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷ از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۱۲ - اذا خرج المهدي عليه السلام لم يكن بينه وبين العرب و قريش الا السيف، و ما يستعجلون بخروج المهدي! و الله ما لباسه الا الغليظ و لا طعامه الا الشعير، و ما هو الا السيفُ و الموتُ تحت ظلّ السيف. (۱)

این حدیث در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۳۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۵ از امام صادق علیه السلام نقل شده است و راوی آن ابوبصیر از اصحاب امام صادق علیه السلام است.

والحمد لله رب العالمين

ص: ۳۰۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

